
ژوندون
شنبه ۱۱ حوت ۱۳۵۸
اول مارچ ۱۹۸۰
شمارهٔ (۵۰)
سال (۳۱)
عشق، ازدواج
وتشکیل خانواده
قیمت یکشماره (۱۳) افغانی



ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی‌حزب‌دموكراتیك خلق افـــغانستان ،رئیس شورای‌انقلابی وصدر اعظم جمهوری دمو کـــراتیـك‌افغانستان ،هنگامیكه بایكی از زارعان كشور مصافحه می‌نمایند.



اختصار وقایع مهم

ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی‌حزب دموكراتیك خلـــق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دمـــوكـــراتیك افغانستان شب۲حوت‌در ضیافت مجللی‌اشتراك كردند كه‌به مناسبت شصت ودومین سالگرد تاسیس اردوی سرخ ورهایی‌بخش اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی در سفارت كبرای آن كشور مقیم كابل برگزار گردید .

دراین ضیافت اسدالله سروری عضو بوروی سیاسی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان ، معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم عده از اعضای بوروی سیاسی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلـــق افغانستانو اعضای هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموكراتیك افغانستان ، بعضی‌از اعضای شورای وزیران وكدر های برجسته حزبی ، قوماندانان و صاحب منصبان قطعات مختلف قوای مسلح افغانستان ، مامورین عالیرتبه دولتی وسفرای كبار وآتشه های نظامی كشور های دوست مقیم كابل اشتراك ورزیده بودند .

***

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-میدهد كه از طرف ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموكراتیك افغانستان پیام تبریكیه به مناسبت انتخاب جلالتماب‌ادوارد بابوویچ‌بحیث صدراعظم جمهوری مردم پولند عنوانی موصوف به وارسا صادر شده است .

* * *

مدیریت اطلاعات‌وزارت امورخارجه خبرمیدهد ازطرف ببرك كارمل منشی عمومی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق‌افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم‌جمهوری‌دموكراتیك افغانستان تیلگرام تبریكیه بمناسبت‌روزملی كویت عنوانی شیخ جابر الاحمد الصباح امیر آن كشور به كویت مخابره گردیده است .

● ● ●

نخستین كنفرانس‌زراعتی‌جمهوری دموكراتیك افغانستان ساعت ده ونیم قبل از ظهر ۷ حوت بابیانیه انقلابی ببرك كارمل منشی عمومی‌كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموكراتیك افغانستان در قصر دلكشا (ارگ)افتتاح گردید.

در مراسم افتتاح‌این كنفرانس اعضای بوروی سیاسی و اعضای كمیته‌مركزی حزب دموكراتیك خلـق افغانستان اعضای‌شورای‌انقلابی وشورای وزیران جمهوری دموكراتیك افغانستان نیـز اشتراك ورزیده بودند .

* * *

شصت ویكمین سالگرد بر قراری روابط دوستانه وحسن‌همجواری‌بین‌جمهوری دموكراتیك افغانستان واتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی بعداز ظهر ۸حوت طی محفل باشكوهی از طرف انجمن دوستی افغان‌وشوروی‌تجلیل گردید .

درین محفل بعضی از اعضای كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان‌برخی ازاعضای شورای وزیران ،مامورین‌عالیرتبه‌دولتی واعضای انجمن دوستی افغان وشوروی، سفیر كبیراتحاد شوروی ،سفرای كشور های سوسیالیستی‌و شارژدافیر سفارت‌كبرای‌جمهوریت سوسیالستی ویتنام اشتراك ورزیده بودند .

***

طبق‌اطلاع واصله ازمسكودكتوراناهیتا راتب-زاد عضو بوروی سیاسی كمیته مركزی حزب دموكراتیك خلق افغانستان ووزیر تعلیم وتربیه قبل از ظهر ده حوت باپروكوفیف وزیر تعلیم وتربیه اتحاد جماهیر شوروی در مسكو ملاقات نمود .

* * *

دگرمن محمد اسلم وطنجار وزیر مخابرات ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۸ حوت در دفتر كارش با جلالتماب لی چونگ‌ریم سفیركبیر جمهوریت مردم كوریا ملاقات تعارفی نمود .

طی این ملاقات روی موضوعات مورد علاقه صحبت بعمل آمد .

عبدالمجید سر بلند وزیر اطلاعات و كلتور ساعت ۱۱ قبل از ظهر ۸حوت در دفتر كارش باجلالتماب ستویان رادو سلاووف سفیر كبیر جمهوریت مردم‌بلغاریامقیم كابل مـلاقات‌تعارفی نمود .

طی این ملاقات پیرامون‌موضوعات مورد علاقه كلتوری میان جمهوری دموكراتیك افغانستان وجمهوریت مردم بلغاریا تبادل افكار صورت گرفت .

***

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-میدهد شاه محمد دوست‌وزیرامور خـــارجـه ساعت ۱۰ قبـل از ظهـر ۹ حوت در دفتـــر كارش باجلالتماب‌الهادی عمرالحریك سفیركبیر جماهیر یه اشتراكیه مردم عربی لیبیا در كابل ملاقات تعارفی بعمل آورد .

***

اعلامیه حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان

بسم الله الرحمن الرحیم

حکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان به پیشگاه خلق صلحجو وآزاد افغانستان بهخلق های منطقه وجهان بهتمام نیرو های ملیومترقی جهان وبه تمام ملل ودول صلحجوی جهان بهصراحت وببانگ رسا اعلام میدارد که امپریالیزم خونین امریکا دراتحاد نامقدس با امپریالیزم انگلیس و شوونیزم فتنهگر چین وبا استفاده ازپایگاه وقوای ارتجاعی پاکستان ومنطقه ومتحدین اسرائیلی خود بصورتعلنی وخاینانه آشکارا ومسلحانه بصورت جنگ اعلام ناشده درقلمرو مستقل افغانستان ازجمله باصدور گروههای مسلحانه اجیر ومزدور در شهرکابل دستبهتحریکاتوتخریبات،مداخلات وتجاوزات وکشتار دسته جمعی مردم صلحجوی افغانستان زده ومیزنند.

طبق آخرین اطلاع موثق شبکه های سی،آی،ای یعنی سازمان جاسوسی مرکزی امریکا خرابکاران وجاسوسان پاکستانی و امریکایی با انبار اسلحه اسناد، میکروفون، هاوتیپها، فوتوها واسعار فراوان دالرامریکایی کلدار پاکستانی ، مارك آلمانی وپوندانگلیسی یکجا با افراد مزدور درنقاط مختلف شهرکابل از جمله در جمیل هوتل، هوتلهای متروپول پارك ونیشنل و چندین نقطه دیگر شهر دستگیر و مرکز تجمع و تفنگداران آدمکش شان سرکوب وگرفتار شدهاست. کهازطریق وسایل ارتباط جمعی ومحاکمهٔ انقلابی به پیشگاه مردمارائه خواهد شد.

بهجهانیان اعلام میگردد کهبه اتکاء به خداوند عظیم الشان خلق قهرمان دولتحکومت قوای امنیتی ومسلح آزادی بخش جمهوری دموکراتیك افغانستان وتمام نیروهای ملی و ترقی خواه وطنپرست یکتنواحد دریك جبهه وسیع ملی پدروطن تحت رهبری حزب دموکراتیك خلق افغانستان این حزب قهرمانان و شهیدان وطن فشرده وشجاع چون کوه استوار ومحکم در برابر هرگونه مداخلات وتجاوزاتوتحریکات دشمنان خارجی وداخلی افغانستان به خاطر دفاع پرتوان از شرف وناموس وطن به خاطر دفاع ازحق زندگی وآزادی فرزندان،خواهران مادران، برادران وپدران خود بخاطر دفاع بیامان از استقلال ، حاکمیت وتمامیتسرزمین وطن مقدس مان افغانستان بهخاطر تامینامنیت وآزادی مردم وایجاد شرایط صلح آمیز درکشور ومنطقه چون اجداد ونیاکان شهید وغازیان کشور کهطی سه جنگ آزادیبخش ملی درس عبرت عظیم تاریخی بهاشغالگران انگریز داده اند درین راه حق وحقیقت در مبارزه عادلانه خود بیترس وبیهراس به پیش میروند.

هموطنان ،مردم جهان!

عزم راسخ وایمان شکست ناپذیر داریم کهانقلاب ثور انقلابملیودموکراتیك ضدارتجاع وضد امپریالیزم پیکار آزادی بخش خلق افغانستان پیکار عادلانه ضد امپریالیزم جهان خوار امریکا وانگلیس ضد ارتجاع سیاه پاکستان وضد شوونیزم چین ودیگر چاکران آنها بصورت قطعوبحکم تاریخ بهپیروزی نهایی میرسد، ولی تمام عواقب ناشی از جنگتجاوز کارانه وغیر عادلانه ضد حقوقبشری، ضد صلح وضد آرامی درافغانستان و منطقه بعهدهٔ قوای ارتجاعی وامپریالستی وجنگ طلب یعنی بعهده امپریالیزم خونخوار امریکا صهیونیزم وشوونیزم جنگ انداز چین بهخصوص درو جود ارتجاع سیاه ومتجاوز پاکستان بوده وخواهد بود.

هموطنان عذابدیده مردم شرافتمند جهان آیامیدانید کهدشمنان ددمنش وبیرحمافغانستان چرا باتمام اعمال رذیلانه ووحشیانه خود علیه افغانستان قهرمان وانقلابی ،علیه دست آوردهای انقلاب ثور بخصوص علیه مرحلهنوین انقلاب ثور بهتحریکات وتجاوزات تخریبات و مداخلات درامور داخلی مادست میزنند، بدین جهت کهحزب واحد دموکراتیك خلقافغانستان ودولت وحکومت جمهوری دموکراتیكافغانستان توطئه خاینانه سی، آی، ای امپریالیزمامریکا ومتحدین آن ازجمله عمال وباندددمنش امین راناکام وسرنگون ساخت صلح و آزادی دموکراسی وترقی عدالت وانسانیت برادری وبرابری رابرای مردم وطن مان افغانستاناعلام داشت. پایه های اساسی وحدت حزب قوای مسلح وخلق سراسر افغانستان را استحکام بخشید وازدست آوردهای انقلابثور واز وطن آزاد ومحبوب مان افغانستان بزرگ قهرمانانه وفداکارانه دفاع نموده ومینماید.

بگذار یك باردیگر دشمنان خلق ووطن مان افغانستان یعنی ارتجاع وامپریالیزم از پایگاه پاکستان کهخلق های شریف آنرابالای انبار باروت قرار داده اند آزمایش کنندودرس عبرت دیگری را ازسرزمین افغانهابیاموزند. بهقوای ارتجاع منطقه وجهان اخطار داده میشود که افغانستان قهرمان وانقلابی تنها نیست عظیم ترین قدرت آزادی بخش جهان این پاسبان شکست ناپذیر صلح وآزادیوترقی جهان راباخود دارد وهمیشه خواهد داشت. دست های سیاه وخونین ارتجاع پاکستان، امپریالیزم امریکا وشوونیزم چین ازسرزمین افغانها کوتاه.

اعلامیه وزارت امور داخله ومقامات امنیتی

هموطنان عزیز و شرافتمند :

از صبح روز ۳ حوت عمال واجیران خارجی گماشتگان انگریز، امریکا، پاکستان وچین دست به فعالیت اخلال گرانه ، تحریك آمیز وتخریبی علنیبر علیهآزادی ، امنیت وآرامش مردم کابل زده اند .

به خاطر رعایت حقوق دموکراتیك وموازین حقوق بشر دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان سعی نمود تا از هر نوع اعمال و اقدامات اخلالگرانه وتخریبی آنها جلو گیری بعمل آورد .

ولی اینآجیران خاینبه مصالح ملی کشور ما دست به چپاول وغارت ملکیت های شخصی ودولتی زدند ، دکانها را غارت و وسایل ترانسپورتی را آتش زدند ، از قتل اطفال ، زنان ومردان وهموطنان بیگناه و رنجدیدهما دریغ نکردند وشما همشهریان عزیز شهر کابل درین دو روز شاهد فجایع این دشمنان وطن بودید .

بدین جهت وزارت امور داخله جمهوری دموکراتیك افغانستان و قوای امنیتی غرض حفظ امنیت جان ومال همشهریان محترموظیفه خود میداند تادر شهر کابل حالت نظامی را اعلام داشته تا مرتکبین این جنایات را به شدید ترین جزای اعمال شان برساند .

بدین جهت اعلام می گردد که :

اول ـ غرض تامین امنیت قیود شب گردی ازساعت هشتشب الی ساعت چهار وسیصبح جدا مراعات گردد .

دوم ـ تمام همشهریان کابل که کارت حمل سلاح با خود ندارند سلاح شانرا در ظرف ۲۴ ساعت به ماموریت های سمتی څارندوی شهر کابل تحویل دهند .

سوم ـ اجتماعات بیشتر از چهار تنبصورت قطع ممنوع است .

چهارم ـ پخش هرنوع افواهات و شایعات واعمال ضد دولتی وحکومتی جدا ممنوعاست.

کسانیکه مخالف مقررات نظامی در شهر کابل عمل نماید به زود ترین فرصت به محاکمه نظامی وانقلابی کشانیده خواهد شد وبشدید ترین جزای حالت نظامی محکوم خواهند گردید .

هموطنان شریف !

در حالیکه دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان از هر حیث بر اوضاع کاملامسلط است ونیرو وتوان مقابله با هر نوع تحریکات وتجاوز را دارد .

به کسانیکه آرامش وصلح وطن ما را تهدید نمایند متوجه باشند که به هیچصورت نمی توانند با چنین اعمال خود زندگی صلح آمیز همشهریان عزیز مارا بیشتر ازاینمختل سازند .

گزارش منابعداخلیوخارجیاین تحریکات مستند ومشهود بعدا بهاطلاع هموطنان عزیز سالیده خواهد شد .

همشهریان شریف شهر کابل!

باآرامش خاطر بر زندگی روز مره تان بپردازید دشمنان سو گند خورده شما حتما با شکست ننگین مواجه میشوند .

دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان در دفاع وخدمت شماست و دشمنان داخلی و خارجی شما نیز بعداز مرحله نوین انقلاب ثور از گام های وطن پرستانه یی که به خاطر آرامش، آزادی، سعادت ورفاه شما برمیدارد،در هراسند.





ببرك كارمل منشی‌عمومی کمیتهٔ مر کــزی‌حزب دموکراتیك خــلق افغانستان ، رئیس‌شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیك‌افغانستان هنگام ایراد بیانیهٔ شان درمراسم افتتاح کنفرانس زراعتی کشور درتـالار قصر دلکشاء

متن کامل بیانیه ببرك کارمل

* * *

خلق قهرمان‌ما شجاعانه لکه سیاه ننگ امین و امینی ها را از دامن پاك ومقدس خود زدودند

متن بیا نیه ببرك کار مل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب‌دمو کــرا تیــك خلق افغا نستان ، ر ئیس شورای انقلا بی و صدراعظم جمهوری دمو کرا تیك افغـا نستـان‌در محفل‌افتتاح نخستین‌کنفرانس زراعتی جمهوری د موکرا تیك افغا نستان :

بسم الله الرحمن الرحیم

نمایندگان محترم‌دهقانان ،زمینداران ماموران زراعت و اصلاحــات ارضی روحانیون وطندوست ، دوستان عزیز ورفقای گرامی !

اقدام پیروز مند شش‌جدی که انقلاب شکوهمند ثور را وارد مرحله نوین‌از پروسه تکامل خود نمود با کمك و پشتیبانی‌تمام نیرو های ملی ،ترقیخواه ودموکراتیك و قوای مسلح قهرمــان جمهوری دموکراتیك افغانستان تـحت رهبری حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان درفش پیروزی حقیقت انقلاب ثور را سرخرو و سر بلند بر فــراز کشور محبوب ما دوباره‌به اهتزاز درآورد، پرده های ظلمت و سیه روزی را از هم درید دست هــای خــاین‌بوطن، جباران‌و خونخواران را از جان و مال مــردم ستمدیده و بلاکشیده افغانستان کوتاه ساخت ·

خلق زحمتکش و مسلمان ما مجال تنفس و زندگی‌یافتند ، هزاران انسان نجیب ووطنپرست از سلولهای باستیل پلچرخی این مکتب ننگ وعبرت امین سفاك به کانون پر محبت و عطوفــت خانواده های خود برگشتند وآه وناله عزیز ان شانرا به شادی و سرورمبدل ساختند ·

مرحله نوین انقلاب ثور کشور و توده های وسیع مردم زحمتکش مارا ازپرتگاه نیستی نجات داد و برای‌تمام نیرو های دموکراتیك و ترقیخواه اعم‌از کارگران ،دهقانان ،روحانیون، کسبه کاران، دانشمندان،روشنفکران،ماموران سرمایه داران ملی و تمام زحمتکشان کشور درهای سعادت راکشودشجاعانه و انقلابی شرایط وحدت و همبستگی آنها رادر جبهه وسیع ملی پدروطن مهیا ساخت دیگر هرفردافغان با اعتماد آگاهانه و شجاعانه دریك صف واحددر راه اعمار افغانستان آباد مقتدر ومترقی گام برمیدارد دیگر ارواح شیطانی کلبهٔ دهقانان وکاشانه وطنپرستان را نمی آزارد ، دیگرماشین‌شکنجه های‌مظلومان درهم شکست ،آدمکشان و باند های مزدور به دادگاه خلق سپرده مــی شوند، چنانیکه پیداست همین که در نقطه از جهان جنبش مترقی به پیروزی میرسد و نیرو های صلح ،آزادی و ترقی اجتماعی قوت بیشتر کسب می‌کند وجامعه وارد مرحله پیشرفته تری از تکامل خود می گردد امپریالیزم ددمنش امریکا و متحدین آن بر گلیم ماتــم نشسته و نوحه سر میدهند · همین‌که انقلاب ملی و دموکراتیك ما بنابرحکم تاریخ و خواست‌بالفعل مردم افغانستان عزیز وارد مرحله نوینی ازتکامل خود گردید پلانهای‌شوم کارتر رئیس‌جمهور امریکا نقش برآب شد وطشت رسوایی مزدور وفادارش ، این امین نا امین،از بام افتید آنا مستر کارتر مسلمان‌شدو بحیث مدافع اسلام بر مرگ امین این قاتل صدها هزار مسلمان شرافتمند هموطن ما شروع به گریستن نمود،آیا مضحك نیست اگر کارتر واقعا هوا-خواه مسلمانان و اسلامیت است، پس نمی دانیم چراعلیه منافع‌خلق‌مسلمان ومستضعف ایران خصومت ورزیدودر راه انقلاب اسلامی‌ایران که رژیم منفور ومستبد پهلوی این دشمن خلق ایران رابرانداخت توطئه می چیند و اکنون باوارد نمودن فشار های ضد بشری اقتصادی و سیاسی بر آنها از هروسیله پلید استفاده می کند تا انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی ایران را سرکــوب نماید ·

آیا این امپریالیزم امریکا نیست که معاهده منفور کمپ دیوید را بین بیگین وسادات عملی ساخته‌وحقوق حقه اعراب بخصوص خلق مبارز فلسطین را زیرپا نموده و به ارسال کشتی های جنگی‌و تاسیس پایگاه‌های نظامی در شرق‌میانه وخلیج فــارس امنیــت کشور هــای

مسلمان منطقه را تهدید می نماید
معلوم است که چنین است •

هموطنان ما آگاه اندکه در جریان مرحله نوین انقلاب ثور بخصوص در روز های اخیر امپریالیزم و ارتجاع بین‌المللی صهیونیزم و مائویزم با استفاده از ارتجاع پاکستان‌و بابهانه قرار دادن خاینانه به اصطلاح«مداخله اتحاد شوروی‌درامور داخلی‌افغانستان» تبلیغات افترا آمیز تجاوزات و تحریکات رذیلانه راعلیه افغانستان قهرمان و انقلابی ، آزاد و مستقل راه انداخته‌اند تاازاین طریق نه تنها صلح و امنیت‌را درمنطقه استقلال ملی حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان را مواجه‌به تهدید و خطر جدی و مهلك‌سازند بلکه وخامت اوضاع بین المللی راکه بعداز جلسه سران ناتو در واشنگتن در ماه ثور ۱۳۵۷ تشدید یافت به نقطه‌نهایی خود رسانند •

تبلیغات افترا آمیز ضد شوروی‌وضد افغانستان درکشورماز طرف‌امپریالیزم بین المللی بعدا میراث خوارامپریالیزم انگلیس این محافل حاکم مرتجع و نظامیگرو تجاوز گر پاکستان ، البته‌نه ازطرف خلقهای صلحجو و مسلمان پاکستان ، پدیده تازه نیست بلکه‌بعد ازانقلاب اکتوبر استقلال افغانستان و انقلاب ثور بود که بوجود آمده اند،اما ارتجاع بین المللی امکانات خودرا با اشتباه فاحش و بصورت جنون آمیزو هستریك ارزیابی می کند ، زیرا در دورانی زندگی می کنیم که تناسب‌قوای جهانی دیگر هرگز به نفع امپریالیزم‌و ارتجاع از جمله دشمنان مر تجع افغا نستان نیست، بلکه به‌حکم‌قانون تکامل جوامع بشری به نفع نیرو های صلح ، استقلال ملی ، آزادی خلقهاو ترقی اجتماعی از جمله افغانستان انقلابی وقهرمان که نیروهای انقلابی و متر قی جهان پیشا پیش‌آن بزرگترین قدرت انسانی جهانی یعنی اتحاد شوروی بصورت قاطع و تزلزل ناپذیر درپهلوی‌خلق‌قهرمان افغانستان قرار دارد می باشد• اشك تمساحیکه دشمنان ددمنش استقلال و آزادی افغانستان بخاطر به‌اصطلاح‌خطر کمك اتحاد شوروی به افغانستان ، می‌ریزد بیانگر سیاست مزورانه منافقت آمیز جنگ‌طلبانه و تجاوز گرانه آنان است خطر واقعی در منطقه ناشی از سیاست ماجراجویانه و غیر مسوولانه ارتجاع امریکا ،چین،پاکستان ،مصر واسرائیل وغیره است‌که‌بخصوص با ایجادپایگاه های تجاوز کارانه وصدور عسکرمزدور ازپاکستان به سر زمین افغانها صورت می‌گیرد ،موج تبلیغات‌دروغین‌و خصمانه علیه افغانستان و اتحاد شوروی از سیاست تشدید مسابقه تسلیحاتی و وخامت اوضاع بین المللی و دامن‌زدن به‌جنگ سرد وایجاد موانع دردیتانت تحمیل نصب راکت های جدید کروزو پرشنگ در اروپا بوسیله امپریالیزم امریکا توقف تصویب موافقتنامه سالت ۲ ازطرف رئیس‌جمهور کارتر جداناپذیر است •

بیشر می وخشونت‌ارتجاع و امپریا- لیزم درموج تبلیغا تی لجام گسیخته‌اش وسیاست تحریك آمیز علیه افغانستان واتحاد شوروی‌ازجمله‌درمنطقه مابازتاب بحران عمیق سرمایه داری و تلاش مذبوحانه امریکای امپریالیست برای تحمیل سر کردگی اش بالای اردوگاه ارتجاع بین المللی از جمله ارتجاع پاکستان و چین می باشد که خوددادر خدمت آن قرار داده است•

به همه گان‌معلوم است که قبل از مر حلهٔ نوین انقلاب ثور در نتیجه سیا ست امپر یا لیستی و سیا ست ماجراجویانه‌تروریستی‌وتوسعه طلبانه ا سرا ئیل تو طئه خا ینانه کمپ دیوید بوسیلهٔ سادات و صهیو نیست های اسرا ئیل علیه حقوق ملی‌خلق فلسطین و سایر خلقهای‌مبارز عرب پشتیبانی امریکا ،شرق میانه به‌یکی از گرمترین‌مراکز تشنج و جنگ مبدل گردیده است ، ارتجاع و امپر یالیزم در زیر شعار درو غین به اصطلاح (خطر شوروی) تمام وسایل خا ینانه را بکار اندا خته است تا پیکار های عادلانه خلقهای عرب ،ایران افغا نستان ،پاکستان وآسیای جنوب شر قی راکه در برابر منافع جهانی امپر یا لیزم امریکا سد واقع می شود سر کوب کند حزب و دولت جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان توجهٔ نیرو های صلح جوی جهان رابه این‌نکته معطوف میدارد که قبل‌ازمرحله نوین انقلاب ثور یکصدو ده هزار عسکر ضر بتی امریکا که به اساس اعتراف خود شان میتوا ند در شرق‌میانه یا هر جای دیگر پیاده شود انتقا لات قوای نظامی امریکا در بحر هند و خلیج فارس و تهد یدات مبنی بر محا صره انحصا ری و حتی مدا خله مستقیم نظا می در ا یران پایگاه های‌نظامی‌دیگو گارسیا وسایر پا یگاه ها در بحر هند ،ترکیه و عمان ،صومالی و سایر کشور های منطقه بخصوص در پا کستان و همسنگر شدن شوو نیزم‌چین با آن همه بیانگر سیاست جنگ طلبا نه ار تجاع امپر یالیستی بوده ومیباشدکه امروز با تمام بی شر می و هو چی گری افغا نستان قهر مان و انقلابی را تحت‌به اصطلاح «خطر شو روی» در منطقه مورد تجاوز قرارمیدهد در حا لیکه هدف نقشه‌خائنانه امپر یا لیزم ایجاد پایگاه های تجاوز کا رانه جدید وانعقاد پیما نهای سیاسی و نظامی میبا شد ،ولی امپر یا لیزم و ار تجاع بین المللی برای پنهان کردن این دسا یس شوروی صلحجو را متهم به پیاده کردن این‌سیاست میکند و خودسرانه قرار داد دوستی همجواری و همکا ری بین جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان و اتحاد شوروی و همچنان اعلا میه های طرف افغان و شوروی را مبنی بر عودت قطعات محدود نظا می اتحاد شو روی از افغا نستان به مجرد یکه مدا خلات و تجا وزات مستقیم و غیر مستقیم نظا می و تهد یدات خارجی بر وطن مقد س ما افغا نستان عزیز متوقف شود خا ینانه نا دیده میگیرد و تبلیغات فتنه گرانه جعلی و مسموم کننده را علیه اتحاد شوروی که‌گو یا از افغا نستان به بحر هند پیشروی میکند و استقلال ایران را تهدید میکند براه می‌اندازد .

لعنت ابدی به منا فقان و درو غگو یان باد .

واقعیت اینست که امپر یا لیستهای امریکایی با ارتجاع داخلی منطقه‌و رهبران چین سخت درزدو بند اند تا در راه انقلاب ملی و دمو کرا تیك ضد فیو دالی و ضد ا مپر یا لیستی خلق افغا نستان سنگ اندازی کنند ، شهر ها ، دهات مکاتب ، و مساجد را باآتش بکشند، زنان ، اطفال و پیر مردان مان را وحشیانه به قتل بر سانند و دست آورد های انقلاب ثور را از میان بر دارند .

مردم غیور ما در جهاد مقدس خویش علیه‌امپریالیزم، ار تجاع و سایر دشمنان افغا نستان قهر مان و انقلابی تنها نبوده و نیست دوست عنعنوی ملی خلق افغا نستان اتحاد شو روی وارد و گاه صلح جنبشهای رهایی بخشس ملی ، جنبشس های کار گری جهانی و دیگر نیرو های متر قی جهان از نبرد عادلانه و جا نبا زانه مردم ا فغا نستان پشتیبا نی همه جانبه مینما یند و ازکمك های بزرگ و سا زنده خود دریغ نمی ورزند . مردم ما تنها نیست بشر یت مترقی با ماست .

دو ستان عزیز و رفقای گرامی !

خلق قهر مان افغا نستان شجا عانه لکه سیاه ننگ‌امین و امینیها را از دامن پاك و مقدس خود زدو دند ، اما بحرا نهای اجتماعی و اقتصا دی که این جوا سیس به سلسلهٔ سیاست های‌نادری بد ستور اربابان خودبر کشور بلاکشیده ما تحمیل کرده اند هنوز هم گر یبا نگیر مردم مستضعف ماست ، این چا کران امر یکایی وانگلیسی ساطور بدست علیه تمام سر مایه های ملی ، کلتو ری دینی ، مذهبی و سنن عالی

لطفاً ورق بزنید

ملی ما تمام آنچه که بـرای مردم ما گرا نبها بوده است، دستبرد زده اند تا کشور را به پر تگاه نیستی سوق‌دهند. اما مردم ، حزب و دو لـت دمو کرا تیك ما دریك سنگر فشرده مصمم اند تا به تمام این بحرا نهای اجتماعـی اقتصادی ، فر هنگی ،کلتوری سیاسی و خرا بکار یهای که ازین گروه های وحشی بارث مانده است ، مبارزه و جهـاد کند ، تا بنیان یك افغا نستان مترقی ،شکو همند و سربلند را پایه گذاری نما ید. امینو امینیها و آد مکشان صـادر شده از خارج ، اقتصادکشور را لگد مال نموده و وضـع زرا عت در کشور رقتبار تـر گردیده . ما لداری بطـرف نیستی سوق داده می شد و دهقا نان و مالداران روز تـا روز ور شکسته تر میشد ند، نگاه مختصری بر او ضـاع ۱۳۵۸ بیانگر روشن ایـن مدعا ست .

باید گفت که بنا بـر تخر یبات دشمن در برابـر اصلا حات ار ضی ونبودن‌یك پلان موثر علمی و عملـی زراعتی، نر سیدن به موقـع تخمهای اصلاح شده و کود- کیمیا وی به زارعین ، عـدم وجود تبلیغا ت موثـر و تشو یقی زارعین در قسمت زرع نبا تات ، فرار یکتعداد زیاد زحمتکشا ن از ظلم وبی عدا لتیها ، ترور و د هشـت با ندیست ها بصد ها هزار جریب زمین بدون زرع باقی مانده که در نتیجه این عوامل در سال ۱۳۵۸ ـ از جملـه نزده میلیون جریب ز مین‌که برای زرع آماده بود، هفـده اعشاریه پنج میلیون جریـب زمین زرع گردید که تفاوت هشت فیصد را نشان می‌دهد همچنان مقدار تو لیدات‌بایست شش ا عشاریه پنج میلیون‌تن میبود در حالیکه با تنقیص ۹ فیصد به پنج اعشاریه نـه میلیون تن رسید ، بصو رت مختص در قسمت تو لیـد پخته و لبلبو که از نبا تـات عمده صنعتی کشور مـا محسوب می شوند از یکصدو شصت هزار تن پخته ویکصد هزار تن لبلبو ی پیش بینـی شده به تر تیب یکصد وپنج و هفتاد هزار تن پخته ولبلبو تو لید گردید که‌به تر تیـب تنقیص سی و چهار اعشاریه چهار فیصد را نشان می‌دهد.

ا ر قام بالاو ظا یف‌مشخصی را در برابر حزب ، دو لت‌و مردم افغا نستان قرار مید هد تا پا طر ح پلا نهای علمی، عملی و انقلابی برای رفع‌عقب ماندگی ها اقدا مات عاجـل روی دست گرفته شود ،روی این ضرو رت بود که دو لـت در زمینه های فوق طرح های عاجل را پیاده کرد که‌ازجمله در بخش زراعت تقو یه بنیه اقتصا دی زارعین پخته کارو لبلبو کار و برای بلند بردن سطح تو لیدا ت پخته ولبلبو تصمیم گر فته شد تا درسال ۱۳۵۹و سا لهای بعـد ۲۰ فیصد تزئید در قیمت خریـد پخته و ۳۰ فیصد تزئیـد در قیمت خرید لبلبو ، ا لبته‌وبه تفکیك سورت پخته و فیصدی مواد قندی لبلبو به مقا یسه قیم‌سال ۱۳۵۸ صورت گرفت.

همچنان دو لت برای کمك برای زارعین قیمت کـود- کیمیا وی یوریا را از یـك خریطه (۵۰۰) افغانی به یـك خریطه (۴۰۰) ا فغا نی‌پا یین آورد .

همچنان حکو مت تضمیـن نمود تا مقدار لازم گنـدم را برای خو راکهٔ پخته کاران و لبلبو کا رانیکه خود به‌کشت گندم اقدام نورزند ،به‌قیمت های ارزان در اختیار آنـان بگذارد .

همچنان دو لت جمهو ری دمو کرا تیك افغانستان برای رشد سکتور زراعت پروگرام عاجل برای سال آینـده رو یدست دارد که به یـاری خداوند متعال تطبیق ایـن پرو گرام و ضع زراعت رادر کشور ببهود خواهد بخشید.

امید وار هستیم با تطبیق پلانهای علما تنظیم شده‌کشور را ازین وضع فلاکت بارنجات بخشیم و در آینده قریـب افغا نستان در صف سایـر کشور های پیشر فته قـرار گیرد .

مطابق خط مشی دو لـت جمهو ری دمو کرا تیك افغا- نستان ، منا سبات فر تـوت فیو دالی و ما قبل فیو دالی را باید طرد نمود و مناسبات عادلانه و انسانی را مطابق‌به مقتضیا ت عصر جا نشیـن بی‌عدالتی هانمود وزحمتکشان کشور را از قید اسارت آزاد سا خت سیستم عصـری زراعت و مالداری را جانشین سیستم کهنه و قرون‌وسطایی نمود ، پایه های نظام‌اجتماعی اقتصادی عادلانه و ثمـر بخش را هر چه بیشتـر استحکام بخشید وحدت طبقهٔ دورا نساز کار گر و دهقان‌را نیرو مند تر نمود و ایـن همبستگی را با سا یـر زحمتکشان تعمیم ، تحکیم و تعمیق نمود و در جهت اعمار افغا نستان آباد ، آزاد،مترقی سر بلند و شگوفان بسیـج کرد و در رشد و توزیـع عادلانهٔ عواید زراعتی بـذل مساعی نمود .

حجم تولیدات زراعتـی را باید بلند برد ، تا غذای کافی و متنوع برای نفـوس روز افزون کشور تهیه گردد ،باید مواد خام زراعتی مـورد ضرورت کارخانه ها، فابریکه ها و مو سسات داخلی کشور مهیا شود و با بلند بـردن حجم تو لیدات زراعتی قابل صدور ، اسعار خارجی بیشتر بکشور جذب گردد .

برای بلند بردن سطـح زندگی ، رفاه و آرامی مردم شریف کشور سعی ومجاهدت به عمل می آید تا اولاد وطن ما از فقر و بدبختی بیسوادی و بیماری که دامنگیر شـان است، هر چه زودتر نجـات یابند .

باید ازمنابع طبیعی زراعتی مثل جنگلات علفچر هـا و منابع آبی و غیره به منظـور سر سبزی و آبادی و ایجـاد یك اقتصاد نیرو مند استفاده معقول و درست صورت گیرد فار مهای دولتی تا سیـس گردند ، کو پرا تیفهای جدید زراعتی بوجود آیند و آنچـه داریم اصلاح و انکشاف کیفی نمایند با در نظر داشـت شرایط حاکم در کشور بـه منظور رشد اقتصا دی وکمك به دهقا نان ، ما لـداران و زمیندا ران کشور ، پروگرام های عملی، علمی و عا جـل برای سال ۱۳۵۹ رو یدست گرفته شده است . که ایـن پروگرام به کمك و همکـاری دهقا نان ،زارعان و ما لداران کشور، اعضا و ار گان هـای حزبی ، فار مهای دو لتـی،و کو پرا تیف ها در عمل‌پیاده خواهد شد که در نتیجه‌تولید حبوبات ۱۳ فیصد تو لیـد نبا تات ۳۶ فیصد و دیگـر تو لیدات زراعتی بطور نسبی نظربه سال ۱۳۵۸ از د یـاد خواهد یافت .

خدمات و تر نری تقویت

می‌گردد، مجا دله به مو قع علیه امراض حیوانی و نباتی ، تهیه تخم ، کود کیمیا وی و ماشین آلات زراعتی بسود دهقا نان بسط و تو سعه می یابد .

برای حفا ظت و احیای علفچر ها و جنگلات که سر مایه ملی کشور محسوب می شود سروی و مطا لعات لازم به عمل خواهد آمد و برای تاسیس فابریکه تولید خو را که حیوا نی در بغلان و سایر مناطق کشور تدابیر لازم اتخاذ میگردد .

جهت تحقق پرو گرام مطرو حه طی سال ۱۳۵۹ از مسا عدتهای پر ارج مالی و تخنیکی کشور های دوست، بخصو ص اتحاد شو روی، استفا ده به عمل می آید، کشور برادر اتحاد شوروی علاوه از کمکها یی که طی سا لیان گذشته به بیش از (۱۵۰) پروژه خرد و بزرگ اعم از سا ختمان سر کها، بند و ا نهار ، زرا عت و آبیا ری تولید انرژی برق ، مو سسات علمی و فنی ، تفحصات نفت وگاز، منازل رها یشی، سیلو ها و شفا خانه ها و فابریکه های مختلف و غیره نموده‌و مینماید در سال ۱۳۵۹ معاونت های آتی را طور رایگان در اختیار جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان می گذارد :

۱ـ ده هزار تن کود کیمیا وی .

۲ـ پنج هزار تن تخم بذری اصلاح شده گندم .

۳ـ دو هزار تن تخم بذری اصلاح شده پخته .

٤ـ هفت استیشن میکانیزه زراعتی .

همچنان در آینده نز دیك اتحاد شو روی ، کمکهای بزرگ و مثمری در بخش زراعت و آبیاری در سا حات سا ختمان و فعال نمودن پو لیکلینك های حیوا نی لابرا توار های امراض‌زراعتی استیشنهای میکا نیزه تو لید کود کیمیا وی و اعمار بند و انهار بالای رود کو کچه و غیره مینماید .

برای اینکه زمیندا ران محترم به اساس خطا به ۱۰ دلو اینجا نب در خرید و فروش تملیك ،ترکه ، وسایر انتقالات و اجاره زمین دست آزاد دا شته با شند . هدا یت داده شده است‌تااز طرف‌اداره اصلا حات ارضی در زمینه تسهیلات لا ز م‌فرا هم گردد. زمیندا را نیکه کمتر ازده جریب زمین درجه اول و معادل آن دارند میتو انند چند جریب زمین دیگر را نیز رایگان بدست آرند ،تاساحه زمیندا ری شان به ده جریب زمین درجه‌اول برسد ، آنعده زمیندا رانیکه بیشتر از ده جریب زمین درجه اول و یا معادل آ ن دا رند می توا نند اضافه جر یبی خود راتااندازه ایکه ساحه زمینداری شان بیشتر از۳۰ جریب‌درجه اول یا معادل آن نرسد به نرخ فی جریب زمین درجه‌اول یا معادل آن عادلانه خریداری کنند .

به اساس احصا ئیه های موجود تو لیدات زراعتی و حیوانی در فی واحد کمتر از نصف اندازه ایست که باید باشد .

باید گفت که با معر فی تکنا لوژی عصری و اصلاح نمودن سیستم ز میندا ری و آبیاری به شکل عادلانه و عصری آن میتوان امکا نات بلند بردن حجم تو لیدات سالانهٔ زراعت را در طی دو پلان پنجسا له چند مرتبه بلند برد .

توقع میرود تا متخصصین ما موران ، مو سسات‌زراعتی دهقا نان ، زمیندا ران و ما لداران شریف کشور در فضای همکاری همه جانبه برای رشد و انکشاف سریع اقتصاد ضعیف مملکت شانه به شانه هم به پیش بروند، یك دیگر را کمك کنند برای عناصر ضد انقلاب ، رهز نان آد مکشان ، خرا بکاران و مفسد ین ا جا زه ند هند تا سر ما یه ملی مارا با ز یچه اهداف شوم و پلید خود سازند .

دو لت جمهو ری دموکرا- تیك افغا نستان تلاش میورزد تا جائی که ا مکا نا ت برایش اجازه بدهد برای زارعین محترم کمك و مسا عدت‌نماید طوریکه قبلا هم گفته ا یم تکرار مینما ئیم که حکومت شما بقدر لازم تخمهای‌اصلاح شده درجه اول گندم و پنبه و مقدار کافی کود در دسترس داشته که همین اکنون توزیع آن عملا صورت میگیرد همچنان طبق وعده ترا کتور و ماشین آلات زراعتی در دسترس دهقا نان ،زمینداران و کو پرا تیف ها میگذاریم و در صورت ضرو رت جدی کمك های پولی در اختیار دهقا نان عزیز و زحمتکش خو یش خوا هیم گذاشت .

حالا که خدا وند با فضل‌و کرم خو د بر فبا ری ها ی فرا وان را نصیب کشور ما ساخت بر ماست تا از این نعمت خداو ندی استفا ده درست کنیم و با توجه جدی به کشت و کار خود بپردازیم خوب کشت کنیم ، تا خوب درو نمائیم .

امید وارم تا شا ملین نخستین کنفرا نس زرا عتی جمهو ری دمو کرا تیك افغا- نستان ، با تحلیل وبررسی علمی با پیشنها دات سالم و خلاق خود بتوا نند راه های بهتر و سالمی را برای رشد تو لیدات زراعتی و تطبیق سیا ست دولت جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان بیابند و پلا نهای عملی منظم و علمی را بدین منظور طرح نمایند .

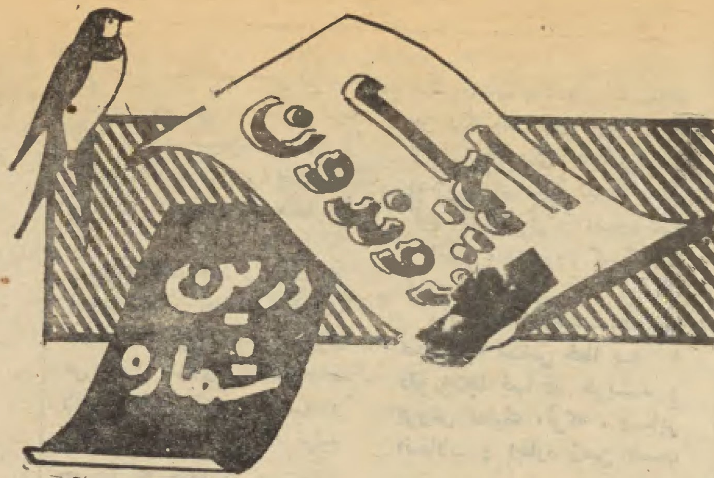
در پایان از اعضای محترم کنفر ا نس ز ر ا عتی خوا هشمندم ز ما نیکه کنفرا نس به پایان میرسد و دو باره به ولایات خو یش بر میگر دند سلا مهای گرم‌و صمیما نه اینجا نب را برای فرد فرد از همو طنان شریف بر سانند و برای شان بگویند و اطمینان کامل بدهند که حزب و دولت جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستان از مردم و در خد مت مردم است وبه اتکای خدا وند بزرگ‌و اراده شکست نا پذیر مردم‌ما در زود ترین زمان ممکن آخرین د شمنان صلح و امنیت کشور ، آخرین د شمنان استقلال ، حاکمیت و تمامیت سر زمین مقدس افغا نستان ازریشه محو ونابود میگردد ،

پیروز باد وحدت و اتحاد نیرو های ملی ومتر قی‌درجبهه ملی پدر وطن ! سر سبز آباد و شگوفان باد کشور ما افغا نستان ،

به‌پیش در راه تار و مار آخرین بقا یای آ دمکشان خرا بکا ران و مز دوران اجیر سیاه‌پا کستانی، امپر یالیست های امریکا یی،شوو نیستهای چین و مر تجعین مصری و اسرا ئیلی این دشمنان خلق های زحمتکش مسلمان جهان!

به پیش در راه ایجاد شرایط مصئون کار صلح‌آمیز آزادی ، دمو کراسی و ترقی اجتماعی .

و من الله توفیق





> بر ادران و خواهران ! وحدت وانضباط انقلابی را درمیان
> ود تحکیم بخشید . فعالیتهای خرابکارانه آدمکشان، رهزنان
> رور یستها ، وطنفروشان و سز دوران امپریالیزم راخنثی و
> ا ناکام سازید».
> «ببرک کارمل»

امپریالیزم جهانی دشمن صلح و آرامش

همشهریان شرافتمند ما روز سوم و سوم حوت شاهد فاجعه اسف انگیز و جنایتباری بودند که عمال ارتجاع و نوکران زرخرید **امپریالیزم با طرح ریزی پلان** شوم طراحان هستی سوز حلقهها که در راس آن امپریالیزم جنایت کار امریکا قرار دارد برپا نمودند .

آنها برای اینکه **باداران آشوبگر** وفتنه انگیز **شانرا متقاعد** ساخته باشند که در ایجاد دهشت افگنی دستور العمل های آنها را به حیث تعلیم یافتگان زرادخانه امپریالیزم مو بمو میتوانند عمل کنند دست به چنین تحریکات جنون آمیز و جنایت بار زدند . اطفال معصوم و مردم بیگناه را به گلوله بستند ، اپارتمان ها ومنازل را به آتش کشیدند ، اموال مردم را به تاراج بردند و از هیچگونه قساوت وو حشی گری دریغ نورزیدند .

این اخلالگران ، زندگی آرام ومطمئن همشهریان کابل را که تازه دوره نقاهت خونکاری های امین خونریز **را پشت سر میگذاشتند بار دیگر مختل و پرآشوب نمودند ولی این** تحریکات تفتین آمیز شان بزود ترین فرصت با جواب دندان شکن قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان ، قوای امنیتی ، جوانان رزمنده حزب دموکراتیک خلق افغانستان و پشتیبانی بیدریغ همشهریان ماسرکوب و خنثی گردید .

این جنایت پیشگان رو سیاه ارتجاع داخلی که از ارتجاع بین المللی منشا گرفته و ریشه کثیف شان از منبع آلوده و ناپاك امپریالیزم جهانی آب میخورد با دستیاری یکعده ازاخلالگران پاکستانی که خلق شریف ما چهره های کثیف آنها را در تلویزیون ومطبوعات کشور مشاهده نمودند میخواستند تا با استفاده از احساسات پاك مذهبی مردم و حتی **اطفال معصوم ، اغراض شوم و** غیر انسانی شانرا بر آورده سازند وبه منطق سخیف و خیال باطل شان باردیگر افغانستان عزیز را برای امپریالیزم امریکا دو دسته تقدیم نمایند !

چنانکه با از بین بردن رژیم امان الله خان به انگریز های استعمار گر تسلیم نمودند ، و لی نمیدانند که جهان امروز جهان دیروز نیست و نیرو های پر توان صلح و عدالت نیرو مند تر گردیده واستعمار گران را از سکوی یکه تازی بزیر انداخته و هر گز نمی گذارند که فضای صلح و آرامش جهانی را تیره و تار سازند .

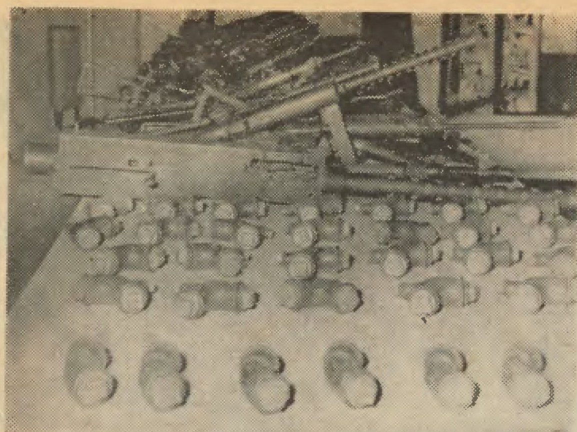
این فریب کاران شیطان صفت **که با استفاده از ریش های** ساختگی و فیته های تاپ شده میخواستند خود را در انظار مردم بحیث وارثان اصلی دین مبین **اسلام جلوه دهند ، حتی از داشتن ریشهای واقعی ننگ داشتند پس چطور** ادعای مسلمان بودن را می نمایند ودیگران را بحکم تکفیر میگیرند؟

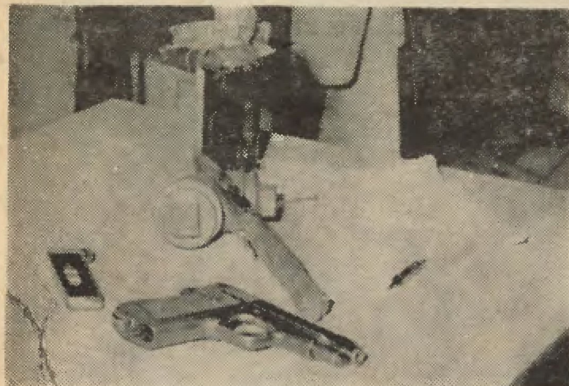
این ساده لوحان بی مروت نمی دانند که این ساخته کاری ها نه تنها جایی را نمیگیرد بلکه هنوز هم خشم مردم را بر می انگیزد و خاطرات تلخ گذشته را دو باره در اذهان شان زنده میسازد ، زیرا مردم ما بخاطر دارند که همین انگریز های فریب کار که **امروز مزدوران شانرا با آرایش** وپیرایش مختص بخود شان مامور دهشت افگنی میسازند . سالها پیشش شیطان های بزرگ شانرا با ریشها و چهره های نامقدس در لباس مردم جاز دند و حتی در مساجد به امامت گماشته و دین **مقدس مارا بباد استهزا گرفتند** که از جمله میتوان امامت انگریز نا مسلمان را در مسجد پل خشتی که داستان آن زبانزد خاص وعام است بحیث مثالی از صد ها مثال زد .

اکنون که باز هم منافع شوم و غارتگرانه **شانرا** بار دیگر **از دست داده اند . به** ریفرنس شیطانی خویش رجوع نموده و از « همان آش و همان کاسه » ملوث خود استفاده می **کنند** تا امراض مهلك و کشنده شانرا به جان مردم ما سرایت دهند وبرای تطبیق هر چه موفقتر آن جسم **های لطیف و پذیرای اطفال معصوم** را تشخیص و انتخاب نموده اند .

چنانچه مردم شریف ما مشاهده نمودند که عده از اطفال معصوم ومردم بیگناه ما را فریب داده و روکش جنایات شوم شان نمودند تا مگر همه را بخاك وخون بکشند **ولی** چون جمهوری دموکراتیك ما با پیروزی مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند ثور هر گونه پدیده و مسایل را با شناخت علمی و منطقی تحلیل و بررسی مینماید **نه تنها مردم را اذیت** نکرد بلکه بر اساس فرمان ببرك کارمل **اطفال معصوم وعدیی از** سالمندان را که با خوش باوری فریب اجیران خارجی را خورده بودند آزاد ساخت که این عمل انسانی تایید گر حرکت اصولی و عشق به مقام والای انسان و ارزش های دموکراتیك است که جمهوری دموکراتیك ما بر آن پایه واساس دارد .

زنده باد انسان دوستی
مرگ بر دشمنان صلح و آرامش





از بالا به‌پائین ــ انواع مختلف اسلحهٔ‌مخرب‌که‌از نزد دشمنان مردم مادر ارتباط به‌حادثهٔ دلخراش سوم حوت درکابل بدست‌آمده است.



مردم شرافتمند ! اینها پاکستانی هایی اندکه در آشوبهای اخیر درشهر کابل مستقیما شرکت داشتند .
چه کسی به آنان اجازه میدهد که برعلیه‌منافع ملی ما عمل کنند ؟

هموطن شرافتمند !

با اسلحه امریکا وچین در روز های اخیر عناصر جنایت کار وابسته به خرابکاران اجنبی مذبوحانه سعی وکوشش مینمودند تادر کابل بی نظمی بوجود بیاورند . در جمله‌این جنایت کاران مسلح عدهٔ زیادی ازجاسوسان

نظم وآرامش را در مرکز ودر سراسرکشور بزودی برقرار میسازد . هیچکس نباید درین مورد شك وتردید داشته باشد .

هموطنان باغیرت، مسلمانان صادق، بدور حزب واحد دموکراتیك خلق افغانستان وببرك کارمل متحد شوید .

عده‌ای ازاخلال گران بابیش ازدوصدمیل سلاح دستگیر شدند

پاکستانی واجنت ، (سیا) سازمان ننگین جاسوسی امریکا ، بنام (رابرت لی) شامل بودند .

بگذارید تمام جاسوسان خارجی، محرکین ضد امنیت ملی ما، دشمنان اسلام و خداوند بزرگ ماو مردم شریف کشور مابه جزای اعمال خود برسند .

حکومت انقلابی شما با دست نیرومند خود دوران تاریك حکمفرمایی امین این جلاد خونین برای ابد گذشته است اما برای‌اینکه این ایام غمگین وتاریك تکرار نشود هر فرد افغانستان، هر مسلمان متدین باید وظیفه خود رادر دفاع ازناموس وطن ایفا نماید .

دهقانان ، کارگران، روحانیون وطنپرست، سربازان دلیر قوای مسلح ، تاجران، معلمان، دکتوران وروشنفکران .

هموطنان گرامی :

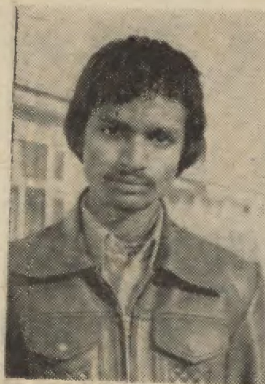
حامیان حقیقی اسلام ومدافعین میهن عزیز از زندگی آرام ومسالمت آمیز مردم ستمدیده تان حفاظت کنید واز وطن خود در برابر رهزنان ومداخله گران اسارت آوردفاع نمایید . تنها بدین ترتیب میتوانید نام‌بزرگ پروردگار را ثنا گویید ودر برابر خداوخلق سر فراز باشید .

ما افغانستان آزاد و مستقل رزمندگان راه خوشبختی وسعادت وطن پر افتخار ما . دشمنان اسلام ودشمنان خلق شریف‌افغانستان شایعات وشب نامه های کینه توزانه پخش می نمایند . هدف پلید شان عبارت از برهم زدن زندگی آرام ومسالمت آمیز شهر ها و دهات وبرافروختن آتش جنگ وبرادر کشی است .

لطفا ورق بزنید



این چهره نمایانگر چه چیز هایی است ؟



افرادی ازین قبیل ، گماشتگان حلقه های ارتجاعی منطقه هستند .



چگونه بخود حق میدهی در میان مردم ما ایجاد رخنه نمایی ؟



مگر او واقعا توریست است ؟



هموطنان عذاب دیده ! امین خون آشام‌وباند سفاکش، گروه گروه جوانان‌وبرادران هموطن مارا در کمال بیرحمی وشقاوت ودر پنهانگا ههای‌بیمنا کشان‌سربه نیست‌کردند،
و امروز نوکران امپریالیزم امریکا ، انگریز، پاکستان وچین ، بااین سلاحهای کشنده ومخوف در ملاء عام علیه شما ودارایی های شما ، دست به تجاوز میزنند .
اینها فقط قسمتی کوچکی ازمجموع‌سلاحهایی‌است که دشمنان مردم مابرای ایجاد رعب‌ودهشت در کابل وعلیه جنبش مترقی مردم‌افغانستان وارد کشور ما نموده اند .



این هم‌صحنه های آتش سوزی که توسط‌تخریب کاران روزسوم حوت انجام داده شد.

آنها میخواهند افغانستان رابه شکنجه‌گاه امپریالیزم امریکا و دستیاران مرتد آن یعنی زمامداران چینی ومحافل ارتجاعی پاکستان مبدل سازند .

سرکردگان سازمان رهزنانه به اصطلاح نهضت اسلامی افغانستان ، بنام الله سوگند یاد مینمایند و خودرا به دروغ به مثابهٔ مدافعین اسلام وانمود می سازند . بایـن جنایت کاران باور نکنید آنها بیشرمانه دروغ میگویند . شما باید بدانید که آنهانه برادران ما و نه مسلمانان حقیقی هستند .

مسلمانان حقیقی هیچگاه خانه های برادران همدین وهموطن خود را آتش نمی زنند ، زنان واطفال بیگناه شانرا شکنجه نمیدهند ، مومنین را بقتل نمی رسانند وبه سازبیگانگان نمی رقصند .

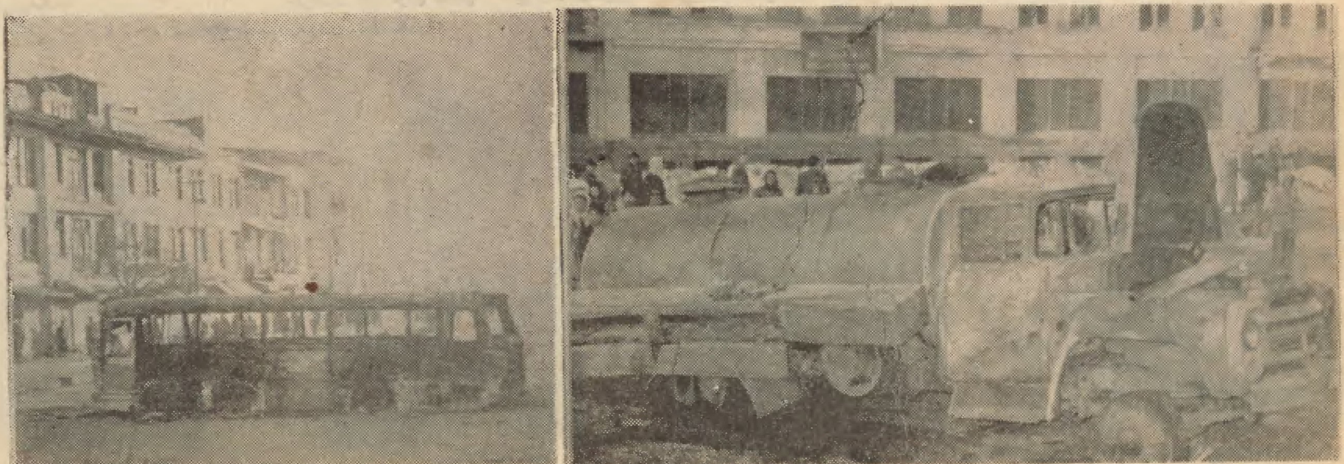
دشمنان اسلام و د شمنان خلق آزادی دوست افغانستان بیشرمانه به اتحاد شوروی دوست بزرگ شمالی ما افترامی بندندشوروی همیشه بهترین دوست ما بوده وهست و در اعمار زندگی صلح آمیز ماودر عمران وآبادی افغانستان آزاد ومستقل به ما کمك کرده است .

در حال حاضر نیزبه خواهش دولت خود شما برای فرستادن قطعات محدود قوای‌مسلح خود پاسخ مردانه وصادقانه داده است .

عساکر شوروی مادران زنان واطفال خودرا ترك کردند تاسینه خودراسپر دفاع ازخانواده مردمان افغانستان در مقا بل استیلاگران خارجی سازند عسکر شوروی مارا ازتجاوز خارجی دفاع میکند. راه های کشور مارا که توسط آن گندم، برنج سایر مواد خوراکه وچوب سوخت به شهر ها ودهات انتقال داده میشود حفاظت مینما یند، عسکر شوروی نه تنها بدین مقدس ما کاملا احترام می گذارد، بلکه ازآن دفاع هم‌مینماید، زیرا که دشمنان شریر داخلی وخارجی ماهرلحظه در آرزوی آن هستند تا کشور مارا ویران کنند ، مساجد ومکاتب را آتش زنند وزندگی را بر زحمتکشان ما جهنم بسا زند.

به سلسله ایجاد ناآرامی ها اخلال امنیت
طبق یل خبر دیگر
آرامش ، آزادی ، سعادت ورفاه شما بر وبرهم زدن جریان عادی زندگی شهریان شرافتمند کابل که طبق پلان قدرت های غارتگر امپریالیستی ودر راس آن امپریالیزم تجاوز گر امریکاومتحدین سیاه‌کارپاکستانی وچینی که از پریروز آغاز گردیده، در اثر تلاش های خستگی ناپذیر قوای امنیتی‌سازمان های حزبی واجتماعی وهمچنان همکاری و همدستی صادقانه عناصر آگاه ومبارز شهر کابل عده ای از اخلال گران وتروریست ها همراه با بیش از دو صد میل انواع ماشین دار، تفنگ ووسایل انفجاری وبمب های دستی ساخت فابریکه های جنگ افروز امپریالیزم امریکا، انگلیس ، پاکستان وچین نیز بدست آمده است .

بقیه درصفحه۵۸



دشمنان انقلاب وخاینین به منافع مردم‌ووطن، ازهیچ‌نوع تخریب کاری ودهشت‌افگنی‌دریغ‌نکردند آنها بدون درنظر داشت اینکه وسایل‌ترانسپورتی هم جز دارایی های عامه‌است وسایل مذکور را آتش زدند.



رژهٔ قوای بحری اتحادشوروی ، این‌ضامن‌صلح درپهنای ابحار جهان .

«اردوی شوروی ،این اردوی فتح و نجات خلقها»

ارتش شوروی یعنی آن ارتشی که‌خلقهای اروپا را ازیر یوغ بردگی فاشیزم نجات داد ، اردوی شوروی ضامن صلح وسلم‌گیتی وبر قرار کننده صلح جها نی است،اردوئیکه از خلق بر خاسته وبا خلق پیوند ها ی‌نا گسستنی دارد ، اینك پا به شصت‌ودوسالگی گذاشت .

این اردوی معظم ومجهز با مدرن تر ین پدیده های حزبی عصر درین مدت شصت و دو سال از حواد ث و آز مون ها ی‌فراوانی گذ شته است و درین همه گیرو داروحوادث به نیکی ثابت کرده است که شا یستگی و اهمیت فوق العاده اش‌و هم چنا ن مو رال و روحیه‌ی شکست نا پذیر ش در تا ریخ بی همتا ست تاریخ را ورق بزنیم‌هنگامیکه دربهار سال ۱۹۱۸ درست چند ماه پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و بمیا ن‌آمدن اولین‌کشور مترقی وصلح دوست جها ن‌ارتش های انگلیسی ، فرانسوی وامر یکا ئی بر کشور شورا ها یورش بردند و شهر بندری مور مانسك را که مهم ترین شهر بند ری آنوقت روسیه ی شوروی بود از طرف‌تجاوز-گران اشغال شد و ازطرف دیگر نیروها ی متجا وز امر یکا ئی و جا پا نی به بندر ولادی واستوك بدستیاری تجاوز کاران انگلیسی حمله کردند یعنی جنگ تجاوز کا رانه ی امپر یالستی برین کشور تا زه‌به میان آمده آغاز گردید ، اولین آز مایش بزرگ خلق شوروی و در قدم اول قوا ی مسلح شوروی بود .

همه می دانیم که هدف اصلی و اسا سی این تجاوز وتها جم مسلحانه خفه کرد ن دولت نوبنیاد شوروی در گاهواره‌بود. درین کار زار مرتجعین ونیرو ها ی مزدور صفت داخلی با کمك های مادی و معنوی تجاوز کاران خارجی نیز برضددولت جوان شوروی می جنگیدند . در همین و قت است که‌آواز رسای رهبر اولین انقلاب پرو-لتری بلند شد که می گفت « همه چیز برای قلع و قمع دشمنان » .

مردم جمهوری جوان شوروی برهبری‌حزب پیشتاز خود به این خواستوطن پرستا نه صمیما نه و فدا کا رانه لبیك گفتنددر همین حوادث گرم وداغ است که اردوی قهر مان شوروی تو لد میا بد و آبدیده می شود و به پیکار علیه کهنه کاران وکهنه خواها ن قهر مانانه می شتا بد .

اردوی شوروی مراحل‌اولی‌تکامل‌وآبدیدگی خودرا در میدان های کار زار و نبرد ها ی خونین علیه تجاوز گران بی شرم امپریالیزم وفاشیزم ومرتجعین روسیاه می‌پیماید. .ارتش شوروی ازهمان‌آوان‌تشکیل‌خود درعمل‌ثابت‌نمود که ارتش مرد م وصلح است وبامردم پیوند نا گسستنی دارد وهکذادرجه‌داران‌وقوماندانان مرحله‌ی اول این ار دوهما نا اشخا صی‌بودند که از میان مردم بر خا ستند آنها کسانی بود ند که با همه وجود ودل وجان به آرمانهای انقلاب کبیر اکتوبر وفا داربودند واین حقیقت را درعمل و آنهم زمانی به اثبات رسانیدند که کشور بلا کشیده و معدوم ازجنگ را ازچنگال بزرگترین غول های عصر مانند امپر یا لیزم انگلیس،فرانسه امریکا جا پان وآلمان نجات دادند . نام‌های افتخار آفر ین قهر مانان درین مر حله جا ویدان است نام واسیلی چپا نوف،کلیمنت وروشیلوف، سر کی لازو میخائیل‌فرونز، گیو رکی کوتو فسکی و دیگرا ن .

استخوان بندی اساسی اردوی شوروی را کار گران و دهقا خان وزحمتکشا ن‌انقلا بی تشکیل می داد . هم چنان در پر تو شعله های جنگ آزاد یبخش وضدامپر یا لیستی‌و ضد ارتجا عی سال ۱۹۱۸ قهر مانان وقوما-ندانان زیاد منجمله کسانیکه نام‌جاویدان شان در فو ق ذکر شد زاده شدند و می توان آنها ر ابحق قهر مانان جا و یدان‌جنگ های داخلی و ضد امپر یا لیستی نامید.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بخو بی می دانست که این کار گران ودهقا نا ن‌است که از دست آورد ها ی انقلاب کبیر اکتوبر بادل وجان ونثار جان های خودحراست می نما یند لذا در پهلوی آنکه تر کیب‌این ارتش را از همین نیرو ها بوجو دآورد به همه مردم شوروی می گفت که از دل‌و جان به این ارتش تازه بمیان آمده ولی نیرومند و شکست نا پذیر کمك نما یند زیرا این ارتش دیگر مانند سابق ارتش استثمارگران واستعمار گران وجنگ طلبان و مرتجعین نیست بلکه این ارتش نابودکننده‌ی‌آنهاست و ارتش صلح ومنافع خلق است این ارتش از خود مردم داوطلبانه سا خته شده است لذا حافظ سر سخت وتسلیم ناپذیر منافع آنها ست ، روی همین خوا ست شر یفا نه‌ی رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بود که همه‌مردم شوروی این نوزاد قهرمان (ارتش) را در آغو ش محبت و تقو یت خود فشر دندو آنرا صمیما نه وفد اکارانه تقو یه و از او با دل و جا ن موا ظبت نمودند .

در بحبو حه‌ی جنگ ضد امپر یا لیستی‌وضد ارتجاع داخلی ارتش جوان شوروی بشکل بید ریغ و سر سپرده جا نبازی کرد این ارتش کار گری و دهقا نی چنا ن شهامت وازخود گذری نشان داد که رهبر کشور شوراها فرمود :«تمام مشکلات و مصا ئب‌ما در مقایسه با آنچه نصیب سر بازان ارتش شوروی شده ،نا چیز است .» .سر با زان ارتش شوروی با خون های خود سراسر رو سیه را گلگون و رنگین سا ختند و لی نگذاشتند که طفل انقلاب بد ست ضد انقلا بیو ن خا رجی و داخلی خفه سا خته شود .

ارتش شوروی با مقا یسه به ارتش های تجاوز گرامپر یالیستی وهم چنان نیروهای ضد انقلابی داخلی از نظر عمومی و ظا هری ضعیف بود زیرا این ارتش تازه تشکیل‌شده اسلحه و مهمات جنگی محدود ، د شو اری های زیاد کمبود خوار بار ، کمبود لبا س

لطفاً ورق بزنید

وغیره داشت ولی در هیچ یك از جبهه های جنگ با وجود این همه اندکترین ضعفی از خود نشان ندادند و سربازان وافسران قهرمان اردوی شوروی با دلاوری واز خودگذری می جنگیدند . البته این دلاوری و پیروزی از ایمانی ناشی می شد که رهبر انقلاب کبیر اکتوبر به پیروزی ترقی وانقلاب بر ارتجاع وضد انقلاب اعم از داخلی وخارجی داشت واین روحیه ی عالی وانقلابی رابا عمل ونظر به توده های ملیونی مردم شوروی واز جمله اردوی شوروی ما هرانه انتقال می داد وخلق با دیدن و شنیدن اعمال شریفانه و انقلابی رهبربزرگ خودروزتا روز و لحظه به لحظه با ایمان ترو مطمئن تر در راه انقلاب وپیروزی به پیش می رفتند .

ولی باز هم دربرابر یك آزمون تاریخی وبی سابقه ی دیگر : در سال ۱۹۴۱: آوانیکه امپریالیزم نوزاد حرامزاده ای را قبلا (۱۹۳۶_۱۹۳۲)به جهانیان عرضه داشته بود واین نوزاد نسبت نوازش وتغذی های فراوان عناصر ارتجاعی بزودترین فرصت نیرومند و با رور گردید و درسال ۱۹۳۹حتی بر خ پدر (امپریالیزم و شرکا) شمشیر کشید .

بعد از آنکه فاشیزم بەسرد مداری‌هیتلرها وموسیو لینی ها ازمرزهای کشور های خود گذشتند و اروپا را تحت سلطه و سیطره ی خود در آوردند نقشه ی بزرگی دیگری در رایشتاك تدوین شده بود وآن نقشه ی منحوس و تجاوزکارانه ی «بارباروس » بودکه پلان حمله وتجاوز برحریم کشور صلحدوست ونیرومند اتحادشوروی بود . با نهم که ذهنیت عامه ی جهان و حتی ستاد ارتش خود آلمان نازی مخالف عملی نمودن این نقشه بودند و لی رهبران دیوانه صفت ومست از باده‌ی فتح‌ممالك اروپائی به این ذهنیت ها و واقعیت ها وقعی نگذاشتند ودر سال ۱۹۴۱ بەتطبیق آن پرداختند .البته باید دانست که دشمن‌یعنی فاشیزم ونازیزم درین هنگام در اوج‌قدرت نظامی خود بود و تمام منابع اروپای اشغال شده را در خدمت و اختیار داشت‌و

با در نظر داشت همین موضوع منتظرپیروزی وفتح سهل وآسانی بودند . اینك ارتش قهرمان ومردمی کشور شوراها در برابر آزمون بزرگی دیگری قرار گرفت ولی بازهم اردوی قهرمان اتحاد شوروی مردانه در امر دفاع از کشور و دست آورد های انقلاب همت گماشت زیرا چون این اردو از میان مردم تشکیل شده بود وازمردم بود به نیکی می دانست که باز هم امپریالیزم البته بشکل جدید ترو محیل ترو وحشیانه تر درصدد محو ونابودی کشور وانقلاب شان است· دراین پیکار عادلانه تائید وپشتیبانی همه مردم شوروی و مردم صلح دوست ومترقی جهان بااردوی اتحاد شوروی این اردو از مادر وطن واز انقلاب مردمی مدافعه می نمود ودر صدد محو واز پا در آوردن طاعون فاشیزم بودکه سراسرگیتی را فرا گرفته بود .

ارتش شوروی در اولین روز های تجاوز امپریالیزم فاشیستی تا آخرین مراحل آن و بعدا در راه نجات همه خلقها ی‌دربند کشیده شده از جانب دشمن سفاك چنان‌با پایمردی و شجاعت جنگید که حماسه‌های زیادی آفرید حماسه ها ئیکه حتی درطول قرون وسده ها و هزاره ها آفریدن‌آن مشکل است· باید دانست قرن های دیگری خواهد آمد وخواهد گذشت ولی هرگز حماسه آفرینی ، قهرمانی، از خودگذری واقدام جانبازانه ی اردوی شوروی و مردم شوروی که‌آلمان هیتلری را قلع وقمع ونابود ساخت از ذهنیت انسان این کره نمی توانند بزدایند نسل های آتی مردم‌شوروی

وحتی همه مردم صلح دوست اردوی شوروی نه تنها آهنگ طرد دشمن متجاوز راازسر زمین خود داشتند بلکه بسیار شریفانه آهنگ رهایی ملت های اسیر اروپایی را نیز داشتند تنها در حدود هشتصد هزار انسان امیدوار به زندگی وصلح وصفادر

راه رهائی وآزادی ملت های اسیر اروپائی حیات شانرا وقف نمودند اینها جز اردوی قهرمان شوروی کسی دیگری نبودند درینجا برای اینکه خواننده‌ی محترم به روحیه و عمل شریفانه وقهرمانانه ی

اردوی اتحاد شوروی در طول جنگ جهانی‌دوم بهتر پی ببرد نکاتی چند از نامه‌ی یك سرباز اردوی شوروی را نقل می کنیم :

وصیت نامه ویاد داشت ل .آ .سیلین‌به خویشاوندان وفامیل :

«سلام ، دلبندان من! سلام ، هر چند شما وقتی این نامه را می خوانید من زنده نخواهم بود ولی پس ازمرگ هم از پس نابودی هم شما را در آغوش می‌گیرم، دلبندان من، وشما را می بوسم ونه مانند شبح ، بلکه مانند انسان زنده وپدر عزیز تان ....

فکر نکنید که من برای آنکه با شجاعت خودمشهور و مفتخر بشوم‌بسوی‌این‌جنگ دهشتناك رفتم · من می دانستم‌که تقریبا بسوی مرگ حتمی می روم . من بیش‌ازهر چیزی زندگی را دوست داشتم و دارم ..

ولی من بجنگ می روم یعنی بسوی مرگ می روم بخاطر زندگی ...

پسرم ، توهم هما نطور که پدرت زندگی می‌کرد و مرد، زندگی کن···پسرك هایم لینا ، و گینا ! خوب درس بخوانید، زبان آلمانی، فرهنگ آلمانی را علوم آلمانی را بدقت فرا بگیرید و شما باید تمام آنها را برای مرگ ونابودی‌فاشیزم آلمانی بکار ببرید ... من ایمان دارم که دشمن در هم شکسته خواهدشدوماپیروز خواهیم شد ....» .

آری این است نمونه ی از خودگذری وروحیه ی عالی انسانی ورزمندگی اردوی شوروی ،اردوی قهرمانیکه نه تنها ازمنافع

وتمامیت ارضی کشور خود بلکه همه مردم شرافتمند دنیا با ریختن خون های‌خود حراست و نگهبانی نمودند ·این‌ارتش اینك شصت و دومین سال تاسیس خود را جشن می گیرد . ارتش شوروی که امروز دیگر ارتش نیرومندترین جهان است‌چنان آبدیده وآزموده ومدرنیزه شده که چشم دشمنان صلح وسوسیالیزم را کور می‌سازد وبمثابه مدافع صدیق منافع زحمتکشان شوروی وجهان است . ما بحیث کشور همسایه و دوست و برادر این سالگرد را پرمیمون وشادی آفرین می خواهیم زنده باد مردم شوروی دوست بزرگ مردم افغانستان .

دادعلی نیرو

ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی

پاسدار واقعی صلح در منطقه وجهان است

اردو از لحاظ تاریخی ، در پلکان‌تکاملی جوامع بشری وقتی شکل گرفته ونمو دار شد که ، در قبال فرو غلطیدن جامعه انسانی در سراشیب تشعب طبقاتی ورویش

نطفه استثمار فرد ازفرد ، دولت نیزبه مثابه یك نهاد اساسمند اجتماعی بظهورپیوست روی این ملحوظ ، آنگاه که‌سخن از اردوی یك کشور و ماهیت وخصلت ووظایف آن برزبان می‌آید، باید آنرا در ارتباط به ماهیت ساخت اقتصادی ـ اجتماعی‌همان کشور و همچنان با شکل ونوع دولتی که

درین کشور سیطره دارد مطمح نظرانداخت زیرا مطابق تیوری علمی تکامل اجتماعی، دولت خود از جهت ماهیت ، خصلت وعملکرد خود ، مستقیما با نحوه مالکیت ، شیوه‌تولید و چگونگی قدرت اقتصادی دریك جامعه مرتبط و همبسته میباشد، به‌سخن دیگر، دولت دریك کشور در آنصورت میتواند که بهتر قابل شناخت گردد که پژوهنده از



صحنه‌یی ازپیکار و جانبازی اردوی آزادی‌بخش



اردوی اتحاد شوروی درراه آرمان و هدف مردم بی‌دریغانه مبارزه می‌کند

ساخت اقتصادی ـ اجتماعی این کشور اطلاعات همه جانبه وبر داشت ها ونگرش های علمی در اختیار داشته باشد .

اینجاست که قضاوت درباب نحوه ماهیت، خصلت ووظایف قوای مسلح در یک کشور مستقیما وبه‌نحوی دیالکتیکی با شناخت ماهیت ، خصلت وعملکرد دولت مسلط بر این کشور ودر کلیت امر با شناخت‌ماهیت جامعه بستگی دارد، وقتی کشوری را متجاوز عنوان میدهیم و یا کشور دیگری را پاسدار صلح و عدالت میدانیم نباید بر پایه اغراض، قضاوت های سو بژکتیویستی وغیر واقعی استوارباشد. بدین مفهوم که دولت ها در تعقب شیوه ضد دموکراتیک و تجاوزگرانه خویش ، از قوای مسلح شان استفاده به عمل می آورد. هر گاه دولت‌خصلتاواز لحاظ مبانی طبقاتی خود جنگ افروز ، متجاوز ،اشغالگر وضد خلقی نباشد، هیچگاه یکی از ارکان متشکله خودیعنی قوای مسلح را به جنگ و تجاوز واشغالگری و مداخله در امور داخلی کشور های جهان استعمال نمیکند .

بطور یکه دولت ، در واقعیت امر و از لحاظ پیدایش تاریخی‌خود محصول‌طبقات انتاگونیستیک جامعه بوده که دارای‌وظایف داخلی و خارجی معین میباشد که درنتیجه به شکل سیاست داخلی و خارجی آن تبارز کرده و بازتاب میگردد . چون یکی از ارگانهاییکه درجهت تحقق این وظایف ویا تعمیل سیاست داخلی و خارجی دولت میتواند عمل کند، همانا قوای مسلح‌میباشد بنا بران دولت های ارتجاعی قوای‌مسلح‌را بمثابه یك ارگان خود طوری عیار میگرداند که بتوانند ممد و مدافع سیاست های ارتجاعی آنان باشد .یعنی همانطور یکه دولت های ارتجاعی مدافع منافع طبقات استثمارگر وآله سیادت‌سیاسی این‌طبقات بر خلق میباشند ، تمام ارگانهای آن، بویژه قوای مسلح نیز بخدمت‌همین طبقات استثمار گر وظیفه انجام میدهد. زیرا سرشت وماهیت دولت در سراپای ارگانیزم واحد قوای مسلح آن منعکس میگردد .

در دوران‌ما، قوای مسلح درکشور هاییکه قدرت سیاسی بدست طبقات استثمار گر میباشد مسلما تابع اراده و منافع همین طبقات بوده ودر حدود سیاست های داخلی‌وخارجی‌دولت عمل‌میکندمثلا دولت های ارتجاعی وامپریالیستی که دارای‌خصلت تجاوزکارانه و سیاست های ضد ملی وضد دموکراتیك اند از قوای مسلح‌خویش در برابر نهضت های ملی ومترقی و حریت طلبانه چه در داخل کشور های شان‌باشد وچه درخارج این کشور ها ، استفاده به عمل می آورند ، همین دولت هابه کشور های دیگر یورش می برند ، تجاوز میکنند ودر امر منقاد ساختن آنسها به تحریکات و تجاوزات اشغالگرانه و مداخله گرانه دست می یازند ، آتش جنگها را مشتعل میگردانند و هستی ملیون ها انسان رابه امحا میکشانند، چنانچه تجربه تاریخی می آموزد که دولت‌های‌برده داری، فیودالی وبورژوازی همواره مدافع‌طبقات منافع‌حاکمه مرتجع واستثمارگر و اقشار رجعت پسند بوده اند ، بدیهی است که این دولت ها بدون ارگان های معین خود ،خاصتاقوای مسلح نمیتوانند از منافع طبقات حاکمه مرتجع پاسداری و حراست نمایند

لذا قوای مسلح در جوامع طبقاتی و مبتنی براستثمار در اختیار دولت و طبقات‌حاکمه قرار دارد ، هر اندازه هم که دولت های استثماری نعره بزنند وظاهرا نام از صلح وآزادی خلقها ببرند بازهم بنا بر خصلت طبقاتی واستثمار گرانه شان قوای مسلح خویش را علیه آزادی ،صلح ، دموکراسی وعدالت اجتماعی بکار می برد.

حال این سوال پیش می آید که‌هرگاه قوای مسلح از لحاظ ریشه تاریخی‌وطبقاتی خود همزمان باپیدایش دولت‌بوجودآمده است که وظیفه اساسی آنرا دوام و ظایف داخلی و خارجی دولت تشکیل میدهد پس قوای مسلح‌در جوامع سوسیالیستی دارای چگونه خصلت ووظایف میباشد ؟به پاسخ باید گفت که در کشور های سوسیالیستی ، قوای مسلح،علی‌رغم قوای مسلح در کشور های بورژوازی و یا در کشور هاییکه دارای نظامات استثماری اند متجاوز ، اشغالگرو جنگ افروز نیست ،بلکه حامی منافع توده ها

ویا سدار صلح وعدالت اجتماعی میباشد.

زیرا ، دولت های سوسیالیستی ویا دولت های ملی و مترقی خصلت تجاوزکارانه ندارند و به اشغال سر زمین دیگران ذیعلاقه نیستند وبالاخره با جنگ و جنگ افروزی موضع آشتی ناپذیر دارند ، یعنی‌همانطوریکه قوای مسلح در جوامع مبتنی بر استثمارممد خصلت دولت های استثماری اند ، برعکس آن قوای مسلح درجوامع سوسیالیستی ممد خصلت دولت های سوسیالیستی‌میباشند که همانا دفاع از استقلال ملی ،دموکراسی



کاتیوشا، سلاحی که دربحبوحهٔ جنگ‌دوم‌جهانی درخدمت اردوی سرخ قرار گرفت ضربات خردکننده بی‌ برپیکر ورماخت‌هتلری واردنمود.

بقیه‌درصفحه۵۸

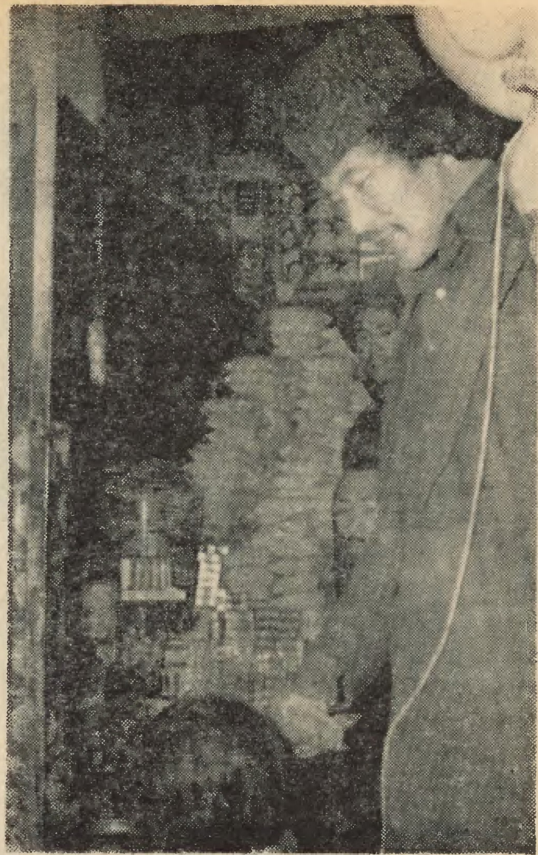
مسوولیت

غارتگری وبه آتش کشیدن دارایی های عامه بدوش کیست؟

خوانند گان محترم ژوندون اطلاع دارند که به تاریخ ۳ حوت یکتعداد از خیانتکاران و جنایتکارانی که اعمال جنایتکارانه آنها شاهد ادعای ماست دست به تخریب کاری و آتش سوزی هازدند، که در اثر این عمل آنها و تهدید هایشان دکانها مسدود و اهالی شریف ما به کمبود مواد غذایی و دیگر اشیای مورد ضرورت خود دچار گردیدند.

آتش زدن به سرویس شهری و ازبین بردن آن ،آیا ضرر آن به فرد فرد این کشور نمیرسد ؟

مثال هایی زیادی ازین نوع خرابکاری ها داریم که خلق شریف ما آنرا مشاهده نمودند :



رضا داد می‌گوید: ازعاید فروش اموال،سه‌فامیل هزده نفری را اعاشه می‌نمایم.

از نقاط مختلف شهر ، باچند تن از دکانداران ، طوافان وبر چون فروشان روی بازار صحبتی نمودیم تا نظریات ومشکلاتی راکه این اجیران از خرید برای شان خلق نموده بودند برای‌خوانندگان باز گو نمایند :

رضا داد یکی از دکانداران خو را که فروشی پل باغ عمومی که مصروف فروش چای وبوره بود ومشتریان زیادی در دکان او جمع بودند داخل صحبت شدیم ، از وی در مورد بسته شدن دکانش ونقصی که درین مدت از درك مسدود بودن‌دکانش بر او وارد گردیده پرسیدیم: گفت: به روز پنجشنبه ازخانه به طرف دکان آمدم تادکانم راباز نمایم گرچه ازطرف اخلالگران برای عده از دوکانداران اخطار داده شده بود که به تاریخ ۳حوت باید همه دکانها بسته باشد در غیر آن دکانها سوختانده می شود و دکانداران هم به جزا می‌رسند اما به این گفته اعتنا نکردم آمدم تا دکان را باز نمایم ،به اطراف خود دیدم که هیچ دکان باز نیست ،اما من دکانم را باز نمودم وتا ساعت هشت صبح نشستم ، دیدم هیچ دکاندار دیگری نیامد تا دکانش را باز نماید . من هم ترسیدم که بلایی بر سرم نیاید فورا دکان را بستم به خانه رفتم چند روزی دکان ما بسته ماند. پرسیدیم: درین مدت به چه مقدار پول ضرر نمودید؟ با آه‌سرد گفت: چون تمام خرج فامیلی ما از درك همین خرید و فروش روزانه بوره می‌گردید چون در روز صد تا دو صد افغانی و بعضی اوقات زیاد تر از آن فروش می نمودیم، اما درین مدت چار روز همین عاید ما قطع گردید واز جیب خود ویا قرض ضروریات روزانه خود را پوره می نمودیم .

در مورد اعمال جنایتکارانه یك تعداد اشخاصی که هدف شان جز خرابکاری و ناارام ساختن مردم چیزی دیگری نبود سوال نمودم :رضا داد در جواب گفت:این عمل آنها یك عمل وحشیانه بود که به کمك بادار های خود می خواستند ما مردم غریب وبیچاره را تباه سازند وهمین زندگی غریبانه که داریم از ما بگیرند درآخر صحبت خود، اضافه نمود : حال دوباره ما به زندگی عادی خود شروع کردیم مثل سابق به خرید و فروش اموال خودمشغول هستیم وهیچ سودا و تشویشی به دل‌ما نیست. ازوی تشکر نموده دکانش را ترك نمودم .

همانطور که دکانداران از شر این نوکران امپریالیزم نجات یافتند و زندگی عادی خودرا باز یافتند ، طوافان‌نیز با تبنگ وکراچی های خویش در هرگوشه وکنار سرك ها وجاده های مزدحم شهر به خرید و فروش مشغول گردیدند، صحبتی نمودیم بادوتن از آنها ، در ابتدا با کیله فروشی که تبنگش پراز کیله بود و سه نفر از خریداران مشغول خرید بودند صحبت نمودم . وی خودرا علی جمعه‌باشنده اندراب معرفی و اضافه نمود : ما هشت نفر دریك خانه زندگی می نمائیم که خرج وخوراك همه آنها را مجبورم با فروش کیله تهیه نمایم ، به دو پهلوی



دکانداران شهر کابل همه اعمال خاینانه وجنایتکارانه نوکران امپریالیزم را شدیداتقبیح می‌کند.

او دو پسر خردسال دیده می‌شد، به آنهـا اشاره کرد که این دو پسرانم هستند وقسمی که‌دیده می‌شد کلانترین پسر اودر حدودشش سال داشت وباقی همه از او خرد بود ند،و او مجبور بود تا یکنفر برای هشت نفـر اعضا ی فا میل لبا س و خوراك تهیه نماید، پرسیدم : آیا تنهـا فـروش کیله مـی تواند مصارف روزانه تا نرا پوره نما ید ؟ با خو نسردی گفت :

پولی که از فروش کیله بد ست می‌آورم خیلی کم است که مصارف ما را پوره نمـی کند ومجبور هستم باکم بسازم تا پسرا نـم بزرگ شوند و آنها کمکی با من بنما یند وی افزود : به روز های پنجشنبه وجمعه از ترس نتوانستم کـار و غریبی نما یـم، پر سید م از تر س کی ؟

گفت : از تر س مردم غریب آزار و خیا نت کار ها که به هرجای می رصید ند غیر از سو ختا ندن ، شکستا ند ن شیشه ها و خرا ب کرد ن اشاره ها ی‌ترا فیك‌کاری دیگری از آن ها سا خته نبود ، حا ل

شکر می کنم که تمام مرد م کا بل و در جمله ما مردم غریب وبیچاره توا نستیم که به کار و غر یبی خود بر سیم ، از نزداو خدا حا فظی کرده می خواستم بادکانداری دیگر ی سر صحبت را باز نما یم ، طوا ف دیگری که او مالته می‌فروخت توجهـم را به خود جلب نمود او هم منتظر بود تا با او



طوافان باخاطر آرام وآسوده به‌خریدوفروش‌اموال مصروف اند

هم صحبتی نمایم واو در باره کار وبارش‌و حواد ث اخیر برای ما چیزی بگو ید .

وی خود را غلام سخی معر فی کرد ،از قیافه اش‌معلوم بود که از حوادث و واقعا ت اخیر کابل خیلی دل خون داشت. وی کـه شمرده .شمرده سخن می‌گفت افـزود: شش نفر اعضای فامیل ماست که نفقه همه آنهارا مجبورم برای شان تهیه کنم ، شما فکـر کنید که اگر یك روز نتوا نم ما لته‌بفروشم یگا نه را هی که یك اندازه پول از طریق فروش آن بدست می آورم پس چطور مـی توا نم زند گی غر یبانه خود و با قـی اعضای فامیل خود را پیش ببرم ، خـدا را شکر می کنم که بلا بود و برکتش نه وما از دست این مردم آزار ها و دزد ها نجات یا فتیم و حا ل به کار و بار روزمره خـود شروع کردیم .

از پل باغ عمومی گذشته سری به دکان ها وپر چون فـروشان رو ی سرك بـازار مندوی زدیم تا از آنها بشنو یم در مـورد حوادث اخیر در کابل چه اظها را ت و نظر یا تی دارند در اول با دکا ندار یکی‌از خورا که فرو شی ها که اسمش را محمد ابراهیم گفت سر صحبت را باز نمود یـم، از ابرا هیم پرسیدم به علت حادثه ۳ حوت برای چه مدتی دکان تا ن مسدود بود ؟وبه چه‌اندازه خساره برای تان عاید شد؟ گـفت: همین دکان را که می بینید ، عاید ی‌که ازدرك فروش اموال آن بدست مـــی آوریـم سه فا میل را نان میدهد که در حدودهژده نفرمی‌شود ودرین مدتیکه دوکان مابسته بود باکـرایـه دکـان و باقـی مصـا ر ف در حـدود بیست هـزار افـغانی ضرر بما رسیده و اگر مسدود بود ن دکا ن های ما ادامه پیدامیکرد فکر کنبد کـه نقص و ضرر مابه‌بکجا می رسید وبه چه مـدت طو لانی ، می توا نستم آنرا دو با ره‌پوره نمایم و بازهم خدارا شکر گـذارم کـه ازشرای مردمان ناعاقبت‌اندیشی که به جز خرا بکا ری ، فر یب مرد م بیچاره وآزار دادن ،کاری دیگری ندارند نجات یافتیم . در حینیکه بادکـانـدار مذکور صحبت می‌نمودم خر یداری آمد و میخوا ست بوره بخرد، از وی خوا ستم تا سخنی چند در مورد حادثه ۳حوت نگوید تا ما به خوانند گا ن محترم

بقیه‌درصفحه ٤٦



سیف الدین میگوید: یگانه عایدم فروش‌آلوبخارا ست که‌خرج فامیلم راپوره می‌کند



شهریان کابل ودکانداران همه دوباره به زندگی عادیشان ادامه میدهند.



هغه ځوك چی هټی بندوی اودخلکو اړتیاوی په نظر کی نه‌نیسی‌تاسی هغوی ته انسان او وطنپال‌وایاست؟

نور عوام غولونکی موږ نشی تیرایستلای

کران هیواد وال ښه خبر دی چی پدی ور ستیو وختو نوکی د نړیوال امپر یا لیزم اجنټان او د هغوی په سر کی د امریکا ، چین ، مصر او اسرائیلی گوډا گیان چی پــــه پا کستان ،او نورو ارتجاعی قوتونو لخوا تربیه او زموږ گران هیواد ته لیږل شوی وو ،چی دحـــو ت پــه دوهمه او دریمه نیټه د کا بـــل په ښار کی یی دخپلو بادارانو پــه امر په وحشیانه ډول ، په نـــاروا کارو نو لاس پوری کړ او په نتیجه کی زموږ دانقلابی سربازانو له‌خواد گرانو هیواد وا لو په پوره همکا ری دړی وړی شـول او ســی زمـــوږ خلـکو ور ځنی‌ژو ند په عا دی دول مخ په وړاندی ځی د ژوندوزدمحاری، خبر یال د دغو ناروا او تخر یبی کارو نو څخه ورو سته گرانـــو ښار یانو او هټی والو سره مرکـه کړی چی دادی تاسو در تـــــو لوستونکو ته وړاندی کیږی .

دمندیی‌په‌بازار کی دنو ر هټی والو په څنگ کی یو سپین ږیری سړی چی تقر یبا اویاکلن‌دی په‌یودوکان‌کی ناست او ځنی علدی شیان جـــی دده دژوندا نه‌څه ناڅه اړتیا وی پوره کوی خر څوی پوښتنه ځنی کوم‌چی کاکا جانه ستاسو نوم څه دی ؟

. وایی زما نوم سر دار علـی او د خوست د لوی ولسوالی څخه یم مگر اوس ژو نداو کور می په کابل کی دی .

– څو ورځی دی دکان بندو ؟ او بل داچی که مهر بانی وکړی‌دگرانو ښار یانو له پاره دخپلو هټـــی د بندو لو جریان راته ووا یاســـــت خوشحاله به شم !

– دچهارشنبی په‌ورځ (دحـوت) په‌لومړی‌نیټه څوتنه‌هیواد خر څونکی څو تنه اوبا شان په منډه یی‌کی یو شمیر هټی والو ته یی وویل ره چی سبا مو دوکان بند کړی دوکاندارانو په ځواب کی ورته ویلی وه چـــی څرنگه یی بند کړو د چا او د کوم مقام په هدایت ؟

په ځواب کی یی د خپل پټو لـــه لاندی برخی نه یی تو مانچـــــه ورښکاره کړی وه چی دغه‌امر اومقام دی چی دغسی ټول هټیوال خبـــر شول او بعضی‌یی په سبا خپلو دوکا نونو ته را نه غلل .

تاسی له ځانه سره دا سوچ‌ونه کړ چی دوی خرا بکـا ران دی او گډوډی پیښوی ؟

– ای ورور جانه ښه پوه شوو ، اما موږ خو بیچاره او نا توانه‌خلك یو ، لکه څنگه چی په نورو ولایاتو کی یی کورونه چور کړ یـدی او دو کا نونه یی سو ځولی دی موږ هم وبیریدلو او خپل دوکانونه مو و تړل ، څرنگه چی پـــوه شـــو چی دغه جنا یتکا ران زموږ دانقلابی دولت له مقا ماتو لخوا ونیول شول موږ هم خپل دو کانونه خلاص‌کړل چی اوس په عادی ډول زمـــوږ د ښلورلو بازار روان دی .

نو موږ زیاته کړه : ته به‌خپله گوری چی زماپه هټی کی عـــادی شیان چی ډیره گټه هم نلری پراته دی خو ددغو شیانو دپلورلو څخه یوڅه خیله گذاره کوو ورور جانه ددغه دکان څخه شپږ کسه ډوډی خوری کومه ورځ چی هټی‌می بندوی نوبی له اوړه څخه زموږ په کـــور کی هیڅ شی نه پیدا کیږی نــــر په دغه څلورو ور ځو کی چی زمـا هټی بنده وه په خدای چی وچـــه ډوډی مو له چای سره خوړلـــــی هغه هم چی خوږه (بوره) ور سره نه وه خدای دی د دوی کورونـــه وران کړی په دغو ورځو کی تقریبا دری څلور سوه روپی می تـــاوان کړیدی .

–ستاله‌نظره دغه کسان څوك دی؟

– زماله نظره د غه کسا ن لـــوی پاتی په ٤٦ مخکی



کومه ورځ چی زما هټی بنده وی‌نو زموږ په کورکی بی له اوړه څخه نور څه نه پیدا کیږی څکه هغه‌پیسی چی دورځی گټم مازیگر دخپل دکور ضروری شیان پی را نیسم‌او تر بلی ورځ په انتظار !

امین می گفت زنده بادخودم !؟

مردم می گفتند مرگ بر امین وچنین هم شد

تحولات وتغییرات روز افزون وهمه جانبه درسطح جهانی که بسود نیرو ها صلح ، دموکراسی ، آزادی وبضرر امپریالیزم، صهیونیزم، ارتجاع، اپارتاید وتبعیض نژادی شاخص وخصیصه‌ی عمده‌ی دوران ما یعنی دوران گذار بطرف جامعه بهروزی وبهزیستی است .

مبرهن است که یکی از قوه های محرکه وپیش برنده‌ی این گذار همانا تضاد موجود بین دو سیستم عمده‌ی جهانی یعنی اردوگاه صلح وترقی واردوگاه تجاوز، ارتجاع و امپریالیزم است . کسانیکه در جهت صلح وترقی هستند وبرای پیشرفت آن عمل می‌کنند از وسایل صلح جویانه وترقی خواهانه وبالنتیجه انسانی استفاده می کنند وآنانیکه در جبهه‌ی ارتجاع وامپریالیزم قرار دارند از وسایل ارتجاعی، تجاوز کارانه وبالنتیجه غیر انسانی استفاده می برند .

تاریخ به صراحت گواهی میدهد که د ر طول قرون متوالی همیشه پیروزی وسرخرویی ازآن کسانی است که اهداف انسانی را با وسایل انسانی می خواهند . وتازمانیکه حق-تلفی، تجاوز وغصب حقوق دیگران موجود باشد آن جنگ وآن مبارزه‌ی سپید طینتان یعنی نیرو ها ی صلح وترقی برضد اهریمن سیاه طینت ادامه خواهد داشت .

خلق مستضعف افغانستان در طول تاریخ وبخصوص بعد از دهه‌ی سوم قرن حاضر از دست سیاه طینتان زیادی از جمله نادر، ظاهر وغیره به انواع واقسام مختلف وگوناگون شکنجه شدند ، آزار دیدند به غل وزنجیر کشانیده شدند ، تبعید شدند، و... ولی بازهم ازپانه افتادند وشجاعانه صدای رسای آزادی خواهی وطرد ظلم واستبداد را بلند کردند اگرچه این صداها با نفیر سرب های اهریمنان وسیاه طینتان درگلو ها خفه‌ساخته می شد ولی بازهم بدنبال صدای خاموش شده توسط گلوله‌ی اهریمنان صدای صدهاوهزار هاآزادیخواه ووطن پرست بلند می شد .

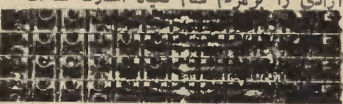
این مبارزه شریفانه ادامه داشت ولی بصورت تك تك وغیر متشکل، تااینکه به پایمردی حزب دموکراتیك خلق افغانستان عاملین همه صدا های آزادیخواهانه، مترقی ووطن پرستانه یکجا شدند وبه ضرب المثل معروف حزب دموکراتیك خلق افغانستان همه از آزادیخواهان ووطن پرستان را یکجا کرد تاباهم صدا ونعره بکشند باهم یکجا تنفس کنند و... زیرا خلق اگر باهم یکجا صدای آزادی خواهی بلند کنند گوش اهریمنان را کرمی کند واگر خلق یکجاوباهم تنفس‌کنند طوفانی برپا می دارند که خس و خاشاك ارتجاع ووطن فروشان را بباد فنا می دهد وازبیخ وبن برمی کند .

آری چنین شد وانقلاب ظفرمند ثور این حقیقت رادر عمل به اثبات رسانید خلق باهم وبه اشتراك هم، همه اهریمنان کاخ نشین و مردم دشمن را به‌کام نیستی سپردند .

ولی افسوس که ازین پیروزی ودست‌آورد های آن هنوز مردم شریف وطن متمتع نشده بودند که اهریمن نقاب پوش بازهم خاطرات تلخ گذشته وحتی تلخ تر از گذشته رایکبار دیگر برخلق عملی نمود .

خلق افغانستان در طول تاریخ خود چندین باربه این وضع اسفناك دچار شده اند ، باری خلق بابذل جان و مال خود اردوی تجاوزگر واستعماری بریتانیا را در طی‌اولین ودومین جنگ افغان وانگلیس به شکست مواجه ساخت ولی امیران وکاخ نشینان خائن بوطن وامیال مقدس مردم باحیل ونیرنگ‌های گوناگون نگذاشتند مردم ازین جانبازی خود به نفع خود ووطن خود وآرامی وآزادی خود مستفید شوند، امیر عبدالرحمن ها مثال های خوب این حقیقت هستند .

همچنان آوانیکه خلق شرافتمندوآزادیخواه افغانستان طی نبرد قهرمانانه برضد استعمار امپریالیستی انگلیس درطی جنگ سوم‌افغان وانگلیس (۱۹۱۹ع) بابذل جان های شیرین خود استقلال سیاسی خویش را کسب کردند واراده‌ی خودرا بروطن وسرنوشت خود حاکم ساختند بازهم این سیاه طینتان و مرتجعین کاخ نشین جاسوس‌صفت بودندکه نگذاشتند مردم ماحاکم برسرنوشت شان باشندوحیات آرام وبدون باداران داخلی واستعمارخارجی را بگذرانند . بیاد بیاوریم دوره‌ی سیاه ومردم دشمنانه‌ی آل یحیی و بخصوص نادر غدار این نماینده ودست نشانده‌ی استعمار کهنه کار بریتانیا را که چگونه دست آورد های استقلال افغانستان را سخاوتمندانه !؟ بپای استعمار وامپریالیزم ریخت وبا سیاست های اختناق آور وجبارانه ی خود صبح زیبای آزادی را برمردم شام سیاه اسارت ساخت .



مردم افغانستان بابه پیروزی رسانیدن رستاخیز ملی ودموکراتیك هفت ثور ۱۳۵۷ امید وآهنگ داشتند که برای همیشه خودرا ازچنگال فقر، جهل، مرض، استعمار، استبداد وطبقات مفت خوار وطفیلی نجات دهند و در پهلوی ممالکی ایستاد شوند که باآبرو و آزاد زندگی می کنند .

این یك حقیقت پرواضح بود که یگانه‌راه نجات خلق از آن همه سیه روزی ها ورهایی از اسارت سیاهکار ها همانا به پیروزی رسانیدن انقلاب اجتماعی بود . زیرا مطابق حکم علم وتحلیل حقایق در افغانستان حزب دموکراتیك خلق افغانستان با مطالعه دقیق وعلمی تکامل اجتماعی وشرایط عینی و ذهنی جامعه‌ی افغانستان به این نتیجه رسیده بود که باید انقلاب اجتماعی را به پیروزی‌برساند ودر تحلیل نهایی انقلاب اجتناب نا پذیر و یگانه راه علاج پذیری دردهای مردم بود واست وچنانکه گفتیم این آرمان در ثور ۱۳۵۷ اپریل ۱۹۷۸ به نیکی برآورده شد .

اینجاست که دو سیاهکار وسیاهروی قدیمی دست های کثیف شانرا باهم می‌فشارند ومی خواهند که باتوطئه ها ودسیسه هاومظالم واستبداد روز سپید مردم افغانستان را چون خود شام سیاه بسازند ویکبار دیگر مردم شریف وآزاده افغانستان را به بند بکشند . این دوهیولا وایندو سیاه طینت همانادونیروی ارتجاعی از داخل وخارج (از داخل امین‌معلوم الحال وجاسوس سابقه دار وباند بی فرهنگ واوباش او واز خارج سی ، آ ی ، ای و متحدانش بودند .

همان بود که دراثر نفوذ ظاهراً تنها امین ودر حقیقت توسط امین ، سی آی ای در دولت وحزب انحراف وعدول از آرمانهای‌اصلی واصولی انقلاب آغاز یافت وزنگ های‌خطرات جدی نه تنها بر علیه بی اصولی وبی بندو باری وخیانت وغیره بصدا در آمد بلکه‌مردم ما می‌دیدند که‌امین‌ودار ودسته‌ی بی‌فرهنگش در پهلوی همه مظالم واستبدادی که بر خلق روا می‌دارند کشور را بسوی نا بودی ونیستی و تجزیه می کشاند امین خاین و جاسوس نه تنها از اصول انقلاب عدول نمود بلکه در طرز زندگی وعیاشی وجلالی شکوه در بار خود دست شاهزادگان وامرای سابق را نیز از پشت سر بست . اعمال وکردارامین ، وامینی ها دربار های قرون وسطی اروپا را بیاد میاورد وتهی مغزی امین این تشابه را وسیع تر وعملی تر می‌ساخت . امین نه تنها خود را بدون استحقاق بحیث به‌اصطلاح لومړی وزیر جازد ، بلکه یك برادر خود که اصلا زندانبان وبعداً معتمد !؟ در سپین زر کندز بود وسوابق درخشانی در پاك نفسی !؟ داشت بحیث رئیس تنظیمه وکل‌الا ختیار (آمر عمومی امنیت) همه ولایات شمالی کشور مقرر نمود وپسر این پاك نفس !؟ نیز به‌تعداد انگشتان دست‌وپای‌خود وظیفه ، پست‌مسوولیت ومقام داشت .

این مثلث طاغوتی ، بی فرهنگ وجاسوس (حفیظ‌الله امین ، عبدالله امین واسدالله‌امین) که همه‌محافظونوکر گوش بفرمان‌امپریالیزم امریکا بودند وعلاوتاً این سه دژخیم سفاك بهمراهی « بادنجان های دور بشقاب خود » (باند امین) چنان مظالمی را بر مردم بلادیده و بلا کشیدهٔ ماتحمیل کردند که با یاد-آوری وتذکر آنها قلم عار وکراهت می کند. ده ها هزار نفر به سلول های مخوف‌کشانیده شدند ، هزار ها نفر سر به نیست شدند .

امین وامین ودستیاران روی سیاهش آگاهانه ویاناخودآگاه بشکل‌مسابقه باسیاه-کار ترین وجبار ترین جباران تاریخ عمل می نمودند ، پنوچت ها پول پوت ها . هیتلر ها، موسولینی ها ، بیزون ها، نادرها و غیره درین مسابقه از امین پس ماندند وخوشنما تراینکه همه‌ی این اعمال غیر انسانی و سیاه را امین بالفاظی خاص خودش لباس سرخ انقلابی می پوشاند وبنا به دستور «لنگی» و سی ، آی ، ای با اینکار خود از یکطرف می‌خواست ترقی ومترقی را چون خود سیاه سازد واز جانب دیگر باایجاد ترس ورعب وواهمه در اذهان عامه تسلط ننگین خود را محکم نماید ودوام دهد . امین بادر دست داشتن این شمشیر دو تیغه می خواست‌همان خواست ها وعقدات شیطانی واهریمنی خود را اقناع کند چه این بی فرهنگ وجاسوس در عمل ثابت کرد که چون لوئی های قرن هجدهم فرانسه تئوری مطرود «دولت منم» «خودم زنده باد مرگ برهمه» وغیره رایکبار دیگر زنده نمود . امین می گفت که اگر نیمی از مردم افغانستان ونیم خاك افغانستان باقی بماند من بر آن حکومت می‌کنم !؟ و نا بخردانه وبا وجود این اعمال جنایتکارانه خودرا پایندموابدی‌می‌دانست. ولی‌همانطوریکه چشم وگوش این نا بخرد وجاسوس کور وکر بود وندای آرام همه مردم که می گفتند مرگ برامین ، مرگ براین جاسوس‌امپر-یالیزم ، مرگ بردارو دسته‌ی خونخوار امین را نمی‌شنید وجانبازی ها وفدا کاریهای‌مردم را در زیر چتر مظالم وبیداد گری های خود نمی دید .

آری مردم سلحشور وآزاد یخواه ما یکبار دیگر دست بدست هم دادند ودر عمل ثابت کردند که عمر جباران سپنجی بیش نیست وقهر وغضب مردم آنرا به گور نیستی‌خواهد سپرد وکار نامه‌ی ننگینش را بروی قبر کثیفش نقش خواهند کرد . همینطورشد .

امین واسلافش «در بار های سابق» بنابر ماهیت شان چنین می پنداشتند که عامه‌ی مردم حق مداخله در سیاست را ندارند ونمی توانند کاری را از پیش ببرند . ولی باید دانست واین حقیقت را عمل انقلابی انسانها ثابت کرده است که این مردم است که تاریخ را می سازند نه افراد وآنهم ا فر ا د تهی مغزی چون امین ودیگران .

بقیه در صفحه ۴۳

سیری در جهان هنر

بیش از شانزده سال میگذرد که ستدیو های بزرگ اما توران در گوشه و کنار گیتی معروف فعالیت میباشد .

ترجمهٔ : (غیور)

رسالت و وظایف تیاتر های اماتور



گوشهٔ از نمایشات فستیوال جوانان اماتور که طی سال گذشته تحقق پذیرفته است .

در این ستدیو ها جوانان کشور های مختلف دور هم جمع شده به تمر ینات و انجام تمثیل میپردازند نتیجهٔ بدست آمده اینست که در حال حاضر در هر سال بطور اوسط سه هزار اماتور به جامعهٔ بشری تقدیم میگردد .

حقیقت اینست که بین فعالیتهای عنعنوی تیا تران و جوانان رابطه خیلی ها نزدیك وجود داشته طی قرون متمادی با بمیان آمدن تغییرات در السنه و کلتور خلقها مد و جزر های گو ناگونی در این ساحه بمیان آمده است . با گذشت وقت و زمان دسته های اماتور به گروه های تصنیف شده مبدل گشته رشته های مطلوبه را بصورت اختصا صی انکشا ف داده اند لیکن تیاتر های اماتور بحیث یك هسته تحت تاثیر تغییرات لسانی و کلتوری هرگز واقع نگردیده اند. حقیقت اینست که رسالت و وظایف تیاتر های جوانان اماتور در عصر حاضر نظر به گذشته فرق فاحشی را داراء میباشد و علت آن اینست که تیاتر های اماتوران امروزی بیشتر از همه تحت تاثیر انکشافات صنعتی شدن واقع گردیده است .

(سا سا لیسی) نام او لین نمایشی است که در فستیوال هنر های جوانان در سال (۱۹۶۲) در شهر (ها او نو ف) بگر فتن مدال موفق شد ، پس ازآن رهبر تیاتر های جوانان اماتور (جیری ساك) به اوج شهرت رسید این آماتور جوان که اصلا تبعه چکوسلوا کی میباشد در سال (۱۹۶۶) در فستیوال تیاتر جوانان در لندن اشتراك نمود .

وی درین فستیوال او لین اثر خودش را به نمایش گذاشت که (به تمام جوانان گیتی) نام داشته از جمله بهترین نما یشنامه ها در دههٔ (۱۹۶۰) بحساب می آید .

این اما تور جوان پس از باز گشت از لندن به‌کشور های‌اطریش و جمهو ریت فدرالی المان‌مسافرت نمود و سال گذشته نیز از چندین شهر خورد و بزرگ ایتالیا دیدن نمود .

وی در تا بستان سال جاری یکی از نما یشنامه های مو زیکال ساخت خودش را در تیاتر هنگری در معرض نمایش قرار داد واکنون آمادگی خویش را جهت اشتراك در فستیوال جوانان آماتور که‌قرار ا ست د ر آ ینده ه نز د یکی د ر شهر (مو نو کو) بر گزار نز دیکی در شهر (مونا کو) برگزار گردد اعلام نموده است . بر طبق پرو گرام مجوزه در فستیوال قریب الو قوع (مونا کو) یك فستیوال خاصی بمنظور از تجلیل سال کودك صورت خواهد گرفت . نویسند گان متعددی کتب شانرا که پیرامون اطفال نوشته اند درین فستیوال به نمایش قرار خواهند داد .

حقیقت اینست که ستو دیوهای هنری آماتور در بلند بردن سطح دانش جوانان اماتور نقش مهمی را بازی می نماید . طی چند سال اخیر قیو دیکه قبلا در همجو ستو دیو ها در مورد تکت ادخال وضع گردیده بود . یابه کلی رفع گردیده و یا اینکه در حال رفع شدن است . به تاسی ازین مفکوره توقع میرود ... با شروع سال (۱۹۸۰) جوانان اما تور در ساحهٔ افاقی شدن هنر تمثیل به پیشرفت های شگفت انگیزی نایل آیند .

از مزا یای دیگر همچو ستدیوها یکی هم ایجاد شدن زمینهٔ کار برای بکار اندا ختن استعداد های نهفتهٔ جوانان اماتور بوده است .

قرار معلوم طی سال جاری سه نمایش نامه اماتو ران در تیاتر



«شهزاده و غلام» نام نمایش‌نامهٔاست که به شکل موز یکال تهیه شده و در سال (۱۹۷۰) به گرفتن‌جایزه (نمایش بهترین سال) موفق شده است ، این نمایش نامه‌توسط(ام تون) دایرکت گردیده است .

پراگ مراحل تجربوی را به عقب گذاشته و توقع میرود بزودی ممکنه به ستیج های ارو پای شرقی راه یابد . طوریکه معلوم گردیده اجزای مهم یك پارچهٔ تمثیلی را که توسط جوانان اما تور به ستیج کشانیده میشود سه چیز تشکیل میدهد که عبا ر ت از دا ستا ن ، مو سیقی و پرسونل میباشد .

نغمات مو سیقی قبل از کمپوز شدن به رشتهٔ تحریر در می آید و سپس در ور کشاپ های تخنیکی با رقصهای فو لکلور یك یکجا ثبت میگردد ، سپس مر حلهٔ تمرین و (پیلی بیك) آغاز میگردد ،جوانان اماتور خوش دارندطرز کار خویشش را پیشس از نمایشس به طبقات عامه در روی پرده تلو یز یون ببینند که رو یهمر فته در چکوسلوا کی و سایر کشور های عضو (کمیکان) ستو دیو های جوانان اما تور با اقسام و انواع مختلف آخذه های تلویزیونی مجهز و عیار گردیده است .

طی یکی دو سال گذشته بصو رت سر سام آوری بسیاری از اعضای ستو دیو ها یا رشتهٔ آرت و درا ماتیك را انتخاب نموده اند ویا اینکه برشته ستیژ منیجری شتافته اند تا حا ل معلو م نیست که این تمایل جوانان روی چه انگیزه استوار میبا شد .

(ماریا اسپور نا) که یك تن از هنر پیشه گان ستو دیوی آرت و درا ماتیك در (بو هیمای شما لی) به شمار میرود تصمیم گرفت پس از سال ها هنر نما یی از رشتهٔ آرت و درا ماتیك دست کشیده به رشته ستیج منیجری بپردازد .

طوریکه یك احصا ئیه نشان میدهد از سال (۱۹٦۱) به اینطرف بطور اوسط سالانه بیشس از (۱۵۰) نفر جوانان اماتور رشته های‌شانرا تغییر مید هند ، در حال حاضر گروه های جوانان به گروه های اختصاصی طوری منقسم گردیده که تعداد اعضای هر گروپ به سی‌نفر میرسد .

یکی از اهداف آینده تیاتر های جوانان اماتور اینستکه اینان‌بتوانند در برابر احضار عامه آنطور یکه هستند خود شانرا جلوه دهند .

ازین کار هدف اینستکه جوانان از اصالت ریا لیزم کار گرفته‌تحت تاثیر انکشا فات فا نتیزی هرگز قرار نگیرند . باید گفت که در طی ده سال اخیرگرو های جوانان‌اماتور در چکو سلواکیا ساحهٔ فعالیتهای خویش رابه دو جهت مختلف متوجه گردانیده اند که عبارت است از اتحادیهٔ کار گری در دهات ومراکز کلتوری و فر هنگی در شهر ها و مراکز صنعتی .

هنرمند مبتکری بنام مرالیوبا

زندگی هر لحظه بسوی نو شدن میرود .

این دوشیزه زیبا و طناز جمله فوق را در حالی بزبان راند که دقیقانه بمن مینگریست. بعد بحرفهایش ادامه داده گفت :

«شما نباید از من پیرامون این موضوع که چرا تصمیم گرفتم تا یك نقاش بار آیم سوالاتی بعمل آورید . همچنان آرزو ندارم باین سوالات که به چه چیزی علاقه دارم ومیخواهم در آینده به چه کاری اشتغال ورزم واکنون به چه شیوه کار مینمایم پاسخ بدهم . زیرا این سوالاتیست که من ده ها بار آنرا از نامه نگاران شنیده ام» .

روی این منظور ماباید جواب بعضی سوالات فوق رادر تابلو های نقا شی این هنرمند قشنگ وتوانا، جستجو نماییم .



میرالیوبا

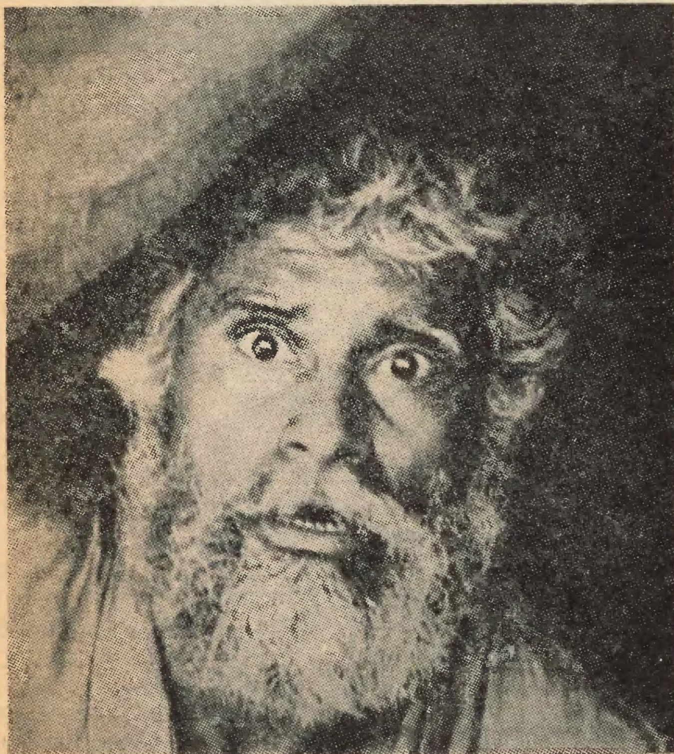
کار های نقاشی این دوشیزه نمایندگی از نبوغ او مینماید وانسان میتواند در هر تابلوی هنری او، مضمون وحتی مضامین تازه وبکری را بروشنی تماشا کند وباین نتیجه برسد که مرالیوبا هنرمندیست نوآور و تازه پسند واز کهنه پرستی دلزده وبیزار، چنانچه خود وی اظهار میدارد :

«نمیدانم چرا مردم دنیا بخصوص هنرمندان جهان برای دریافت مضمون وسوژه نو وتازه این سو وآن سو آواره وسر گردان میباشند . من به محیط ومردمان که‌درما حول وجود دارند بکلی قانع می باشم وبکرترین وتازه ترین مضمون وسوژه کار های هنری خویش را از زندگی وموجودیت آنها حاصل مینمایم .»

لیوبا آرزو دارد مفسر زبان و شرح دهنده زیبایی های طبیعت نیز باشد .

دمحقق ژباړه

په‌هندي‌فلمونو کی اجتماعی ستونزی



دپار سوزام دفلم یوه هنری څیره

هندیانو دهغی آزادی راهیسی چی‌داستعمار څخه دخلاصون په نتیجه کی یی تر لاسه‌کړی اود ژبنی‌نسبتونو په‌اساس یی‌مختلف‌ایالتونو جوړ کړی‌دی هڅه کړی ده چی سینمایی‌هنر ته زیاته وده ورکړی . هوداوس دوغه ستر هیواد په‌بیلا بیلو سیموکی دفلم تهیه کولواوه‌شپیته ستدیو گانی چی په کلتوری اواجتماعی‌برخوکی دهندوستان په دولسو اصلی ژبوفلمونه‌تهیه کوی موجودی دي . دغی ژبی عبارت‌داردو، تامیلی ، مالیلام تیلگو کنارا، بنگالی گو جراتی ، ماراتی‌اوریااو پنجابی څخه‌دی.د۱۹۲۰ کال راهیسی هندوستان دیولړفلمونو‌په‌جوړولو اوتهیه کولو کی‌دنړی په‌سرکتارکی سترحیثیت غوره کړی دی‌په‌تیره بیاهغه وخت‌چی دصنایعو په‌بیلا بیلو برخو کی یی څه دپاسه دوه‌سوه‌زره کارگران په کار گمارلی‌دی.

وروسته له استقلال څخه دیوی‌اعلامیی په ترڅ‌کی دفلمونو په هکله‌یولړ ستونزی‌څرگندی شوی‌دی. شك نشته چی فلمونه دخلکوپه‌تربیه اوروزنه کیی اغیزه ناکه رول لری دمثال‌په‌توګه دداسی عکسونوښودل‌لکه(ماشومان‌به خاوروکی دهځکی دوی کروندی د مکروبونو له منځه

پاتی په۴۳مخ کی

ترجمه : غ کوشان

قسمت سوم

عریضه برای آب

تو میخواهی که یك تولی پولیس بر سر من بریزد وهمینجا خیمه بزنند.

-مگر بادار جان کی قدرت دارد که طرف تو کج ببیند ؟

-تا حال قدرت ندارند .اما اگر حالا این قدرت رأبیابند !!فراموش نکنی که منصبدار پولیس ، دشمن من ، گوشتزار است ، نزدش ، راسأراه دارد!

-بادارجان ، پس چه کنیسم؟

-وقتیکه قدیم پایش همینجار سید، اورا راسا نزد من بیار . اگر قناعت بکنند که عریضه خود را پس بگیرد . باز پس از چند روزی او را هم نزد پدرانش روانه میتوانیم ، بدون اینکه سروصدائی برخیزد وکسی خبر شود.

این قصه خوش میر آب آمد . خنده کرد ، تاحدی خندید که بروتهایش جنبیدو اضافه کرد:

-قسم است که حرف تو به ده برابر است بادار جان قدیم و کارقدیم را بان برای من .

و رفت وچند نفر از نوکران سرهنگ آغارا وظیفه داد که در راه مراقبت کرده و ببینند همینکه پای قدیم رسید باو خبر بدهند .

چندین روز گذشت وسرهنگ آغاهم پرسیده میرفت که آیاقدیم پس آمده یا نی ؟

آخر ،یك روز شام بود که میر آب از دور یك آدم را دید درکنار راه آهسته و مانده و خسته روان است . دور بین انداخت وتشخیص داد که قدیم است.

میرآب فورا به خانه زمین دار رفته و دو نفر از خدمتگاران او را صدازده گفت :

یکی تان طرف چپ سرك پنهان شوید یکی تان طرف راست . من در ما بین سرك ایستاده میشوم .

-چرا اینطور کنیم ؟

-یك کسی است که باید بگیریمش.

-ما سلاحی نداریم .

-پروا ندارد . من یك تفنگچه دارم.

دو نفربه‌دو طرف سرك پنهان شده و از بین بته ها سرك را زیر مراقبت گرفتند وقتیکه قدیم به ده قدمی شان رسیدمیرآب دست خود را بالاکردوگفت:

-بیا اینجا ... من ترا کار دارم .

قدیم همینکه میر آب را دید تنفرش آمد . زیر لب گفت : حوصله‌دیدن این آدم را ندارم .از دیدنش دلم مثل علت وریم زخم جوش میزند . بهتر استسگی راکه بپایم چك می زند . به بینیم‌نه‌اورا وباز پیش آمده‌چنین پرسید:

-میرآب . با من چکار داری؟

یکبار ببینیم ، بعد صدای خود را بلندکرده

-سرهنگ آغا ترا میخواهد !

-من حالابرای حرف زدن وقت ندارم. میایم .

قدیم میخواست براه خود ادامه بدهد که میر آب دم رویش ایستاده شد وگفت

-سرهنگ آغا میخواهد با تو حرف بزند .

-من حالابرای حرف زدن وقت ندارم.

-هوشت را بسرت بگیر . عقلت را بسرت بگیر . بمقابل زمین دار کلان‌ده چنین حرف را میزنی ؟

-من‌هوش و عقل ندارم .

-قدیم خواست خود را از چنگ اووارهاند میر آب به هر دو نفر خود صدا کرده گفت که آهسته آهسته بیایند . قدیم‌در حالیکه مشت خورا گره زده و بروی میر آب حواله نمود گفت :

-لعنت من بر سرت. تو شیطان حرامزاده وچنان محکم زد که خون ازدماغ‌میرآب بیرون شد . میرآب به هر دو نفر صدا کرد :

-چه بیغم ایستاده وتماشا میکنند. نمی بینند که مرا میزند .

هر دو نفر بجان قدیم بیچاره افتاده و دستهای او را بطرف عقب دور دادند .

لیکن قدیم با یك حرکت قوی توانست که بچشم میرآب تف کند . ومیر آب صدا زد .

-او قدیم ... تو دیوانه شده ای !

-حالا دیوانگی را نشانت میدهم .

-قدیم ... او قدیم .

-چپ حرامزاده ... تو بچه سگ ،ظالم ناروا.

هوا تاریك شده بود . سرهنگ آغاکه صداها را شنید از خانه آمد .

حویلی طولانی و عریض خود را طی کرده بسرك ایستاده و صدا کرد .

-میر آب ... چه‌گپ است ؟

-گیرش کردیم . بادار .

-بیاریدش اینجا

-سرهنگ آغا ... نمی آید .

-کشش کنید . برایش بگویید که سرهنگ آغا ترا خواسته است .

هنوز قدیم میکوشید که‌خودرا خلاص کند و هنوز خون از بینی میر آب میچکید . میر آب جیغ زده گفت:

-قدیم ... میگویم برو ... برو که سرهنگ آغا ترا طلب میکند .

-من نمیروم .

-عقلت بسرت است. دیوانه شده ای !!

-کسیکه عقل خودرا باخت باز خود دیوانگی میکند . من دیوانه نیستم .

قدیم این کلمات را آنقدر بلند گفت که نه تنها میر آب و دو نفر دیگر شنید بلکه سرهنگ آغا از آن راه دور هم آنرا شنید وبلند صدا زد :

-من عقلت را باز بسرت میارم .بزنجیر میاندازمت .

خودش هم دست انداخت و چار نفره قدیم بیچاره را کشان کشان به حویلی عقب خانه سرهنگ آغا بردند .

سرهنگ آغا به قدیم گفت :

-تو بچه سگ ... زور مرا دیدی ... بیارید زنجیر .

-سرهنگ آغا چرا ؟ چه شده ؟ من چه‌کرده ام ؟

-حالا زور میفهمی ... تو بچه سگ... فوری بمن بگوی که چرا به شهر رفته بودی ؟

-رفته بودم که شکایت‌کنم.

-نزدکی ؟

-نزد مامور پولیس .

-خوب باز چه شد ؟

-نبود . بدفتر خودنبود.

-و باز چه کردی ؟

-رفتم نزد بالاتر .

-واو چه کرد؟

-هیچ.

-حرف نمی زنی ؟

-نی .

-میر آب ...بگیریدو بزنجیربسته کنیدش .

آنها او را طوری بستند که دست وپای خودرا شور داده نمیتوانست.

سرهنگ آغا فریاد زد .

-بحاکم چه گفتی ؟

-هیچ چیز !

-بزنیدش... خوب بزنید.

میر آب از قصد خون شدن بینی‌خود قدیم را چنان زد که نپرس . با مشت، با لگد و با چوب . قدیم بیچاره نقش‌زمین ماند .

-سرهنگ‌آغا ... بس است بیچاره میمیرد !!

-نمی میرد .

-بادار ببینید که سرش به عقب‌افتیدو آویزان شد .

-چرت خودرا خراب نکن ... یك دهقان از سگ کرده مقاومت دارد !

-ولی شما یك بار ببینید بادار .

-دیدم . همرای زنجیر او را به سر زمین ها بیندازید . به هرکس‌بگویید که قدیم بعد از آمدن از شهر دیوانه شده و خود را بازنجیر خفه‌کرد.

میر آب تعظیم نمود . قدیم بیهوش افتاده بود .

-این لاشه مردارو گندیده را بیرون در برده و روی خارها بیندازید .

نوکرهای سرهنگ آغا از پاهای قدیم‌گرفته او را از حویلی بیرون‌کشیده ابر پیش میرفت باد مشتهای از خاك در کنار جوی انداختند و خود آهسته بر گشتند .

شب‌رسیدقدیم کم‌کم بهوش‌آمد. شور خورد گلویش بیرون شد. چشم خودراباز کرد . پوره بهوش آمد . و شروع‌کرد که بر روی‌سرك به سینه خود را کش‌کند واز شدت درد وا لم ناله جانکاهی از زنجیرهای که‌با وبسته بودند صدابر آوردند . بعد از تلاش زیاد قدیم‌سعی کنان بپا برخاست . زنجیرها را ازپای خود باز و بدست جمع کرد . لرزان. آفتان، خیزان عاقبت الامر خودرا بخانه رساند . دروازه را باز یافت و بداخل حویلی رفت . خانمش فریاد کرد :

-قدیم تو هستی ؟ آمدی بخیر !!

قدیم برحمت داخل‌شد و زنجیرهارا فرو انداخت

-قدیم ... این چه است ؟

-زنجیر .. .یك زنجیر

-چند خریدی ؟

-بمن دادند .

تو کیزه خانم قدیم چراغ تیلی را روشن کرد و جیغ بر آورد . روی قدیم سیاه و کبود شده بود . خانمش باتعجب پرسید :

-قدیم ! ترا چه شده ؟چه گپ است ؟

-هیچ نشده .جای خواب مرا درست کن .

توکیزجای خواب را درست کرد کالای شوهر خود را کشید و پایهایش راشست.

-اما قدیم گپ بزن ! چه شده ؟

-زن ! تو یك مقدار خمیر کن

-خمیر برای‌چه ؟

-که سر زخمهای خود بمانم ..احساس میکنم که ...

تو کیزپیراهنی او را بالا کرد .پشتش تمام سرخ وسیاه وکبود . پندیده‌و زخمی بود .

چطور افتادی که اینقدر افگار استی؟

-خمیر را بمان و سوال نکن .

تو کنیر آتش کرد . پا تله را با لای اجاق ماند . همرا ی دو غ خمیر کرد .
وبعد آنرا گرم با لای زخمها ی پشت لد یم هموا ر ساخت . همینکه قد یسم به بستر در آمد بی حرکت ما ند .بخا نم خود از ما جرا نگفت او عادت دا شت که هر چیز را به تو کینر میگفت هیچ چیزی را از او پنها ن نمیکرد . اما قصه لت‌خوردن را فگا ر شد ن را نگفت ، فکر کرد که خا نمش بیمو جب ازین قصه خوا هد ترسید بهتر است منتظر بما ند و ببیند که ازجانب

با دشا ه چه احوال میر سد . لهذاهرخوا ری و زحمت را به تنها ئی با ید بکشد و تحمل کند . با مید یك با رقه امید که اگرپادشاه حکم عا دلانه و **منصفا نه بد هد** . ما ها گذشت و جوا ب عر یضه معلو م نبود کشت قد یم سو خت . پنبه حا صل نداد.تا آن و قت که زمستا ن رسید ـ روزی منطقه حا کم منطقه یك پا کت را که از طر ف نائب الحکومه رسیده بود باز کرد و با تعجب دید که با لای پا کت مهرو لاك شده چنین نو شته شد ه بود :

به ملك قریه چو لو ، حاکم با تعجب پر سید : یعنی چه ؟ چه دارد ؟

وباز به میرزای خود روی آورد و حیران حیرا ن‌گفت : نا ئب الحکو مه به یك‌ملك قر یه مینو یسد . یعنی که چه ؟ بیا که باز ش کنیم !!

منشی اوبا احتیا ط گفت : یك پا کت مهم است . من دریك فورمه‌علیحده‌ومخصوص

که پوسته رسان آورده بود رسید آنرا داده ام .

با ید بزودی به‌کو توال داده شود .

ـرا ست میگو ئی . لیکن میخو اهم بفهمم که‌راجع به‌چه هست ؟ مبادا نائب‌الحکو مه از ملك پرسیده با شد که ما با مرد م چه رو یه و گذاره داریم ؟

ـصا حب شما میدا نید . ممکن است که راجع به هر چیز با شد. شمار است‌میگو یید.

قصه‌ای بودکه عر یضه قدیم بعد ازبسیار معطلی ها به تزار رسید . ماه هاسرمیز او ماند تا روزی اوامر کرد که آنرابه نائب‌الحکومه بفرستند . عریضه بعد از ینکه خود قدیم به قریه باز گشت بعد از ماهها به هما ن زینه ها با لا رفت که نویسنده وعارضی آن در تا بستا ن از پله های آ ن پایان انداخته شده بود . وباز با سر

افگند ه بد فتر ما مور پو لیس داخل شد ه بود. اکنون همین عر یضه از دفتر تزار به نا ئب الحکو مه رسیده بود . از آنجا به

دفترحاکم وحاکم هراسان بودکه چیست ؟

این چیست؟ ازجانب نایب الحکومه آمده؟

ـکاتب دفتر جواب داد : بلی. جنا ب عا لی ! از نا ئب الحکو مه صا حب آمد ه وبنام ملك قریه چولو.

ـ عجیب است ... بسیار عجیب‌است. باداره پولیس زود روانه کن.

ما مور پو لیس هم مثل حا کم محل ، پا کت را به روی‌دست خود وزن نمود .بعد در روشنی گرفت وباز لاك ومهر دفتر نائب‌الحکومه را بد قت از نظر گذرانید . باز پر سید :

ـچه خوا هد بود .

ـصاحب معلوم میشود که تو سط پستی سر یع السیرو ثبت شده او سا ل یا فته است .

ـاگر به مقابل ماکدا م چیزی نو شته شده با شد ... چطو رحد س بز نیم که در داخل آن چیست ؟

کاتب دفتر سر خود را شور داده خم کرد. که یعنی چیزی نمیداند .

مامور پولیس باتشویش گفت‌ملك‌قریه، نفر خود ما ست . همین چند روز قبل خودما او را مقر ر کردیم .

ـهو. همان آدم‌برو ئی ... نا مش ذوالقدر است ؟

ـ بلی ... هما ن میرآب ... هما ن‌میرآب حالا ملك دها ت ما مقرر شد ه است .

ـوای ... میر آب سر هنگ‌آغا رامیگویید میر آب ذوالقدر

ـبلی ... خود ش است ، خود ش است.

ـنه‌تنها مابمقرری او اقدام کردیم بلکه سر هنگ آغا سخت رفیق حاکم صا حب میبا شد . واز هما ن سبب میر آب قد یم این ده حالاملك ده مقرر شده .

ـخو ب بهر صورت هر چه با شد .جناب محترم ما به میرآب بحیث یك سگ وفا دار حساب میتوا نیم .

ـنه ... من شك دارم . از کجا که این یك چا لبا زی حا کم نبا شد که بچشم ما خاك اندا خته و کدا م شیطا نی ما را به نا ئب الحکو مه کرد ه با شد . با خود ش کدام کاغذی را در بین پاکت مانده و نام نائب الحکومه را نوشته است .

کا تب دفتر بار دیگر به مهر و لاك خوب دقت کرد. همچنان ورقه راکه همرای پاکت و مهر ولاك مانده شده بود از نظر گذرانید وبعد اظهار داشت :

ـبخیر صا حب ... این مهر و لاك ، از مهر را بری خود دفتر مقا م نا ئب الحکومگی است .

ـ معلو م میشود که ملك این‌ده معتبر شده است . بچه حرا مزاده . کی اینطور حد سی‌میزد ؟ که نائب الحکو مه خود ش راسابنام او یک پسته روانه کند.

همرا ی اینطور حواد ث با ید احتیا ط کنیم .یك پو لیس را صدا کن .بصر عت وفوریت او را بفرست.

کاتب دفتر پولیس را خواست و بسته سر بسته را که از مقام نا یب الحکومگی تو سط پسته بنا م ملك قر یه چو لو رسیده بود داده ورسیدگرفت. . پولیس‌به‌نوبه خود زیر دست خود را خواست و بسته را باو سپر د و رسید گرفت واو باز به رسته خود یك نفر پو لیس دها تی را خوا ست و پاکت را باو داد ورسید گرفت وباو گفت ؟

ـ بسیار عا جل است. فوری وضرور‌یست مثل باد برو .

مگر جناب محترم چو لو یك قر یه بسیا ر دور است .

ـتو تا همان اولین تپا نه پولیس که سر را هت است بر سا نو بگوی که آنها زود روانه نمایند . بازهرچه شد، شده پو لیس گو شکی های کلاه خودرا با لای گوشهای خود فرو آورده وگردن خود راهم پت کرد . بالا پو ش کهنه خود را پوشیده وبالای اسپ سوار شد. وبه ترات از نظر دور رفت .

اسپ بیچاره را هی بدون رحم ودلسوز ی قمچین زده وهی میکرد. یخوبرف اززیر سم های آن می جهید . از گردنه عبور کرد وشب به تپا نه پولیس رسید .

در آنجا پا کت مهرو لاك شده را به یکنفر پولیس دیگر دادند.

این‌پولیس یك تفنگ هم‌روی زین خود ماند ورروان شد تا پاکت سر بسته را برای ملك قریه چولو ـبر ساند. مثل برق اسپ میراند .

روز های اول که میرآب ذوالقدر مدال ملکی و قریه داری را با زنجیر نازك آن بگردن خود انداخت از خو شحالی زیاد خوابش نمی‌برد. مدال وزنجیرنازك را بسیار پاك‌وصاف کرد تاحدی‌که‌ازدور جلبل‌میزد باز نو ك بروتهای خود را تاب داده تا ب داده بحدی به دو طرف شقیقه های خود بالا برد تا بگو شها یش رسید . و قتی که‌مردم ده او را ملك صدا میکرد ند از خو شحالی بحدی می پند ید که دربو ست خود نمی گنجید .

صبح ناوقت بودکه ذوالقدر به اطاق ملك قر یه آمد و خوب چار کنجه روی چو کی خود نشست مدال ملکی قر یه با لای شکم برآمدهٔ او آرام گر فتو خودش برمید گی شکایات شروع کرد. در اطاق بخاری دیواری آتش افروخته شده بود . کاتبش که دست هارا در زیر کمر بندخودگرم میکرد در گو شه اطاق استاده بود . هر بار یکه میر آب سر خود را بلند مینمود، او خود را خم سا خته می پرسید ملك صاحب چه امرا ست ؟! ملك صاحب چه میفرمایید ؟!

نا گها ن صدای ترا ت یك اسپ از دور شنیده شد و عا رضین که دم دروازهٔ دفتر ملك قر یه یعنی میر آب قدیم و ملك نو ایستاده بود راه را باز کرده و طرف اسپ رفتند .

کا تب با وار خطائی صدا کرد : این کیست که با چنین وار خطا ئی پیش‌میاید زمین زیر پا ی اسپش میلرزد.

پولیس اسپ سواربه شدت وسرعت فرارسید اسپ خود رابیرون دروازه ماند. و خو دش مثل گرد باد خودرا بداخل اطاق اندا خت یك کتاب را نزد ملك قریه که‌همین میرآب سر هنگ آغا ست پیش کرده‌گفت امضا کن ...رسید بدووقت‌تسلیمی‌راهم بنو یس .

ذوالقدر که حیران مانده بود کا تب را نزد خود طلبید وپرسید :

ـ این‌گپ‌هاچیست؟ بیاا ینجایکبارمرابفهمان

ـاین یك قاصد سریع السیر است .

ـخوب .

ـ باید دربین پاکت یك چیزمهم وبسیار عا جل با شد . این را گفته کاتب کتاب رسیدات را گر فت واز سبب رسید نمکتوب رسید کرد: ملك ذوالقدر پرسید:

ـمکتوب بنام کیست ؟

ـبنام ملك قریه چولو .

ـاز کجا آمده است ؟

وقتیکه کاتب نوشته مهر را پری د فتر نائب الحکومه را خواندچشمانش از حدقه بر آمده و زبا نش در کا مش چسپید .

ملك ذوالقدر پرسید :

ـاز دفتر پولیس آمده ؟

ـنی بابا ...ازدفتر نائب‌الحکو مه‌که‌صاحب

ملك میر آب به عار ضین اشا ره داد که خا مو ش واز نزد یك دروازه دور باشند بعد خود ش برخا ست و یك پو لیس راامر کرد که بدر وازه ایستاده شود و کسی را بداخل‌شدن و حرف زدن نماند . بعد به کاتب گفت :

ـباز کن پاکت را باز کن .

ـنخیر شما مهرو لاك را بشکنید .

ـبشکن و بخوان که چه نوشته شده است .

ناتمام

ترجمه :ح ،ع اگنی

آثار عتیق در روشن نمودن جهات فرهنگی تمدن باستانی ارج بخصوص دارد

در گذ شته ها انسا نها را جع به پیدا یشس وتکا مل پدیده ها نظرات متاوت وگونه گون عر ضه میدا شتند اگر سیری در تا ریخ تکامل ذهنیت های آدمیزاد به عمل آور یم بخو بی در یا فته میتوا نیم که ذهنیت ها،افکاروشعور انسا نی همپای تغییر ات اجتما عی پرو سه رشد وتکا مل خو یشس را میپیماید.این پرو سه رشدو تکامل بستگی به پرا تیك اجتماعی دارد (مبا رزات علمی، ،طبقا تی ، آزمون های علمی)

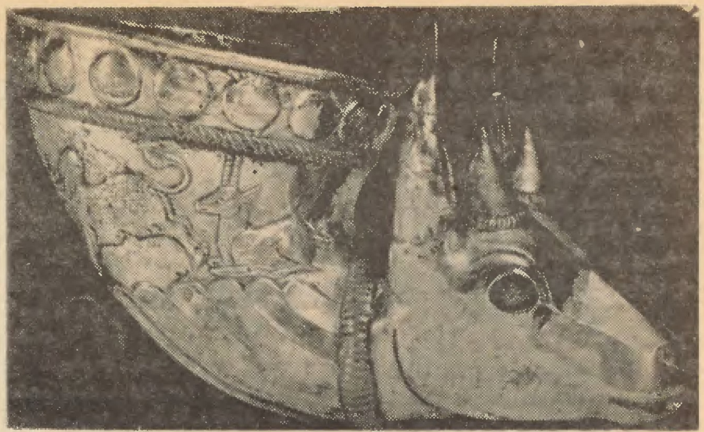


این مجسمه الهه جنگ را در زمان کهن نشان میدهد .

یعنی هر قدر انسان در عر صه پرا تیك اجتما عی لقرار گیرد به همان اندا زه تجا رب اوغنی ترگردیده درجریان کار مهار تشس در تو لید اشیا ووسایل نیز افزود میگر دد .

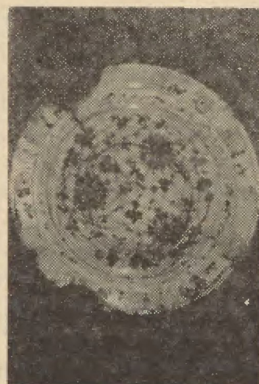
تا ریخ نشان مید هدکه درجریان کار وپرا تیك اجتما عی انسا نها از يك مر حله به مر حله عالیتر تکا مل دست یا فته ودو جر یان همین کار بوده که انسا نها به افهام وتفهیم متقا بل با يك دگر پردا خته این باعث گرد ید که تاالسان تکا مل نموده واز طر یق آن مفا هیم، تجر بیات واندو خته های شان را یکی به دگر انتقال دهند . که در ابتدای این امر مفا همه به شکل اشا رات وعلا یم بوده که میتوان آنرا بنام دوره سمبو لیك مفا هیمی تلقی نمود .

هر قدر از زند گی انسا نهادر روی کره زمین میگذ شت به همان پیما نه انسانها در اثر کارو مبا رزه خستگی نا پذ یر شان از يك مو فقیت به مو فقیت های دگری دست می یا فتند ذهنیت آنهاتکامل می‌یافت ، اشیا وو سایل مختلف زندگی رآایجاد میکرد ند .



تا ریخ حکم میکند که در گذ شته ها انسا نها از هر چیز در هراس بود ند زیرا علت علمی پیدا یشس ووقوع حوا دثرا در یا فته نمی توا نستند چون سطح تو لید ما دی نازل بوده ونیرو های مو لده انکشاف قابل ملا حظه ننموده بود که بتوا ند استقلال نسبی انسانها رااز طبیعت حاصل کند این امر مو جب گر دیده بود که ذهنیت وشعور انسا نها نیزهمپای همان شرا یط قرار داشته باشد.

در گذ شته ها انسا نها برای همه چیز رب النوع می پندا شتند وبه عبادت ونیایش آن می پر دا — ختند که رب النوع های مختلف چون رب النوع آتشس ،باد ، طو فان، زیبا یی ، عشق ،خشم وغیره بودو مردم به آنها اطا عت میکرد ند ومایه خو شبختی ونجا ت وآرا مشس را در اطاعت واحترام از آنها می دا نستند چنا نچه در جز یره پو لی نیز یا مردم وقت که از پهلوی درخت باردار میگذ شتند به آواز بلند صحبت نمی کردند میگفتند مبادا در خت بار دار عقیم گردد .



ظرف نانخوری که از کاوش‌های باستان شناسی ازمشهد بدست‌آمده.

در یونان قد یم مردم جشنوارهای برای سر سبزی وحا صل خیز نمودن زمین بر پا میکرد ند هر سال بزغاله را قر با نی کرده خو نشس را به زمین میر یختند وبه این طر یق تصور میکرد ند که زمین با قربا نی چنین امری‌بار دارمیگردد.عشق به چنین کا ری سبب گرد ید که بعدها این عشق از الهه ها به‌شکل پرستش ونیا یشس در آمد ومردم از الهه های گو ناگون مجسمه های سا خته ودر پای آن مجسمه ها قر با نی های بعمل‌آوردند.

کاوش‌وتحقیقات باستا نی نشان دهنده این حقیقت‌است که‌دانشمندان علم پارینه توا نستند آثارو مجسمه های وقت را که انسا نهای عهد عتیق ایجاد نموده بود ند از زیر زمینها بدست آورند . وبه مطا لعه وتحقیق آن بپردا زند وبا مطا لعه آن جهات گونه گون وویژه فر هنگ وتمدن عتیق را مطا لعه وار زیا بی نمایند وبا مطا لعه آن جهات مختلف تمدن کهن وطرز عقا ید وتفکر آنها را آشکا رورو شن سا زند .



مجسمه بنام «لحظهٔ تولد» .

چنا نچه در سال ۱۹۷٦ مجسمه که بنام (ابی‌کون‌لی‌ابی یا مو) در جزیره سیکو ندی در یا فت‌گردیده‌بو این نام بز بان‌یو رو بایی به معنی (لحظه تولد)یاد میشود نشان دهنده وسمبول بار دا ری وحا ملگی است که بصو رت زن بار دار وحا مله تجسم‌گر دیده است . این مجسمه‌از مواد بنام تالك سا خته شده‌مجسمه زن برهنه را نشان مید هد که به زانو نشسته وبیا له رادر میان پا- هایشس گر فته است . وممثل بار- داری در فر هنگ وتمدن گذ شته میبا شد .

په آسیا او افریقا کی د باداری نظامونه

د(ان اوټ لین اف سوشل دیو لوپمنټ) نومی کتاب څخه
دامین الله محك ژباړه

دریمه بر خه

په وړی آسیا کی باداری دولتونه یونان او چین د لومړی ځل دپاره دمیلاد دمخه په اومه او شپږ مه‌پیړی کی دفلزی سکو څه کار وا خیست په چین کی سکی گـــر د ی اویا دچاکو ، توری او یوم‌په شکل جوړیدی . خندی (دایروی) سکی یی هم لرلی چی د هغو په منځ کی به یی گردی سور یان جوړول‌دپلورلو یامبادلی دپاره یو خاص ډول کالا (مالونه) تو لید مخه وکړل .

دښارونو پیدا ینبت :

دتجارت او سوداگری د وړاندی تگ سره علیحده استو گنځایو نه دښار په نامه ودان شول . چـــی دسو دا گرا نو دژوند او ډول ډول سوداگری معاملو (معملو) دسرتـــه رسو لو ځای شو . نوموړی استوگنځایونه دصعتونو او را کـــړی ور کړی په‌مرکزو نو وا وښتـــل. ښارونه معمولا جنگی کلاوډول ډول سودا گری لارو په تاقی شوو ځایو نو کی سر ته رسیدل . څرنگه چی دمیلاد دمخه د دوهم زر په پای کی دمکی ښار دیوی معدنی چینی په اړخ کی چی خلك دحجر الاسود د نما نځلو دپاره هما لته تلل بنسټ کینبودل شو . د میلاد څخه مخکی دلو ړنی زر کالو په پای‌کی دپالمیر دغټ دو لت ښار دسوری ددښت په مر کز په یوه وادی کی دسوداگری لارو او زیات شمیر خوږو او بو لرو نکو چینو ته نژدی جوړ شو

سوداگری مناسبات :

دسو دا گری منا سبات لومړی ځل په هغه هیوادو نو کی منځ ته راغلل چی سیند ونو پر غـــاړو او درود خا نو پر اړ خو نو کـــی وه . ښار ، دفنیقی باداری دولتونو چی دمیلاد څخه دمخه په دریم زرم کی او مدیترانی دسمندر گی په‌غاړه ودان شول دسوداگری ځانگـــری ښارونه وه فنیقیا نو دوړی آسیـــا قبرس ، کرت ، یونان او دمدیترانی د نورو هیوادو نو سره د سو داگری روابط تینگ کړل دوړی اسیا څخه یی سپین زر ، سرپ اواوسپنه او دقبرس څخه یی مس را نیول .

په لر غونی مهال کی ، په اسیا او افر یقا کی د سو داگری مناسبی لاری جوړ شوی چی د لیری پر تـــو هیوا دو نو وا ټنو نه به یـــی لنډول .

د (درمل‌لار) په نامه‌سره دکاپلی (قافلی) دتیریدو لار د عر بستان دسهیل او د مد یترا نی دختیزو غاړو ښا رو نو څخه تیر شو ی او دسره‌سمندرگی دشمال‌په لوری‌پسی اوږده شوی وه . دخیراغ تیل ، مرمکی هندی او افریقایی در ملونـــه سره زراو په وروسته کی مر ئیان دمبادلی وړ ما لو نه وه دکاپلی بله لار دعر بستان له جنوب څخه د بین النهرین ته غزیدلی وه سو داگرانو خپل ما لو نه د افر یقا پـــه ختیځ کی دباب المندب له تنگـــی څخه تیرول او وروسته به یی شمال و خوا ته لیږل .

دکاپلی یوه لر غونی لار د منځنی اسیا څخه تیریدل او چین یـــی دایران او مدیترا نی پر غاړو پر تو هیوادو نو سره‌نښلاوه . هغه مالونه لکه فلز ، څرمن او په تیره بیـــا وریښم له چین څخه صادریدل. چی نوموړی لار په پای کی د (وریښمود لاری) په نامه مشهوره شوه .

د کو شان دامپرا توری په وخت کی منځنی اسیا هم دسو داگری‌له مرکزونو څخه گڼل کیدل . کوشان سو دا گرا نو ښیښه او قیمتـــی ډبری و چین ته وړلی منځنی اسیا دهند د مدیترا نی دختیځو غـــاړو هیوادو نو شـــر قی ارو پا اوروم د امپرا توری د سو داگری اړیکـــی ټینگی کړی وی .

دما لو نو د مبا دلی دوړاندی‌تگ سره اقتصادی نا برابری خورازیاته شوه .تش لاسو اوبی وزلو ددی د پاره چی له مرگ څخه راو گرځی ناچاره وه‌چی د اړتیا وړاوزاردبډدايانو څخه په اجاره واخلی او دهغوی څخه پیسی پور کړی دپور بیرتـــه نـــه تا د یـــه کـــول د هغوی ی په مرئیتوب سره پای ته رسیدل په دی ډول مرئیا نو اردو ورځ‌پـــه ورځ پسی زیاتیدی له بله پلوه پورونکی له پخوا څخه زیات شتمنـــی کیدل‌اوپه داسی‌گټیا لیو (سودخورو) سره اوښتل چی ډیر پیسی به یی یو ځای او د ډیر گټی دپاره به یی څه نه لرو نکو خلکو ته دپور پـــه تو گه ور کولی .

طبقاتی مبارزه او اهمیت یی :

د طبقو دپیدا ینبت سره جوخت انسانی تاریخ‌دیوی طبقی دلوړوالی او بلی دټیټ وال په‌بڼه را څر گند شو یعنی دیوی بی رحمه طبقاتی مبارزی په تاریخ وا وښت .

دمر یتوب نظام تاریخ دطبقاتو (مر یانو اوبادارا نو) ترمنځ مبارزه ده . طبقاتی مبارزه د متضادوطبقود اقتصادی گټو دټکر څخه راز یږیدلی دی د اجتماعی تولید په نظام‌کی دهری طبقی بر خه دهغوی طبقـــی برخه دهغوی طبقی گټی ور ټا کـــی مرئیان دملکیت دټولو حقو قــو څخه بی بر خی وه او پخپله دبادارانو دشته یو جز گڼل کیدل او دو مره بی‌یی زړه سواندی ســـره استثما ریدل چی په تاریخ کی بی ساری او بله هیڅ طبقه ددوی پـــه څیر نه ده استثمار شوی . سربیره پردی هغوی په ټول توان ســـره غوښتل چی دتولید ودی‌غیر عادلانه طرز او سیا سی نظام ته چـــی دبا دارا نو له خوا پر مسلط شوی واو دوی یی دډول ډول کړاونو سره مخامخ کړی وه خاتمه ور کړی خومرئیان سره له دی چی انقلابـــی طبقه وه انقلابی خصلت یی محدود و .

د آسیا او افریقا په لر غونـــو باداری دولتو نو کی دمرئیا نوقیامونه د طبقاتی مبارزی یومهم‌شکل وه . له دی کبله دمنځنیو امپرا تور یو په وروستیو کی ټیټو طبقو په وینو لړلی قیامو نه سر تـــه ورسول چی په هغوی کی تشی لاس بزگران او صنعتگران هم دمرئیانو سره یو ځای شوی وه

لر غو نی چین هم دځو پیړ یوپه اوږو کی دمر ئیانو ډیر قیا مو نـــه ولیدل د میلاد څخه پخوا په‌اتلسمه پیړی کی سخت قیام پیښ شو . جگړه ماران ددی له پاره چی‌وپیژندل شی خپلی ورځی به یی سری کولی لدی جهته نوموړی جنبش د (سری ورځی والا) قیام په نامه یاد شو . داقیام مر ئیانو آزاد و گرو ما هی نیو ونکو کاسبا نو او وړو سوداگرا نو سر ته ورسوی . پر دولتی سپا یانو باندی له‌بر یا لیتوب څخه وروسته دپایتخت و خوا ته رهـــی شول او هغه یی ونیو . له دی جهته چی دوی ښه او ټینگ انظبـــاط او ساز مانی تشکیلات نه در لو دل مسلطی طبقی یی دسر کو بی دپاره زیات کو ښښو نه وکړل . قیام‌کوونکی ونشو کو لی چی دلوړی طبقی دوسله والو لښکرو دبریدو نـــو په مخی کی مقا ومت وکړی او له‌دی کبله تیت او پرك شول. په‌هغه وخت کی د انسان څخه د انسان‌داستثمار دله منځه وړ لو دپاره عینی شرایط مو جود نه او هم یی وجود نشـــو لرلی .

خو آزادو وگړو کاسبا نو اومرئیانو دقیا مو نو سره له دی چـــی دناکامیو سره به مخامخ شول دخپل متر قی ما هیت لر لو له امله به‌یی تر یوی اندازی استثمار سپك کړ.

نو موړی قیامونه چی دآزادی د لاس ته وروستلو دپاره لومړنـــی کو ښښو نه وه دطبقاتی مبارزی اساس غوره او ټینگ کـــړ . که څه هم دیوه قیام څخه به خو را ووړ بر ا لیتو ب لا س ته ور غـــی خو په نتیجه کی به یی د تو لیدونکو وضعه ښه کړل .

پای

ازجهان هنر،سرود ورقص

ترجمه ونگارش از عبدالله‌محب‌حیرت

بسراغ هنر بالت

* * *

الهام باطنی یک بالرین باظرافت شاعرانه رقص درهم میامیزد



پیغله «مایا پلیتسکایا» و «گودونوف» برنده‌مدال طلا دراجرای بالت «کارمن سو تیا»

یك نظر عمومی :

از نظر اهل‌هنر رقص وپایکوبی، باله یابالت‌نوعی رقص‌دستجمعی‌است که‌قسمتی از آداب وعادات جمعی را نشان میدهد یا بعبارهٔ د یگـــر «نمایشات بالت دارای موضوع عمیق، مفکورهٔ عالی، شوروشوق زیاد هومانیستی‌وبشردوستی، سیما های روشن وسوژهٔ محکم میباشد وهنر کورس معاصر نسبت بگذشتها روز بروز به زندگی وپروبلمهای واقعـــی آن نـزدیـك میشود .»



«آلا میخا لچنکو» رقاصه یکه تاز بلشوی تیاتر مسکو برنده جایزه اول ومدال‌طلا

از ورای مطالعه تاریخ هنر های زیبا بر می آید که هنر رقص بالت از روزگاران کهن میان اقوام وملل مختلف مروج بوده ودستهای آماتور وحرفه یی آن درین میدان هنرنمایی کرده اند . بطور مثال اسناد وشواهد مستند، روشنگر آنست که هنروران رقص هندوستان توانسته اند رقصهای خودرا از هزاران سا ل پیش بدینطرف حفظ نمایند وتبارز دهند یا آنرا بهمان شکلیکه در افسانه ها، خدایان به «بهاراتامونی » آموخته اند نگاهدارند . متون هنری بیانگراین حقیقت ا ست کــه رقصهای یونان قدیم بصورت اصلی آنهاباقی نمانده ولی نقاشیها وکتیبهٔ هم یافت شده‌که گوشه های ازآن هنر را مجسم میکند .

ماخذ دستداشته گواه بر آنست که رقص های قرون هجدهم ونزدهم بدو بخش یا نوع کنار میگذارند وتسلیم یك احساس اجتماعی وعمومی میکنند که باوزن و ضرب انتقال میابد . ازچنین رقصی نزد همه ملل ازبدوی ترین تامتمدن ترین آنان درهمهٔ ادواروزمانها نشان‌واثری میتوان یافت . لذا«باله» برعکس هنریست که اصل آن مدیون موسیقی است وموسیقی آن محتوی ریزه کاریهای خا صی میباشد .

همچنان پیدایش «باله» با هنـر «رقص» برخلاف رقص تاریخ مشخص دارد . درایتالیا همزمان با نهضت هنری وادبی قرن پانزدهم بوجود آمد وهنر باله از یکقـــر ن پیش بد ینسو در اروپا وامریکا نفوذ و گسترش زیادی نموده وهنرمندان وهوا خواهان فراوانی پیدا کرده است . مثلا : باله های کلاسیك (گیزل) از صد سال پیش تاکنون همچنان

چند بالت معروف :

البته دردنیای «هنر های سمعی و بصری» با لتها ی مشهور متعد دی در گذ شتها ی دور و نزدیك وعهد معاصر در شرق وغرب پدید آمده است که‌شمار آنها زیاد بوده‌و معر فی هر کدام مبا حث علیحده و مفصلی را مقتضی میبا شد که بخاطر جلو گیری از طـوالت کلام ازآن انصراف میشود. و لــی این چند با لت‌بیشتر از همه معرو فتر ،ست که‌مادر ینجاصرف ازآنها مختصر تـذ کـری مید هیم :

«پترو شکا » یا «پتروسکا »، «منا سك بهار » یـــا «پرسش بهار» و «پرندهٔ‌آتشین» یا «مرغ آتش »، بالتهای «استرا وینسکی» که «سرگی پاولوویچ دیا گلیف »کارگردان

بقیه‌درصفحه ۵۵

ژوندون

منقسم میشد :

رقصهاییکه در آن جست وخیزوجودداشت بنام «رقص بلند» خوانده میشد و بر عکس آنرا « رقص کـوتاه» میگفتند . پادشاهان اروپایی اغلب بــرقص اهمیت میـدادند و صحنه های آنرا مشتاقانه تماشا می کردند . لویی چهاردهم در هنر رقص مهارت داشت وآنرا میپرستید ودر باله های دربار به آن میپرداخت وهم اوبود که در سال (۱٦٦۱) یك موسسه پادشاهی «رقص» را در پاریس تشکیل دادکــه از سیزده رقــاص تشکیل شده و «بوشاپس» نظارت هنرباله را بعهده داشت . البته نهضت رومـانتیزم در مکتب «رقص» و «نمایش» نیز تاثیر فراوان کرد .

یکی از صاحبنظران هنر های زیبا که هنر «رقص» را جزو حرکات «سمعی وبصری» با بخشی از «هنرهای سمعی وبصری» تشخیص وتثبیت کرده است ، اظهار میدارد که درین هنر، زیبایی بوسیلهٔ الحان وکلمات ازطرفی، رنگها وشکلها از جانب دیگــر واقعیتهای طبیعت را نشان میدهد وعلاوه میکند که باله (بالت) در واقع رقصی است که سر گذشت را بیان میدارد ویا استعاره را میپروراند و گویای هیجان قلبی میشود وتوسط حرکات لطیف وظریف وزندهٔخو د تجرید شورانگیز موسیقی را بخاطر می آورد . ودر عین زمان تصریح میکند که رقص با باله تفاوت دارد، زیرا رقص ازنظرخاصی یك پدیدهٔ فیزیولوژیك ودر عین حال روانی است که بوسیلهٔ آ ن موجودات انسانی موقتا شخصیت فردی خودرا



«کارولین لورگا» بالرین جوان فرانسوی

با موفقیت روبرو بوده است وبا ایجاد شهکار هایی چون : «کـــوپلیا» و «سیلـویا» دورهٔ جدیدی در تاریخ هنر بالت پدید می آید .

زنده باد دوستی برادرانهٔ خلقهای افغانستان و اتحاد شوروی .

م: عاقل بیرنگ کوهدامنی

ارتش رهایی بخش شوروی

پیش از آنکه در باره ارتش رهایی بخش شوروی بنویسیم باید به جامعه‌ی پوسیده‌ی تزاری پیش از انقلاب کبیر اکتوبر مروری فشرده وکوتاه بنماییم. در پیش از شگفتن گل سرخ انقلاب کارگری اکتوبر کبیر جامعه‌ی روس باآن گستردگی وفراخناکی جغرافیایی اش باآن ثروت هاو سرمایه های انسانی وطبیعی اش جامعه‌ی طبقاتی واستبدادی بود ، جامعه آشفته ناهنجار وبی سرو سامان. ثمردست ومغز کشاورزان وکارگران صنعتی رادولت مردان مستبدو پاشنه آهنیان ستمگر به تاراج می بردندوخون انسان ستمدیده را قدح پشت قدح نوش می کردند(۱) آدم هارا به کارهای توانفرسا وروح شکن وامی‌داشتند . اگر صدای اعتراض ،عکس العملی و واکنشی بلند می گردیدآن فریادرادر نطفه خاموش می‌کردند ، بی خبر از آنکه صدای راستین توده هارا نمی‌توان خاموش وسرکوب کرد ودریای پویا وروان رااز پویایی ورفتن باز داشت. اندیشه های پیشرو در زمان جریان دارد و اندیشه ی چیزی نیست مگر جاری شده در دوران(۲) تزاران بیدادگر ،ازوزیدن هر نسیمی که ازاندیشه های انقلابی زحمت کشان این سازندگان راستین تاریخ مایه می‌گرفت ومی وزید هراس داشتند باتلاش های بی سر انجام اجازه ورودبه کاخ های بنایافته از خون مظلومان نمی‌دادند ، آنان از دگر گونی در هراس بودند و چشم های‌شان حفاش وار نمی توانست روشنایی هاراپذیرا گردد، آنان با تاریکی خو گرفته بودند وظلمت را پذیرا ، فرسایش ونا بودی دیگران را در آبادی وآسایش خویش می‌جستند روز گار تلخ وسیاهی بود (۳)اما نان نتوانسته بودنیروی رسالت انسان را از اوباز ستاند. گرسنگان بیابان بیش از آن نمی توانستند فقط به تصویر نان دلخوش باشند(٤)وبرای همیشه مقهورستمگران وبی خردان انسان برتری‌اش ازجان وروان دیگر این است که با نیروی بالنده ی اندیشه‌ی خود وبا دانش ودر یافت خویش می‌تواند ، محیطخود رادگر گون کند ، و چهار چوب زندگی اش را گستردگی و فراخناکی میدهد . انسان این توان‌را دارد که‌با اتکا به‌خردخویش ازاسارت بیرون آید وخودرا رها سازد وجهان رابه‌دلخواه خویش تغییر دهد ، قوانین آنرا بشناسدونشانه های آن رابه سودخویش ودرسمت تکامل خویش تفسیر نماید، در فرصتی که انسان برروی این کره خاکی گام نهاد ، فریاد ش طنین قوی داشت ودر اندام های طبیعت لرزش ایجاد کرد، گرچه‌هنوز این‌نیروی‌نوظهورتوان‌مقابله وروبرویی رابا طبیعت نداشت وابزارش فقط خرد واندیشه بود، وگاه به نیرو های که تاب‌مبارزه باآن‌هارا نداشت‌آتش،وباد،وتوفان وباران ایمان می‌آورد . اما به مدد دانش وتجربه و آزمایش، توانست به نیرو های مهیب وو حشت انگیز طبیعت به ستیز بر خیزد ، آتش اندیشه انسان وکار وپیکار او، اورا برجان‌وروان دیگرسالاری دادو حکمروای قلمرو طبیعتش گردانید .

قرن ۱۹ سر آغاز اندیشه های والا و عصر زیر وبر کردن مناسبات کهن وزمان زده تولیدی است عصر خردومنطق وآگاهی‌است، در این فرصت است‌که کار خانه ها بنایافته‌وکارگر در پشت ماشین ایستاده دیگر از باد وباران وبهمن وتوفان نمی‌ترسدبه‌نیروهای واهی وپوچ ایمان ندارد.ذهن‌اوراچرخهای گردنده‌ی ماشین می‌سازد اودر پشت ماشیـــن خود به قدرت شگفت خویش به‌اصالت خویش‌ورسالت خودپی می‌برد. درپشت ماشین این‌واقعیت رادرمی‌یابد که ثمردست ومغز اورا چند تاسرمایه‌دار ازخود راضی وشکم پرست وبیدادگرمی‌خورند و به یغمامی‌برند. اودیگر این رامی‌فهمد که‌با غارت انسان های خودپرست مبارزه کند وحـــق‌خود ودیگران رااز کام او بیرون بیاورد،(٥)کلاسیک های اندیشهٔ های پیشر و نیز دراین دوران سربلند می کنند وبانبوغ‌انسانی وسازنده‌ی خویش زحمت کشان رابه‌رهایی، آزادی وستیز ومبارزه می‌خوانند:

کارگران جهان متحد شوید!

در گرد این‌شعار کارگران سراسر جهان‌جمع می‌آیند ووظیفه (انترناسیونالیستی) خویش‌رادر می‌یابند دراین هنگام کارگر وارتش دیگر بـه سر زمین نمی‌اندیشد به زمین می‌اندیشد ، دنیا وطـن اوست، اگـــر درویتنام تفنگی بر ضد استبداد ، برضد جنایت وغارت وتاراج‌صـدا کند ، او صدایش رادر افریقا می‌شنود ، کارگر دراین دوران بادهقان وارتش می پیوندد ودریك سنگر باسرود اتحاد و همبستگی برلب برضد نهاد های فرسوده اجتماعی قیام می‌کند ودر این رستخیز پیروز می‌گردد . انقلاب کبیر اکتوبرو تشکیل‌ارتش شوروی نشان‌بزرگ این پیروزی است، واین حادثهٔ‌شگفت تاریخ در روسیهٔ آن زمان یعنی درسرزمینی که‌ازآن درآغاز یـــاد گردید روی میدهد، گرچه پیشوایان فلسفه‌ی نوین را باور براین بود که انقلاب کارگری در آلمان که فضای صنعتی آن بیشتر آماده ی‌این دگرگونی بود روی خواهد داد (٦)امابه‌رهبری تلاش ورزانه ومنطقی‌ولادمیر ایلیچ این آرمان بزرگ انسانی در روسیه روی‌داد،و گل خونین انقلاب درآن سامان رویید، واین خود دلیلـــی است بر پوسیدگی وناکار آمدی رژیم ارتجاعی تزاران روسیهٔ آن روزگار .

حکم روایان تزاری اجازه ی آن رانمی‌دادند که‌ملیت های روس به‌زبان های‌محلی خو یش خواند ونوشت نمایند ، بیداد فرهنگی مانند بیداد سیاسی واجتماعی تن وروان ملت های روس رامی‌آورد. حتی کلیساومذهب‌در روسیهٔ آن روز گار شیوهٔ ستمگرانه ای رادرپیش‌گرفته بود ودر عبادت واطاعت مردم دخالت می‌کرد. محکومان سیاسی را ، آنانی را که بر ضداین شیوه های ظالمانه واستبدادی قیام می‌کردند به دور تریـن‌نقطه‌ی‌روسیه (سایبریا) می‌فرستادند وبه کار های توان فرسا و ضد انسانی شان وا می‌داشتند ودر پیش روی این گروه ، گورستان های مخوف وزندان‌های وحشت‌بار بناکرده‌بودند تانیروی ایمان وشور مبارزه وآزادی خواهی را ازآنان بگیرند (۷) امااین‌آرزوواستمگران باخود به‌گورستان بردند آزادی خواهان باایمان که عشق راستین به پیکار و آرمان های پرشور انقلابی داشتند هر گز دچارتردید نگردیدندویك لحظه هم تسلیم پذیری وسازش را نپذیرفتند. در روزگار حکومت تـــزاران روسیه سیاستی در بسته داشت ، برای کسی اجازه آن نبودکه به‌آن خاك بیاید ویاکسی ازآن جابه خـــارج سفر اکند (۸) پاسداران دنیای کهن ووارثان کـذایی تاج وتخت آلمان بـــه ایـن‌وسیله می‌خواستند عمر کثافت بار خویش را طولانی کنند و چند روزی بیشتر براریکه ی قدرت های اهریمن خویش بمانند.

از سال های (١٦٨٩) بود که مشعل های مبارزه پرفروغ وتابناك درسرزمین ر و سیه روشن گردید وگل‌های آزادیخواهی تك‌تك در چمنستان ها رویدن گرفت. اما این رویش ها وروشنایی‌ها پراگنده بود ، یکدست وهم بسته ومتحد نبودند . از طرف نیرو های اهریمن خاموش وپر پر می‌شدند . لاله های سرخی که‌درزمستان اندیشه های آن روز گاران‌میروییدند از طرف نابکاران وسیاه اندیشان‌وچکمه پوشان بیداد گر درو می‌گردید . اما آن لاله هاآن گل

بقیه‌در صفحه ۴۳

همبستگی برادرانه قوای مسلح انقلابی افغانستان با ارتش کشور دوست اتحاد شوروی ضامن پیروزی ما در مبارزه علیه نیروهای تجاوزگر در کشور ماست .



اتحاد و همبستگی جوانان پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور

با تحول وتکامل مرحله نوین انقلاب ثور زندگی مردم مادر مسیری قرار گرفته که بدون شك آیندهٔ روشنی را نوید میدهد آیندهٔ که متضمن سعادت و خوشبختی همگانی است.

همین خوشبختی در آینده است که دشمنان کشور وخلق ما را وا داشته است که در مقابل این روشنی و سعادت قرار بگیرند و موانع ایجاد نمایند. چنانچه چندی قبل دشمنان خارجی با یك عده وطن فروشان خواستند سد راه خوشبختی مردم ماقرار بگیرند ویك سلسله ناراحتی های در شهر کابل براه انداختند که ازطرف جمهوری دموکراتیك ما باهمکاری جوانان حزب دموکراتیك خلق افغانستان قوای مسلح ومردم شریف ووطن پرست ما رفع گردید.

مردم شرافتمند ما از این مداخلات بی شرمانه دشمنان خلق ووطن ما تعجب نمیکنند، زیرا دشمن هرگز نمی خواهد که مردم ووطن ما آباد، آرام ومعمور باشند. این مداخلات بی جا و شرم آور دشمنان خارجی هرگز نمیتوانند کاری ازپیش ببرد وسد راه سیر تکامل انقلاب ما گردد. زیرا مردم وخلق رنج دیدهٔ مادر طول دو قرن اخیر دشمن حقیقی خویش‌را خوب شناخته اند و هرگز فریب این دشمنان را نخواهند خورد.

راهی را که امروز مردم ما در پیش گرفته و تعقیب می نمایند راهی است که‌مارا به‌سر منزل مقصود می‌رساند، راه رستگاری و سعادت است، بگذار که دشمن هرقدر دلش می‌خواهد یاوه سرایی نماید، امروز مردم در روشنی مرحله نوین تکامل انقلاب‌ثور راه‌پیروزی ورستگاری را یافته اند و میدانند این راه است که مارا میتوانند به سر منزل مقصود برساند بادرك این حقیقت است که امروز جوانان این نیروی زوال ناپذیر این قشر دینامیك وفعال جامعه مایك پارچه ویکدل در راه بسر رساندن آرمان های انقلاب ثور به پیش می روند و هرگونه موانع را که سد راه شان قرار گیرد از میان بر میدارند. و برای افغانستان نوین و آباد و معمور تلاش می ورزند.

باید گفت که تلاش و یك پارچگی جوانان درکوتاه ساختن هرچه بیشتر دست ارتجاع وامپریالیزم امریکا تاثیر نیزادارد.

پس‌ای جوانان، ای نیروی رزمنده وانقلابی نگذارید که دشمن شمارا فریب دهد و در اتحاد شما رخنهٔ وارد نماید.

و بیشتر از پیش یك پارچه ویك دل‌در برابر امپریالیزم امریکا وارتجاع سیاه داخلی ومنطقه قرار بگیرید.

ای جوانان با هوشیاری و درایتیکه در شما وجود دارد یقین کامل است که پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور راه حقیقی را باز یافته اید وبا این بازیابی است که برای کشور و مردم خویش‌میتوانید مصدر خدمات فراموش ناشدنی گردید.

به پیش بسوی آبادی و ترقی هر چه بیشتر کشور مان افغانستان عزیز وسربلند.

شازیه شمس متعلمه لیسه عایشه‌درانی

اندیشه‌های جوانان

بایورش عظیم‌وامید بخش‌ششم جدی که‌به ارادهٔ مردم آزادمنش وطن‌آزادهٔ مان افغانستان عزیز، سلطان امین، سرداراسدالله امین، سردار عبدالله امین وهمه آدمکشان قرن بیستم واسطه به‌او ازسکوی آدمکشی ازپا در آورده شدند، همگام بااین یورش مردم تسلیم ناطلب ما لرزه به دست وپا و شوك دیوانگی برسر باداران خونخوار ایشان افتاده وچون مریضان عقلی وعصبی به انواع جنایات وخرابکاری هادست به‌کار شدند ودر عوض جلاد ووکیل قصابان پلچرخی خود امین یکتعداد غلامان دیگر خود را که بنام از افغانستان ودر اصل فروخته شده وبه این جا وآنجا پناهنده شده اند به کار گماشته اند وآنها را آراسته وآلوده به پوند، دالر کلدار ومجهزبه بم های دستی وماشیندارهایی را که برای مردم بی دفاع ساخته اند در هر



شازیه شمس

گوشه وکنار سرزمین شیرمردان ارسال نموده اند تا دست به جنایات، آدم کشی سوختاندن موسسات تعلیمی، منازل‌شخصی ودیگر سرمایه های ملی مردم افغانستان عزیز زده وخلق شریف وترقی خواه مارا ناآرام سازند چنانچه روز دوم وسوم حوت این چاکران گوش به فرمان آنها در کابل مردم شریف ونجیب مارا ناآرام‌ساخته، دکانداران شریف مارا واداشتند تا دکانهای خود را ببندند وروز سوم حوت در گوشه وکنار کابل اطفال معصوم وبی گناه، این سازندگان آینده وطن ما را تحدید نموده در جاده هابه راه انداخته به خرابکاری های گوناگون دست به کار شدند.

دولت محبوب ما که وعده داده بود بعد ازین صدای طیاره، توپ، تانك و ماشیندار دیگر گوشهای هموطنان ما را نمی آزارد مجبور ساخت تا جلو این اعمال وحشیانه وخرابکارانه گماشتگان کارتر، سادات، بیگن، قدرت های ارتجاعی پاکستان وپکن‌را بگیرد وسربه نیست‌شان نماید چنانچه هجده نفر از پاکستانی‌ها ویك امریکایی راکه‌مجهز باانواع سلاح، دالر، پوند وکلدار بودند بالفعل دستگیر نموده وآنهارا از طریق رادیو تلویزیون وروزنامه هابه مردم شریف وآزادهٔ مامعرفی نمودند وهمچنان غلامان گوش بفرمان شان را سربه نیست نموده وجیره خواران شانرا دستگیر نمودند حالا وظیفه همه جوانان اعم ازدختران وپسران است که با مقامات دولتی وحزبی، قوای مسلح وخارندوی خلق افغانستان دست محکم همکاری داده و در تارومار ساختن همچو اخلال‌گران وچپاولگران از هیچگونه فداکاری دریغ ننموده و سربه نیست شان نمایند و هرگز نگذارند تابعدازین این غوغا های مردم فریب، مردم‌نجیب مارا بیازارد. وطنداران! همه میدانیم که نیرو- های امپریالیستی وارتجاع سیاه جهانی حال باز از دست دادن چپاولگران وآدمکشان خود در افغانستان قوای عقلی وفکری خود را از دست داده وبا بهانه های گونه‌گون که در افغانستان اسلام درخطر است و... غلامان ضد بشری خودرا دروطن ما ارسال میدارند. نمیدانم که آقای کارتر ووابستگانش از چه مدت به‌این طرف جامه مسلمانی در بر کرده وناجی وپیشوای اسلام گردیده اند. حالانکه همه مسلمانان نجیب وشرافتمند ما خبر دارند که همین غلامان امپریالیزم و نوکران آقای کارتر بودندکه‌دست به محاصره وتخریب‌دربیت الحرام(کعبهٔ‌همه‌مسلمانان‌جهان) زدند. به بانگ رسا اعلام میداریم که دیگر همه مردم کشور ما این چهره های منحوس وضد اسلامی وبشری را شناخته اند وهرگز فریبهای انسان‌سوز آنهارانمی خورند حال همه‌جوانان مابه پا خواسته اند و مانند نیاکان خود که انگلیس بی رحم وبی شرم‌را بارها دوانده وازین سرزمین خارج شان کرده اند، اسکندر وهتلر را داغ بر قلب زده‌اند این گماشتگان امپریالیزم جهانی را نیز باآقای کارتر یکجا داغ برجگر زده ومی زنند.

حال که دولت از ما وما از دولت هستیم ودر پهلو مانیرو وقدرت بزرگ صلح جهانی اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد واز مردم انقلابی ما پشتیبانی می کند. برما جوانان است تادرراه وترقی وتعالی‌وطن محبوب مان افغانستان یك لحظه آرام نه نشسته ووطن خودرا شگوفانتر سازیم.

به پیش درراه اعمار افغانستان قهرمان وانقلابی.

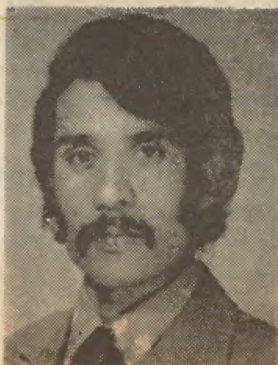
* * *

سید هاشم

این یك حقیقت مسلم و انکار ناپذیر است که پس از مرحله نوین تکامل‌انقلاب ثور همه مردم ما مخصوصا جوانان ما در راهی قرار گرفته اند که این راه، آنها را به سعادت و خوشبختی می رسانند.

آزادی که حق فردی هر انسان شمرده میشود بزرگترین نعمتی است که ازتولد تابه مرگ با او همراه است، البته‌آزادی که به خوشبختی وسعادت دیگران لطمهٔ نمی زند. و آزادی دیگران‌راتحدیدنمیکند.

من منحیث یك کارگر جوان به این عقیده هستم که هیچ کاری از پیش‌نمی رود مگر این که انسان آزاد باشد، وخوشبختانه این آزادی بیشتر از هر وقت دیگر پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثور به مردم و خلق زحمتکش ما داده شده است.



سیدهاشم حبیب

صحبت‌های پدرو دختر

پیرامون زندگی

دردنیای پر سروصدای امروز ، هیچ امری دشوار تر ازاین نیست که پدران، فرزندان خود رااز لغزش مصون نگاهدارند وعوامل فساد محیط رااز پیرامون جگرگوشه های شان دور سازند .

رهنما یی جوانان در محیط امروز کار ساده‌ی نیست وشاید هم خیلی مشکل‌تراز آن باشد که تصور کنید.

بسیاری از پدر و مادران که صاحب‌فرزندان جوان اند دراین اندیشه اندکه چگو نه وبه چه نحوی میتوا نند جوانان شان رااز‌آلودگی نجات دهند .

در این جابدنیست که گفتگوی پدرودختر جوانی را بشنوید که در مورد آزادی های که باید یك جوان مخصو صا یك دخترجوان داشته باشد باهم بحث میکنند .

پدر بدخترش میگو ید :

دختر عزیزم ،امیدوارم آنچه اینك برای تو میگو یم نکته ای نباشد که‌ترا با این اشتباه وادارد‌که گمان کنی من مخا لف آزادی دختران به سن وسال تو میبا شم، خیر ، عزیزم من هم طرفدار این حقیقت‌هستم که به جوان باید موقع‌دادتادرموردزندگیش در بارهٔ زندگی خصوصی اش تصمیم‌بگیرد.

اما یك نکته رامی خواهم برایت رو شن بسازم که دختر به سن وسال تو سخت هم باید از خودش مراقبت نماید. من ازتواین تو قع را دارم که‌هر چند بیشتر از محسنات خود آگـاه شدی ، ایـن نکتـه را در نظر بگیری که زیبا یی های جسمی تو و قدرت تو در ایجاد عشق، چیزی مقد سی است که تو باید در حفا ظت ورعا یت آن بکو شی تا روزی فرار سد که عشق حقیقی بزندگی تو وارد شود.

تو حقیقت را در ك خواهی کرد وحقیقت، ترا آزاد خواهد ساخت . تو آزاد خوا هی بود ولی آزاد در انتخاب خو ب و بدوخیر و شر ، آزاد در تمیز دادن میان حق وباطل!

دخترم در هرجامعه ومحیطی هما نطور یکه انسان های خوب وشریف وجوددارندا‌شخاصی هم‌هستند کـه باکار های ناسالم باعث‌بد-بختی یکعده جوانان میگردند.

باید این را بدانی که‌یك دختر احمـق ویایك دختر جاهـل بادامنی آلـوده، بقر-بانگاه کشیده خواهد شدو هیچ چاره ندارد جز آنکه این عذر را بیا ورد که گول‌خورده و زند گیش به تبا هی کشیده شده است،

اما به این خوب آگاه ومعترف‌هستم که تو دخترنیستی که باین نوع دفاع براز ذلت ومحنت وبا این عذر بدتر از گنـاه، ملتجی شوی زیرا هوشیاری وشریفی .

دختر عزیزم ممکن است تـو در عرصـه فر یبهای بسیار قـرار گیـری امـا این بتو ارتباط دارد که‌چگونه خودرا از مکر این فریب ها ودروغ‌ها نگهداری .

دخترم این را هم باید بدانی وقتی یك‌پدر میتوا ند فرزند ش را وجگر گوشه اش را نصیت نماید وبراه‌راست هدایتش کـنـنـد که خودش از لغزش ها مبرا باشد وبتـو ایـن اطمینان را میدهم کـه در جوانی‌وتا امروز پاك بوده ودر آینده هم پا ك خوا هم بود .

دختر میگوید !

پدر ،من تمام این‌حرف های راکه گفتید قبول‌وبه آن باور وایمان دارم ، درست است که وظایف پدری شما حکم میکند تادر مورد آزادی های دختر تا ن در اند یشه با شید ولی پدر، بشما اطمینان مید هم که من دختر احمق‌وجاهلی نیستم کـه زود فریب‌ظواهر را بخورم . اما یك موضوع را باید خدمتتان عرض کنم که امروز با دیر وز تفاوت زیادی نموده است ، در گذشته اگر بین پسرودختر روابطی عادی وجود نداشت ، این بسته بـه شرا یط محیط آن وقت وروز گار بـوده است .

زیرا قوا نین گذشته چنین حکم میکرد‌که یك دختر نمیتوا نست بدون اجازه پدر .ومادر خویش با پسر جوان حرف بزند اگر چـه در این حر ف زدن ها هیچگو نه مدعا وغرض وجود نمیدا شت . اما امروز میدانید که یك دختر پهلوی یك پسر در مکتب‌ویادرفاکولته روی یك چوکی میشینند وبه حرف ها ی استاد گوش میدهند و ای بساکه خـارج مکتب و مدرسه برای حل نمودن پرو بلـم های در سی شان از رفقای شان واز هـم صنفان شان کـمك بخواهند ، آیا بازهـم شما ما نع این نوع دیدار ها و نزدیکی ها میشو ید ؟

-پدر :

دخترم من قبلا برایت گفتم وتو ضیح‌دادم که پدر سخت گیر وکوته‌فکری نیستم،مـن مخا لف دیدو بازدید جوانان نمی با شم، اما بحیث یك پدر بخو داین حق را میدهم که گو ش دخترم را از مکرو فریب بعضی جوا نان که در لباس دوست و رفیق بی آلایش ظاهر میگردند باز نمایم واو را از بدبختی های احتمالی آگاه سازم .

دخترم این رابابد بدانی که بعضی مر دان مانند زنان‌گاهگاه بی‌خیال‌وبی توجه ومنصرف ازمسایل جنسی میشوند ویا اوضاع‌واحوالی هست که تو جه مردان را نسبت بزنان، در در جه دوم قرار مید هد و مرد ممکنست خر ید ن یك جوره بو ت ویا رفتن بادوستان ویا خواندن کتاب و تماشای مسا بقه را ، بر دنبال کردن زنی تر جیح دهد اما آنچـه می خواهم بگو یم ، اینستکه مرد ما نـنـد قطب نما ، هر وقت زنی در کنارش با شد، بی اختیار بسوی او متو جه میشود وتا آنجا که شرایط زمان و مکان اجازه دهد، درروابط جنسی با او ،پیشروی میکند !

وتو باید این موضوع را خوب بیادداشته باشی .

پدر؟ آیا درز زندگی هیچ‌موضوع و مطلبی ندارد غیر اینکه مردویا زن به روابط‌جنسی شان فکر کنند ؟

دخترم ، من نمی گویم که بدون ایـن موضوع ،هیچ مطلب دیگر بین مرد وزن‌وجود ندارد ، نی منظورم از ذکر این مو ضوع‌این بود که باید هو شیار باشی .

نکته بر جسته ای که در این میان‌با ید در نظر داشت ، اینستکه همه مردان درباره یك‌زن بخصوص ، دارای یکنوع عقـیده و قضاوت نیستند. آنچه بنظر من در زنی‌خوش آیند است در دیگری خو ش آیند نیست واین نبا ید تورا گول‌زند.

عزیزم ، مردان بطور کلی ، جملات و عبارت خاصی دارند که‌برای تحریك قوا ی جنسی زن ، در گو ش او فرو می خوا نند، اما‌یك دختر با هو ش ، پس از آنکه بااین جملات وعبارت آشنا شد ، مرد همینکـه شروع بیاد آوری و بزبان آوردن آنهاکرد، دختر فهمیده متو جه میشود که مقصودنهایی مرد چیست واز همان آغاز ، میدان‌پیشروی‌را براو می بندد ودر هارا بر روی او قفـل میکند .

دختر میگو ید !

پدرعزیزم ، ازنصایح تان یکـدنیا تشکـر من میدا نم که تمام حرف تان برای روشن شدن ذهن من بود، وباید به‌شما این اطمینان را بد هم که دیگر من آن دختر کو چك دیروز نیستم که نتو انم خیروشر خود را تمیزند هم.

خوشبختا نه امروز فضای ایجاد شده کـه بیشتر مو ضو عات زندگی را مسا یـل علم و فرا گرفتن آن در بر گرفته و کمتـر به جوان مو قع مید هد که روی غـرایض جنسی شان فکر کنند . اما باز هـم ازنصایح تان تشکر ، شما بحیث‌یك پدر وظیفه خود را بصورت احسن انجام داده اید . وای‌کاش که همه پدران ومادران این موضوعات راو دیگر مسا یل زندگی را با فرزندانشان‌این طور وبدون پرده پوشی در میان نهند .

بی اعتمادی بزرگترین دشمن خوشبختی خا نواده است

پس از سا لها زندگی این هم نتیجه‌آن است که می بینم .

-بلی من زنی هستم در حدود سی وپنج سال ، چند سا ل قبل با جوانی که فکـر میکردم از هر حیث قابل اعتماد است و در ضمن به من نیز علاقه دارد از دواج کردم‌و حاصل این ازدواج یك دختر است .

دختریکه بحد پرستش دو ستش دارم و شوهرم نیز این احسا س را دارد .

بگذاراصل قصه را برایتان بگویم‌وکـمتـر حا شیه پروازی کنم .

یك‌روز صبح بهاری بود، مـاطبق‌معمول پیش از طلوع آفتاب از خوا ب بر می‌خیزیم وسرمیز چای حاضر میشویم.

شو هرم تا وقتیکه چای صبح حا ضـر میگردد لبا س میپو شد و روز نامه صبح‌را مطا لعه میکند بلی در همین روز بود که آن حرکت غیر دو ستا نه وغیر باور از طرف شو هرم سر زد .

قضیه از این قرار است که من به پول احتیاج داشتم واین پول‌را می خواسـتـم برای دخترم لباس بخرم زیرا از چند وقت دخترم همیشه در گو شم میگفت که مادرمن لبا س ندارم ، چرا برایم لباس نمی خری، ولی چون وقـت معاش فرانرسیده بـود نمی توانستم خواهش دخترم رابر آورده سازم اما علاقه واحسا س یك مادر بالا تراز این چیز هاست ، ایـن خواهش طفلـك‌مانند خنجری بود که به دلم زده میشد اگر نمی

بقیه درصفحه ٤٧





متر جم‌غیور

یکنوع سپورت‌جدید برای‌خانواده‌ها

والدین‌واطفال‌میتوا نند در او قات فرا غت ویا در اثنای کار بـه‌انواع واقسام ور زش وفعا لیتهـــــای فز یکی وجسمی مبا درت ور زنـــد. در بر خی از کشور ها سپورت‌و تمر ینات تفر یحی صرف بمنظور خوشگذرا نی وتفر یح صو رت مـی گیرد . زنان واطفال عده کثیری از کشور ها خو شی ندا رند در اخیر هر ماه فیسس بپر داز ندوبیکی‌از کلپلهای سپور تی برو ند . در آلمان فدرال یکنوع سپور ت جد ید برای خانوا ده هابوجودآمده اســـــت که تو سط تو پهای با لون نمـــــا بر نگهای خیلی قشنگ وزیبا مو رد استفا ده قرارمیگیرد .وا لد ین‌و کود کان‌با استفا ده از این نوع‌توپها در ایام تعطیل وروز های آفتا بـــی در صحن حو یلی،چمن ،باغهاو هم چنان پار کهای همجوار به توپ‌ـ بازی میپر دازند . وا لد ین وسا یر

بقیه‌درصفحه ۵۵



صحنه‌یی ازسپورت توسط توپ های‌بالون‌نما

دکتور شفیقه اعظمی دکتور اطفال موسسه‌صحت طفل

احتیاجات غذایی اطفال ومادران حامله

برای نشو نمای فزیکی ودماغی وبرای به میان آوردن یك نسل سالم ایجاب مینمایدتادر تغذی مادران حامله واطفال شیر خوار واطفال خرد مخصوصا اطفال کمترازپنج ساله توجـه خاصی گردد و غذا هائیکه از نظر کمیت‌وکیفیت کافی باشد توصیه گردد ۰ چه اطفال در آیام حیات داخل رحمی وشیر خوارگـی‌وخردسالـی نشو نماسریـــع داشته واحتیاج بیشتر برای تامین کالوری ومواد غذایی مخصوصا پرو تین میداشته باشد صحت ونشونمای طفل به‌صورت عموم نمایان گر حالت تغذی وی میباشد چه‌اگر یك طفل بعداز ۳۱ الی ٤۱ هفته حیات داخل رحمی باوزن متوسط سه کیلو گرام تـــولـد میشود در صورت تغذی درست وزن وی‌ازپنج ماهگی دوچند ودریـــــك‌سالگـی‌سه چندودردو سالگی چار چندوزن تولد وی خواهد گردیدوهم چنان قد طفل که‌در زمان ولادت (۵۰) سانتی متر میباشد در زمان یك سالگی ۷۵ سانتی خواهدشد۰

دانستن احتیاجات غذای اطفال وزنان حامله برای تمام پرسونل طب وپره میدیکل ضرورت است چه این اشخاص مسوول تعلیمات صحی اطفال ومادران میباشند علاوه ازاحتیاج غذای اطفال ومادران‌حامله‌دانستن‌غذایی محلی وارزان که حاوی مواد غذایی مخصوصاً‌پروتین‌ـآهــن‌ـ ویتـا میـن وغیره باشد لازمـی و ضروری است ۰

بطور مثال آنها بدانند که‌کدام غذاغنی از ویتامین هااست تااز خشکی قرنیه جلو گیری نماید وکدام غذاغنی از آهن میباشدتااز کـــم خونی فقدآن آهن جلو گیری نماید۰

حالت غذالی مادر:

جنین یك پرازیت است که‌برای مدت۳۱ـ٤۱ هفته در رحم مادر زندگی نموده واز طریق پلاسنتا تغذی مینماید۰اگرمادر در ایام بارداری برای مدت کوتاه‌نظربه‌عوامل محیطی‌ـاقتصادی‌ـ اجتماعی ومریضی به فقر غذایی‌معروض‌گـــردد جنین میتوانداحتیاجات غذایی خودرا ازانساج مادر تکافو نماید ۰ اما اگر فقدان یا فقرغذایی برای مدت دوام دار دوام نماید برای نشوونمای طفل تاثیر سوء انداخته ووزن طفل‌کمترازوزن نورمل میباشد ۰

قرار نظریات ومطالعاتیکه صورت گرفته هنوز هم رول‌تغذی‌مادر ووزن جنین موردمناقشه است با آنهم خانم هائیکه در ممالك پیشرفته زندگی مینمایند بطور متوسط (۱۲ر۵) کیلوگرام در ایام حاملگی وزن میگیرند یعنی۱ر٤ کیلو گرام تابیست هفتگی و ۵۰۰ گرام هفته‌واربعد از آن وزن میگیرند ، در حالیکه این مقیاس در ممالك روبه انکشاف صدق‌نمی کند۰ چنانچه ازنتیجه مطالعاتی که درسال (۱۹٦۰) تو سط و انکـا تشا لـــوم در نزد (۱۳۰) خانـــم حامله صورت گرفته چنین برمی آیدکه‌تقریبا ۵ر٦ کیلو گرام در زمان حمل وزن میگیرند که این وزن در ٦ماه اول سیر ارتقایی داشته وبعد از آن‌ثابت می‌نماید امادرافریقااین‌سروی که‌بالای ۵٤۰ خانم صورت گرفته دیده شده‌که تقریبا ٤ کیلو گرام در زمان‌حمل وزن گرفته‌اند۰

کالوری: عبارت از مقیاس انرژی بوده که از طریق غذا گرفته شده و بمصرف میرسد احتیاجات کالوری اطفال موازی به گراف قد ووزن میباشد که کالوری در زمان نوزادی تاسه ماهگی زیاد ترین وبعدا آهسته آهسته کمتر می‌گردد و همچنان درسال دوم چون‌وزن گرفتن ونشو نما نسبتا بطی است احتیاجات کالوری هم کمتر میگردد ۰

احتیاج کالوری اطفال ۱۲۰ کالوری فی کیلو گرام وزن بدن روزانه میباشد طوریکه در اخیر سال اول ۱۰۰۰ کالوری بوده وبعد از سال‌اول ۱۰۰ کالوری برای هر سال اضافه میگردد مثلاء یك طفل سه ساله ۱۲۰۰ کالوری روزانه احتیاج دارد ۰

شیر مادر ـ شیر پودری وشیر گاو به طور متوسط ۷۰ کالوری در ۱۰۰ سی‌سی شیردارد همچنان احتیاج کالوری مادران حامله بیشتر میباشد چه بمقدار ۳۰۰۰ کالوری‌روزانه احتیاج داشته ودر زمان بارداری۳۲۰۰ کالوری میباشد۰ یك غذای نورمل تقریبا ٤٦ فیصد کالوری‌از کاربوهایدرت و ٤۰ فیصد از شحم و ۱٤ فیصد از پروتین میباشد ۰

کاربوهایدریت :ـ از جمله مواد غذایی‌یکی کاربوهایدریت بوده که وظیفه عمده آن عبارت از ذخیره انرژی‌میباشد۰یك گرام‌کاربوهایدریت دارای ٤ کالوری میباشد کاربوهایدریت های که از طریق مواد غذایی گرفته میشود معمولا به‌شکل‌قندهای چندین‌قیمته‌ودوقیمته‌بوده وبه‌اثر عملیه هایدرولیز وانزایم های‌که‌در افــرازات لعاب دهن وپانقراص وامعاموجود است به‌قند های یك قیمته تبدیل گردیده وبعدا قابل هضم وجذب میگردد ۰ ومنابـــع کاربوهایدریت عبارت از شیر ـ گندم ـبرنج ـ کچالو ـلبلبوـ نیشکر ـوعصارهٔ میوه جات میباشد ۰

پروتین:ـ پروتین برای نشوونما ختـــمان عضویت ضروری است ویك مالیکولی پروتین اضافه از ۲۰ اسید امینی ترکیب‌شده و از

جمله ۸ امینواسید آن که بنام امینو اسید های اساسی یاد میگرددازطریق غذاگرفته میشود• این اسید وامینی ها شامل

منابـــع پروتین ها :ـ دارای دومنبع حیوانی ونباتی میباشند •

که پروتین های حیوانی عبارت از شیرـ گوشت ـ گوشت ماهی ـمرغ ـتخم میباشد• تخم از جمله اسید امینیهای است که بیلانس شده میباشداما گوشت ـشیر وماهی نسبت تخم دارای کمتر امینو اسید هامیباشد•

پروتین های نباتی عبارت از برنج ـ جواری لوبیا ـ باقلی ـ نخود ماش وهمچنان چارمغزو دیگر هسته جات میباشد که حاوی ۲۰فیصد ۲۵ فیصد پروتین میباشد •

پـــر و تین بـــه اثـــر فـــعالیت پپسین درمعده پارچه گـردیده و در اثـــر ترپسین پـــا نقـــراض هضم مـــی گـــرد واثـــر پارچه شدن مالکولها پروتین به امینواسیدها تبدیل ودر سیستم باب جذب میگردد •

احتیاجات روزانه پروتین :ـ

احتیاجات روزمره پروتین به اساس کیلوـ گرام وزن بدن مدنظر گرفته شده که از۲تادونیم ۲ گرام فی کیلو گرام وزن بدن میباشد •

احتیاج روزانه یك خانم ٥٥ گرام بوده امادر زمان حاملگی به ٦٥ گرام میرسد واز نتیجه فقدان پروتین اطفال به سوء تغذی مصاب میگردد •

شحم :ـ شحم که یك منبع مهم انرژی عضو یت بوده وازمنابع حیوانی ونباتی تشکیل گردیده است ویك گرام شحم حاوی ۹کالوری میباشد •

منابـــع مهم حیوانی شحم عبارت از روغن قیماق ـ مسکه ـشیرـزردیتخم وگوشت میباشد ومنابع نباتی آن عبارت کوکنار ـ چار مغز و دیگر هسته جات گل آفتاب وپنبه دانه میباشد•

ویتامین ها :ـ ویتامین هااز جمله مرکبات عضوی بوده کهعضویت خودش آنرا سا ختـه نمیتواند که باید از خارج عضویت تکافوگردد وبرای تامین صحت کامل ضرورت است •

ویتامین هابدو گروپ عمده تقسیم شده یکی منحلدرشحم کهعبارت ازحـدیـای ـ کا میباشدو دیگر ی منحل در آب است که عبارت ازویتامین سی وویتامین بی کامپلکس میباشدویتامینهای منحل در شحم در کبد ذخیره میشود وگرفتن مقـــدار ز یـــاد آن سبب میگـــر دد امـا ویتامین های منحل در آب در عضویت ذخیره نگردیده بلکه مقداراضافی آنرا اطراحازعضویت مینماید •

منـــرال یـــا مواد معدنی :ـ از جملـه منرال های مهم عبارت از کلسیموآهن میباشد

کلسیم :ـ برای تشکل استخوان ودندان ضرورت است اطفال زیاد تر از کاهلان احتیاج دارند همچنان احتیاج زن حامله زیاد میشود

احتیاجات ویتامین ـ منابع ووظایف اساسی منحل د ر آب

ویتامیـــــن	منبـــــع	وظایف	احتیاجات روزانه
ویتامین دی	د ر روغن جگر ماهی زردی تخم شیر و توسط تاثیر شعاع آفتاب بالای جلد	برای جذب کلسیم از امعاء و برای تشکیل استخوانهـا	٤٠٠
ویتامین ای	د ر شیر و دیگر لبنیات سبزیجا ت تازه ـ زرد ك ـ تخم و جگر روغن ماهی	برای نشو ونما و رویت نورمـــال	یکساله ۱٥٠٠ ازیکساله تا دوساله از ۲٥٠٠ تا ۳٥٠٠ کاهـــل ٥٠٠٠ خانم حامله ۸٠٠٠
ویتامین بی	د ر گوشت جگر ـ سبزیجات تازه تمام حبوبات وخسته جات	برای تشکیل حجرات و تشـــکل عا عناصر خون وفقد ان سبب جسلدی مری امعایی و امراض عصبی میگرد د	
ویتامین سی	نارنج ـ مالته ـ سنتـــــره بادنجان رومی و ســـبزیجات	برای وقایه از امراض سکوربوتیا قلت ویتامین سی	

چنانچه مقدار احتیاج کلسیم روزانهاز (تولد) سالگی الی چهار سالگی ۸ر۰ گرام میشود واز الی شش ماهگی ٤ر. گرام بوده و از یـك یك کاهل ۱ گرام بوده ازخانم حامله ۳ر۱ـ گرام است •

منابع کلسیم عبارت از است

آهن :ـ آهن که برای ساختمان هیموگلوبین که وسیله انتقال دنده او کسیجن کریوهسرخ است ضرورت میباشد مقدار ناکافی آن سبب کم خونی •

منابع آهن :ـ گوشت جگر ـتخم ـسبزیجات (سیریل) بوده وشیر منبع بسیار فقیر آهـن است •

ضرورت آهن در زمان حاملگی و تولد بیشتر است چنانچه دحتیاجات روزانه اطفال ۱۰ـملی گرام روزانه بوده واز یك خانم ۱۸ ملی گرام میباشد امادر زمان حاملگی روزانه به ۳۰ ملی گرام میرسد یعنی روزانه ۳ ملی گرام اضافی به زنان حامله توصیه میگردد •

احتیاج غذایی اطفال در زمان شیر خوارهگی

توسط شیر مادر تامین میشود مخصوصا در شش ماه اول چه شیر مادر تمام مواد غذایی ایکه برای طفل ضرورت است دارا میباشدو طفل میتواند به خوبی نشو ونما نماید • اما شیر مادر بعد از شش ماهگی مقدار آن کافی نبوده تابتواند احتیاجات غذایی طفل راتکافو نماید لذا غذای متم اضافهگردد•

برای تهیه غذایی متمم نکات ذیل لازمـی است •

بقیهدرصفحه٥٥

جدول تغـذی درمالك روبه انکشافبا اضافه غذ ای متم

۱	بعدازششماهگی	شیـــر مـــادر
۲	از ٦ الی ۷ ماهگی	شیر مادر ـ آب جوش داده شده وقتا نوقتا ـ اب میوه تازه ـ فرنی کیله میده شده
۳	بعد از ۷ ماهگی تا ۱۲ ماهگی	سبزیجاتیکه خیلی نرم شده باشد تخم جوشداده شده ـ جگریکه نرم شده باشد وشوربایکه حاوی ترکاری باشد ـ شیر مادر ـ میوه جات
٤	ازیکسالگی به بعد	غذای فامیلکه شامل سبزیجات حبوبات میوه جاتو غیره باشد همراه با شیـــر مادر تا دو سالگی



آرش کمانگیر

برف میبارد ،
برف میبارد به روی خارو خاراسنگ
کوهها خاموش ،
دره ها دلتنگ ،
راهها چشم انتظار کاروانی باصدای زنگ
بر نمیشد گرزبامی کلبه هادودی
یا که سوسوی چراغی ، گربیامان نمیاورد
رد پاها گرنمی افتاد ، روی جاده‌ها لغزان
ما چه میکردیم در کولاک دل‌آشفتهٔ دلسرد

در گشودندم
مهربانیها نمودندم
زود دانستم ، که دور از داستان‌خشم برف وسوز
در کنار شعله آتش ،
قصه میگوید برای بچه های خودعمو نوروز

« .. گفته بودم زندگی زیباست
گفته وناگفته ای بس نکته هاکاینجاست
آسمان باز
آفتاب زر
باغهای گل
دشتهای بی درو پیکر

سر برون آوردن گل از درون‌برف
تاب نرم رقص ماهی دربلور آب
بوی خاک عطر باران خورده د رکهسار
خواب گندمزار ها در چشمهٔ‌مهتاب
آمدن ، رفتن ، دویدن
عشق ورزیدن
در غم انسان نشستن ،
یا بپای شادمانی های مردم پای‌کوبیدن

کار کردن ، کار کردن
آرمیدن
چشم انداز بیا بانهای خشك وتشنه را دیدن
جرعه هایی از سبوی تازه آب‌پاك نوشیدن

گوسفندان را سحر گاهان بـه‌سوی کوه راندن
همنفس با بلبلان کوهی اواره‌خواندن
در تله افتاده آهو بچگان را شیردادن
نیمروز خستگی را در پناه دره‌ماندن

گاهگاهی ،
زیر سقف این سفالین با مهسای‌مه گرفته
قصه های درهم غم را زنم نـم‌های بارانها شنیدن
بی تکان گهوارهٔ رنگین کمان‌را
در کنار بام دیدن

یا شب برفی
پیش آتش ها نشستن
دل به رویا های دامنگیر و گرم‌شعله بستن

آری آری زندگی زیباست
زندگی آتشگهی دیرنده پابر جاست
گر بیفروزیش ، رقص شعله‌اش در هر کران پیداست
ورنه خاموش است و خاموشی‌گناه ماست . »

کنده ای در کورهٔ افسرده جان‌افگند .
چشمهایش در سیاهی های کومه‌جستجو میکرد
زیر لب آهسته با خود گفتگومیکرد

ـ «زندگی را شعله باید برفرو زنده
شعله هارا هیمه سوزنده

جنگلی هستی تو ، ای انسان !
جنگل ، ای روییده آزاده
بیدریغ افگنده روی کوه هادامان
آشیا نها بر سر انگشتشان توجاوید
چشمه ها در سایبا نهای توجوشنده
آفتاب وباد وباران بر سرت‌افشان
جان تو خدمتگر آتش ...
سر بلند وسبز باش ، ای جنگل‌انسان !

زندگی شعله میخواهد . » صداسر داد عمو نوروز
ـ «شعله ها را هیمه باید روشنی‌افروز .
کودکانم ، داستان ما ز «آرش»بود .
او بجان خدمتگزار باغ آتش‌بود .

روز گاری بود
روز گاری تلخ وتاری بود
بخت ما چون روی بد خوا هان‌ما تیره
دشمنان بر جان ما چیره .
شهر سیلی خورده هذ یان‌داشت
بر زبان بس داستا نهای پریشان‌داشت
زندگی سردوسیه چون سنگ
روز بد نامی
روز گار ننگ
غیرت اندربند های بندگی بیجان
عشق در بیماری دلمر دگی‌بیجان

فصل ها فصل زمستان شد
صحنه ها گلگشت ها گم شد ، نشستن در شبستان شد
در شبستا نهای خاموشی
میتراوید از گل اندیشه هاعطر فراموشی

ترس بود وبالهای مرگ
کس نمیجنبید ، چون برشاخه برگ از برگ
سنگر آزادگان خاموش ،
خیمه گاه دشمنان پر جوش ،

مرز های ملك
همچو سر حدات دامنگستراندیشه ، بیسامان
برجهای شهر ،
همچو بارو های دل ؟ بشکسته‌و ویران
دشمنان بگذشته از سر حدو از بارو

هیچ سینه کینه ای در بـــــرنمی‌اندوخت
هیچ دل مهری نمیورزید ·
هیچکس دستی بسوی کس نمی‌آورد
هیچکس در روی دیگـــر کس‌نمی خندید

باغهای آرزو بی برگ
آسمان اشکها پر بار
گرمرو آزادگان در بند
روسپی نامردمان در کار ...

انجمن ها کرد دشمن
رایزنها گردهم آورد دشمن
تا بتد بیری که در نـاپـاك دل‌دارند
هم بدست ما شکست ما بـــراند بشند
نازك اندیشانشان بیشرم -
که مبادا شان دگر روز بهـــی‌در چشم
یافتند آخر فسونی را که مـــی‌جستند ..

چشمها با وحشتی در چشمخانـه‌هر طرف را جستجو میکرد
وین خبر را هر دهانی زیر گوش‌باز گو میکرد
«آخرین فرمان
«آخرین تحقیر
«مرز را پرواز تیری مید هـــدسامان !
«گریه نزدیکی فرود آید
«خانه هامان تنگ
«آرزو مان کور ...
«ور بپرد دور
«تا کجا ؟ تا چند ؟
«آه ! کو بازوی پولادین وکـــوسر پنجهٔ ایمان ؟ »
هر دهانی این‌خبر را بازگومیکرد
چشمها ، بی گفتگویی ، هـــرطرف را جستجو میکرد . »

پیر مرد ، اندو هگین ، دستـــی‌بدیگر دست میسایید
از میان دره های دور گر گـــی‌خسته مینالید .
برف روی برف میبارید .
باد بالش رابـــه پشت شیشـــه‌میمالید .

ـ« صبح می آمد . »
پیر مرد آرام کرد آغاز
ـ «پیش روی لشکر دشمن سپاه‌دوست ،
دشت نه ، دریائی از سرباز ...

آسمان الماس اختر های خـودرا داده بود از دست
بی نفس میشد سیاهی در دهان‌صبح
باد پر میریخت روی دشت بازدامن‌البرز .
لشکـــر ایرانیان د ر اضطرابی‌سخت دردآور
دود وسه سه و پچ پچ گـــردیکدیگر
کودکان بربام
دختران بنشسته بر روزن
مادران غمگین کنار در

کم کمك در اوج آمد پـــچ پـــچ‌خفته
خلق ، چون بحری برآشفته
به جوش آمد
خروشان شد
به موج افتاد
برش بگرفت و مردی چون صدف
از سینه بیرون داد ،

«منم آرش !
چنین آغاز کرد آنمرد بادشمن
«منم آرش سپاهی مرد آزاده
«به تنهائی تیر ترکش آزمـــون‌تلختان را
«اینك آماده ،
« میجوئیدم نسب ؟
« فرزند رنج وکار
« گریزان چون شهاب ازشب
« چو صبح آماده دیدار

« مبارك بادانجامه که اندر رزم‌پوشنندش
« گوارا بادآن باده که اندر فتح‌نوشنندش
« شما را باده وجامه
« گوارا و مبارکباد !

« دلم رادر میان دست میگیرم
ومی افشارمش در چنگ
« دل، اینجام پرازکین پرازخونرا
« دل این بیتاب خشم آهنگ

« که تانوشم بنام فتحتان دربزم،
« که تاگویم بجـــام قلبشان دررزم ،
« که جام کینه از سنگ است .
« ببزم ماورزم ماسبو وسنگ راجنگ است

« دراین پیکار،
« در این کار،
« دل خلقی است درمشتم
« امید مردمی خاموش همپشتم

« کمان کهکشان در دست ،
« کماندی کمانگیرم،
« شهاب تیزرو تیرم
« ستیغ سربلند کوه ماوایم
« به چشم آفتاب تازه رس جایم،
« مرا تیر است آتش پر ،
« مرا باد است فرمانبر ،
« ولیکن چارهٔ امروز ، زورپهلوانی‌نیست .
« رهایی باتن پولاد و نیـــروی‌جوانی نیست
« در این میدان ،
« براین پیکار هستی سوز سامان‌ساز ،
پری از جان بباید تا فرونشیندلاز پرواز

پس آ نگـــه سر بسوی آسمان‌بر کرد ،
به آهنگی دگرگفتار دیگر کرد،

درود ، ای واپسین صبـــح ، ای‌سحر بدرود !
که باآرش ترا این آخرین دیدارخواهد بود
به صبح راستین سوگند ،
به پنهان آفتاب مهر بار پاك بین‌سوگند !
که آرش جان خود در تیر خواهدکرد
پس آنگه بیدرنگـــی خواهدش افگند ،

زمین میداند اینرا آسمانها نیز
که تن بی عیب و جان پاك است
نه نیرنگی به کارمن نه افسونی،
نه ترسی در سرم نه در دلم باکاست »
درنگ آورد و یکدم شد بلـب خاموش
نفس در سینه ها بیتاب مـــی زدجوش .

ز پیشم مرگ ،
نقابی سهمگین بر چهره می آید
به هرگام هراس افگن ،
مرا با دیدهٔ خونبار می پاید
به بال کرکسان گرد سرم پروازمیگیرد
« به راهم می نشیند راه می بندد
« برویم سرد می خندد
« بکوه ودره میریزد طنین زهرخندش را
« وبازش باز میگیرد .

لطفاً ورق بزنید

« دلم از مرگ بیزار است
« که مرگ اهرمن خو آدمیخواراست
« ولی آندم که زاندوهان روان‌زندگی تار است
« ولی آندم که نیکی وبدی راگاه‌پیکار است :
« فرو رفتن بکام مرگ شیرین‌است .
« همان بایستهٔ آزادگی این‌است .

« هزاران چشم گویاولب خاموش
« مرا پیک امید خویش میداند .
« هزاران دست لرزان و دل پرجوش
« گهی میگیردم ، گه پیش‌میراند ،
« پیش می آیم .
« دل و جانرا به زیور های انسانی‌میارایم
« بنیرویی که دارد زندگی د رچشم ودر لبخند :
« نقاب از چهرهٔ ترس آفرین‌مرگ خواهم کند .»

نیایش را دوزانو بر زمین بنهاد
به سوی قلعه ها دستان ز هم‌بگشاد

« برا ای آفتاب ای توشهٔ امید !
« برا ای خوشهٔ خورشید !
« تو جوشان چشمه‌ای من تشنه‌ای بی تاب .
« برا ، سرو زیرکن تا جان شودسیراب ،

« چوپا در کام مرگی تندخودارم ،
چو دردل جنگ با اهریمنی پرخاشجودارم ،
« به موج روشنائی شستشوخواهم ،
« زگلبرگ تو‌پای زرینه گل ،من رنگ وبو خواهم

« شما ای قلعه های سر کش خاموش ،
« که پیشانی به تندر های سهم‌انگیز میسائید ،
« که بر ایوان شب دادید چشم‌انداز رویائی
که سیمین پایه های روز زرینرابروی شانه می کوبید !
« که ابر آتشین را در پناه‌خویش‌میگیرید

« غرور وسر بلندی هم شما راباد !
« امیدم را بر افرازید ،
« چو پرچمها که از باد سحر گاهان بسر دارید
« غرورم را نگهدارید
« به سان آن پلنگانی که در کوه‌و کمر دارید »

زمین خاموش‌بود وآسمان‌خاموش
تو گوئی این جهانرا بود باگفتارآرشس گوشس

به یال کوهها لغزید کم کم‌پنجهٔ خورشید
هزاران نیزهٔ زرین بچشم آسمان‌پاشید .

نظر افگند آرشس سوی شهرآرام
کودکان بربام
دختران بنشسته بر روزن
مادران غمگین کنار در
مرد ها در راه
سرود بیکلامی ، باغمی جانکاه ،
زچشمان بر همی شد با نسیم‌صبحدم همراه

کدامین نغمه میریزد :
کدام آهنگ ایا میتواند ساخت ،
طنین گامهای استواری را کـه‌سوی نیستی مردانه می رفتند
طنین گامهایی را که آگا هانه‌میرفتند

دشمنانش درسکوتی ریشخند آمیز ،
راه وا کردند
کودکان ازبامها اورا صدا کردند.
مادران اورا دعا کردند
پیر مردان چشم گرداندند
دختران بفشرده گردنبند هادر مشت ،
همره او قدرت عشق و وفا کردند.
آرشس : اما همچنان خاموشس
از شکاف دامن البرز بالا رفت
از پی او
پرده های اشك پی درپی فرودآمد . »

بست یکدم چشمهایشس را عمونوروز ،
خنده بر لب : غرق در رویا .
کودکان با دیدگان خسته‌وپی جو ،
در شگفت از پهلوانیها
شعله های کوره در پرواز
باد ها در غوغا

ـ« شامگا هان
راه جویانیکه میجستند آرشس رابر روی قله ها پیگیر :
باز گردیدند ،
بی نشان از پیکر آرشس
با کمان وترکشی بی تیر .

آری آری جان خود در تیرکرد آرشس
کار صدها صد هزاران تیغ‌شمشیر کرد آرشس
تیر آرشس را سوارانی که میراندند بر جیحون
به دیگر نیمروزی از پی آنروز
نشسته بر تناور ساق گر دوئی‌فرودند
و انجارا ازان پس
مرز ایرانشهر وتوران بازنامیدند
آفتاب ،
در گریز بی شتاب خویشس
سالها بر بام دنیا پاکشان سرزد.

ماهتاب ،
بی نصیب از شبرویهایشس همه‌خاموشس
در دل هر کوی وهر برزن
سر به هر ایوان وهر درزد .

آفتاب وماه را در گشت
سالها بگذشت
سالها وباز
در تمام پهنه البرز
وین سراسر قلعهٔ مغموم‌وخاموشی‌که‌میبینید،
وندرون دره های برف آلودی که‌میدانید
رهگذرهائی که شب در راه میمانند ،
نام آرشس را پیاپی در دل کهسارمیخوانند
ونیاز خویش میخواهند .

بادهان سنگهای کوه ، آرشس میداد پاسخ !
میکند شان از فراز واز نشیب‌جاده ها آگاه
می دهد امید :
می نماید راه »

در برون کلبه می بارد
برف میباردبروی خارو خاراسنگ
کوهها خاموش
دره ها دلتنگ
راهها‌چشم انتظار کاروانی باصدای‌زنگ

کودکان دیری است درخوابند :
درخواب است عمو نوروز
میگذارم کنده ای هیزم درآتشدان
شعله بالا میرود پرسوز ..

سیاوش کسرایی

هغوی چې ژوندي دي

«ژان لافایت»

ـښه نو داخلي پای ته ورسید ، هرو مرو سږ کال کارونه سمیږي ۰

ـښایي چې روسان لاهم پرمختګ وکړي، ډیر امکان لري چې ډیر ژر دخپل هیوادخاوره خپلو اکه کړي ۰

خو باید دغه زیري نورو ته هم ورسوم او همدارنګه باید دغه خبر خپل دوست «آندرکس» ته هم ورسوم ۰ «آندرکس» یوځوان مهندس‌دی او موږ هره ورځ یوبل سره مفصلي لیدنی‌کتنی لرو ۰ هغه د«لنز» په‌بند یخانه کی زمایودوست سره آشنا شوی ، او اوس دخپلي مباحثي پاتی برخه ماسره ترسره کوی ۰ موږ په ادبیاتو کی تقریبا یوشان ذوق‌لرو ۰ داسی نور مسایل هم شته چی موږ یودبل سره‌نږدي کوی۰ اوس‌ښځي بودبل سره دوست شوی یو ۰ زه دده په‌واسطه دیو شمیر زیاتو فرانسویانو او په تیره بیاد «پی‌یر» سره آشنا شوی یم ۰

کله چی ما د«فرن» په جیل خانه کی خپله نمبره «پی‌یر» ته ورکړه هغه‌ماته وویل‌چی‌دهغه ګاونډی بندی په‌هماغه بندیخانه کی هغه سره دوست وواوز مایه هکله ورسره غږ یدلی دی ۰ دغه بندی چی یی زه ښه په یادکی لرم یوکاتولیك وو ما کله کله دهغه غږ اوریده‌چی مذهبی سرو دونه به‌یی ویل ۰ زما نه دتحقیقی په شپه کی د«سوسه» په کوڅه‌کی دخپل سلول دسوری څخه ماته وویل :

ـمانن تاته ډیر دعا وکړه !

کله چی‌ماورته وویل‌زه‌اعتقاد نلرم، دغـه سړی چی پوهیده زه یوکمونیست یم له ډیر اعتقاد سره یی ماته ځواب راکړ :

ـته اودتاملګری دیوی ریښتینی مسیحی په څیر دډیر ودعا ګانو مستحق یاستی .«پی‌یر» دغه خبری زماپه‌یاد کړ۰همدارازهغه راته وویل:

چی‌زمادغه‌دوست پس‌له‌دی‌نه‌چی‌خپل‌وروستی‌دعا وویله ساه یی وخوت ۰ د«پی‌یر» په نظرچی یو متعصب کاتولیك دی ۰ دهغه ددوست دعا قبوله شوی ده، اودهغه دروح په نیـولوسره هغه یی دزیاتو کړاو نو څخه وژغورل۰

زه دده دعقیدی سره موافق نه‌یم خود «پی‌یر» صمیمت او مهربانی هغه ماباندی‌ګران کړی دی۰ هغه هم دهغو درناویو څخه چی مادده نظـرـ یاتو ته ښکاره کول ، حیران وو ۰ اوس داهغه دی چی زما یوښتنی ته راځی او کمونیزم ته زما دایمان په‌هکله راڅخه پوښتنی کوی اوزه په ډیر شورداو زوږ سره ورته ځواب ورکوم۰ «آندرکس» تر ټولونه زیاته زما اود«پی‌یـر» دښمنۍ یکو څخه خوشحاله ده ، خوورووروګیله کوی چی زه دهغه ګاونډی سره دده‌په‌پرتله ډیره مینه لرم ۰ له همدی امله دادی اوس‌پس له‌دی نه چی دنورو ملګرودلیدنی څخه خلاصیږم ترټولونه لومړی دهغه دلیدنی لپاره ځم:

ـزیری می‌دربا ندی«آندرکس»لیننګراد خپلواك شو ۰

عالی‌ده وروره! عالی، «پی‌یر» ته‌غږوکړه پی‌یر له ډیر احتاط سره د چپـر کټ دو هـــم پوړ ته پورته کیږی او هغه نه غواړی‌داسی کار وکړی چی هغو کسانوته چی دچپرکټ په لومړی پوړ باندی ناست‌دی په تکلیف‌شی۰ «آندرکس» دهغه څخه پوښتنه کوی :

ـخبر لری ؟

«پی‌یر» تل پخپل غږیداکی ډیر جدی دی۰

موږدری کسه یودبل سره ښه غږیږ واو او وروسته بیازه خپل ځای ته ځم .

ـهوکی ، اوس هیڅ شك نلرو چی موږ به روسان وژغوری ۰

* * *

موږیو متل‌لروچی‌وایی: یوه‌نیکمرغی یواځی نه پاتی کیږی ۰ نږدی دی چی زه ددغه متل په‌ریښتین والی یقین ترلاسه کړم .

دغرمی دآشی خوړلو څخه‌وروسته‌چی دنورو ورځوپه پرتله ټینګ وو، «آندرکس» ز مـــا دلیدنی‌لپاره راغی او داسی ښکاری چی کومه نوی خبره ده ۰ خبرداده چی‌هغه یوه نوی‌ګاونډی موندلی دی چی نوی دفرانسی څخه راغلی‌دی۰ موږ دواړه ددی نوی سړی‌پرشاوخواټولیږ‌واو ورڅخه سو الونه کوو ۰

دغه نوی سړی ځنی خبرونه لری چی موږ هیڅکله ندی اوریدلی ۰ په آلپ او «برتانی» کی دوسله والو سر تیرو ډلی جوړ شوی‌دی۰ آلمانیانو ددغو نهضتو نو دمخنوی لپاره په‌هره وحشتناکه چال چلند لاس پوری کوی ، خوهیڅ شی ددغه نوی ډول پوځ مخه نشی نیولی۰ زیاد تره خلك هر راز چی کولای شی له هغوسره مرسته کوی . پټ‌رادیواودلندن رادیودکورنیو جګړو خبرونه خپروی ۰

ـښه دغه سر تیری څوك دی ؟

ـهر رنګ خلك پکی شته ۰ پخوانی افسران کارګران، بزګران اوان ښځی۰

ـاکثریت څوك دی ؟

ـکار ګران اکثریت دی ۰

ـدهغوی په‌منځ کی‌کمونیستان هم شته ؟

ـهوکی ، ډیر۰ترټولونه‌ډیری۰هغوی ځانګړی ډلی هم‌لری۰ د«ف،ت،پ،» (دفران تیرپارتیزان) ډلی چی چیرته پیدا دی ۰

ـتاخپله څنګه ، څه دی کول؟

ـزه ده کونکی وم خود یو«آ، اس» له ډلی سره له نهضت سره یو ځای شوم ۰

ـدا د«آ، اس» ډله څه شی ده ۰

ـپټ پو ځ (آرمه، سکرت)۰ دوی زیادتره حرفه یی سر تیری دی ۰ موږ په یوه کلی‌کی پوځی تمرین کول ۰

ـته تراوسه پوری جنګیدلی یی ؟

ـ نه تر اوسه پوری نه، زه په ښارکی کله چی دواړ څخه تیریدم‌ونیول‌شوم۰

زه اوس ، اوس ډیر خبرونه ترلاسه کړی دی ۰دچپرکټونوله څنګه څخه تیر یږم‌اونوی خبرونه خپلو ملګروته‌رسوم۰ دبندیانوپه ډنګرو بڼوکی دخوشحالی نښی نښانی پیدا کیـږی فرانسو یان هم جنګیږی ۰

زه دهغو ځان تیریدنو په هکله سوچ‌کوم چی ددغی جګړی په پیل کی منځ‌راغلی وو ۰ زه‌دهغو کسانو په‌هکله سوچ‌وهم‌چی‌تر ټولونه‌ړومبی‌دغه جګړه یی پیل کړی دی ۰ زه دهغو کسانوپه هکله سوچ‌کوم چی هیڅکله به تاریخ دهغوی ځان تیریدنه ثبت نکړی ۰ زه دکانودهغه‌کارګر په‌هکله سوچ‌کوم‌چی دډیرو ابتدایی‌چاودو نکی موادو سره یوپل وچاودواو دفعالیت په ترڅ کی خپل ځان هم له لاسه ورکړ ۰ زه دهغه شل کلن کارګر په هکله سوچ کوم چی د۱۹٤۲کال دمی په لومړی نیټه کی خپل ځان وژنی ته ورکړ تر څوچی دهغه ملګری‌کارګران‌مبارزی ته‌وهڅوی اوهیڅوك وربا ندی پوه نشی۰ زه دهغـو دری څلور کسیزوډلوپه هکله سوچ کوم چی بی‌له وسلو څخه دښاراو کلی نه بهر تلل او خپل کورنی‌یی خوشی کول ترڅوچی دغلیم پر ضد جګړه وکړی او که دځناوری شویو کسانو لستونه نه‌خپریدل هیڅوك نه‌پوهیدل چی دوی څوك وو اوهیڅوك دهغوی ځان تیریدنی ته نه متوجه کیدل ۰

وروسته‌بیادهمدغو سر تیرو وسله والی ډلی منځ ته راغلل چی غلیم یی دځان څخه زیات له مینځه وړل داپوره هغه وخت وو چی ځنی به فرانسو یانوته نصیحت کول‌چی!«آرام‌واوسیږی، حوصله وکړی ، هغه ورځ به‌را ورسیږی چی موږ تاسی دغلیم دمنګولو څخه وژغورو۰» خودغه خلك انتظار ونه ایستل اوله همدی امله چی منتظر پاته نشول ، مبارزه غښتلی او منظم شو له همدی امله چی ووژل شول او خاورو باندی وغورځیدل ددوی ځان‌دډیروکسانو له‌خوا ډکشو که‌نن‌په‌لس هاووزره فرانسو یان پخپل نیول هیواد کی له غلیم سره‌جنګیږی ددی لپاره ده‌چی ددوی دسر غندویانو وینی خوشی له مینځـــه لاړ نشی ۰

او هغوی ته زه نن په سوچ کی یم ۰ او سوچتیامی دهغوکسانو خواته زیاته متوجه دی چی دهغوی غږ راته ګران دی ۰ هغه کسان چی دلومړی ځل‌لپاره یی‌خپل ملت‌مبارزی ته راو- غوښتل ۰

* * *

(ابنسی دفا شیستانو لویه جیل خانـــه)

دمنظری بدلون

«روبر» د ډ اوژوند څخه سرشار مخا مـخ ته‌ولاړدی ۰ ډیر ژرژر راسره غږیږی داځکه چی موږ بیړه لرو ۰

ـزه له‌دی امله پاریس بوتلم چی زما څخه کومه خبره وباسی ۰ دمسافرت په اوږدو کی څلور کسه ساتونکی زما شاوخواکی ولاړوو او څارنه یی کوله ۰ زه همدا رنګه چی تا ګودم، فرانسه می‌ولیده ۰ دپاریس په شاوخواسیمه‌کی اورګاډی دهغه اپارتمان په وړاندی تیره شوه چی زما مور او دوه تنه کوچنیان می‌هلته ژوند کوی ۰ زما یوتن ساتونکی چی داسی ښکاریده چی پدغه خبره باندی پوهیږی ماته وویل:

ـ«دهغوی لیدنه یواځی په تاسی پوری‌اړه لری۰»۰

زه هیڅ‌ونه ښوریدم او څه می‌ونه ویـل هغوی پوره څلور میاشتی وساتلم اوبی له‌دی نه چی خپل کوچنیان وګورم بیرته دلته راغلم۰ اوپرته له‌دی نه‌بله لاره نه‌وه۰ ماترجیح ورکړه چی دتاسو په منځ کی واوسم ۰ پرون زه دجیل خانی سیاسی برخی ته وغوښتل شوم اویوځل بیاد لګد واو سوکا نو لاندی ولویدم خو سړی ورو ورو عادت کوی ۰ که ماته کومه پیښه منځ ته راغله اوله مینځه لاړم ، ملګروته ووایه چی مایوه ټکی هم ندی ویلی اوقایل شوی نه یم «روبر» خپل تنې خلاصوی‌اوخپل‌ټپی‌ځان‌را تـه دشاهد په توګه ښیی ۰

ـملګرو ته به ووایی که‌نه ؟

ـ هرومرو به ووایم خوزه هیله لرم چـــی ته‌به هم هلته یی او توضیح به ورکړی ۰

ـزه هم هیله مندیم خوباید دهر شی پیش بینی وکړو ۰

«روبر» پداسی حال کی چی‌یو ژور موسکایی په شونډو وکی لیدل کیږی زه خپل لاس ورته اوږدوم اویو ځلی یو دبل غیږ ته لویږو ۰

ـدلیدنی وعده په پاریس کی ۰

ـزیار باسم چی وعدی سره سم حاضر شم۰

ـخدای پامان «روبر» ۰

هغه لیك چی دشپږ ودقیقو څخه راهیسی داتلسم لمبر بلاك په‌وړاندی ولاړ وروانیږی ۰ زه هم همدغه ډله کی یم ۰

(نوربیا)



درین تابلو گریگوری کوتوفسکی- قوماندان مشهور ارتش شوروی باافرادش طی جنگهای داخلی دیده می‌شود

بمناسبت شصت و دومین سالگرد تشکیل اردوی شوروی

نقش ارتش شوروی در دفاع از انقلاب کبیر اکتوبر و دولت جوان شوراها

ملاکان وسرمایه داران روسیه نمی‌توانستند این حقیقت را (که‌مردم آنها را ازقدرت ودولت شان برانداخته اند) بپذیرند • درسال ۱۹۱۷ آنها چندین بارتلاش نمودند که‌حکومت نوبنیاد شوروی را سقوط دهند مگر این تلاشهای آنها به ناکامی انجا مید • بعدا آنها ارتش خودرا تشکیل دادند که بنام گار د سفید یاد می‌شدو جنگ را علیه دولت کارگران و دهقانان شروع کردند• یك جنگ داخلی شروع گردید ودولت های کاپیتالستی نیز به‌کمك گاردسفید قوا فرستادند وعلیه حکومت شوروی بـــه نبرد پرداختند •

تشکیل ارتش شوروی :

در فبروری ۱۹۱۸ قوای آلمان به روسیه شوروی حمله نمودقوای مذکور کاملامجهزبود• وتوسط جنرال‌هاوافسران باتجربه سوق واداره می‌شد مگر درین هنگام دولت جوان شوروی تعدادکم‌قوماندانان باتجربه داشت• افـــراد سابـــق ارتش‌تزاری‌بخانه های شان‌مراجعت نموده وبسیاری از جنرال هاو افسران سابق دشمنـــان دولت شوروی شده بودند• دولت شوروی در معرض خطرجدی قرارداشت •درین هنگام دشمن بسرعت جانب شهر پترو گراد سرد وقحط زده حرکت کرد.

لینن وحزب کمونست از کارگران ودهقانان خواست تاآنها از دست‌آورد های انقلاب اکتوبر دفاع نمایند • درپای درختان بلند در پارك پربرف شهر قدیمی سمولنی گاردهای اردوی شوروی در حالیکه بالا پوش‌های نخی کهنه وکرتی هاو جاکت های پشمی گشاد به تن‌داشته وتوسط کمر بند های قشنگ کمر های شانرا بسته بودند دست های خود بروی آتش های بر افروخته گرم می‌کردند • این اولین قطعات‌اردوی کارگران ودهقانان شوروی بـــود کـــه در آن لحظات خطرناك تشکیل گردید •

در هر جا داوطلبان به این ارتش جدیـــد می‌پیوستند. چنانچه‌بلشویك‌ها دریك‌درخواست شان به‌کارگران گفتند::جرمن‌هابطرف پتروگراد پیشروی می نمایند ما شهر سرخ‌خودرابه‌دشمن واگذار نخواهیم شد اهمه بخاطر دفاع‌ازانقلاب بر خیزید !)

سربازان تازه وارد اردوی شوروی بادردست داشتن تـــفنگ هاوتفنگ‌های شکاری‌سریعانه پیش رفتند وکمونیست هاهنگامیکه درپیشاپیش این اردوی جدید حرکت میکردند سرود ذیل رازمزمه می‌نمودند :

ماشجاعانه بجنگ می‌رویم وقدرت شوروی هستیم •

اردوی شوروی که تازه تشکیل گردیده بود قادر به جلوگیری از پیشرفت جرمنی بـــه شهر پتروگراد بود • این‌حادثه (تشکیل اردوی شوروی) در ۲۳ فبروری ۱۹۱۸ اتفاق افتادبه افتخار همین رویداد ، هرسال ۲۳ فبروری‌بحیث روز اردو در اتحاد شوروی تجلیل میگردد •

«سر زمین سوسیا لیستـــی در معرض خطر است !»

این جمله یی بود که توسط لینن وحزب کمونست هنگام دعوت از مردم بخاطر کمك طی این لحظات خطرناك گفته می‌شد • آنها حمایت تمام کارگران‌رابخاطردفاع ازمیهن‌سوسیالیستی شان حاصل کردند •

در تابستان ۱۹۱۸ اوضاع بطور قابل ملاحظه یی خطر ناك شد، زیرا جرمن ها او کراین‌وبلو روسی را تصرف کردند-قوای مشترك امریکایی وانگلیسی در شمال در شهر های مینسك و ارشانگل پیاده شدند - تروپ های فرانسوی شهر های او دیسه ، ساباستوپل ودیگر قسمت هارادر امتداد ساحل بحیره‌سیاه اشغال کردند- قوای جاپانی وا مریکایی شرق دور رابدست آوردند - مهاجمین خارجی وگارد های سفید کنترول کریمیا ، قفقاز، آسیای میانه وسایبریا رابدست داشتند وبه این ترتیب حکومت‌شوروی توسط یك دایرهٔ آتش محاصره گردیده بود• درآن وقت‌لینن‌و کمیته‌مرکزی حزب‌بلشویك در قلب کشور - مسکو -اقامت داشتند •درماه مارج ۱۹۱۸ حکومت شوروی پایتخت را از پتروگراد به مسکو انتقال داد و مسکو مرکز جدید اتحاد شوروی گردید •

لینن وضع زندگی رادر داخـــل تنظیم و رهبری میکرد • در ژنسکی ، کور بیشوف، استالین ، اودجونیکدز ودیگربلشویکها به مشکلترین بخش های جبهه فرستاده شدند• طی‌این روز ها لینن تقریباًبدون‌وقفه(روزتمام) کار میکرد او از قوماندانان اردوی شوروی و



تابلوی فوق صحنه‌یی از جنگ داخلی‌رادرجاده های پتروگراد نشان میدهد •

کارگران حزب خواست تارا پور بدهندو مکاتب وتلگرامها رااز جبهات جنگ واز سراسرمملکت در یافت نمایند • او دایم به کارگران در فابر- یکات وگروپ های افراد اردوی شوروی قبل ازینکه آنهابه‌جبهه بروندبیانیه می‌داد وسخنرانی میکرد •

درین هنگام دشمنان انقلاب فکر می‌کردند که همین محافل سخنرانی بهترین فرصتی است که می توانند بخاطر سوء قصد علیه لنین‌دست بکار شوند •

روز ۳۰ آگست ۱۹۱۸ لنین به کار گران فابریکه «مشل سون »(اکنون‌بنام ولادیمیرایلیچ مسمی می‌باشد) در مسکوسخنرانی میکرد• سوء قصد به‌زندگی لنین اساسا هنگامی صورت‌گرفت که‌میتنگ خاتمه یافته‌ولنین‌بایك گروپ کارگران بطرف موترش حرکت میکرداخبار این حمله‌همه مردم رادر سر تا سر کشور گیج کرده بود• هروز مردم‌بی‌صبرانه‌منتظرآخرین بولتین(ورقه های خبری) بودند تابدانوسیله از صحت رهبر محبوب شان اطلاع حاصل نمایند• کارگران‌و دهقانان تمام نیروی خودرا بخاطرمقابله‌بادشمن وقف‌کرده بودند افراد اردوی شوروی تصمیم گرفتند تابه صورت فوری جهت انتقام این‌سوء قصد (جراحتی که به لنین وارد کرده بودند) بجنگ علیه دشمنان شوروی بروند •

درسپتامبر ۱۹۱۸اردوی شوروی شهرسیمبرسك (زادگاه لنین) رااز سلطهٔ گاردهای سفیدآزاد کردند و لنین تلگرامی رادر یافت کرد که‌درآن گفته شده بود : (ماشهر ی را تصرف کردیم که شمادر آن تولد یافته اید•این انتقامی است که مادربدل یکی از جراحات شما گرفته‌ایم وماتعهد می کنیم که شهر -سامارا بـــخاطر انتقام دومین‌جراحت شما خواهیم گرفت» بعدها بزودی شهر سامارا آزاد ساخته شد• صحت لنین دوباره بهبود یافت و بزودی بکار شروع کرد •

دشمنان بخاطر سقوط دولت شوروی از هر- وسیله ممکن استفاده کردند آنها بی نهایت بی‌رحم وشوم بودند• کارگران روزانه نان را طور جیره در یافت میکردند که‌از ۵۰ الی ۱۰۰ گرام بیشتر نبود بعضی اوقات عوض‌نان‌به‌آنها علوفه داده می‌شد • اردوی شوروی در آن وقت طور ساده ملبس بادریشی وبوت های‌فرسوده بودند وبه تعداد کافی تفنگ هم بدسترس نداشتند باوجود آنهم طبقهٔ کارگر طورثابت واستوار مقاومت میکردند و اردوی شوروی حملات بسیاری دشمنان را عقب زده وبه پیش حمله بردند • جنگ داخلی مدت سه سال ادامه یافت ودر طول این مدت‌مردم شوروی قهرمانانه علیه دشمنان جنگیدند •

اردوی شوروی متشکل از بسیاری‌ملیت های مختلف شوروی بود تمام زحمتکشان روسیه اعم از اوکراین ها -بلوروسی ها- مردم آسیای میانه بجنگ علیه گارد های سفید برخاستند• طی جنگ داخلی کارگران و دهقانان طور ثابت واستوار متحد گردیدند •

در دوران جنگ داخلی بهترین قوماندانان ماهر وبرجسته تبارز کردند درمیان‌آنها(میخائیل فرونز) «سیمیون‌بودیانی»«کلیمنت‌وروشیلوف» و «واسیلی بلیوکر» و «واسیلی چاپایف» ، «نیکولای شکرز»، «سرجی لارو»ودیگرقهرمانان ملی که شهرت جاودانی وفراموش ناشدنی را کمایی کردند ، زندگی شانرا وقف میهن‌وانقلاب شان نمودند •

یکی از خطرناکترین دشمنان شوروی جوان ادمیرال کلچاك بود که مناطق اورال و سایبریا را اشغال کرده بود • قشون عظیم وی مجهز بابهترین اسلحه ، لباس و غذایی‌بود که‌ازطرف سرمایه داران خارجی برایش فرستاده می‌شد• در مورد کلچاك قصه‌یی وجود دارد که گفته می‌شود این حکمران‌اومسك(پایتخت سایبریایی وی) یونیفورم انگلیسی باسرشانه یی روسی می‌پوشید وتنباکوی جاپانی دود می‌کرد .

در بهار ۱۹۱۹کلچاك تهاجمی رابه استقامت دریای ولگا شروع کرد • لنین‌بهترین و انقلابی ترین قوماندان شجاع یعنی میخائیل فرونز را به منظور رهبری عملیات در مهمترین‌بخش‌جبهه بمقابل کلچاك فرستاد • لشکر چاپایف همچنان درین جبهه داخل جنگ گردید •

تروپ های ارتش شوروی‌تحت فرمان‌میخائیل فرونز به «یوفا» حمله می‌کردند ولشکرچاپایف در ین بخش نیروی اساسی را تشکیل میداد دشمنان خواستند که قوای مذکور را تارو مار کنندو یکعده افسران ماهررا بمقابل این قوا فرستادند آنها پلان دستگیری چاپایف وافراد ش رابا یك حمله سیکا لوجیکی طرح کردند• در اوایل صبح عساکر چاپایف از سنگر های شان دشمن را ترصد میکردند . با به صدا درآمدن دهل گارد های سفید حمله‌کردند آنها یونیفورم سیاه بانشان های تزاری (که بروی سینه های شان میدرخشید) پوشیده‌بودندبطرف جلو باتفنگ های شکاری طوری مارش نمودند که گویی بخاطریك رسم‌گذشت‌آمادگی میگیرند• فاصله بین آنها وفرانسوی ها (جاییکه عساکر چاپایف سنگر گرفته بودند) کمتر وکمترمی‌شد مگر آنها آتش را باز نکردند • آنها به دشمن موقع دادند چنان نزدیك شود که خوبتر بتوانند به آنها یورش برند سر انجام زنگ به علامهٔ حمله بعدا در آمد : «آتش!» اولین صف افسران بزمین افتادند مگر گارد های سفید سر سختانه به مقاومت شان ادامه دادند • دوباره امر آتش داده شد • گارد سفید شکست خورده به عقب فرار نمودند چاپایف باافرادش آنها راتعقیب کردند ••••

جنگ خاتمه یافت ودر آن روز چاپایف از دریای «بیلابا» گذشته وبه شهر «اوفا» داخل گردید •

همچنان واحد های دیگر اردوی شوروی حمله را شروع کردند گارد های سفید شکست‌خوردند وبه عقب کوه های اورال برگشتند •

گرچه بزودی پس از آن حادثه چاپایف‌کشته شد • او شدیدا مجروح شد ودر حالیکه شکار گلولهٔ یکی ازعساکر گارد سفید شده‌بوددر- دریای ولگا غرق گردید • عساکر چاپایف انتقام مرگ قوماندان محبوب شانرا گرفتند آنها به تعقیب کردن دشمن ادامه دادند ودشمن در حالیکه اسلحه شانرا گذاشته بودند فرار میکردند •

بدنبال کلچاك عدهٔ زیادی از کارگران و دهقانان پارتیزان که‌با تفنگ های شکاری و توپ های ساخت کشور شان واسلحه یی که از دشمن به غنیمت گرفته بودند ، مجهز بوده وشجاعانه با گارد های سفید می‌جنگیدند• آنها یکجابا اردوی شوروی دشمن رابلاوقفه دنبال میکردند •کلچاك کاملا شکست خورد و سایبریا به شوروی تعلق گرفت کلچاك دستگیر شدو بحکم یك محکمهٔ انقلابی محکوم به مـــرگ گردید •



بخشی از سواره نظام چاپایف

«همه علیه دنیکین !»:

در تابستان سال ۱۹۱۹ هنگامیکه اردوی- شوروی علیه کلچاك می‌جنگیدند یکی ازجنرال های دیگر گارد های سفید- دنیکین-از اوکراین بطرف مسکو پیش آمد • سواره نظام گاردسفید به جبهه شوروی رخنه کرده و «کورسك»، «ورونژ» و «اوریال» را دستگیر کرد • آنها به «تولا» (جایی که فابریکات اساسی اسلحه‌سازی ارتش در آن وجودداشت) نزدیك شدند افسران گارد سفید قبلا خودرا با یونیفورم جدیدبخاطر یك رسم گذشت درمسکو مجهز میکر د ند و بزودی جهت بدست آوردن‌یك پیروزی‌آمادگی می‌گرفتند •

«همه علیه دنیکین برخیزید!» این درخواستی بود که حزب بلشویك از مردم نمود•

هزاران دسته کار گران و دهقانان بخاطر عقب زدن تهاجم‌دشمن‌به اردوی شوروی‌پیوستند باردیگر اعضای کمونستان وکمسالان درخطوط پیش روی جبهه قرار داشتند • واحدهـــای پارتیزان دراوکراین درپشت قوای دنیکین دلیرانه می‌جنگیدند • لنین پلانی‌را جهت‌شکست دنیکین طرح کرد• بعداز یك جنگ شدیــد اردوی شوروی جبهه گارد سفید را شکست و دنیکین را بسوی جنوب راند • سواره نظام اردوی شوروی در جبهه تحت قوماندهٔ بودیانی ووروشیلوف قرار داشت •

بقیه‌درصفحه ۴۷



افراد جوان ارتش شوروی درجنگ داخلی‌آبدیده شدند

یک صبح آفتابی

الکسی تولستوی

قسمت دوم

مترجم: دکتور خدا یداد بشرمل

نیکتیا بطرف راست، بطرف دریا، دور خورد وسعی کرد درجاده برود - برود پاهای دیگران می رفت ودر جا هائیکه برف لگد مال نشده بود به پشت سر می رفت تا ارکادی ایوانوویچ را فریب دهد.

در کنار های سرا شیب دریا در مدت چند روز گذشته توده های برف انباشته شده بود، در برخی جاها پرتگاه هائی را که بالای دریا آویخته بود می ساختند - اگر بالای یکی ازین پرتگاه ها ایستاده میشد برف از زیر پای او می رفت، سقوط می کرد وتمام برف در حال لغزیدن به پودر سفید مبدل گشت.

بجانب راست دریا مانند یک سایهٔ آبی میان میدان های سفید صحرائی تاب وپیچ خورده بود - بطرف چپ در دامنهٔ ساحل بلند، کلبه های تاریک قریهٔ سوسنوفکا بنظر می خورد ودیر یک های دراز چا ها میان کلبه ها سربفلک معلوم می شدند - نفخه های دود آبی از سقف بالاشده در هوا آب‌می شدند - پرتگاه های برف با لکه های خاکستری که خانم از بخاری های خانهٔ شان در همان صبح بیرون آورده بودند داغدار شده بود - قیافه های باریکی در حرکت بودند اینها بچه های کوچک قریه از دوستان نیکتیا بودند - دور تر در جائیکه دریا مسیرش را تغیر داده بود، بچه های زیادی وجود داشتند جمعیت کونچان، یک گروه خطرناک - نیکتیا بیلش را پائین آورد تختهٔ برفی‌اش راروی برف انداخت، بالای چوکی نشست واز ریسمان محکم گرفت، دو سه بار باپا هایش تکان داد و تختهٔ برفی بشدت از سرا یشبی در پرواز شد - باددر گوش هایش سوت می کشید وپودر برف بهر دو طرف بشکل ابر بالا می شد. با سرعت مثل تیر پائین رفت. وقتیکه برف. پایان رسید، نزدیک دریا، تخته برفی بهوا پرید وبالای یخ فرودآمد تدریجا آهسته شده رفت تاوقتی‌که کاملا توقف کرد.

نیکتیا خندید، از تخته پائین آمد ودر حالیکه تازانو هایش در برف فرو رفته بود تخته را بالا بسوی تپه می کشید وقتیکه بساحل رسید شبیه سیاه‌ار کادی ایوانوویچ را دید که از یک قد انسان‌بزرگتر معلوم می شد وبامتداد میدان سفید می آمد - نیکتیا بیل را گرفت وبر تختهٔ برفی بر آمد وبطرف پائین ساحل پرواز نموده بامتداد یخ بجانب ناحیه ایکه آنجا انبار های برف بود دوید .. در دماغهٔ برف نیکتیا به حفر یك مغازه پرداخت. این یک کار انسانی نبود زیرا بیل برف رامانند مسکه قطع‌می کردوقتی که مغارهٔ باندازه کافی بزرگ ساخت با تختهٔ برفی اش در آن داخل شد واز داخل توسط پارچه های برف بمسدود نمودن راهرو مغاره اقدام نمود - زمانیکه دیوار مغاره ساخته شد یک نور خفیف آبی در داخل مغاره

ارکادی ایوانوویچ عینکهایش را مرتب نمود وبطرف مغاره آمد اما ناگهان تا کمر بند در برف فرو رفت.

-«بیا بیرون بهر طریقی که باشد ترا بیرون خواهم کشید.»

نیکتیا جواب نداد، ارکادی ایوانوویچ کوشید بالا شود اما دوباره در برف فرو رفت، او دستهایش را در جیب هایش‌گذاشت وگفت:

-«اگر نمی‌خواهی بر آئی، پس نیا، همانجا ئیکه هستی باش - مادرت همین حالا مکتوبی از شمارا

وجود داشت که بسیار گوارا وراحت بخش بود ...

نیکیتا نشست وفکر می کرد که هیچ یکی از بچه ها چنین تخته برفی خوبی ندارد - او چاقوی‌قلمی اش را بر آورد بالای تختهٔ فوقانی اش یک نامی را تراشید: - «ویوت»

«-نیکیتا! کجا هستی؟» آواز ارکادی ایوانوویچ بگوشش‌رسید - نیکیتا چاقویش را دو باره در جیب گذاشت واز شکافی که بین پارچهٔ برف وجود داشت بسوی خارج دید. پائین تر ازو - ارکادی ایوانوویچ بالای یخ ایستاده بود وچار طرف را بدقت نگاه می‌کرد.

«- کجا هستی؟ تو دزد جوان!»

بدست آورد ... بسیار خوب، خدا حافظ، من مراجعت می کنم.»

- «چه مکتوبی؟» نیکیتا، پرسید.

- «آه، پس اینجا هستی ...!»

-«بگو مکتوب ازطرف که‌بود؟»

-«راجع به بعضی‌اشخاص‌که برای گذشتاندن رخصتی می‌آیند.»

کتله های برف فورا به پریدن شروع‌کرد وکله نیکیتا ازمغازه نمایان گشت، ارکادی ایوانو ویچ از ته دل خندید ...

نامهٔ مرموز ...

در حالیکه آنها نان چاشت‌را صرف‌می‌نمودند مادر نامه را تاآخر خواند. مکتوب از پدرش بود.

«ساشای‌عزیز!» چیزهایی‌راکه‌در نظر داشتیم به‌یك بچه ایکه به نظرمن بمشکل لیاقت چنین چیزهای زیبایی را دارد تحفه دهیم خریده‌ام.»

به شنیدن این سخنان ارکادی ایوانو ویچ بشدت به چشمك زدن پرداخت.

«این یك تحفه خیلی کلان است پس یك درشکه مستقلی برایش بفرست- یك جزءدیگر خبرها اینست‌که اناپولوسوفنابا بکینابااطفالش ...میخواهد روزهای تعطیلش‌رابا مابگذراند..»

«چیز دلچسپ دیگر وجود ندارد،» مامی‌گفت وبجواب تمام سوال های نیکیتا چشم هایش را پوشید وادامه داد:

-«چیزی نمی‌دانم.»

ارکادی ایوانوویچ نیز خاموش بود، دستش راجنباند وگفت اوچیزی نمیدانست.

طوریکه معلوم می‌شد ارکادی ایوانو ویچ در تمام روز خوش بود، دیوانه وار جواب های غلط می‌داد ونوشته را ازجیش بی‌کشید، چندسطری را می‌خواند و دهنش را کج می‌کرد - معلوم بود که رازی در میان دارد.

در تاریکی نیکیتا بطرف مقابل حویلی بخانه های کارگران بجا ئیکه دو کلکین یخ زده یك چراغ آبی دودزدهٔ را احاطه کرده بود، دوید کارگران درحال صرف نان شام‌بودند-نیکیتا سه بار اشپلاق کرد لحظهٔ بعد رفیق نزدیکش میشکا کوریا شونوك.

در حالیکه بوت های بسیار کلان نمدی در-پاهایش بود وجاکت پوست‌گو سفندی برشانه هایش داشت اما کلاه برسرش نبود، برآمد- عقب کنج تعمیر نیکیتا باهستگی راجع بمکتوب به اوگفت وپرسید که از شهر چه می‌آوردند؟ میشکا کوریا شونوك، که دندان‌هایش ازسردی لرزه داشت، گفت:

«چیزی بسیار کلان، بخدار است میگویم. بسیار سرد است واپس می‌روم، گوش کن مامیخواهیم گروه کونچان را فردا در ده بکوبیم می‌آیی؟.»

«بالکل درست است.»

نیکیتا بخانه دوید نشست وبخواندن کتاب (اسپ سوار بی سر) شروع کرد.

مامی و ارکادی ایوانو ویچ نزدیك میزمدور نشستند و هریکی کتابی رادر دست داشتند - در عقب یك بخاری بزرگ جیرجیرکی آواز می‌کشید ... تر -تر-تر-تختهٔ زمین اطاق‌دیگر در تاریکی غزغزمی‌کرد - آدم بی‌سر بامتدادچمن در چارنعل بود، گیاه های بلند رابه یکطرف می‌زد، یك ماه سرخ‌بالای جهیل برآمده بود-

نیکیتا احساس کرد که موهای پشت گردنش درحال انقباض است، اوبااحتیاط دور خورد، بامتداد کلکین عقبی یکسایهٔ‌خاکی شکل گذشت.

حقیقتااوآن رادید ... مامی سرش‌را ازکتاب بالا کرد و گفت:

-«باد شروع شده، امشب برف سوزك خواهد بود.»

نیکیتا خوابی دید - او چند بار آن خواب رادیده بود - اکنون هم عین همان خواب بود. دروازهٔ اطاق رسم باسانی وبدون‌آواز بازشد. برزمین انعکاسات آبی رنگ کلکین افتاده بود- خارج از کلکین های سیاه مهتاب‌باچهره‌سفید بنظرمی‌رسید- یك قرص بزرگ نور.. نیکیتا برمیز اوراق که‌بین دو کلکین واقع بود برآمده واین بود چیزی که‌اودیده. دردیوار مقابـــل که‌مانند برف سفید بود، رقاصهٔ مدوری‌دریك صندوق ساعت ، پیش و پس در گردش بود- در تاریکی می‌درخشید -در دیوار بالای ساعت تصویر چوکات شدهٔ مرد عبوس نماوپهلوی‌او تصویر یك زن سالخورده باکلاه وشال آویخته بود . آن زن با لب هائیکه به فشار بسته شده بود بطرف پائین می‌دید .. بامتداد دیوار ،از ساعت تا کنج خانه ، چار چوکی خط دار قرار داشت که باز وهایش برآمده وبر چار پایه‌اش لم‌داده بو. یك کوچ‌یخچ‌کچ پائین‌ترمتصل‌دیوار گذاشته شده بود- آنهاآنجا گذاشته شده بودند وبدون چهره هاوچشم هابسوی،مهتاب، بدون اینکه تکان بخورند خیره بودند.

درین اثنا گربهٔ اززیرچترکوچ‌بیرون خزید وبر کوچ برآمد وبا متداد آن راه رفت ، سیاه ولاغر بود. در حالیکه دمش بطرف پائین بود قدم می‌زد - ازکوچ به یك چوکی خیززد وبامتداد چوکی ها بجانب‌دیوار رفت، خم می‌شد واززیر بازو های آنها می‌گذشت. تااخیر چوکی هـا قدم زد ، بزمین پرید ودر پیش روی ساعت در حالیکه پشتش بطرف کلکین بود نشست رقاصه ساعت به جلو وعقب در حرکت بود، آدم وزن سالخورده بدقت بسوی گربه‌می‌دیدنـد، بعد گربه برپاهای عقبی خود استادویك پنجه اش رابرصندوقچه ساعت گذاشت و باپنجـه دیگر اش می‌کوشید رقاصه ساعت را ازحرکت باز دارد صندوقچه ساعت شیشه‌نداشت پنجه گربه تقریبا به رقاصه ساعت می‌رسید.

آخ، کاش اومی توانست فریاد بزند. اما، نیکیتانمی‌توانست یك انگشتش را بحرکت آرد، نمی‌توانست تکانی بخورد ،تـرسناك است، خطر ناك وزود حالش بدترخواهد شد.

نورماه بر زمین خانه بشکل مستطیل‌های دراز آرام وبی حرکت افتاده بود . همه‌چیز در اطاق ، خاموش وبسیار فشار دهنده -گربه بیشتر دراز شده رفت ، سرش راخم کرد،گوش هایش رابطرف عقب فشار دادو پنجه اش را- برقاصه ساعت رساند- نیکیتا فکر می کرد که اگر پنجه برقاصه ساعت تماس کند ازحرکت باز خواهد ماند ودر همین لحظه همه چیزفرو- خواهد ریخت ، با شور وغوغا جدا خواهندشد ومانند غبار از میان خواهند رفت ، و دیگراطاق پذیرایی ونور ماه هم وجود نخواهد داشت .

ترس در قلب نیکیتا اثر عمیقی وارد کرده ودرتمام وجودش لرزه انداخت، گویی‌که باشبح خطر ناکی روبرو شده باشد . در حالیکه‌نیکیتا تمام قوایش راجمع می‌کرد خود رابا یك فریادی ناامیدی بزمین انداخت- نیکیتا نشست‌اطرافش رادید-دراطاق دوکلکین یخ‌زده بنظرمی خورد. واز آنجا قرص ماه را که بزرگتر از دیگراوقات دیده می‌شد می‌دید-برروی اطاق‌یك کوزه وبوت هایش قرار داشت .

-«او خداوند ، حمد خدااست » نیکیتااین را گفت وخودرا باشتاب برروی بستر انداخت‌و سررا در زیر متکا فرو برد. متکا نرم وگرم‌بود وخواب عمیقی رادر بر داشت .

وقتیکه چشمانش رابست دیری نگذشت که دوباره خودش رابالای میز در همان اطاق‌دید، رقاصه ساعت در پرتو نور ماه در گردش بود- مردوزن سالخورده بطرف پائین بادقت می‌دیدند دوباره کله گربه از زیر کوچ نمایان گشت.اما نیکیتا این باردست هایش را دراز کرد، خودرا ازمیزانداخت وپرید وپاهایش بسرعت‌درحرکت بود- گویی‌پرواز می‌کردوپابروی زمین خانـه درحال شنابود- پرواز باطراف خانه بـرایش خیلی خوش آیند بود .

وقتیکه پاهایش بزمین خورد باتکان دادن دست هایش آهسته آهسته بطرف سقف خانه بالا رفت وحالا بامتداد دیوار باتکان های نامنظم پرواز کردوبینی اش به‌کتیبهٔ پلستری اطاق تماس یافت وبالای‌آن کتیبه یك طبقهٔ گرد وخاك ضخیم‌که‌بوی ملایم داشت انباشته شده بـود. بعد بردیوار یك در زمعروفی رادید که مانند ولگا در نقشه معلوم می‌شد سپس یك میخ‌کهنه وعجیبی بنظر ش خورد که پارچه تار از آن آویخته بود و مگس های مرده روی آن دیده می‌شد. نیکیتا پایش رابردیوارکوفت وآهسته بطرف دیگر اطاق جائیکه ساعت آویخته بود نزدیك شد بالای صندوقچه ساعت یك گلدان بر نجی گذاشته شده بود که در زیر آن چیزی هموار شده بود اما نمیدانست چه خواهد بود؟ ناگهان احساس کردکه کسی چیزی می‌گوید:

-« بگیر چیزی که در آنجاست .» این‌صدای بودکه به‌گوش نیکیتارسید.

نیکیتا بسوی ساعت خیز زد وبادستش به گلدان حمله نمود پیر زن غضب آلود در برابر تصویر ش خم گردید وسراورا در دست های خود گرفت ولی او خودرا ازوی‌رها کرد، متعاقب آن پیر مرد تصویر دیگر خیره شد چوب دستی اش را دورداده طوری ماهرانه برپشت او کوفت که برزمین افتاد ، نفسك می‌زد - چشمانش‌را گشود - ارکادی ایوانوویچ نزدیك بسترش ایستاده بودوشانه های نیکیتا را حر کت می‌داد .

-«برخیز ، برخیز ! نه بجه است» اوگفت وقتیکه نیکیتا درجایش نشست چشمانش‌رامالید ارکادی ایوانوویچ چند بار چشمك زد ودست هایش رابا خوشی می‌مالید .

-«رفیق جوانم ! امروز درسی نخواهیـــم داشت.»

-«چرا ؟»

-«زیرا که (چرا) جواب ندارد . برای دوهفته بازبان در ازت هر طرف‌می‌خواهی بدو، برخیز.» نیکیتاازبستر جسته ودرزمین گرم خانه‌رقصید -«رخصتی های عید .» اوکاملا فراموش‌کرده بود که آن روز روز اول رخصتی مبارك وطولانی روزه بود. زمانیکه‌اوپیش‌روی ارکادی‌ایوانوویچ رقصید ،نیکیتا چیزدیگری رافراموش کرده بود خوابش را . خوابی‌که‌قبلادیده‌بود. گلدان‌بالای ساعت وآوازی که‌در گوشش نجوانموده بود. «بگیر چیزی که در آنجا وجود دارد» خانه کهنه ...

نیکیتا چارده روزباختیار خود داشت.هرچه می‌خواست می‌کرد می‌توانست اما کمی خسته کن بود. درناشتا اویك خوراك چای، شیر، نان ومربا داشت مقدار زیادی از آن خورد و برای مدتی آرام نشست او درسماوار به‌چهره اش خیره گردید واز ینکه قیافه اش زشت و باندازهٔ ارتفاع سماوار دراز می‌نمود متعجب بود، بعدا بفکرش خطور کردکه اگریك قاشق چای را گرفته آن را بشکند از یك پارچه اش کشتی جور خواهد شدو پارچه دیگرش برای حفرکردن استعمال شده می‌تواند . تاهرچه رابخواهدبه‌آن حفر نموده میتواند .

بالاخره مادرش گفت: «نیکیتا» این و قتی است که‌به بازی می‌رفتی نیکیتا با هستگـی لباس هایش راپوشید وانگشتش رابد یـوار می‌مالید بامتداد تمام راهرو تاجائیکه‌از بخاری هابوی گرم ونرم بالامی‌شد رفت بسمت جنوب این راهرو ، اطاق های زمستانی گرم وقابل سکونت دیده می‌شد . در قسمت راست،پنج اطاق تابستانی نیمه خالی بنظر می‌خورد واطاق پذیرایی درمرکز آن قرار داشت درآنجا بخاری های سفالین عظیم الجسه وجود داشتند که‌هفته یکبار در آنها آتش افروخته می‌شد. چمدان های بلورین چند شاخه باکاغذ پیچانده شده بودند .

درزمین یك توده سیب جلب توجه می کرد. بوی شیرین وفاسد شدهٔ آن اطاق های تابستانی رافرا گرفته بود .

نیکیتا بمشکل دروازه بزرگ دوبله‌یی‌بلوطی راباز نموده وبه نوك پنجه اش از اطاق های خالی می‌گذشت تااز خلال کلکین های نیمـه دایروی : باغ راکه در زیر برف بود تماشاکند.

درختهای بی حرکت ایستاده بودند ، شاخچه های سفید آن خمیده وبوته های ار غوانی بهر دوطرف زینهٔ بالاخانه زیر باربرف کـج شده بودند- ردپای یك‌خرگوش درخیابان بـو - ضاحت نمایان بود -نیکیتا ضربهٔ‌برکلکین وارد نمود، پهلوی کلکین یك زاغ کله کته بشکل شیطان بر فراز یك شاخچه دیده می‌شد ،از آواز آن ضربه : زاغ رمیده پرواز کرد وبرف های شاخچه را بابالهایش جاروب نمود .

نیکیتا به‌کنج آخر اطاق رسید -دربنجا در کنار دیوار قفسچه های غبار آلود پهلوی هم قرار داشتند واز دروازه های شیشه یی:پوش کتاب های کهنه رامی‌دید- بالای بخاری دیواری فوتوی یك زن مقبول آویخته بود بصورتی‌که او لباس سوار کاری مخمل سیاه برتن وقمچین مخصوص سوار کاری رادردست‌داشت ،درحالیکه دستکش هم پوشیده بود، در حال قدم‌زدن دیده می‌شد وطوری وانمود می‌گردید که‌بعقب برگشته وبا چشمان بزرگ وپرنفوذش،با نگاه نیمه مست بطرف نیکیتامی‌بیند.

نیکیتا بر چوکی نسته وزنخش رابرمشتش تکیه داده بسوی آن تصویر دلرباتماشامی‌کرد او برای مدت درازی بطرف آن عکس پری پیکر می‌دید -چه- در مورد شخصیت آن‌زن سیمین تن از زبان مادر خود بعضی چیزهاشنیده بود- اجداد ش‌سر نوشت‌خطر ناکی راگذشتانده بودند -تصویرپدروپدرکلانش بالای صندو ق کتاب ها آویخته بود. پدرش یك مرد پیر ولاغر بود -بینی بلند وچشم های فرورفته داشت . دست هایش رابرسینه خود چسپانده بود- در کنار ش یك پارچه پاپیروس نیمه لوله شده ویك قلم ساقهٔ شاه پربمشاهده مـــی رسید. واز سیمایی آن تصویر اندوه وحزن‌عمیق‌مطالعه می‌گردید .

مامی برایش گفته بودکه اودر روزمی‌خوابید وشب هابه نوشتن وخواندن مصروف بود.

اوتنهادرتاریکی بقدم زدن‌می پرداخت شب هنگام پاسبانان گرد خانه قدم زده‌وزنگوله های شانرا بصدادرمی‌آوردند تاپرنده‌های شبانه‌زیر کلکین پرواز ننموده وشخص رانه ترسانند.. می‌گفتند که در همان روز هاباغ از گیاه های بلند پربود . تمام خانه باستثنای ایـــن اطاق ها مسد ودو غیر مسکون بودند -خدمتگار ان خانه گریخته بودند .

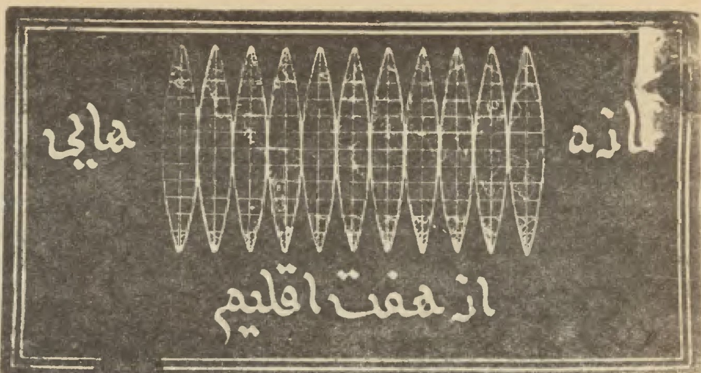
ازین روپدر وپدرکلان مذکور احوال رقت آمیزی داشتند ..

یکی از روز ها پدر مذکورنه در اطاق مطالعه ونه در خانه ونه درباغ دیده شد . یك هفته کامل اورا جستجو کردند اما اثری ازویافته نتوانستند- پنج‌سال‌بعد وارث اونامه عجیبـی از سایبر یابدست آورد .درآن نامه نوشته‌بود: «من آرامش رادرهوشیاری جستجو کردم و فراموشی رادر طبیعت یافتم .»

علت تمام این واقعات عجیب همین خانم که به لباس سوار کاری در عکس دیده می‌شدبود. بنابران نیکیتا بسوی آن فوتو بـــدقت و هیجان می‌دید .

زاغ دوباره بیرون کلکین‌نمودارگشت، وقتیکه برشاخچه فرود آمد برف هارا پاشان کرد،سرش را فرود آورد ، منقارش راباز کرد وآواز کشید قغ،قغ، ... این صدا درنیکیتا هراس تو لید نمود- اطاق خالی را ترك گفت وبجـا نـب خیابان دوید .

ادامه دارد



مبارزهٔ بی امان خلق انگولا برای طرد کامل نیروهای امپریالیستی وارتجاعی

بتا ریخ یازده نو مبر ۱۹۷۵ بود که بیرق آزادی واستقلال انگولا در لوند ابر افراشته شد و جمهو ریت خلق انگو لا توا نست در طول چها ر سا لی که از پیروزی خلق آ ن میگذرد در مقابل قوای تبعیض طلب ، را سیزم وامپر یا لیزم با جدیت بر خوردنماید بد ینتر تیب تلاش ها ی مذبو حانه امپریالیزم توا نست پیروزی خلق انگو لا را عقیم و ور شکست سازد . چار سا ل قبل بتا ریخ مذ کره خلق انگو لا مو فق به طرح برنامه های وسیع برای ایجاد یك جامعه سوسیالستی و در نهایت جامعه فارغ از ستم گـــردید ودر سا ل ۱۹۷۷ ضمن تجلیل ازجشن سالگرد پیروزی انگو لا مقامات حزبی ورهبر ی ، حزب طبقه پیشس آهنگ یعنی حزب طبقه کار گر را با ما هیت واید یولوژی کا ملا متر قی بیش از پیش تحکیم بخشید ند . در طـــول این مدت که از پیروزی خلق انگولا سپری میگردد ، انگـولایی های مبـارز با قاطعیت با استعما رگران پنجه نرم کرد ند و چـــه بسا که در تمام سا حات بر غنای خـلـــق انگو لا افزوده شد و تغییرا ت انقلا بـــی شگر فی پد ید آمده است . در طو ل این مدت سکتور اقتصادی دولت تقو یه یا فـــت چنا نچه تا ماه می و جون سال ۷۹ درلوندا سایر شهـــر هـــــای بـزرگ انگو لا ۱۷۷ تشبثات صنعتی در تحت کنترو ل دو لـــت در آمد .در مکاتب مسلکی که به کمـــك اتحاد شوروی سا خته شده ، صد ها تن در شقوق فنی بمنظور تقو یه چرخ ها ی اقتصاد انگو لا اسا سا ت مسلکی را فرا میگیر ند بد ینطریق نقصا نـــی کـــه در شقـــوق حر فوی و پر سونل ما هر رو نما گردیده بود در حال تلافی است . اینك در اثر تلاش دو لت ذخایر نفت تحت کنترو ل در آمده واز همینرو مقدار نفت انگولا بر هشت میلیون تن در سا ل با لغ میگردد .واین استحصال برق، کشف الماس ، صنعت بـوت دوزی واشیای با فنـد گـــی وماهیگـــیری است که روز تا روز اقتصاد انگو لارا بیشتـــر متکی بخود میگر داند . بهمین منوا ل است کار سا ختما نی از قبیل سنگفر ش جا ده ها و اعمار پل ها و کار ها ی سا ختما نـــی مسکن برا ی حل پرو بلم مسکن . درواقع مسا بقه سبقت جو یی میا ن کا ر گرا ن ایجاد و تلاش برای کا ر بیشتر و پر ثمرتر زیاد سرور آفر ین مینما ید .

در جهت رسید گی به زار عین تو جه دو لت بحدی است که میزان محصو لا ت زرا عتی بخصو ص شکرو قهوه دو برا بـــر گر دید ه که مو لد ین ودر مجمو ع تماما باز هم به تو لید و محصول بیشتر مـــــی اند یشند . سهم مرد م در سر سبزی و ترقی مملکت تا آن اندازه ایست که دریگانه منطقه مسا عد برا ی نیشکر که بنا م سر زمین قهر ما نا ن «گا گیسیتو» مو سو م است (واقع در شما ل لوندا) در ما ه اکتوبر گذشته ششں نفر داو طلبانه کـــار ز ر ع نیشکر را تنظیم و زارعین را رهنمو نـــی میکر دند . دهقانا ن انگو لا همه با میهن پرستی به کار های مربوطه شان میر سنـد

مقا ما ت رهبری وحز بی انگو لا برا ی غنی سا ختن کلتور مردم لیسان سا یر عر صه ها مشغو لند از طرفی در قسمت آشنا یی کا ر مندان با میتود های جدید اقتصادی کـــار ها یی صو رتگر فته است . تا الحال (۴۵۰) اتحادیه ها ی دهقانی که در آن بیشتر از ۴ میلیو ن زارع سهم دارند ، آنجا مو جو د است . بیشتر ضرور یا ت او لیه مرد م از طر یق مغازه ها و ما رکیت ها ی دو لتی فـراهم آورده میشود. مسأله زیاد در خـــور توجه مبذول گردیده . همانا دمو کراتیـــزه سا ختن ار گا ن ها ی دولتی محو و از بین برد ن بیسوادی است تا سا ل ۱۹۷۹ در حدود (۱۹....) انگو لایی که به تما م معنی محرو م از سواد بودند اینك بد رستی خواندن و نو شتن را بلد اند بطوریکه با دسپلیـــن کا ر گری نیز مجهزاند . اما علی الر غـــم اینهمه کا ر ها ی انقلابی این امپر یالیزم جها نی است که بسا ن سا یر ملل جها ن، انگو لا را نیز را حت نگذاشته و آشکا را دخا لت مینما ید . مگر رژیم متر قی انگولا هر گز متزلزل نخواهد گردید چه آنجـــا دسا یس امپر یا لیزم یکی پی دیگر خنثـی میگر دد . بموجب یك خبر تحر یك ها ی مسلحا نه تبعیض طلبا ن افر یقا ی جنو بی علیه خلق پیروز مند انگو لا به تحر یـــك مر تجعین فزونی یا فته . در ۲۸ د سمبـــر ۷۹ هلیکو پتر های تروپ ها ی بیگا نه و ارتجاعیون ، دارایـی ها و بیست نفـر از اشخا ص متر قی را در جنو ب کشور انگولا از بین برد ند . با ند ها ی ضد انقلا بی یکی پی دیگر چهره های پلید شانرا آشکـــارا میسا زند با ند ها ی ضد انقلا ب با کمـــك های مادی و نظا می امریکا ، فرا نسه بـــه تخر یبا ت خود درین کشور ادا مه مید هند اما این نیرو ها ی آزاد یبخش مرد م وارگان های دفا عی و کار گران داو طلب اند که قبل از آنکه دسا یس مر تجعین وامپر یا لیست ها قوام گرفته باشد و بمر حله اجرا در آیـــد خنثی میگر دد . در ۲۰ ستپمبر امور رهبری دولت و حزب کارگر نهضت خلق برای آزادی انگـولا به (جـوزی ادواردو دوزانتـــو ژ) تفو یض گردید . منا سبات حزب و مـــردم روز تا روز نزد یکتر و بهم مر تبط میگر دد به اسا س منا سبا ت دو ستی میا ن مقامات حزبی حزب کا رگر نهضت خلق برا ی آزادی انگو لا و حزب کمونست اتحادشوروی پیوسته همکاری ها یی صور تگر فته و از طرف شوروی کمك ها ی فرا وانی در بخش ها ی مختلفی چون ما هیگیر ی، ترا فیـك کشتی سازی ، تحقیقا ت و کشفیا ت ز یر زمینی ووسا یل تخنیکی بمو جب قرار داد دو ستی منعقدهٔ سا ل ۱۹۷۶ یکی بد نبا ل دیگر ، به انگولا صورت میگیرد . همکا ری و مسا عد ت های حـزب کمونست اتحـا د ـ شو رو ی با حزب کارگر نهضت خلق برای آزدی انگولا بسا ن همکـــا ر ی کشـو ر سو سیا لستی وصلحدو ست اتحاد شو روی با سا یر کشور ها ، خد شه نا پذیر است.

هلیناقهرمان سکی روی یخ یاستارهٔ پر درخشش ورزش در فنلند

در مسا بقه قهر ما نی سکی که سا ل قبل در «لاتی» یکی از شهر ها ی فند لند بـــر گزار گردید، نگا ه ها ی کاو شگرا نـــه تعد اد کثیری از ورزش دو ستا ن بسوی مدخل ستد یو م ورزشی که قرا ر بود با جلا لو ابهت خا ص مسا بقه سکـی لحظـاتی بعد آنجا آغاز یا بد ، دو خته شده بود . در میان ورز شکا ران سکی علا قمندان ورز ش بیشتر به چهره ها ی پر تحر ك ور زش «هبلیم » ، «ها یتو کافیستو » و «هلینا تا ـ


هلینا قهرمـان سکی روی یخ فلنددر حال ورزش .

کالو » می اند یشیدند تا سا یرین. بایـــد متذ کر گردید که : هلینا از جمله سکـــی با زا ن معرو فی است ، در مسا بقات ا خیر در شهر «لاتی» دو مدال طلا در یا فت کـه آنهم بخا طر پنج کیلو متر پیمو دن سکـــی رو ی یخ بو سیله تخته مخصو ص نصیب وی گردید ، یکبار مدال برونز گرفت چونکه عملیه سکی روی یخ که بیست کیلو مترا احتوا ء میکرد ، پیمو د. هلینا این سکـــی زن ما هرو پر آوازه در ۲۸ اکتو بر ۱۹۴۷ در نیفا لا متو لد گردیده است . هلینا که در اصل دختر یك دهقا نست ، از خر دی نا خود آگاه به سکی متو سل و با استفاده از تخته سکی زمستا ن ها از خا نه بمکتب، منحیث وسیله ترا نسپو رتی استفاده میبرد او شما ن در دهکدهٔ واقع درقسمت شما لـی فند لند مو قعیت دارد . هلینا فا صله را ه میا ن خا نه و مکتب را که مر تفع بود ، بزحمت می پیمود وی در کم سنی در سال ۱۹۶۳ بحیث استاد ورزش استخدام گشـــت هلینا با ثبا ت ورزش مطلو بش را دنبا ل میکرد . یکی از متخصصین این ور زش «تو یفو تا کالو » کمك ها ی فرا وا نش را از «هلینا » دریغ ننموده .این آشنا یـــی سر انجا م منتج به از دواج آندو گرد یـــد در سا ل ۱۹۷۱ (ریمو و ستا) ترینر مـــا هر سکی با زا ن فنلند بطور سیستما تیـــك واسا سی ، اسا سات تر نیری را به هلینا آمو خت . (ریمو و تسا) بحدی وی راکمك کرد که هلینا برا ی اشترا ك در با زی های المپیا یی ۱۹۷۲ انتخا ب گرد ید . هلینا که از سا ل ها بود که زمستا ن ها تافواصل (۴۰) کیلو متری را قسم مشق وتمر یـــن

روزانه طی میکرد و فوق العاده می تپید ،او که‌سکی روی یخ‌و انواع دیگر سکی‌را خوب بلد شده بود وابتکارا تی در زمینه‌از خود همواره نشانداده بود ، آمادگی خوبی برای بازی های المپیا یی ۱۹۷۲ داشت

هلینا در مسابقات برای دریافت قهرمانی مخصوص سکی در سویس دردوش سکی ده کیلو متری بر بالای یخ مدال برونز رادر سال ۱۹۷٤ دریافت داشت و ضمن همین مسابقات برای رسیدن بمقام‌قهرمانی بود که هلینا حتی بر صاحب نام ترین قهرمان سکی فند لند (مار یا تا کایوزما) که سمبول سکی میخواندندش ، سبقت جست . در واقع‌در همین سال بود که‌هلینا منحیث یك ستاره پر درخشش شناخته شده وازنه معروف فترین سکی بازجهان‌در

ایسز میتا نیا فاصله پنج‌کیلو متر روی یخ راکه درپانزده دقیقه وچهل و هشت‌ثانیه پیموده بود ، فقط یك ثانیه عقب مانده بود هلینا در اینسبورگ دو بار مدال برونز گرفت تا اینکه سر انجام لقب قهرمانی

فنلند را کمایی داشت وی آرزو دارد در بازی های المپیا یی ۱۹۸۰ به مقام قهرمانی سکی تکیه بزند . هلینا مدعی است که دیر یا زود منحیث چهره بین المللی ورزش شناخته خواهد شد و به قهرمانی بین‌المللی ورزش دست خواهد یافت. بقول لیك ژور نالیست فند لندی هلینا برای سال های سال منحیث بهترین ورزشکاران‌در آسمان ورزش فنلند فروزان و پر درخشش خواهد تابید .

فعالیت‌های تازهٔ هنری زموتونو- فسکی هنرپیشه پرآوازهٔ فلم‌وتیاتر

این یك امر طبیعی است که تقریبا بسیاری از هنرپیشگان معروف فلم برای اولین ظاهر شدن خویش در سینمامساعی زیادی مبذول میدارند اما هستند ستارگانی

دارد ، بیم از ینکه مبادا در راه هنرش مرتکب اشتباهی گردد ، اینکه سروصدا های دوستداران و علاقمندان هنرش این روز ها بلند است که (زموتونو فسکی)را



صحنه ازفلمی‌که ازروی کتاب«هملنت»تهیه‌شد.

در آسمان سینما این هنر هفتم و یا هنری دیگری که بمحض ظاهر شدن دریك فلم ویا سایر عرصه های‌هنری آنهم بطور عادی ، آنا بشهرت رسیده و برسکوی شهرت تکیه زده اند و این چه درس بزرگی است برای آنانیکه استعداد دارند ولی از تبارز دادن استعداد های‌نهفته شان در هراس اند . (اینوکنتی زموتونو فسکی) هنرپیشه‌ایست ازهمین‌کتگوری‌اینمردرا چندین مراتبه مرگ تهدید کرد دربستر مریضی افتید اما سوگند یاد کردتا که حیاتست در راه بر آورده ساختن و رسیدن به یك‌هنر مردمی‌یك لحظه‌هم غفلت نمیکند . او میخواست در ردیف هنرپیشگان بهترین باشد و رسیدن‌به چنین هدفی ، مسلما مستلزم ثبات شان در هراس اند . (اینوکنتی‌زموتونو- فسکی) گر چه پله های شهرت را پیموده ولقب قهرمانی گرفته با اینهم او بیم

چراروی پرده های سینما اکثرا کم می یابند . لاکن وی مدعی است : باید درعرصه هنر زیاد مشکل‌پسندی‌کرد.سنار- یو نویسان ، رژیسوران و کار گردانی زیادی اند که حاضر بهمکاری‌با(زموتونو- فسکی) اند اما بعقیده این ستاره پر فروغ قلمرو هنر ، هنر پیشه بایستی در جهت خوشنودی علاقمندانش بکوشد ، پس مصروفیت های اخیر زموتونو فسکی چیست ؟

تیاتر جنگ بزنند واو شانرا بسوی‌هنر تیاتر بکشاند ، هنری که (زمو) باچیره‌گی تمام مصروف شگوفانی آنست ، در تیاتر های هنری رفته رفته (زموتونو فسکی)پر آوازه تر شده میرود ، او مصروف کار برای بیشکش ساختن یکی از آثار تراژید (الکسی تولستوی) برای دوستداران تولستوی است . او که رسالت هنری‌اش

را در تقدیم شهکار های جاویدان‌د خیل مینماید . عملش بیقین عملی است بخر دانه نامبرده اکنون چهره های دیگری را کنار خود مجال ایستادن میدهد تا باشد که

بسان او در کار هنر نمایی در تیاترو فلم پختگی او را بیابند . (فیو دو رانوو تیش)

که نقش امپر اطور دوره تزاری روس را دارا ست و بهمین منوال دادن رول(ایوا- نوف) در اثر معروف انتون چخوف به هنر پیشه تازه کار دیگری معنا ی بالا

بردن و گسترش فعالیت های هنری را در تیاتر های هنری بوسیله رسالتمندانی چون (زموتونو فسکی) تشکیل میدهد علی الرغم پشتکار وی و رسانیدن دیگران

به مقام های هنری ، خود او مردیست در تمامی امور تیاتر و فلم وارد و کار آزموده . وی بود که در تیاتر لیننگراد رول احمق را دریکی از نمایشنامه هابازی کرد . در تاریخ تیاتر اتحاد شوروی بربالای سن ها نقش او پیروزمندانه و چشمگیربوده است . وی در فلمی که از روی کتاب (هملت)تهیه گردیده بود ، ایفا گر نقش عمده بود ودر همین فلم بود که او خودش را کاملا شناساند وشهرتش گسترش یافت . وی هنر مندیست صاحب کرکتر های متعدد که بازی وی در فلم کمیدی (الدا رز یانوف) براین حقیقت هنری صحه گذاشت . وی در فلم های‌متعددی

که کرکتر های متفاوتی در آن ها سراغ میشد چون (شعر هابرای (دلدادگان) (کاکا فانیا)، تقصیر و کفاره)، دخترو مادر) ،(وقتی تو آنجا بودی) وهمچنان‌در فلم های اطفال و خاصتا فلم (عزیمت بسوی کا سیو پاپا)وچند فلم دیگر در تحت رژیسوری رژیسورانی چون(نار- کو فسکی) میخا لکوف ، کونتسا لوفسکی گراسیموف ، کرلید ها لوف ، ونا موف ظاهر گردید .

وعملا ثابت ساخت که هنر پیشه ایست کار آزموده و چیره دست . اینکه هنر پیشه را منحیث یك هنر پیشه خوب باید شناخت ، ساده نیست ولی از زموتوانستند دوستدارانش چنین شناختی داشته باشند وی همواره کوشیده انسانی ترین‌اعمال وتجارب را در قالب اول هایش‌تبارز دهد یا بعبارت دیگر او پیوسته میخواهد طوری ظاهر گردد که یك زندگی خوب وانسانی را بیان کند .اکثرا پیش آمده که بسیاری از تماشاگران خود شانرا در چنان موقفی یافته اند .

وی همیشه بیقرار مینماید و بیقراری‌او بمنظور تلاش بهتر برای خوشنودی و ارضاء ذوق تماشا گرانست .(زموتونو- فسکی) غالبا خودش عاملی است برای

ایجاد سوژه برای سناریونویسان ، به نحویکه ستارگان بخاطر او سناریوهمی نویسند ، زیرا او هر آن حاضر ست بخاطر یك نویسنده ومولف که اثر خوب و مردمی بیافریند ، چنانیکه نگارنده‌می خواهد ظاهر گردد و با تمامی احساسش مفاهیم ارزنده بشری وانسانی را ازطریق فلم وتیاتر عرضه بدارد .

وی در فلم (دختر ومادر) نقش شوهررا داشت . به عقیده رژیسور فلم (شعردلداد- گان) وی‌با مهارت تام میتواند احساس نویسنده را به تماشاگر انتقال بدهد و او را در قبول وپذیرش این احساس یاری بخشاید . بعباره دیگر اوست‌که‌با تاروپود و عواطف تماشاگر بازی‌میکند قیافه (زموتونو فسکی) اغلبادر اما تیکی

است وی در فلم (چایکو فسکی) توانست نقش یك انسان بی استعداد و غیر ماهر را ایفاء بدارد .

(ایرینا کو پتشنکو) کارگردان‌فلم (کاکا فانیا) در مورد زمو عقیده دارد:در میان تمامی هنر پیشگانی که با او شان بر خورده ام ، این(زمو) است که دقیتربازی میکند . وی بازی میکند ، بازی بدون کفاره و یا حسادت نگاه های او مفاهیم خاص اخلاقی راباز گو مینماید .

دسره رودی ژباړه

داوبوپه تالارکی دلمر دوړانگو دمنعکس کولو دستگاه

په پای کی دیو لړخیړنـــــواو تحقیقاتو څخه وروسته داو بو په

تالارکی دلمر دوړانگو دمتمرکـــز کولو اوراجذبولو دستگاه په آلمان کی جوړه او په کار واچو له شوه . دغه دستگاه چی دیوه علمی او تحقیقاتی لابراتوار بنســـه لری دانجنیرانو اوپوهانو له خواد خـــه‌دپاسه دریو کـــلو نـــوڅخه‌وروستـــه جوړه او په کار واچو له شوه .

دلمر دوړانگو دمنعکس کولو دغه نوی لابراتوار په دی‌وروستیو وختونو کی دآلمان په یوه کلتوری سیمه کی دیو زیات شمیر پوهانو ننداره کوو نکو او علاقه لرو نکوپه مخکی وښودل شوه . لکه چی‌دپو- هانو په یو راپور کی ویل شوی دی داو بو په تالار کی دلمر او دشمسی

پاتی‌په۴۱مخ‌کی



عشق ، ازدواج ، تشکیل
خانواده و تحولات منتظره

از سپو تنیك
ترجمه احمد شاه

میکو یند که مردم هر چه بیشتر در یك‌جا معه چون احمد ومر یم، محمود وزهره ، با هم خلط میشو ند ومنا سبات مذکور که نخست هیجا نی وپر شور بوده تد ریجا جای خود را به منا سبات ما نند بین کار فرما وکارگر، با یع ومشتری، فرما یش دهنده وفر ما یش گیر- نده ،ترا فیك ودر یور وا گذارمی شود .

این موج بعد از اینکه منا سبات اجتما عی‌را احتوا نمود بند ریج طبـق اظهار بعضی ها منا سبات خا نوا ده گی را نیز در بر می گیرد. بعد از ین خا نوا ده و خانــــــه نمیتوا ند بشکل مر کز مو جود یت با قی بما ند . طبـق اظهار بعضی‌از محققین اگر حا لت بهتر آن مد نظر گرفته شود خا نه بصو رت محلـــی در می آید که در آن تعداد معیــن اشخا ص جمعا یك یا دو مرتبه‌درروز نان صرف می کنند ،استرا حت می کنند وتحت یك سقف زند گی وچند سا عتی را سپری می کنند .
آنهایی که معتقد اندفا میل‌اگر امروز برهم خورد، فردا بکلی از هـم پا- شید ه می شود معمولا به احصائیه طـلاق رجوع می کنند . در ایــن موردچه میتوان گفت ؟

حقیقتا تعداد طلاق در جهان سال به سال رو به افزا یش اســت در اتحاد شو روی از هر سه جفــت ازدواج یکی آن به طلاق موا جه مـی شود در حا لیکه در ایالات متحـــده امر یکااز دو جفت یکی‌از آن ثمره طلاق را می چشد .

آیا این‌بدین‌معنی‌است که‌درزندگی بشر یت عا ملی بو جود آمد که هر چه سر یعتر رشته های فا میلـی‌را برهم میز ند ؟ آیا علت طـلاق این نیست که در حال حا ضر مـــردم در سن های زیاد یا بز رگ نظر به سا بق با هم از دواج میکنند ؟
بطور مثال‌نیم قرن پیشس در رو- سیه از هر دو زن بیست سا له یکی آن ازدواج کرده اما در حال حا ضر از هر پنـج زن یکی آن‌در ســـن بیست سا لگی ازدواج می نما یـد.
سنین متو سط که در آن معمولا ازدواج می کنند از بیست‌و سه بـه بیست‌و هشت سا لگی بالا رفت. نکته جا لب این است که نه تنهـــا سن اصغری ازدواج بلند رفت بلکـه حد اعظمی آن نیز افزا یش یا فته است . درسابـق فیصدی زن های که بلند تر از سن چهل ازدواج مـی کردند.دواعشاریه پنج فیصد بود. که در حال حا ضر این رقم به‌دوا زده ـ عشاریه پنج فیصد رسیده است.
واضـح است که ازدواج در ســن های بزر گتر بد ین معنی نیست‌که در رشد جسمانی تا خیر بو جودمی آیدبر عکس این انکشاف بسیـــار سر یـع می با شد واز ین لحـــاظ است که مردم هر چه بیشتر تازمان ازدواج با هم خلط می با شنـــــد. قسمیکه تحقیقات نشان داده است از تجارب در این قسمت‌شصت‌وپنج فیصد مرد ها وبیست‌و هشت فیصد زنها بهره مند بوده به این لحاظ او- لین عشـق واو لین تجر به جنسـی همیشه به‌ازدواج‌خا تمه نه می‌یابد.
در این مورد طبـق احصا ئیه‌دقیق چها رده فیصد زنها وچاراعشاریه- شش فیصد مرد هامو فق‌به ازدواج شده اند .

قسمیکه تحقیقات نشان داده‌تجا- رب جنسی قبل از ازدواج بــــــه استحکام ومدا ومت آن تا ثیرمنفی وارد می کند .از اینجا فور مـــول ذیل نتیجه می شود : تغییـــر ات اجتماعی معمولا به این منجر میشود تا مردم در سن های بز رگترازدواج کنند. این عمل تجا رب جنسی قبل از ازدواج را اضا فه تر بلند بـــرده وبه نو به خود استوا ری خا نوادگی رابر هم میزند .
را بطه دیگر نیز وجود دارد وآن اینکه تعداد طـلاق در بسیا ری از شهر های بز رگ جهان نظر بـــه سطـح وسطی آن دو الی سه‌مرتبه زیاد میبا شد . پسی ممکن است‌که با اعمار شهر های بز رگ تعـــداد طـلا ق‌نیز زیاد شود . بر عـلاه‌در شهر های بز رگ زا یمان رو بـــه کا هشس است . بطورمثال درروسیه درسال ۱۹۱۳ هفت میلون طفل بـه دنیا آمد اما در سا ل۱۹۷٤ این ر قم به چهار میلون کا هشس یا فت. بنا اگر این نکته مد نظر گر فته میشـد که تاسال ۱۹۷۹ شهر ها سر یعتر افزا یشس می‌یافت طـلاق نیز به‌نقطه عطف خود میرسید ودر نتیجه‌روابط خانوا دگی بکلی نا بود میگرد ید.
اما این حادثه بو قوع نـــــه پیو ست .افزا یشس تعداد طـلاق‌اگر ساده گفته شود فقط یك صفحه‌مدال را تشکیل می دهد . صفحه دیگر ازدواج جفت های جد ید است.این حا دثـه تا اندازه زیاد سوال‌مضون حساب دوره مکتب را به خا طر مـــا می آورد:

در اینجا سوال مطرح میشود که با افزا یشس طـلاق تعداد جفت های که‌ازدواج‌می کنند رو به کا هشس یا افزا یشس است ؟

در سال ۱۹۳۹ در اتحاد شو روی هفتادو ششس عشا ریه‌پنج میلون‌نفر در سـال ۱۹۵٤هشتادوششس‌عشاریه پنـج میلـــون ودر ســـال ۱۹۷۰ یکصدو هفت میلون با هم در عقـــد نکاح یکد یگر بود ند. ار قام فوق افزا یشس نفو سس را بدون شـــك





انعکاس می دهد اما اگر در این مدت نفوس شانزده فیصد افزایش یافت به بیست وسه عشاریه هشد فیصد رسید. بنا با اینکه طلاقها صورت میگیرد تعداد ازدواج کنندگان روبه افزایش است.

ما همیشه به ازدواج هایی متوجه میشویم که چندان موفق بدر نیامد، واینکه طلاق سابق کمتر صورت میگرفت بدان معنی نیست که همه خوشبخت زندگی میکردند.

در انگلستان در یکی از شهر ها رواج عجیب وجود داشت: اگر کدام شخص به کلیسا بیا یددست به صلیب بگذارد وسوگند یاد کند که در طول یکسال از متاهل بودن خود شکایت نکند جایزه بفتخر در یافت می کند. قسمیکه احصائیه دقیق نشان می دهدازسال ۱۲٤٤ تا سال ۱۷۷۲ تعداد این نوع اشخاص فقط به هشت نفر رسید.

بعد ها چه بوقوع پیوست؟ بیجا نیست اگر در اینجا از سند عجیب وغریب که در سال ۱۷۸٤ در یکی از روزنامه های لندن به چاپ رسیده بود: یك‌مرد کنجکاو در شهر خود تمام مرد های‌متاهل وزنهای شوهر دار را حساب کرد ومیخواست سالانه احصائیه آنها رابه چاپ رساند از محاسبه اودر اینجا یاد آوری می کنیم.

زنهای که از شوهر خود فرار کردند ۱۱۳۲ نفر.

مرد های که از خانم های خود بازرسی نمی کردند ۲۳٤۸.

شوهر هاوزنهای که طلاق قانونی گرفتند ٤۱۷۵ نفر.

خانمها و شوهرا نیکه در فضای دشمنی باهم‌زندگی می‌کنند ۱۷۳٤۵ نفر.

خانمها وشوهرا نیکه درمقابل دیگران طوری وانمود می سازند که گویا زندگی خوشبخت‌دارند. ۱۳۲۹۷ نفر.

خانمها وشوهر انیکه در مقابل همدیگر بی علاقه اند ۵۵۲٤٦ نفر.

خانمها وشوهر انی‌را که‌دیگران خوشبخت می شمارند ۳۱۷۵ نفر.

آنها ئیکه نسبت به دیگران خوبتر زندگی میکنند ۱۳۷ نفر.

آنها ئیکه حقیقتا خوشبخت اند ۱۳ نفر.

اصل مساله در این نیست که جفت های واقعا خوشبخت بسیار کم است بلکه این است که چقدر مردم‌درعقد نکاح یکدیگراندوبیکدیگر علاقه نشان نمی دهند «نه‌می‌خواهند همدیگررا ملاقات کنند» «ویا حتی در فضای دشمنی وخصومت زندگی میکنند» یا به عباره دیگر خانواده هنوزبه معنی عشق وآشتی نه می باشد.

امروز حسب معمول ازدواج بدون عشق بر هم خورده ودر مرحله اخیر به‌طلاق منجر میشود. اما اینکه در مقابل تعداد زیاد مردم سعی می ورزند تا زندگی خوشبخت ایجاد نموده ازدواج را مسله ساده‌نمی‌شمارند خود نشان دهنده رفاهیت موازین اخلاقی آنها می باشد.

طبق پرسشهای که در اتحاد شوروی‌صورت گرفت هفتادوشش فیصدمردم عشق وازواج سعادتمند، سیزده فیصد حقوق مساوی ویك‌عشاریه پنج فیصدمردم ثروت را منحیث شرط ازدواج‌مستحکم وخوشبخت ارزیابی نموده اند.

به‌ان ترتیب دو سوم قسمت طلاقها در اثر علل اخلاقی

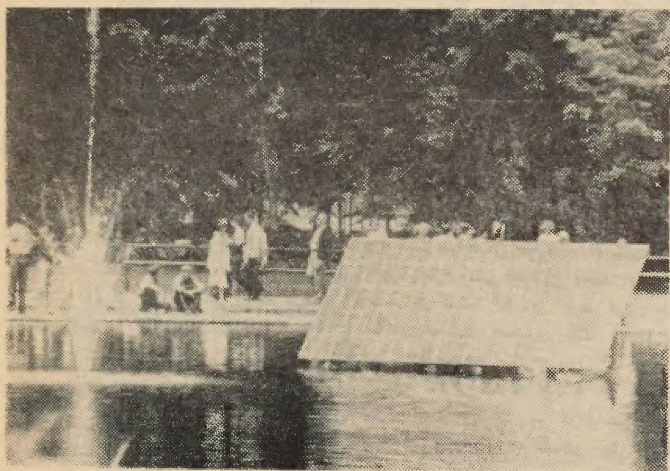
وناسازگاری های روحی بوجود آمده ودر حقیقت بحران ازدواج به انتخاب جوره (جفت) مناسب ختم‌می گردد. طوریکه چندین قرن قبل

عمر خیام‌چنین گفته بود: «گرسنگی رابایدنظربه هر چه پیشس آمد خوش آمد وتنها ماندن را نظر به هر که‌پیشس آمد خوش آمد ترجیع داد» طبق احصائیه که در سال ۱۹۷۰ در اتحاد شوروی صورت گرفت ارقامی را بدست داد که در نظر اول عجیب به چشم می‌خورد: زنهای شوهر دار نظر به مرد های متاهل‌یك عشاریه‌پنج میلون‌اضافه‌تربود.

«ممکن است قسمتی از زنهاچیزی را ازدواج بشمارند که‌به گفته‌عوام مرد ها اصلا در قصه اشس نیستند.»

امروز یکتعداد زنها فقط عشق‌را ازدواج می شمارند نه مناسباتی را که بالای اساس عنعنوی«زندگی دریك خانه» استوار باشد.

زنها در جامعه پر هیجان وپرشور می باشند. آیا آنها از روی احساس درونی به مسله یی نرسیدند که «شعور عنعنوی اجتماعی» هنوز جدیدا به سوی آن نزدیك میشود؟ آیا فردا ازدواج نظر به امروز به معنی وسیع تلقی نخواهد شد؟



په یوه مصنوعی جهیل کی دلمردوړانګو دمنعکسکولو ددستګاه‌د فعالیت یوه ښکاره.

د۳۹ مخ پاتی

داو بوپه...

منظومی دنوروسیارا تودوړانګو دجذبولو او متمرکزکولو دغه نوی لابراتوار دومره په زړه پوری وچی دشلو زرو نقلیه وسایلو او اورګاډیو په مرسته څه‌دپاسه څلوراعشاریه دوه میلون تنه خلك په۱۳٦ مخصوصو ترانسپورتی پروګرامونو کی دهغه ننداری‌ته ورغلی وو. دا خبره هم دویلو وړده چی د۱۹۷۹کال دجنوری دمیاشتی له‌پیل کید لوڅخه داګست دمیاشتی ترپایه پوری داو بوپه تالارو نوکی دلمر دوړانګو په باب څه دپاسه شپږ سوه علمی غونډی، سیمینارونه او ورکشاپونه جوړ او پراستل شوی دی. دلمر دوړانګود جذبولو او متمرکزکولو دغه نوی دستګاه پخواتردی چی دیوه علمی لابراتوار ونه بڼه دننداری‌ګر ته وړاندی شی په یوه مصنوعی جهیل کی په کار واچول شوه.

له دغه کار څخه مقصد داو چی آیاداو بوتبخیر او نور جوی تحولات ددغه دستګاه په فعالیت باندی‌منفی اغیزه لری او که نه؟

پخواتردی چی داو بوپه تالار کی دغه نوی دستګاه په کار واچوله شی لازمه ده چی دتالار داو بود سطحی دلوړ والی په باب یو لږ اندازه ګیری ترسره شی.

ترجمه بریالی علی زاد

ساختمان ووظایف قلب واحتشاء قلبی

قلب عبارت ازیك عضو حیاتی عضویت بوده که ساختمان عضلی دارد. این عضو وظیفه انتقال تاصاف را جهت تصفیه به ریه تـان (شش ها) ووظیفه تقسیمات خون غنـی از آکسیجن ومواد غذایی را بتمام عضویت بعهده دارد .

قلب دارای چهار جوف (دوازین ودوبطن) میباشد و همین جوف های آن اند کـه خون‌را بتمامی اعضای عضویت پمپ مینمایند . وبه این ووظیفه شان بصورت متناوب ودوامدار ادامه میدهند .

یعنی اینکه اولا قلب انبساط نموده، خون وریدی توسط اورده های اجوف‌علوی‌واجـوف سفلی وخون شریانی توسط اورده ریـوی در آن جمع شده وپر میشود بعدا بلا وقفه‌تقبض نموده ومحتوی اش توسط شرائین ریوی به ریه تان واز طریق ابهر وتمامی شرائین که درامتداد آن واقع اند بتمامی نقاط عضویت انتقال مینماید .

باید یادآور شدکـه در اثر انقباض و انبساط قلب یك صوت وضربان تولید میشود که البته ضربان قلب نزد کاهلین نورمـال هفتادو دو مرتبه فی دقیقه میباشد .

راجع به ساختمان عضله قلبی میتوان گفت که حجرات این عضله بین شان ارتباط قریب داشته ودر انقباض وانبساط اجواف قلبی رول مهم دارند . در هر حجره عضلی ملـیونها مالیکولها ی تار ما نند که الیاف عضلـی (اکتین ومیوزین) گفته میشوند وجود دارد .

وبطور متناسب تمامی طول هر حجرهٔ عضله قلبی توسط این الیاف استر گردیده است . گرچه اکتین ومیوزین باهم اتصال تام ندارند مگر قابلیت لغزش برروی همدیگر رادارند.

هنگام انقباض عضله قلبی الیاف اکتین و میوزین درهر حجره عضله بسوی همدیگر لغزیده وباهم متصل میشوند . وهم اغلباتمامی طول لیف اکتین توسط لیف میوزین استر گردیده وباعث کوتاهی حجرهٔ عضلی میگردد.

باید متذکر شدکه به دنبال هـر دوره فعالیت عضلی قلبی یك دورهٔ استر خا وجود دارد . در زمان انبساط عضلی الیاف اکتین ومیوزین ازهم دور میشوند وبه اینترتیـب رشته های عضلی بطول اولی واصلی شان عودت مینمایند .

برای اینکه میکانیزم انقباض و انبساط قلب کمی روشن گردیده باشد . قرار شکل انگشتان یك دست تان را میان انگشتان‌دست دیگر تان وشصت های هر دو دستان تانرا بپهلوی هم قرار دهید تا در میان دستان تان یك فضای کروی تشکیل گردد . وفکر کنید دستهایتان عضله قلبی وفضای میان شان‌یك جوف قلب باشد . حال اگر انگشتان تان را بطرف یکدیگر فشار دهید . بلاشك فضای داخل انگشتان تان خورد میگردد وبا لعکس اگر انگشتان تانرا بطرف خارج کش نموده وانگشتان یك دست تانرا از دست دیگرتان کمی دور نمایید جوف داخل انگشتان تـان دوباره بحال اولی اش برمیگردد .

شاید نز دتان سوال خلق شود که آیاچه چیز باعث کنترول حرکـات الیاف اکتین و میوزین میگردد ؟

این یك حقیقت انکار ناپذیر است کـه بدون موجودیت منبه وجریان محرکهٔ برقی بالای غشاء حجروی عضله قلبی هرگز عضله قلبی تقبض نمیکند .

هنگامیکه یك حجرهٔ عضلی درحال استرخا باشد مایع که آنرا احاطه نموده دارای‌مقدار زیاد سودیم بوده وچارچ مثبت تر را دارامی باشد . مگر برعکس مایع داخل الحجروی آن مقدار ناچیز ســودیم میداشته باشـد بدینترتیب در دو طرف غشاء یك پوتنشیال برقی (که به ولت اندازه میشود) وجــود میداشته باشد . این وضع از سببی ایجاد میشود که هر حجره یك سودیم پمپ (سودیم بطور مداوم از داخل حجره بخارج حجـره انتقال میابد) دارد ودر اثر آن است کـه مایع خارج الحجروی نسبت به مایع داخل الحجروی چارج مثبت تر میگیرد . اگربنابر علتی غشاء حجروی در کدام قسمتی بـرای عبور سودیم باز گردد درینصورت سودیم بلا وقفه بطرف داخل حجره حمله ور میگردد وبه اینترتیب داخل حجره چارچ مثبت وخارج حجره چارج منفی میگیرد (البته در قسمت غشاء باز شده) که این تغییر فوری چارج در دوطرف غشاء حجروی باعث جریان بر ق در غشاء حجروی میگردد .

باید متذکر شدکه این جریان برق منطقه جوار غشاء فوق را نیز برای عبور سودیم میگشاید . ودرین قسمت نیز مثل فوق‌خارج حجره چارج منفی وداخل حجرهٔ چارج مثبت میگیرد . اینگونه تحولات تا زمـانی ادامه میابند کــه جریان برقی در امتداد غشاء حجروی واز یك حجرهٔ عضله قلبی به حجرهٔ دیگرآن جریان داشته باشد . وفقط بعد از قطع جریان برقی دریك سطح عملیه سودیم پمپ دو باره آغازمیگردد. وبه اینترتیب‌سطح که استر خا نموده دو باره تنبیه گردیده وفعال میشود .

عضلات بازو ، ساق وسایر اعضاء عضویت (البته عضلات ارادی) فقط زمانی انقباض می نمایند که بدستور دمـاغ وبکمك اعصاب محیطی شخص قصد اجرای کاری را نماید .

که‌بمجرد دستوردماغ‌وتنبیهٔ‌عصب‌مربوط که‌مامور اجرای وظیفه گردیده برای عبور سودیـم گشوده میشود . مگر در عضله قلبی حادثه بکلی طور دیگر است محرکات ومنبهـات که باعث تقبض این عضله میگردند توسط میکانیزم خود بخودی بوجود آمده ومحتاج محرکات ودستورات خارجی نیستند . زمانیکه عضله قلبی استر خانمود ومنبسط‌گردیدغشای عضلی دو باره با ازدیاد قابلیت نفوذیه اش (بمقابل سودیم) آغاز مینماید . وبه ایـن وضع تازمانی ادامه میدهد تاسودیم بداخـل حجره به انتشار آغاز نماید . البته با انتشار داخل حجروی سودیم جریان دو باره برق در غشاء حجروی آغاز میگردد . وبا جریان دوباره برق بتمامی حجرات عضله قلبی قلب برای باردوم میزند واین چنین حوادث یکی پی دیگر تاکه شخص در قید حیات است در قلبش واقع میشود . در وقایع نورمـال نظم وتعداد ضربان قلب بسیار منظم میباشد.

داکتران طب برای معلوم نمودن جریان برقی قلب از الکتروکار دیوگرام (که بطور خلاصه گاهی ای.سی.جی وگاهی ای.کا.جی گفته میشود) استفاده مینمایند .

باید گفت که الکتروکاردیوگرام نورمال قلب یك نمونه شناخته شده دارد . که ایـن نمونه در هنگام عبور عادی جریان برق ا ز قسمتهای مختلفه یك قلب نورمال ثبت‌گردیده است .

در صورتیکه یك قسمت عضلهٔ قلب زفت زده باشد امکان آن میرود که جریان برق بدرستی ازآن عبور ننماید که درین صورت بلا شك یك الکتروکاردیوگرام غیر نور مال ثبت خواهد گردید . واگر کدام قسمت یك قلب بصورت غیر نورمال بزرگ شده باشد برای اینکه جریان برق از ین قسمت عبور نماید وقت زیاد میخواهد . از همین سبب است که نمونه الکتروکاردیوگرام قلب های بزرگ مرضی غیر نورمال خوانده میشود .

اینراهم باید خاطر نشان ساخـت کـه داکتـران طـب خصوصا کار دیو لو گها (متخصصین امراض قلب) بعد از دیـدن الکترودیوگرام یك شخص بخوبی میتوانند نورمال ویا غیرنورمال بودن قلبش راتشخیص نمایند . حال از جملهٔ تمامی امراض قلبـی احتشاء قلبی را با اسباب واعراض آن ازنظر میگذرانیم .

این یك حقیقت مسلم است که قلب مانند تمامی اعضاء عضویت برای اجرای وظـایف وبقای حیاتش به اوکسیجن وغذا (که باید ازخون بگیرد) احتیاج دایمی دارد . گر چه خون بطور مداوم در داخل اجواف قلب‌جریان دارد مگر باید دانست کــه عضله قلبـی اکسیجن وغذای مورد ضرورتش را مستقیماز اجواف قلبی نمیگیرد بلکه خون بعضله قلبی توسط شرائین بالخـاصه قلبی (شرائیـن اکلیلی وشعبات جنبی آنان) میرسد .

شرائین اکلیلی باوجود ارزش حیاتی شان مانند تمامی شرائین عضویت معروض بـه امراض میگردند . از جمله امراض عـادی شان میتوان از تنگ شدن مجرای داخلی شان یاد آور شد . که درین مرض به‌حجرات عضلهٔ قلبی خون کافی نرسیده و زمانیکه به حجرات خون کافی نرسد حتمیست که میمیرند . وبعداز مدت کوتاهی جای حجرات



مرده رانسج سکار که در پمپ نمودن خون وتقبض اجواف قلب هیچ رولی ازآن ساخته نیست میگیرد . برای اینکه قلب بتواند به خوبی وبرایفش را انجام دهد حجرات نورمال که در مجاور نسج سکار قرار دارند بشکل معاوضوی بزرگ میشوند . امکان داردگاهی لومن (فضای داخل) یك شریان اکلیلی ویا یکی از شعبات جنبی آن آنا وبشکل تـام مسدود گردیده وباعث توقف تام جریان خون گردد. درصورت وقوع چنین وقایع‌حجراتیکه از شریان مسدود شده فوق خون میگیرنـد فورا حیات خودرا از دست داده وبلا درنگ بمریض دردهای شدید صدری پیدا شده و میگویند کــه مریض مصاب خناق صدری گردیده . اگر در صورت وقوع این حادثه یکتعداد زیاد حجرات عضله قلبی معـروض نابودی گردند بلاوقفه باعث مـرگ مر یض میگردد . واگر یك ساحه خورد قلب متاثر گردد . شخص برای مـدت زیاد بحیاتش ادامه خواهد داد .

الکتروکاردیوگرام همیش جزء حتمی د ر تکمیل معاینات صحی میباشد . امکان دارد الکتروکاردیوگرام غیر نورمال بودن قلـب شخصی رادرجریان تکمیل معا ینات صحـی آشکار سازد که از هیچگونه عارضه قلبی شاکی نباشد . در صورتیکـه قبل از بروز اعراض مرضی، احتشای قلبی نزدشخصی‌کشف وتحت تداوی لازمه قرار گیرد شفاء مریض در بعضی وقایع حتمیست .

امکان دارد داکتر اکثرا از روی معاینات روتین (عادی) تشخیص نموده نتواند که آیا دردهای صدری مـریض از با عث احتشاء قلبیست ویا از کدام عارضه عضوی دیگر . البته در چنین وقایع یك الکتروکاردیوگرام بخوبی میتواند مسئله رایك طرفه نمـوده وتشخیص را مطلق گرداند .

در وقایع نادر قلب بعد از احتشاء بحال اولی اش برگشته و بطور نورمال بوظایفش ادامه میدهد . گرچه در اکثر وقایع قـدرت پمپ نمودن قلب نظربه نورمـال کـاهش میابد . مگر کاهش توان پمپ نمودن قلب این معنی را نمیدهد که باید شخصی بکلی علیل گردیده باشد . زیرا یك قلب نورمال در یك زمان معین چهار چند خون مـورد ضرورت عضویت شخص را پمپ مینماید . یعنی در حالت نورمال قلب دارای یك قـوه اضافی میباشد . پس اگر ذخیره قلبی به‌یك چهارم حالت نورمال تقلیل یابد بازهم شخص میتواند بطور عادی فعالیت نماید مگر اینکه شخص از آرامی تام برخوردار باشد .

د ۱۹ مخ پاتې

په هندي فلمونو کې

وړل) هغه ډېرښه معلومات ور کــوونکي فلمونه دي چې بزګرانو پر ژوندانه باندې‌يې مثبته اغیزه کړې‌ده. دمحبوب، آنند، کولی اونور نامتو فلمونه چې په بیلابیلو برخوکې تهیه‌شوي دي دهندوستان دخلکوپه منځ‌کې‌يې دفیوډالي او پانګــوالي استثمار استعمار او ارتجاعي روحانینو، زړواو ناوړه خرافاتو ا و تعصبونو په‌ضد دروحیي پیداکولو دنوي ټولنې دجوړښت لپاره دلارې داوارولو او ښاریانــو دروزولوپه هکله اغیزه ناکه رول لوبولی‌دی.

دکپور پخواني فلمو نه چې د (لمبــی) (باراني موسم) او (څره یاګرځنده) په نومونو تهیه شوي دي هم دعدالت لپاره دمبارزې‌کولو لاره پرانستلې ده دهندسینمایي نورې‌په‌عاجله توګه دخصوصي تشبثونو دتولید او توزیــع دملي کواو لپاره هم په ټینګار سره فعا لیت کړی او کوي يې په ریښتیا سره تشویقوونکو فلمونو دغه رهبري دهغه وخته څخه په غاړه اخستې ده چې ۱۹٤۸ کال دمستند و فلمو نو دویشلو او توزیع کولو بنسټ کېښودل شو. اوکله چې په ۱۹۳۳ کال‌کې ددولتي جایزو اوپه ۱۹٦٦ کال کې دډېروښو اجتماعي‌محتوی لرونکو فلمونو ته دجایزې ورکولو مسئلــه رامنځ ته شوه او کله چې دماشومانو لپاره (دفلمونو دتهیه کولو دټولنې) بنسټ په‌۱۹۵۵ کال کې کېښودل شو اوکله چې په ۱۹٦٤ کال کې دملي فلمونو آرشیف پرانستل شو په ۱۹٦۰ کال کې چې سیاسي او اجتماعـي مبارزې په کلیو کې شدت پیداکې دهندي سینما دانکشاف اوودې لارښوونکو اود هغــو موریدانو او پیروانو په کیرالا، کارناټــک، مهاراشټرا، انډرا راپردیش اونور ایالتونوکې دزحمتکښو ډرګنو او خلکو نارضایتي اونــا- منځني طبقي چې دلوړې طبقي دعیاشي او د کښتني طبقي دبدبختي اوبې چاره ګی پــــه منځ کې واقع د ه‌فعال رول ولوبوی .

ددغو خلکو اعتصابونه او نا رضــایتــي داجتماعي او اقتصادي نابرابرۍ په مقابل کې وی سرله دي هم ځوانان اوزده کوونکي په زور او جبر سره داجتماعي او سیاسي ژوند په برخه کې راډیکالو دموکراتیکو فعالیتونو ته رابلل کیدل .

دغه رازپه یولړزیاتو فلمونو کې دبیکارې ستونزه په تیر بیا پوهنتون دفارغ‌التحصیلانو دبیکارۍ اجتماعي پرابلم ښودل کیدی اوس ډوزیات شمیرځوانان‌دهندوستان دفلم‌جوړولو په ستدیوکی دپه بیلابیلو ملي ژبو سره‌ددغــه هیواد په مختلفو ایالاتو کې دډول ډول‌فلمونو په جوړولو بوخت دي اوس په هندوستان کې دفلم جوړولو په برخه کې زیات شمیــر ستر پرابلمونه اوستونزې منځ ته‌راغلي دي ، چې دهغې جملې څخه یوهم اجتماعي مخالفتونه او ټکرونه دي .

ریښتیا هم یو فلم دډول ډول موضوعاتوپه هکله تهیه کیږي او داسې کیږي، لکلــونه اوډولنیز موضوعات تفسیروي چې په هغه کې دښو اوفوق العاده کسانو پولیسانو، بد ا و ناوړه اشخاصو (لکه داړه ماران قاچاقبران او یا اروپایي ګانګسترانو) رول تمثیل شویدی. چې دغه ټوله دنیکمرغي ، عدالت او قانونیت دبریالیتوب په مقصد دي .

ځنې کسان ښایي دغه ډول قانونیت دتیرې په مفهوم یادکې په داسې حال کې چې‌ښایي دغه راز په فلم کې دزور او تیرې یولړ نور ډولونه چې اجتماعي پیغام او مترقي محتو ی خوښي څرګنده کړه په تیره بیاپه‌دغه هکلــه‌ولری هم وړاندې شي .



بقیه صفحه ۲۵

ارتش رهایی بخش...

های سرخ آن شقایق های خونین ، در زمین‌مبارزه تخم می‌افشاندند • قربانی های آن گل های سرخ، آن جوانه های جوان بودکه‌درخت‌انقلاب کبیر ومیهن اکتوبر رابه باروری‌استواری وسترگی رساند وآرتش شوروی را ـ بنیادنهادکاترین ها،نیکولای‌ها،الکساندرها (برادرلینن) راکشتند ، اما روحیه مبارزه را نتوانستند ازمیان بردارند •

پرندگانی که‌به پرواز آمده بودند ، عقابان‌آواره به مردن نمی‌اندیشید ند واز آن بیــم نداشتند ، به پرواز می‌اندیشیدند به رفتن‌و رفتن ودر سرانجام رسیدن • آن هامی‌دانستند که پرنده مردنی است وباید پرواز را به خاطر بسپارند•(۹)

درسال ۱۹۰۵، ۱۹۰۷،آن‌گل‌های پراگنده‌آن چراغ هاآن لاله های خونین که در زمستان بیداد سیاه کاران برای مدتی نه چندان زیاد خاموش شده بودند وپاشیده باهم یکی شدند، همبسته گردیدند ، مشت پولادین محکم شدندوزمینه ی رستاخیزاکتوبر کبیر(۱۹۱۷)را فراهم کردند • وکاخ جادویی • اهریمنان رابه خاکیکسان نمودند • وبرو یرانه های آن درفش سرخ آزادی و صلح را برافراشتند • درخرابه‌های آن دنیای نوین ، آباد ورها از استثمار را بنیاد نهادند • سرود اتحاد و همبستگی سراسرجهان را سر دادند واین شعار شان که ، کارگران جهان متحد شوید ! دیگر شعربود، سرود بود ، شعر آزادی سرود رهایی وزندگی خواستنی ، زیبا وشکوفان وسر بلند ـچراغ‌صاعقه‌ی این سحاب روشن باد (۱۰)

سر بازان ، ارتش های فدایی ، به دنبال‌پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر متحد شدند ،باهم یك دست گردیدند وسرود انترناسیونالیزم راهرچه رساتر سر دادند ، حوادث‌خونبارجنگ دوم جهانی به‌آرتش شوروی‌رهایی بخش‌آموخت‌که‌به هرسرزمین که پای می‌نهند سرود صلح را بخوانند وپیام آوران بهاران باشند • آرتش‌رهایی بخش شوروی که‌اندکی پس‌ازپیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بنیاد نهاده شد • بادانش‌نوین مجهز گردید وهمه‌ی پیکار این ارتش صلح وآزادی درراه تحقق بخشیدن آرمان های‌طبقه ی کارگر است • برای دفاع از حقــوق مستضعفان می ستیزد واین ارتش حتی گلوله‌ای را در جهت تباهی انسان شلیك نمی‌کند • اشاعه دهنده اندیشه های والای مترقی است‌وپاسدار منافع زحمت کشان سراسر جهان•

اشاره ها :

۱ـ کارو ـ شکست سکوت، خون‌انسان‌ستم‌دیده قدح پشت قدح نوش کنید •

۲ هکل : اندیشه چیزی است جــــاری‌شده در زمان

۳ـ فروغ فرخزاد، چه روزگار تلخ وسیاهی•

ـنان‌نیروی‌رسالت را مغلوب‌کرده‌بودوپیامبران گرسنه‌ـ
ازوعده‌گاه های الهی گــــــریختند•

٤ـواصف باختری ، •••• تناوران همه‌گویی‌که سنگواره شدند •

وچهره‌هاهمه آیینه هـــای تیره ی مســخ
ودست هاهمه چون دسته های زنگ‌آگیــن
وگامهاهمه چـــون نبضی مـــرد گان قـــرون
ونامهاهمگی بنده ، بنده زاد ، غلام

وچشمه ها همه چون شیشه های‌رنگ آگین وخشم هانازای
وخواب ها سنگین

سپیده های دروغین به چشم هاچیره

گرسنگان‌بیابان را ببین چگونه به تصویر نان فریفته‌اند•

۵ـفرخی یزدی ، درکف مردانگی شمشیر می‌ـباید گرفت‌حق خودراازدهان شیرمی‌باید‌گرفت

٦ـاحسان طبری ، یاد داشت ها فلسفی .

۷ـ جواهر لعل نهرو ، نگاهی به تاریخ‌جهان

۸ـ همانجا و همان کتاب •

۹ـ فروغ فرخزاد ، پرنده‌مردنی است‌پروازرابه خاطر بسپار !

۱۰ـ حافظ شیرازی ،

بقیه صفحه ۱۷

مردم می گفتند...

اکنون که بنا بر خواست تاریخ ، حکم زمان واراده‌ی مردم • مرگ برامین شده است واین جانور خونخوار به سزای اعمال وافغانستان عزیز پا بمرحله‌ی نوین انقلاب‌ملی سر زمین دیگر از دیدن اعضای باندجنایتکار امین وباند او خبری نیست وانسان های این علم وتحلیل حقایق در افغانستان ، حــزب امین برخود نمی لوزند واز سراسیمه گی و بیچارگی نجات یافته اند یکبار دیگر درعمل می‌بینیم که خواب وخیال حکمروائی جبارانه بر مردم هرگز و به هیچ وجهه بر ایی دیر زمانی پاییدنی نیست وهر که برخلاف‌اراده‌ی مردم وخواست زمان حرکت کند دستخوش قهر و غضب تاریخ ومردم خوا هد شد . و بالاخره اینکه در عمل ثابت شد که مرگ بر مردم نی بلکه مرگ بر دژخیم مردم‌یعنی امین سفاك آمد وگلوی کثیفش رابی‌رحمانه فشرد . مرگ بر امین وباند بی فرهنگش

زنده باد مردم ، زنده باد آزادی

بقیه درصفحه ٤٣

نوشته : نیلاب رحیمی

نگرشی بر کتاب نور وظلمت

نور وظلمت
در تا ریخ اد بیات ایران
تا لیف : میخا ئیل . ای .زند
تر جمه :ح . اسد پور پیرا تو
نشر یه انتشا رات پیام -تهران
چاپ دوم سال ۱۳۵٦ هـش
۲۵۳٦ ۱۹۰ ص .

کسانی که به گذ شته تا بناك وپر درخشش ادب زبان و فرهنگ دری از چشم اند از تا ریخ در پهنه گسترده زمان عـلا قه دا رند ومـی خواهند از روال آن در روند تکامل اجتما عی وفر هنگی آگاه شو نـد از مطا لعه اثر پر ارج وبا اهمیت در (نور وظلمت در تاریخ ادبیات ایران) ناگزیر هستند با خواندن ایـن کتا ب د ر نظر خو ا نند ه ایـن حقیقت جلوه گر خوا هد شد که مو لف دا نشمند وکاو شگر درخلال پژ وهشهای عا لما نه یی که در ژر- فنای متون باز مانده از ادبا وسخنو- ران قرون وسطی حتی آثار اوستایی وپهلوی انجام داده است . ونتا یج سود مند ودر خور ار زشی را کـه لابلای آنها دستیاب نموده.عصارت آنهمه تحقیقات قیمت دار را در اثـر طوری فرا روی خوا ننده قرار میدهد که مصداق را ستین مثـل(قلیل- اللفظ کثر المعنی) را بد ست مـی دهد . زیرا کرا کتر های را که وی تر سیم یکند وآثا ری را که نقا دانه بر رسی مینما ید ودر زمینه نظر- یاتی را ارائه میدارد ، علیرغم ،آنکه خیلی فشرده بحث کرده است .باز هم عقده های ذهنی خوا ننده را می گشا ید ومعضله های را که دراند- یشه نقا دان کاو شگر وجود دارد تا حدودی حل مینما ید .

کتاب مورد نظر ، بعد از یـك مقد مه وخا تمه ،توام با شرح حال مختصر مولف بقلم متر جم ، نزده مبحث ادبی را از زرتشت تا جا می احتوا میکند که البته تسلسل زمانی در ترتیب فصول رعا یت نگر دیده است گـذ شته از آن هر فصل از لحاظ اهمیت مو ضوع به‌بر رسی‌اثر يك شا عر ویا چندین شاعر تخصیص داده شده که محتمـلا به انتخاب‌و بر داشت خود مو لف مر بوط مـی باشد .

تر جمه ، کتاب بز بان سلیس وروان آمیخته با کلمات شستـه‌و آهنگین به شیوه خوب ودلنشین که اخیرا نگار ند گان جوان به آن‌سبك می خوا هند آثار خود را رو نـق دهند . پردا خته شده است .امادر بعضی موارد واشتبا هات‌ولغزشهای آنهم در انتخا بات بر خی کلمات رو نما گرد یده که نمی توا نـد بر رو حیه نا سیو نالستی وشیوه نو پردا زی متر جم‌لطمه ای وا رد نماید . مثـلا : کلمه «تبعید» رادر مورد بودا استعمال کرده مینگاردکه (باز در ین زمان بود که گو تامابودا در هندوستان به تبعید گردن نهاده وبودیسم را بنیان گذاشت . (ص۳) تبعید - دور کردن را معنا میدهد «منتخب اللغات» در حا لیکه بـر شها دت تا ریخ بودا را کسی از حلقه مر بو طه او دور نکرد بلکـه خود شس کنا ره گر فت‌وبر یاضت نفس تن در داد .در ین صو رت بجای تبعید اگر ریاضت ، گو شه- گیری ، متواری شدن ، عزلت گزینی ودر سیاست معنی ترك دنیا «پاژدن بر تعلقات ما دی »را میا ورد، تـا حدودی جمله مفهوم ، محکم ومضبوط بد ست می آمد .

بد یهیست که از هر دا نشمند ومحققی در خـلال تحقیـق وتد- قیـق علمی واد بی اشتبا ها تـی رونما میگردد . اما این نکته‌رانباید فرا مو شس کرد که پژو هشس دا- نشمند ژرفنگر واند یشمند ،برای خوا نند گانی که داهیانه مطا لـب اثری را دنبال میکنند . آزمو نـده‌و راه گشا است. لیکن تالیف نگارنده عجول وسطحی نگر گیـچ کننده و راه گم کرمیبا شد . اگر ما بخواهیم دردنیا یی که زند گی میکنیم . اثـر علمی ای را که خا لی از اشتبـاه وصد در صد مورد اعتماد وقبـول حلقه های علمی ونقا دان ادبی‌باشد، پیدا کنیم . بدون ترد ید ،دستیاب کردن آن‌سخت ودشوار خوا هد بود

وآثاریکه آزین بخش قفسه کتـا - بخا نهای ما شده اند. ازهمان‌دوحا- لت متذ کـره بیرون نیستند . درهر دو حالت مبین عمق اندیشه تعیین کننده مو قف علمی و رو شنگر دتت نظـر مو لفان آن آثـار از لحاظمتن ومحتوا میبا شند ونشان میدهـد که نگا رند گان تا کدام پا یه چیره- دست وبه چه‌پیما نه نارسا بوده‌اند. بادر نظر گر فتن معیار های متذ- کره میتوان ابراز عقیده کرد که‌مو- لف کتاب نورو ظلمت در زه ره آن عده نگا رند گانی محسوب است که اشتبا هات اندك شان برای خوانند- گانی که مسا یل را نقادا نه بررسی میکنند از ارزشس مقام علمی‌شان‌نمی کاهدروی همین علـت بـود کـه نگا رنده این سطور بـرای آموزش مزید خویش خوا سـت بابعضی مطالب را بانگرش نقادانه ارزیا بی نما ید .

نور وظلمت از جمله آن آثـارار- زشمندی است که مندر جا تشـی اهمیت چشمگیر زبان وفر هنگ‌با- ستا نی ما را در رو ند تکا مـل تا ریخ بیشتر از پیشتر رو شـن کرده است ،مو لف با نکات تـازه وبکری که‌دراین کتاب آورده‌است،در جمله‌سایرآثار ادبی خودجلوه‌نوینی‌به آن داده وبه رو نـق دادن آن همت گما شته است که‌میتوا نند بمثا بـه پایه های علمی این کتاب بحساب آید .

چون نگار نده این سطور د ر لا- بـلای کتاب به‌موا ردی بر خورد که نشا ندا دن صحت آنها با ستناد اسناد ومدا رك مو ثق لازم ووا جب بود. لـذا طرح این‌مقال را ریخت تاصو رت درست آن مطا لب را بـه خوا نند گان کتاب پر ار زشس‌نورو ظلمت‌تقد یم نما ید. گر چه بایـد اذهان‌کرد که:

درپر طاوس که زر پیکر است
سر زنش پای کجا در خوار است

در صفحه سیزده کتاب مطمح‌نظر این مطلب که (... ظاهرا در دوران حکو مت خسرو اول(انو شیر وان) افسا نه ها وحکا یات تا ریخی جمع آوری وتنظیم شد ...) آمده کـه ایجاب تحقیق بیشتر را مینما ید. از خـلال پژو هشهای کر ستن‌سن که در تحلیل جز ئیات وقا یـع سا سا نی نظری صائب واند یشه حا یطدارد از چنان جر یا نی یـاد آور نشده است .(ایران در زمان ساسانیان‌چاپ‌چارم۱۳۵۱ص‌سیصدو هشتاد وهفت -چار صدو شصت‌ویك ترجمه رشید یا سمی) ووتنو دوز- نولدك» نیز در حما سه ملی ایران ص بیست ودو تر جمه بز اك علوی طبـع تهران ۱۳۲۷ این‌روا یت را خا لی از اعتبار میدا ند . بقـول همین مو لف منبـع این‌روا یـت مقدمه ایست که با مر با یسنقر - مرزا شهزاده تیموری بر شاهنا مـه نبشته‌شده . اما يك‌فهر سـت مختصر از شا هان با ستا نی آریانا تدو ین شده که در زمان خسروانو- شیر وان‌بدست آمده که دشوار است برآن نام جمـع آوری حکا یـات‌و افسا نه های تا ریخی را نهاد ویـا آنرا چیز بزرگی مثل ما خذ تلقی کرد(ص بیست‌و دو همان رسا لـه) در ص بیست‌و هشت را جـع بـه «برطخا رستا نی» میخوا نیم، طخا- رستان زاد گاه او ست که اکنون در جنوب پا کستان ونا حیه بلـخ وا قـع است.»که اگر به نقشه مو- جود ، آسیا هم نظـر اندا زی‌نما- ئیم ، خو بتر وا ضـح خوا هد شـد که طخار ستان از مرز پا کستـان صدها کیلو متر فا صله دارد وجزو خاك افغا نستان وامروز از ولا یات

این سر زمین با ستا نی‌است وروزگاری که از توا بع بلخ شمرده‌می شد باز هم در جنوب پا کستان مو قعیت ندا شت واصلا کشو ری بنام پا کستان مصداق خار جی پیدا نکرده بود . طخا رستان از مناطق شما ل‌هندو کش‌واز منا طق با ستا نی وشا داب افغا نستان‌محسوب میشد .

در ص بیست‌وهشت درج‌است‌که در ابو نواس (۱۶۶–۱۹۸) و تائید سنوا ت‌متذ کره در مورد تو لد ومر گ شا عر عرب‌زبان مذ بور نظر به مدا رك دست دا شته درست نیست وا بو نو اس بقول خطیب ابو بکر صا حب تا ریخ بغداد بسال ۱۴۵ تو لد شده است‌و در بر خی مناب حتی ۱۲۶ هم گفته شده است . را جع به تا ریخ وفات او سال معین وجود ندا رد. مور خان سال های چندی را ذکر کرد ند مثل یکصدو نودو پنج – یکصدو نودو شش –یکصدو نودو- هشت ، (اك ، نامه دهخدا آر یانا دائرة المعا رف) وحتی ابن ند یم در بادو تا ریخ در باره سال وفات ابو نواس مواجه هست در آنجا که سال وفات معراج بن‌عمروسدو- سی عجلی ذکر میکند میگو ید در سال یکصدو نودوپنج روزوفات ابو نواس‌در گذشت،»ص هشتادو- چهار الفهر ست ، تر جمه رضا تجدد طبع تهران ۱۳۴۶ وجای‌دیگر سا ل و فا ت ا و ر ادر بگاه سنه پیش از باز گشت مامون از خراسان بسال ۲۰۰ ه ، نشان میدهد وحتی به ابن قتیبه که‌سال فوت شاعر را سال ۱۹۹ گفته، اعتراض .میکند (الفهر ست ص ۲۶٦– تر جمه رضا تجدد) درین صورت سال وفات ابو نواس را باید بصو رت حتم ۱۹۸ و سال تولدش را ۱۶۶ ه ، که عدد اخیر بکلی اعتبار ندارد ، تعیین کرد .

در ص ۳۶ آمده است (خر بنده ی چنان ازین شعر تاثیر پذ یرفت که طی چندین سال مبارزه علیه نفوذ بیگانه شعر مز بور ستاره رهنما و چراغ را هش قرار گرفت .) منظور مولف ازین خربنده همان احمد بن عبدالله الفجستانی مقتول در سنه ۲۶۸ ه بد ست غلا مانش در نیشا پور) میباشد. که او علیه نفوذ بیگانه مبارزه نکرده است . عروضی از زبان او چنین حکایت میکنند : (... رای من به آن جمله قرار گرفت که دست از طاعت صفار یان باز داشتم و خواف را غارت کردم و بروستای بشت بیرون شدم و به بیهق در آمدم ، و دو هزار سوار برمن جمع شد ، بیا مدم و نیشا پور بگر فتم و کار من بالا گرفت و ترقی همی کرد تا جمله خرا سان خو یشتن را مستخلص گردانیدم) (چهار مقاله ص ۴۳ طبع تهران سال ۱۳۳۳ بکو شش داکتر معین). احمد بن عبد اله خجستا نی از امرای طاهر یه بود . بعد از انقراض آن دود مان بخدمت صفار یان پیو ست ، پس از آن سر کشی کرد . با عمر و لیث در نیشا پور مصاف داد ، اوراشکست وقصد فتح عراق نمود.) (ص ۹ ٦ تعلیقات چهار مقاله از داکتر محمد معین به نقل از (ابن اثیر ج ۷ ص ۲۰۴ – ۲۷۴) طبع تهران ۱۳۳۳) وبا ستناد سا ئر ما خذ مثل تاریخ گر دیزی (ص ۱۴۲) و تاریخ سیستان (ص ۲۳۷ – ۲۳۸–۲۳۹) بخو بی میتوان در یافت که خر بنده مذ بور علیه نفوذ بیگا نه مبارزه نکرده بلکه برای فرا چنگ آوردن قدرت با دود مان صفاری داخل پیکار و کار و زار بود که تا کشته شد .

ص ۳۸ ، طا هر یان (۲۰۶–۲۶۰) این تاریخ گذاری در باره طاهر یان درست نیست . زیرا طاهر از طرف ما مون در شوال ۲۰۵ به ولایت خرا سان منصوب گردید، ودر ربیع الاخر ۲۰۶ ه به خراسان آمد و در جمادی الاخر ۲۰۷ در همان شبی که روز آن‌نام مامون را از خطبه انداخت واستقلال خرا سان را اعلان کرد ، وفات یافت (زین الاخبار ص ۱۳۵)طاهری باآنهم دو لت طاهری بعد از مرگ طاهر تا دوم شوال ۲۵۹ در خراسان دوام یافت و در همان سال یعقوب لیث بر نیشا پور غلبه کرد و محمد بن طاهر را بند کرد و به حکومت دود مان طا هری خاتمه داد .

(زین الا خبار ص ۱۴۰ طبع تهران ۴۷م) (بکو شش حبیبی) درین صو رت سال ۲۰۶ و سال ۲۶۰ نادرست است زیرا اگر در تا سیس دولت طا هری انتصاب طاهر را بحکو مت خرا سان در سال ۲۰۵ ه و یا اعلان استقلال او را در سال ۲۰۷ ه اعتبار دهیم در هردو صورت سال ۲۰۶ اهمیت خود را میبا زد .

در ص ٦۹ مطلب ذیل را می خوانیم : (در سال ۴۰۰ ه وزیر جد یدی بر مصدر کار نشست. این رئیس الوزرا احمد بن حسن میمندی نام داشت .) مولف بازهم در تعیین تاریخ جلوس و زیر جدید بر مسند وزارت غزنه اشتباه کرده است . و برای اینکه به تاریخ درست این جلوس د ستیا بیم سری به تر جمه تاریخ یمینی (تر جمه جرفاد قانی طبع تهران سال ۱۳۴۵ بکو شش احسان یار شاطر) بز نیم تا دیده شود که این مورخ که از معا صرین احمد بن حسن میمندی است کدام سال را اعتبار میدهد او میگوید : (و سلطان دهقان‌ابو اسحاق محمد بن الحسین را که رئیس‌بلخ بود بحساب عمال و تحصیل بقا یای اموال نصب کردواو در سنه احدی ورا بعما یه به هرات رفت و بحسن تدبیر و لطف رعایت ، مالی فراوان حاصل کرد ، و بمد تی نز دیك حملی وافر بخزانه فرستاد ، و ابوالعباس هنوز درمنصب وزارت مقیم بود...) (ص ۳۳۹) ومأ خذ دیگر نیز باین جریان متفق اند که (ابو العباس اسفرا ینی از سال ۳۸۴ تا سال ۴۰۱ وزارت محمود را میکرد.) رك ، حماسه سرای در ایران ص ۱۸۵ تالیف داکتر صفا طبع تهران ۱۳۵۲)

ص ٦۹ – (قدیمی ترین ودقیق ترین افسانه در باره شا عر (فر دوسی) و سلطان محمود چند دهه بعد از مرگ شاعر توسط نویسنده نا معلوم تاریخ سیستان سا خته شده است .) این قدیمی ترین افسا نه همان گفت وشنید – نیست که در حین تقدیم شا هنامه بین فر دوسی حماسه سرای بزرگ خرا سان و سلطان محمود غز نوی ، پیرا مون شخصیت‌رستم قهر مان بزرگ شا هنامه،صورت گرفت که در صفحه ۷ و ۸ تاریخ سیستان و بکو شش ملك الشعرا بهار طبع سال ۱۳۱۴) درج است.

پر واضحست که تاریخ سیستان تا هنوز مولف معلوم ندارد ، اما کو شش های مبسوط و عا لما نه مصحح محترم آن ملك الشعرابهار در مورد سال تالیف این اثر‌یرا‌رج گره کشایی کرد . و تا حدو دی به کمك پژو هشهای کاو شگرانه و ژر فنگری های عا لمانه مبنی بر يك مشت شواهد مورد قبول به نیاز خوا نند گان پاسخ نزدیك به یقین داده و روشن کرده است که قسمت اول این تاریخ پیش ازسنه ۴٦۵ ه که سال مرگ تاج الدین ابو الفضل امیر سیستان است نبشته شده است (تاریخ سیستان مقدمه ص ی و یا) درین صورت بایست خاطر نشان کرد که بین مرگ فردوسی و آخرین سال تالیف قسمت اول تاریخ سیستان در حدود نیم قرن فاصله وجود دارد که چندان بعید به نظر نمی رسد. و اگر سال ختم شا هنامه را ، که بقول خود مولف سنه ۴۰۰ ه ، است . اعتبار د هیم باز هم‌فاصله مز بور نمیتوا ند دور تر ازشصت سال باشد . لذا این روایت را نباید افسانه ساخته شده پنداشت و یا آنرا افسانه قلمداد کرد . و افسانه به آن روایات واهی گفته میشود. که‌اسناد ومدا رك از تعیین زمان معین برای پد یدار شدن‌و تائید محتوا ی آنها عاجز باشد. درین صورت روایت تاریخ سیستان رانمیتوان افسانه پنداشت وبراهین دیگری هم موئید تاریخی بودن آن میباشد که درین مختصر پیرامون آنها نمیتوان بحث مبسوط کرد .

صفحه ۲۷ – «او (رستم) در مر تفعترین قلهٔ ایران یعنی دماوند جد بزرگ کیان ، یعنی کیقباد برادر آخرین پاد شاه پیشداد یان را پیدا میکند .» در بیان بالا دو اشتباه مولف را دست داده است. نخست آوردن رستم قباد را از دماوند ، است که به هیچ صورتی نمیتواند مورد تائید واقع گردد،زیرا قله ها جای بود و باش نیستند و گذشته از آن در ، شرحی که فر دوسی از داستان آوردن رستم قباد را از البرز کوه ، مید هد، از دماوند اصلا ذکری نیست و نه هم طبری وبلعمی وثعالبی ، ذکری ازین قله دارند . معلوم نیست که مولف نور وظلمت این قله راچراذکر کرده است. فردو سی میگو ید:

بر ستم چنین گفت فرخنده زال
که به گیر کو بال و بفراز یال
برو تازیان تا با بلبر ز کوه
گزین کن یکی لشکر همگروه

(شا هنامه ا ص ۲۵۹ بکو شش دبیر سیا قی)

ناتمام

د۱۶۰مخ پاتې

نور عوام ...

ظالمان دی او خپل ځانونه یې **امریکی ورپیر نکیانو ته خرڅ** کړیدی په دی خو زموږ ټول هیواد وال پو هیږی چی دغه ورا نکاران تر څو چی د خپلو با دارانو لخوا **یوځه هڅوکی او . . . لاسته رانه وړی کله دا کارونه کوی !**

نو موړی زیاته کړه چی : **زما هیله دټولو هیواد والو څخه داده** چی پس له دی ددغو پر نګیا نو **پهچال تیرونه وځیاود خپل مترقی دولتسره دیلاسیوکړی اودغهورا نکاران‌په هر ځای کی چی‌دی دولتی مقاماتو ته ور وسپاری .**

یوبل حتی وال چی نوم یی شاه‌ولی دی‌داسی وویل ز ما خوهم **یوځه واوره ! وایم مهربانی** وکړه ورورو موږ خو ستا سو په **خدمت کی یو ، وایی :**

دغه کسان چی زموږ ملی سرمایه **لوټوی او اور ورته اچوی ټول** هغه کسان دی چی د امریکی ،مصر **چین او اسرائیلو لخوا مرسته** ور سره کیږی او په پا کستان کی روزل کیږی بیا دلته راځی او زموږ بیچاره خلك چی د ورځی کار کوی او د شپی خپله هغه پسی یی چی **ګټلی یی دی یوه دوی ډوډی خپلو**

ماشو مانو ته وړی ، هغه پسر ودروی او هغه واړه ما شوسان چی د شپی د خپل پلار ، مـور او ورور څخه ډوډی غواړی نا امیده کړی . **نو موږ لدی نه پس تر آخری** سلګی پو ری ددوی په مقا بـل کی دریږو او د دوی ریښی له بیخه **باسو مرګ دی وی پر لوټمارانواو پرنګی ګو ډاګیانو باندی .**

پهدغهوخت کی‌یوبل ښاری‌چی‌دسودا دپیرو دلو پهحال کی دی را نـږ دی کیږی او داسی وایی : ورور جانه **د پنجشنبی پـه ور ځ چـــی دوکانونه بندشویوو والله هی کـه** زموږ په کور کی بی له وچی ډوډی څخه بل‌څه پیدا کیده .

ـتاسی په دغو څو ورځو کی څه وکړل او څه شی مو وخوړل ؟

هیڅ یو څو پیسی مو چی درلودی څو دانی ډوډی به مو رانیو لـی اود اوبو سره بهمو خوړله پهخدای می قسم دی چی چای او بوره هم زموږ په کور کی نه وه شپـه او

ورځ به مودا دعا کو له چـــی ای **خدایه ته دغه دین خر څو نکی چی پــه نا مــه مسلما نان مکـــر** په اصل کی اصلی بی خدایان دی زموږ له ملکه ورك کړی ، چیر تـه چی وطن پلورو نکی دی او دیــن خر څونکی دی خدایه ! ته یی کور وران کړی او په خپل قهر اوغضب یی ګرفتار کړی .

وروږ جانه داڅه حال دی دغه وطن خر څونکی چی دلته د هغوی چال **چلند نورته چلیږی اوس دخپلـو** با دارانو لخوا تقو یه کیږی او دلته **را لیږ ل کیږ ی . اوس چـــی** زموږ انقلاب خپل نوی پړاو تـــه رسید لی دی او وینی خوړ نکـــی لو ټما ران لهمنځه تللی دی پر موږ **ده چی ددغو اعمالو مخه دخپـــل** دولت سره یو ځای ونیسو اوږ غـه غله دخپل هیواد څخه وباسو .

یو بل نفر چی پټا ټی خر ځـوی ځان داسی معر فی کوی: زما نو م **رستم دی او قا بل بای کـــــی** استو ګنه لرم .

ـپه دغو څو ور ځـو کـــی چی بازار بندو څومره تاوان به در تـــه رسید لی وی ؟

ـپه دغه څو ورځو کی چی‌با زار **دخائنانو او ظالما نو لخوا تــړل** شوی و، زموږ کار هم هسی بنـد و اوپه دغو ور څو کی می زر افغا نی تاوان کړیدی دغه پټاټی چی زمـــا **پر کرا چی باندی وینی زما دخپلی** خمکی څخه دی چی ددو لت لخـــوا **راکړ شویدی کومه ورځ چـــــی سودا نه وی یو عالم تاوان کــــوم ولی چی دادی پسرلی نژدی‌دی اوبیا** زموږ دکر وندی کارو نه پیل کیږی بیا نشم کولای چی دلته را شم او خپل محصو لات خرڅ کړم .

نوموړی زیاته کړه چی :

زما له دغه کار څخه بنځه لس کسه ډوډی خوری چی زما ماشومان دی اوزما کشر ورور چی مکتـــب وایی او هم می مور او پلار. ددو ی ستر ګی پر ما دی چی کار وکـــړم او دوی‌ته یوځه برابر کړم نو دغـــه ظالمان چی با زا رونه بندوی دا خو **بی له تاوان چی بیچاره ګانو باندی** ظلم‌دی کوم‌بسه کار ندی دا چـــی **کورونه سرځوی او یا دا چی موټر ونو ته اور اچوی ، واړه ما شومان**

غولوی او خپل ناوړه اعمال چـــی ددوی دبا دارا نو لخوا ور تـــه **امر شویدی په کار اچوی هیڅکلـه** وطنپا لنه ور تهنه ویل کیږی بلکی ددوی دا کار ونه ا سلا می ضـــد **او انسانی ضد کارونه دی چـــی پر مخ‌یی بیایی پهدغه څوورځو کی** چی بازا رونه تړل شوی وه غیـــر لدینه چی زما کار بندو زموږ دکور اړتیاوی چی **ضرورت مو ورته لرله زموږ لاس تهته را تلله او ډیر پــه** زحمت مو ژوند تیر کړ دغه کسا ن چی انسان ور ته نه ویل کیـــږی **اصلا نه غواړی چی زموږهیواد مخ‌په** وړاندی لاړ شی او زموږ هیـــو اد **ترقی وکړی نو موږ پردی با نـــدی** باور او ایمان لرو چی او س مـو ږ ټول پو هید لی یو او هیڅکله ددغو وحشیا نو په چال چلند نه غو لیږو **او س نو زموږ ټول ورونه دبازارونو ځارنه‌کوی‌او موږ‌پهډادمزړه خپل‌کارته** ادامه ور کوو او په دغو اعمالو باندی هیڅ نه تیر وځوو .

بریالی دی وی ز مو ږ انقلا بـی دو لت چی اِددی هیواد د خلکـــو آرامی او لوړ تیا غواړی .

بقیه صفحه ۱۵

مسوولیت

مجله ژوندون تقدیم کنم وی خـودرا محـمود معرفی نمود ، او هم واقعه ۳ حو ت رایك عمل وحشیانه و جنایتـــکارانه خو ا نـد، در مورد مشکلا تی که مسدود بود ن‌دکا ن ها برای شان بار آورده بود افزود: مد ت دو روز چا ی تلخ ونا ن بی نمك صر ف نمودیم ، تصادفاً که بوره هم در خـا نـــه موجود نبود واز بخت بدنمك نیز تمام شده بود و قرار بود در جمله همه اشیا ی مورد ضرورت خانه بوره ونمك نیز خریداری نمایم که واقعه ، بوقوع پیوست واز درك نداشتن این دو شی ضروری دچار مشکلات گردیدیم در همین مو قع شخصی دیگری که متوجه صحبت ما بود و چو ن خود ش هم از ین واقعه متاثر بود داخل صحبت شده گـــفت: همان روز خمیر نموده بود یم ، به هرنانوایی که روان کـــردیـــم می دیــــدیم مسدود

است، دریکی از نانـــوایی ها که نان توزیع می نمود آنقدر از دحام بــود کـــه نـــان بـــه کسی نمی رسید چـــه رسد به‌اینکه‌نـان دیگران را بپـــزد، مجبــور مـــدت سه روز همین تر تیب در خانه نا ن نا بگـــی پختیـــم وصرف نمــــودیم ، نظیر ا یـن مشکلات زیاد برای ما ایجاد شد که کدام یك را زود تر بگویم . از خریدار ان و از گفتنی هایشان که‌با ما درمـیان گـــذاشتند تشکر نموده از ایشان خدا حا فظی نمــوده رفتم تا از پر چو ن فرو شا ن رو ی بازار سخنانی بشنوم، پـــرچـــون فـر و شی را دیدم که تما م سامان‌وآلات از قبیل سامان

با زی اطفال ، واشیا ی پلا ستیکی ، سگرت شانه وآئینه وغیره سامان را به روی‌سرك‌به روی شا لی گذاشته وبه فروش آن مشغول است ، از او میخوا هم تا خود را معر فـــی کند و باما صحبتی دربارهٔ خرابکا را نو جنا یتکا ران بنما ید : وی خود ر انورمحمد سا کن سید نورمحمد شاه مینه معر فـــی نمود ، وی افزود مدت شش روز که البتـه دو روز آن به خاطره با رندګی و چــار روز آن به خا طر مرد ما ن خرا بکا رودزد که این همه شور ماشور وبی نظمی را در شهر اندا خته بود ند نتوا نستم به غریبی خود بر سم و هشتاد و یا نود افغانی که‌در روز فروش می نمود م آنرا بد ست بیا ورم وازین درك خیلی نا راحت و غمگین بود م

که‌چطـور خـــرج شباروزی فامیلم را تهیـه کنم از کدا م مدرك ؟ یگا نه عاید م که از طریق فرو ش همین اموا ل بود در هما ن چندروز قطع گردیده بود ، پر سید م:آیا خر ید و فروش تا ن مثل سابق جر یا ن دارد ، کسی برا ی تا ن مشکلات و یاآزادی نمی رسا ند ؟ با خو شی گفت : نه خیر حال خیلی خوش هستم که دو باره توانستم به کار وغریبی خود به خاطر آرام و آسوده وبدون کدام ترس می رسیم .

سیف‌الدین یکی دیگر از دست فروشانی بود که دریك دست خر یطه آلو بخا را ودر دست دیگر ترزو بایك‌پاو آلـــوبخارا،رابـــه فرو ش می رسا ند صحبت نمود یم ، وی گفت : مدت پنج روز من بدون کار و بـــار گذشتا ندم ،کار من خر ید وفروش‌آلوبخارا است، و بافروش آن وپولی که‌بدست مـی آورم شش نفر رانان میدهـــم و تقریبـا روزا نه در حدود هشتاد افغانی از درك‌فروش

آن بد ست می آورم ، حال شما بسنجید‌که مدت پنج روز خساره ام به کجا می رسد؟ از او خوا ستم تا در بارهٔ آتش سو ز ی ها وخرا بکا ری ها یی‌که درین اوا خر بو قو ع پیو ست چیزی بگو ید : شرو ع به‌صحبت نموده‌گفت:ضرری‌کـه به‌مردم غریب‌و بیچاره می‌رسد تـــمام این نقصـــ‌وزیـــان چیست ؟ خو همه آنها از دست این مرد م خرابکار و شر انداز است کـــــه هیـــچ کس را آرا م نمی گذارند ، در هر جا ببینی اشا ره ترا فیکی کنده شده، موتر سوختانده شده ، مردم نا آرام ، فکر شا ن پر یشان، غریب کار از غریبی مانده، پس کدام کار های خرا ب شان را زودتر بگو یم . ازوی خدا حا فظی نموده در لحظات آخر مصاحبه سرا غ یکی از روغن فرو شا ن شهر را گرفتم تا اوهم گفتنی هـــای خودرا در یـن مورد با مادر میا ن بگذارد :

اسمش قدم علی سا کن دشت بر چی‌است وی درین مورد اظهار داشت .

هشت نفر فامیلم راا ز درك فرو ش‌روغن نان میدهم ، سه روز دکان ما بسته بـــود و هیچ پو لی هم با خود ندا شتم تا درین مدت سه روز خر چ وخوراك خود را تهیه کنیم .

مجبور شدم‌مبلغ هزار افغانی که بـــه سر یکی از خو یشا وندان خود داشتم ،از نزد او گر فتم ودر همین مدت‌آ نرا مصرف نمودم که خدا مهربان شد و واقعه به خیر گذشت وروی دشمنان ما سیاه شد ، کاری دیگری نکردند غیر ازینکه ما مردم بیچاره وغریب را سر گردان و پر یشان سا ختند وحال دو باره ما دکان های خود را بـــاز و به کا ر و غر یبی خود مشغو ل هستیم.

بقیه صفحه ۳۵

نقش ارتش شوروی...

«دست هاازروسیه شوروی کوتاه!»:

کارگران و دهقانان روسیه شوروی درمبارزه شان تنها نبودند• برادران شان (کارگران دردیگر کشور ها)بکمك‌آنها شتافتند: هنگری ها ، چك‌ها، صرب‌ها، بلغاریایی‌ها، جرمن ها، فرانسوی ها، حتی چینایی‌هاو کوریایی هاجهت خدمت به‌اردوی شوروی‌پیوستند. مردم‌شوروی از حمایت و کمك رفیقانه تمام کارگران جهان برخوردار گردیدند • کارگران در اروپا وامریکا از حکومات شان تقاضا نمودند تادست های مداخله شانرا از شوروی کوتاه نمایند•

عساکر خارجی از جنگ علیه اتحاد شوروی امتناع ورزیدند • افراد قوای بحری فرانسوی بالای کشتی هایی که درساحل سیباستوپل واودیسه لنگر انداخته بود، بیرق های سرخ‌را برافراشتند• کارگران بر تانیایی از بارکردن کشتی هایی که اسلحه رابرای گارد های سفید در گیرباشوروی انتقال می‌دادند ، امتناع‌نمودند همچنان کارکنان خط ریل جرمنی ،واگن هایی راکه مال التجاره رابرای گاردهای‌سفیدمی‌بردند بالای سرك های فرعی منحرف ساخته و توقف می‌دادند کارگران سراسر جهان‌جمهوری شوروی رافقط بخاطر مبارزه شان کمك میکردند • لنین میگفت :

«به‌مجردیکه بورژوازی بین‌المللی دست های شانرا علیه مابلندکردند توسط‌کارگران خودشان عقب زده می‌شد •)به‌پیروی ازین‌نمونهٔ مبارزات مردم شوروی ، کارگران‌بسیاری‌کشور هااحزاب کمونیستی را تشکیل داده وعلیه آنهایی که بالای شان ظلم‌میکردند مبارزه‌رابراه آندا ختند

«شکوه وجلال این سا لها هرگز فراموش نخواهد شد .....»

اردوی شوروی دنیکین را شکست داد بعدا او کراین وقفقاز شمالی را آزاد ساخت مگر تاآنوقت کریمیا در اشغال «ورانگل‌جنرال گارد سفید بود زیرا قوای ضدانقلابی پولندی تهاجمی رادر غرب براه انداخته بودند این سال ۱۹۲۰ بود •

گریگوری کو توفسکی :

در میان‌واحد های اردوی شوروی که‌با قوای گار د سفید در جنگ بودند• یکی هم بخش سواره نظام بودکه تحت‌فرمان گریگوری‌کوتو-فسکی قرار داشت • موصوف بعداز ختم جنگ داخلی به‌حزب کمونست شامل گردید وبکلی زندگی‌اش راوقف انقلاب ، حزب ومردم نمود•

بریگارد او در جنگ بخاطر آزاد ساختن‌او کراین از تصرف ضد انقلابیون پولندی اشتراك داشت • در جنگ های شدید افراد او دلیری شانرا نشان دادند ومهارت وتدبیر قوماندان شانرا که همیشه باکاردانی بر مشکلترین اوضاع فایق می‌آمد می‌ستودند •

بلشویك ها طی جنگهایی که انجام دادند تجارب زیادی بدست آورده وآبدیده شدنددر میان ایشان (نیکولای استرو فسکی) را می‌توان نام برد • کسیکه بعدها کتاب برجسته یی را بنام «فولاد چگونه‌آبدیده شد؟» نوشت •

نیرو های گارد سفید شکست خوردند :

اردوی شوروی گروپ های‌ضد انقلابی‌پولندی رادوباره بطرف غرب راندند• اکنون‌پرابلم عمده شکست دادن جنرال ورانگل وآزاد کردن کریمیا بود ومیخائیل فرو نز بخاطر فرماندهی نیروهای اردوی شوروی درین امر مهم گماشته شد•

یگانه راهی که‌به کریمیا ارتباط داشت عبارت از تنگه خاکی (پیریکوپ)بودکه‌در آنجا نیروهای گارد سفید دارای‌استحکامات‌قوی‌بودند •طوریکه در سراسر امتداد این راه که هشت کیلومتر طول داشت درخندق‌های عمیق موضع گر فته بودند ودر عقب آن باره های بلند با چندین ردیف سیم خاردار قرار داشت •

آنها همچنان در بالای این باره‌هابه تعداد ۷۰ قبضه تفنگ ثقیل -در حدود ۱۵۰ ماشیندار را جابجا کرده بودند • از جانب غرب هم جنرال ورانگل باتفنگ های کشتی های جنگی در بحیره سیاه مجهز شده بود • از جانب‌شرق حدود این باره های مستحکم تا کنار باطلاق‌های کم عمق «سیواش» یابحیره روتین -یك‌خلیج بحیره آزوف-میرسید. فرماندهی‌اردوی‌شوروی تصمیم گرفت تااز خشکه وبحر همزمان بالای «پیریکوپ» حمله کند •

حمله در شب ۷ نوامبر۱۹۲۰ (مصادف به‌روز سومین جشن سالگرد انقلاب‌کبیر سوسیالیستی اکتوبر)شروع شد • تروپ های اردوی‌شوروی در حالیکه تفنگ های ثقیل ماشیندارها ومهمات شانرا به زحمت توسط چیلك های شناورازعقب خود می‌کشیدند بحیرهٔ سیواش را عبور نمودند•

آنها در میان آب وگل که تاکمرشان میرسید راه رفتند وعلی الرغم وزیدن باد سرد وتند یکه دایم آنهارا اذیت کرده‌وبه پائین می‌کشاندو ویا بزمین می‌لغزیدند . پیش می‌رفتند ودر تحت آتش قوی دشمن ، اردوی شوروی از ساحل عبور کرده و ردیف سیم های خاردار را قطع نمودند •بعداز یك‌جنگ پیگیروشدید استحکامات در عقب دشمن اشغال گردید •

•••آنشب تنگه‌پیریکوپ‌اشغال گردیدوآزادی کریمیابدست آمد •در ساباستوپل باقیماندهٔ نیروهای تارومار شدهٔورانگل شتاب زده از طریق بحر فرار کردند • روز ۱۵ نوامبر اردوی شوروی شهر مذکور را آزاد کردو روز ۱۷می کریمیاکاملا آزاد ساخته شد• این پیروزی عمدتا ضامن ختم جنگ های داخلی در شرق دور -جنگ علیه گارد های سفیدو مهاجمین جاپانی بود که تاسالهای ۱۹۲۲ ادامه داشت•

کارگران و دهقانان جمهوری‌جوان شوروی در جنگهای داخلی پیروز گردیدندواز دولت شوروی ومیهن سوسیالیستی شان دفاع نمودند آنها بخاطری در جنگ برنده شدند که آنها بخاطر یك آرمان بزرگ ودوست داشتنی-یعنی بخاطر آزادی خودشان می‌جنگیدند • آنهاتوسط حزب کمونست که در راس آن لنین قرارداشت رهنمایی می‌شدند • کارگران ودهقانان ملیت های گوناگون درجنگ‌علیه‌دشمن باآنها پیوستند

طی‌این مبارزات. کارگران‌کشور های سرمایه داری بهترین کمك های شانرا به مردم شوروی انجام دادند •

بقیه صفحه ۲۷

بی اعتمادی بزرگترین...

توا نستم خوا هش وآرزوی دخترم را ایجابت کنم فکر میکردم که‌برای همیشه احساسات دخترم را جریحه دار ساخته ام • ازاین‌رو آن روز صبح از پدرش پول خواستم و لی شو هرم به این حرف من گو ش نکرد و اصلا تو جهی ننمود و بها نه آورد که‌پول ندارد و هنوز وقت معا ش دور است در حا لیکه خو ب میدا نستم او پول دارد اما نمی خواهد که بدهد بهر تقدیرچای‌تمام‌شدو اواز جا یش بر خواست که سوی دفتر و کارش برود بکس دفتر خو یش را گر فت وسوی در رفت در همین حال از جیب عقب پطلونش یك نوت پنجصد افغانی به زمین افتاد ، آهسته بدون اینکه شوهرم متو جه گردد پول را از زمین بر داشتم ، ولی‌شوهرم متوجه شد که من چیزی را از او پنهان‌میکنم گفت چه‌چیز رامی خواهی پنهان نمایی گفتم چیزی نیست و لی او بیشتر سوء ظن برد وبی اعتماد شد ، من برای اینکه دروغ شوهرم در مقابل من و در برابر دختر شی برملا نشود کوشش کردم که این پول‌را دروقت مسا عد دوباره در جیبش‌بگذارم‌ولی شو هرم با بی اعتماد ی فو ق العاده که توام با عصبا نیت وخشم بود به من گفت: نی من میدا نم که تو چیزی ر اا ز من‌پنهان میکنی آیا خط و عکس کسی هست که نمی خواهی من ببینم .

این حر ف شوهرم ما نند آتش بود که تاروپودم را سوزانید • دنیا دورسرم به چر خیدن گر فت دیگر نفهمید م که‌چه شد وقتی بخود آمدم خود را در زمین روی فرش اتاق افتیده یافتم ، در اثر افتیدن‌سرم به‌لبه میز خورده و ترك بر داشته بود . دخترم با لای سرم گریه میکرد ، خو ن موهای سرم راخیس‌نموده بود ولی‌دیگری ازسرم اززخمی که ایجاد شده بود خون نمی آمد .

مدتی در جا یم نشستم و به حوادث‌گذشته فکر کردم ، شوهرم رفته بود ، بدون اینکه اعتنا یی به من نماید، این وضع شو هرم بیش تر از پیش بر خشم من افزوده بود ، سا ل ها ی زند گی مشتر کمان و یگا نه دختر ما ن از پیش نظرم گذ شت .

-بلی پس از سا لها زندگی این بودنتیجه و فا و از خود گذری .

خوب من در بد مو قعیت قرار داشتم‌اگر برایش میگفتم که توبه من و دختر تدرو غ گفته یی و با افتادن نوت پنجصد افغانی این دروغ تو فاش گردید و من که می خواستم احترام و شخصیت ترا دربرابر دختر مان اعاده نما یم تو این تهمت ناروا ودور از اخلاق رابه من زدی . آیا نتیجه این عمل من با ید این طور پا داش داده شود ؟

عصر شد و شوهرم با عصاب خرا بوخشم بی حد به منزل باز گشت . او . بدون‌اینکه با من حر فی بزند به اتا قش رفت و مدتی در آن جا باقی ماند• برایش چای بردم ولی بدون اینکه سر بلند نمایه جای را گر فت و هیچ نگفت .

سکو تش بیشتر ازپیش ادامه یا فت واین سکوت مرا عذاب میداد• بالاخره برایش گفتم که از تواین انتظار را ندا شتم این عدم اعتماد با عث خواهد شد که زندگی خانوادگی مان از هم بپاشد .

تو فکرنمیکنی که کمی زیاده رو ی‌نموده یی؟شوهرم باهمان خشم وعصبانیت گفت :

تازمانی که ندانم چه چیز را از من‌پنهان داشته یی هر گز نمی توا نم نسبت به تو اعتماد نمایم .

گفتم : پس گو ش کن تا برا یت بگویم این تو بودی که نخوا ستی عزت و شخصیت ترا بهتر بگویم‌دروغ‌بزرگ ترا که در مقا بل من ودخترت گفته یی جبرا ن نمایم و نخوا ستم بدو ن اینکه تو متو جه شوی آن پول راکه از جیبت افتاد درموقع مساعد در جا یش بگذارم ولی تو با بی‌ا عتماد ی‌و سوء ظن بی جاوبی مورد که دور از نزا کت زندگی امروزی بین زن وشو هر است نخوا ستی که این درو غ ترا بشکلی از اشکال جبران نمایم•

بلی وقتیکه صبح ازت پول خوا ستم‌گفتی که پو ل نداری ولی این دروغ تو هما ن‌لحظه آشکار شد ونوت پنجصد افغانیکی از جیبت افتاد ،دختر ت نیز آن را دید می خواست بگو ید که پدر تو پو ل داری‌ولی چرا می‌خواهی آنرا ازماپنهان نگهداری ، اما من اشاره نمودم که خا موش با شد وهمان بود که‌پول را برداشتم وتو مشتبه شدی که من چیزی را ازت پنهان میکنم ،اما من می خوا ستم که تو نزد من و دختر ت شرمسار ودروغگو نشوی•

افسو س که این فدا کاری من با عث گردید که سوءظن ترا نسبت به من بیافزاید .

وحالا خیلی متا ترم که پس از این همه سال ها و گذشت روز ها نتوا نستیم یکدیگر خویش را بشناسیم•

بلی این جای صد افسو س است .



مترجم لیلا بشرمل

طبیعت خاصهٔ مراحل اولیهٔ طفولیت

لیوتولستوی درسن پیری‌اش جمله آتی را در یاد داشت های خود نوشت :

«از زمان ولادت تا پنج سالگی ام فاصلهٔ زیادی بود ، اما از سن پنج سالگی تا حال که شصت سال دارم فقط از اندازه یك سنگ انداز ، بیشتر فاصله نداشت . »

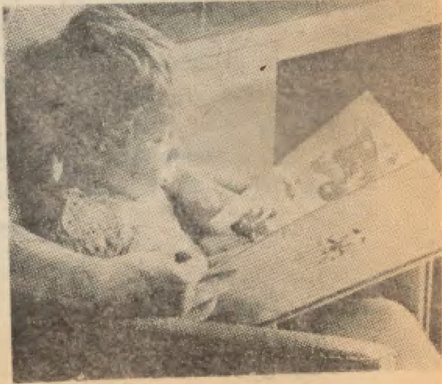
حقیقتا در سال های نخست زندگی ، طفل سفر درازی را می‌پیماید یعنی جادهٔ را که او را به جهان انسانیت می‌کشاند ، قابلیت ها ومهارت های عمدهٔ انسانی را فرا می‌گیرد .

درسن سه سالگی بمقایسه زمان ولادت : وزن دماغش سه برابر میگردد ونموی دماغ انسان بعد از سن سه تا اخیر عمر تنها چارم وزن آن خواهد بود .

پس این در مراحل نخست زندگی است که رشد قسمت اعظم ساختمانی دماغ وبصورت عموم رشد تمام سیستم عصبی تکمیل می‌شود . در همین سالها است که طفل تمام اقسام حرکات عمده را می‌آموزد . ایستادن ، قدم زدن وبصورت کل استعمال جسم وبازوانش را . درهمین مرحله : عواطف عمده ، احساسات انسانی وخصوصیت های بارز شخصیت بحد کمال می رسد وپخته می‌شود .

کودك طریقهٔ های عمدهٔ ارتباط بین خود وسایر مردم وجهان پیراموتش را می یابد وبه نشو ونمای آن ضرورت احساس می‌نماید.

در همین زمان است که طفل تمام خصوصیاتی را که وی را از حیوان متمایز می‌سازد کسب می‌کند . در هیچ یك از سنین بعدی او بچنین تغیرات وجهش های بزرگی مواجه نمی‌شود ودر هیچ سن بچنین پختگی متمرکز وسریع نایل نمی گردد .



این حقیقت توسط معلم ونویسندهٔ مشهور شوروی (انتون کار نیکو) در موافقت کامل بالیوتولستوی بهتر بیان شده است :«تهداب» تربیهٔ اطفال قبل از سن پنج سالگی گذاشته می‌شود . چیزیکه شخص درین مدت به‌طفل انجام می‌دهد نود فیصد تربیهٔ آنرا تکمیل نموده وچیزیکه به تعقیب آن می‌آید صرف ادامهٔ همان جریان قبلی است یعنی تصفیهٔ آن چیز هائیکه انسان را می‌سازد . موجز اینکه کار های لازمه همیشه قبل از سن پنج انجام یافته وبعدا فرصت گرد آوری حاصل و موقع فرا گرفتن ثمره ومفاد است . »

این حقیقت ذریعهٔ علم روحیات در قرن بیست بهتر توضیح گردیده ...

درین اواخر روان شناسان ومعلمین بیشتر وبیشتر بر اهمیت استثنائی رشد اولیه تاکید می‌کنند . چنانچه آنها مشاهده کرده اند . چیزی را ، که طفل تاسن پنج سالگی راجع به خود ومحیط وجهان ماحول اندوخته است مناصفهٔ معلومات اساسی انسان است ونصف مسافه را تاکمال اندوخته‌فکری‌اش طی‌نموده ..

آقای تورچنکو در کتابش «انقلاب علمی و تخنیکی وانقلاب درتعلیم وتربیه» می‌نویسد. «تجارب روان شناسان ومعلمین متعددنشان دهندهٔ این حقیقت است که در تشکل‌شخصیت سال های قبل از مکتب نقش قاطع دارد نه سال های دورهٔ مکتب ... مراحل اولیه طفولیت حساس ترین وپر اخذ ترین مرحلهٔ زندگی می باشد ، از همین علت است که توجه خاص ونقش توانای والدین درینوقت حیاتی ، نهایت مهم وبا ارزش شمرده‌می‌شود وباید به تربیهٔ کودك سعی بیشتری بکار برد تا عضو مفید وصالحی برای جامعهٔ خود بار آمده بتواند وهم حافظه درین وقت برای فرا گرفتن درس ها وفارمول ها مساعد بوده وتا وقت پیری فراموش نمی‌گردد ..

البته کودك‌جدید الولاده: عکسات وخاطرات ایام بطن را که در حیات داخل رحم بمادر بوجود آمده اند باخود دارد اما دماغ او ساختمان یك تیوب ساده را دارد که‌مشتاقانه آمادهٔ جذب انتباهات است . اولین انتباهاتیکه طفل می‌گیرد اساسی بوده ودر دماغ تجسم می نماید وتا اخیر حیات بااو همراه خواهد بود . اینها در دماغ ریشه های عمیق گرفته واثرات خود را تبارز میدهندووظیفهٔ ساختمانی خیلی عالی رادر تشکل شخصیت بانجام می‌رسانند .

حقیقتا نخستین انتباهات دورهٔ طفولیت یکجا با خصوصیات ولادی سیستم عصبی ، ستون فقرات وتشکل شخصیت قابل توجه بوده ونقطهٔ عطف سفر طفل رابجهان خارج رحم وبرخورد او رابه آن توضیح وارائه می دارد. ازهمین جاست که ماه ها وسال های نخست حیات کودك یك عمر خاص محسوب می شود زیرا ملکه های دایمی در دماغ به وجود می آید واین ملکه ها در پی ریزی وطرح یك تهداب موثر معنوی رول مهمی دارند که سرنوشت آنها عمدتا به طبقات ابتدایی قوه ذهنی مربوط است .

وظایف ومسوولیت‌های والدین ومعلمین دررشد ذهنی واخلاقی اطفال

قسمت دوم

بعضی ازکودکان ناراحت به هنگام مواجه شدن بــه مشکلات راه حــل شانــه خالی کردن از زیر مسئولیت را پیش میگیرند و عده از آنان خواسته هــای دیگران را اغراق آمیز وبه زور جلوه‌میدهند.

او لین قدمیکه میتوان برای کمك به کودکان فوق العاده وظیفــه شناســـ و دارای احساس مسئولیت بر داشت اینست که با آنها بفهمانیم که چطور برای جلب توجه و علاقه دیگران از راه های دیگــر استفاده کنیم ولی در این ضمن نبایستی فراموش کرد که نمیخواهیم بدینوسیله از احساس مسئولیت آنان بکاهیم و آن را در نظر شان بی فایده جلوه دهیــم

مسلما ء ما نمیخواهیم که سربه سر کودك گذاشته و او را به خاطر احساس مسئولیت فوق‌العاده خطاب‌نموده‌واز اسباب‌استخفاق اورافراهم آوریم ما نمیتوانیم به‌کودك بفهمانیم که اشتباه کردن گناه نیست‌حتی افرادبزرگ چون پدرکودك هم اشباه کرده‌ومی‌کندوخواهد کرد .

ن فوق العاده‌وظیفه‌شناس وحساس‌درمقابل
ق وتحسین دیگران عکس‌العمل‌ازخودبروز
ند ولی در برابرانتقاد وسرزنش دیگران
پژمرده ومایوس میگردندبرای تشویق
نه کودکان‌ودر ضمن‌برای‌اینکه آنهارامجبور
که برای جلب توجه مامسولیت‌فوق‌العاده
عهده‌بگیرند ومیتوانیم موفقیت‌های مناسب
آنان به‌وجود بیاوریم احساس مسئوولیت
به‌وجود می‌آید:

گر نتیجه فراوانی و کثرت کار های
ت فرسا نیست بلکه ناشی از تمایل
مکاری با دیگران ـ کمك به غیرو
شدن با مشکلات میباشد احساس
لیت باعث میشود ما هرگز ازانجام
کار عادی و خسته کننده ملول و
گردان نباشیم و برای کار خود
قایل شویم علاقه به همکاری و کمك
یگران و حل مشکلات بیشتر به
د کان ملاحظه میشود که در خانواده
ن کارها به محور همکاری و احساس
ن در جریان است .

اگزاری انجام کاری مناسب به
ك ـ کاریکه به نظر او مفید میرسد
ه ابتکار و توانائی وا ثبات وا ستواری
تحریك میکند میتواند به تقویت
کاری در خانواده که او در آن زندگی
کند پیش از پیش کمك کند و احساس
بل اعتماد بودن را در آن محیط افزایش
هد اگر این وضع بخصوص بتدریج
آرامی در کودکی بوجود آید ما
ید از آن خیلی خرسند باشیم .

در خاتمه نکات که‌میتواند اطفال‌را در
وختن و یادگرفتن کمك نماید بعرض
سانیده میشود.

وجودیت علم به این قاعده که طفلی
یزهای را فرا میگیرد که برای او در
جه اول قابل اهمیت است ما باید
امل را پیدا کنیم که میل کودك را به
حصیل زیاد تر کند اینك به‌ذکربعضی
آنها میپردازیم .

۱) تعین یك هدف مشخص :ـ

اغلب علمای روانشناسی تعلیم را به
وان فعالیت برای رسیدن به هدف معین
ید انند و مقصود آنها این است که
تی طفل بداند و بفهمد که چه میخواهد
کند بهتر وسریعتر فرا میگیرد و اگر
فل نداند چه میخواهد یاد بگیرد اولین
دمیکه در راه تعلیم او برداشت این است
که او را کمك کنیم تا هدف برای‌خود
معین کند .

۲) مربوط ساختن هدف با آنچه باید
فرا گرفته شود :

اغلب دانشمندان روانشناسی گفته
ند که وقتی که هدف یاد گرفتن منحصر
به ارتقاع به صنف بالا تر باشد طول

نمی گشد که کودك مقدار زیادی از آنچه
را که یاد میگیرد فراموش کند آموزش
وقتی موثر است که طفل با آنچه که‌یاد
میگیرد بیشتر علاقه مند باشد تا به‌پاداش
که مستقیماً به تعلیم ارتباط ندارد و اغلب
معلمین موسیقی معتقد اند که دادن جوایز
به جوانانیکه اهنگ ها یرا صحیح اجراء
میکنند موثر میباشد ولی این جوایزدر
روحیه اطفال که صرف بخاطر پیانو تمرین
میکنند واز آهنگ ها و قطعاتیکه مینوازند
لذت میبرند چندان اثری ندارد و ازاین
قبیل اطفال هستند که در دروس خود واقعاً
پیشرفت میکنند .

۳) تشویق بوسیله تحسین :ـ

همه دیده ایم وقتی که از بچه تعریف
و تمجید کنیم و بااو بگوییم « آفرین
بر تو که این کار خوب را انجام داده ای»
از خوشحالی لبخند میزند
یکی از دانشمندان در این خصوص ازمایش
جالبی کرده است . تا مبرده سه دسته
از بچه ها را برگزیده است و به هر سه

دسته بطور جداگانه یك درس معینی از
حساب تعلیم میداد و در عرض پنج روز هر
روز بدسته اول !آفرین» میگفت و ازآنها
تمجید میکرد دسته دوم را توبیخ و ملامت
میکرد و بدسته سوم چیزی نمیگفت
نه خوب و نه ضمنا هر روز مقدار پیشرفت
هر دسته را می سنجید روز پنجم نتیجه
برجسته بدست آورد دسته اول که هر
روز مورد تشویق قرار می گرفتند پیشرفت
شایانی نمودند دسته دوم که با توبیخ
وسرزنش مواجه بودند پیشرفتی کمتری
داشتند اما دسته سوم که طرز کار آنها
را مسکوت گذاشت پیشرفت خیلی‌جزئی
حاصل نموده بودند در نتیجه معلوم گردید
روی این اساس اطفال که موردتحسین
قرار گیرند واقعاً پیشرفت شایانی
مینمایند اولا اینکه تشویق و ستایش
در اطفال که مایل به‌یاد گرفتن باشند
اثر نیکو و پر ارزش دارد و باعث پیشرفت
آنها میگردد ثانیاً هرنوع دهنانی
وبذل توجه نسبت به آمیزشس اطفال بهتر از
عدم آنست .

ایجاد رغبت و علاقه به یاد گرفتن :ـ

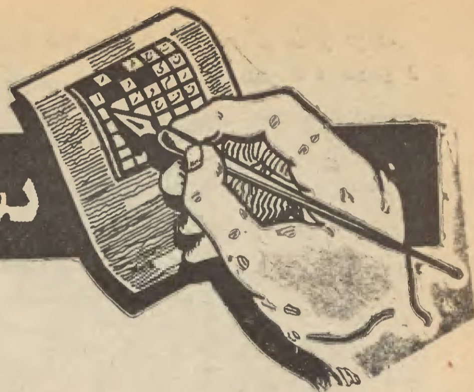
والدین و معلمین مشترکاً مسئول
افزایشس میل ورغبت کودك نسبت به
تحصیل وایجاد شور و عشق در امر اموزش
میباشند هرگاه هدف والدین منحصر به
این باشد که طفل از صنفی به صنفی‌ارتقا
یابد تنها آرزوی طفل نمره خوب گرفتن
خواهد بود و علاوتاً اگر والدین نسبت
به موضوع که کودك فراء میگیرد ابراز
علاقه کنند خود طفل نیز به آن علاقه مند
خواهند شد خواه در مدرسه باشند یا در
خانه . اگر طفل شخصا بخواهد و میل
داشته باشد بهتر و سریعتر یاد میگیرد
پدران ومادران نباید رشته تحصیل طفل را
مانند جریان آب در نل آشپزخانه
بدانند وهر موقعیکه بخواهند آنها
آنرا ببینند یازیادتر کنند.

در خانه نکته دیگر یکه عبارت از کشف
علت وعوامل میباشد یاد آور میشویم .

این نکته را میتوانیم بوسیله درك‌کردن
باطن روحیه طفل و طرز تفکر او علت
ناتوانی ظاهری او را دریاد گرفتن پیداکنیم
وقتی کودکی نسبت بفرا گرفتن ابراز بی
میلی مینماید و یا اینکه از دادن توضیح
درباره مطلبی که خوب میداند برای
همکلاس هایش خود داری کند قبل از آینکه
بتوانیم باو کمك کنیم باید دلائل او را
در این کار بدانیم اغلب یك شاگرد
با زیگوش سایر پسران و دختران را با
گفته ها نا مربوط خود میخندانند ما
نباید عمل او را از نادانی و حماقت
بدانیم زیرا او باندازه کافی عاقل ودانا ست
او میداند چگونه تحسین دوستانش‌را
جلب کند تعریف و تمجید دوستانش‌را
بر ستایش معلم ترجیع میدهد او از
چشمك زدن هم صنف خود در مورد گرفتن
نمره عالی از معلم خود وشب به پدر ومادر
خویشس آنرا نشان دادن لذت میبرد .

توأضع و هم تکبر در میل بتحصیل
میتوانند دخالت کنند ممکن است دانش
آموزی از اینکه در نزد عموم مورد تعریف
و تمجید قرار گیرد خجالت بکشد چنین
دانش آموزی ممکن است توانائی یاد
گرفتن خود را پنهان دارد تا دیگر ازاو
تعریف نکنند وخجالت نکشند ویا اینکه
کودکی که بخود مغرور باشد حاضر
نیست اعتراف نماید که‌او نمیتواند مو-
ضوع بخصوصی را فرا گیرد لذا تظاهر
میکند باینکه احتیاجی بیاد گرفتن آن
ندارد .


یکی از معلمین حین آموزش نوشتن به‌طفلی‌دیده می‌شود



سرگرمی ها و مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

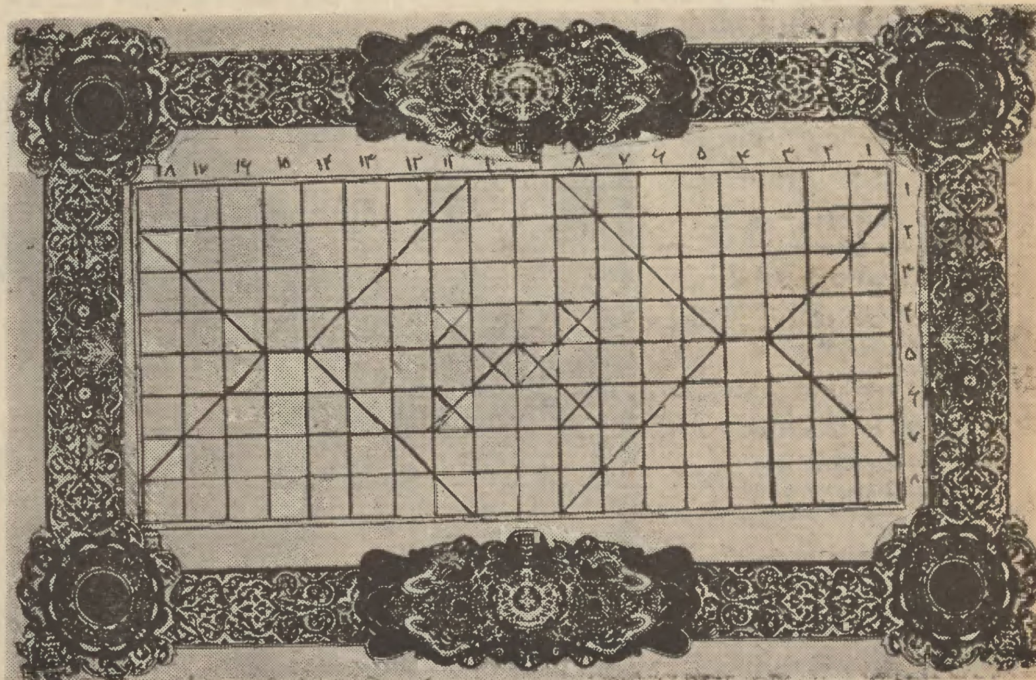
جدول کلمات متقاطع

افقی :-

۱- یکی از فیلسوف های جهان، مژده را دوتا سازید، وظیفه مهم یك انسان -۲- از جمله پرندگان است که بنام قاصد بهار مسمی است ، یکی ا ز میوه های بسیار خوش مزه، پول وزمین ندارند -۳- به متون نرمیده ، بتاریخ شش جدی مرحله نوین آن آغاز یافت، بزم پراگنده -٤- حاصل دوعنصر مهم، رفیق پری است ، در بین ملهم قرار دارد، کلمه ر بط ، دروازه بزبان عوام -٥- انفجار آن بسیار خطر دارد، این آله در جنگ هابرای موانع بکار میرود، در چشمان دشمنان خلق آنرا میخواهیم، دست کوتاه - ٦- متوجه ساختن، زیادنیست، صد سانتی طول دارد ۷- آخرشده، پوست پیازرا سمبول آن ساخته اند، شماره هشتم آن درباره زمین میباشد -۸- ردیف بیچاره، مسترد شدن، منظم آن چند پروانه میباشد .

عمودی:

۱- شهری بنام گهواره انقلاب -۲- از آنطرف پف میشود، بام میان تهی ، اثریکی از نویسندگان جهان -۳- دارم به پښتو ، درجم شهرت دارد -٤- یکی از براعظم های جهان -٥- منظم باعلاوه یك حرف طوطی است، بانی ناتمام -٦- یك حرف و دو خانه، جام آن شهرت دارد، دربین خنده قرار دارد- ۷- یکی از روزنامه های کشور ما-۸- ضمیر اشاره -۹- هم برقی وهم ذغالی است، وظیفه کارگر -۱۰- از ابرها به زمین پایین‌میشوند، دست مزدکارگر -۱۱- راه‌کوتاه -۱۲- فصل آن آمدنی است -۱۳- یك حرف دردو خانه، مردبی پا، فرق نشده -۱٤- ردیف آواز، مورمغشوش -۱٥- ادبیات باخودم یکجااست- ۱٦- اسم است، باقطع آخرراه کوتاه میشود- ۱۷- تیرسر شکسته، درنده، نهربی پایان - ۱۸- نوعی از گلهای بسیار قشنگ .



طرح از:- محبوبه تیموری وسامعه از لیسه مهری هرات .

این برج در کجا ست ؟

در جهان آثار تاریخی زیاد دیده میشود مثلا درکشور مابت بامیان ،قلعه بست قلعه اختیار الدین وبه همین قسم هزاران آثار تاریخی دیگر . مایکی از آثار تاریخی‌جهان را که در یکی از کشور های جهان موجود است برای شما چاپ نمودیم ازشما میخواهیم بنویسید که این منار در کجا وتوسط که ودر کدام وقت ساخته شده است .

صحنه کدام جنگ ؟

در جهان جنگ های بسیار زیادی رخ‌داده است که‌دراثرآن ملیونها انسان ازبین رفته وخسارات مادی ومعنوی به طرفین وارد آمده است .

مایکی از صحنه های این جنگ هارابرای شما چاپ نمودیم حالا ازشما میخواهیم که این جنگ در کجا ودر زمان که بوقوع پیوسته است ؟

کدام یك ؟

کلکسیونری برای کلکسیون خویش شش دانه‌تکت پوستی خرید ولی زمانی متوجه گردید که یکی‌ازتکت‌هایش‌بادیگران تفاوت‌دارد آیا میتوانید آن‌راپیدانموده ونمره اشس را برای ما ارسل دارید .





مربوط کدام کشور ؟

زنان هر کشور برای آرایش خوداز عنعنات مخصوص خودشان پیروی می کنند. به این ملحوظ مایکی از دختران یك کشور راکه باآرایش موها خودش رازیبا ساخته چاپ نمودیم فقط برای ما بنویسید که این نوع آرایش گیسو درکدام کشور رواج دارد ودرکدام فصل سال ازآن استفاده می نمایند.



کدام کتاب ؟

یکی از مراجعین کتابخانه از نزدکتابدار خواهش نمود تاکتاب مورد نظر ش را بیاورد کتابدار هم ازقفسه آنرا برداشت آیا میدانید کتاب مورد نظر خواننده نمره چند بوده است فقط اگر دقت زیاد نمائید حتما شماره کتاب راپیدا نموده می‌توانید حل آنرا برای مارسال دارید .



این عکس چیست ؟

به این عکس خوب متوجه شوید آیافکر خواهید کردکه از بالای تپه ها یا از ارتفاع زیاد عکس برداری شده باشد ویا امواج‌دریا وشنزار میباشد خوب هرچه فکر میکنید فقط ازشما حل مساله را خواهانیم . امیدواریم حل را بایك قطعه فوتوی خود ارسال دارید .

به سوالات ما جواب بگویید
تا بگوییم کیستید

این سوالات رامابرای دختران طرح‌نمودیم‌به این ملحوظ که دانسته شود چگونه دختری هستید :

۱ـ کدامیك ازین سه نوع سرگرمی رابیشتر می پسندید :

الف: ورزش وگردش درهوای آزاد؟

ب:ـ مطالعه کتابهایی راکه‌دوست دارید؟

ج:ـ قطعه بازی همرای دوستان؟

۲:ـ اگر از شما دعوت شود تا غذارادربیرون خانه بخورید کدام یـك راترجیح میدهید :

الف:ـ بارفقا وفامیل یکجا؟

ب:ـ تنهادر گوشه یك رستورانت پرازدحام؟

ج:ـ دوبدو بانامزدتان؟

۳:ـ اگر با انتقاد یکی از دوستان ویاکدام‌شخصی دیگر روبرو گردید چه عکس العمل را از خود نشان میدهید :

الف:ـ خشمگین میشوید واورا مورد دشنام‌قرار میدهید ؟

ب:ـ آیاساکت میشوید تا در فرصـــت‌مناسب آنرا تلافی کنید ؟

ج:ـ خیلی آرام ومنطقی جواب اعتراضاتش‌رامیدهید ؟

٤:ـ اگر بعلت یك واقعه پیش بینی نشده‌بایکی از دوستان خود بدخویی میکنید ازاو چگونه معذرت میخواهید :

الف:ـ آیا داستانی ویادروغی میسازید تاعذر خودرا واقعی وانمود سازید :

ب:ـ نیازبه توضیحات زیاد نداشته وعذرمیخواهید؟

ج:ـ عین واقعیت را میگویید و صادقانـه‌عذرمیخواهید؟

٥:ـ برای یك دعوت ویا دیـدن دوستان‌چگونه لباس میپوشید :

الف:ـ طبق معمول وبدون تکلف ؟

ب:ـ بهترین لباس خودرا میپوشید ؟

ج:ـ کوشش میکنید کـــه حتی المقدورآراسته وزیبا باشید ؟

٦ :ـ ازمیان سه‌مسلك کدام یك را بسیارمی‌پسندید:

الف:ـ روزنامه نگاری وژورنالیستی را ؟

ب:ـ بررسی های علمی وادبی ؟

ج:ـ وکالت ؟

۷ :ـاگر درانتخاب‌محل زندگی اختیارداشته‌باشید کدام محل رامی پسندید:

الف:ـ زندگی در یك شهر بزرگــــ‌ومدرن ؟

ب:ـ در ده آرام ودور افتاده ؟

ج:ـ زندگی در یك شهر مـــــــدرن‌وکوچك ؟

۸ـبه‌اخبار ووقایع روز تاچه حدعلاقه‌دارید:

الفـ خیلی زیاد ؟زیرا میخوا هید ازهرموضوع باخبر باشید ؟

بـ به هیچ صورت به آن علاقه نداشته‌وزندگی آرام میخواهید ؟

جـ نه بسیار زیاد ونه بسیار کـــم‌بطور متوسط ؟

۹ـ آیا شوهر آینده تان ازکدام سه تیپ‌ذیل باشد:

الفـ شوخ ،پر تحرك وبلند پرواز ؟

بـ آرام متفکر وفیلسوف مآب ؟

جـ واقع‌بین ومهربان وصمیمی ؟

دقت: طریقهٔ جواب ندادن به سوالات‌فوق عبارت از انتخاب **یکی از سه جواب** داده شده می **باشد .**

برای مابایك قطعه فوتوی خویش درصورتیکه‌موفق بـــه‌انتخاب جـــواب درست شد یـــد **ارسال دارید تا بعد از بر رســـی‌نتیجه را برای تان چاپ نمائیم واز خوا‌نند گان هم تقا ضا میگردد تا بـــرای‌بهبود این صفحه هر نوع مطا لـــب** دلچسپ تهیـــه کرده بـــرای مـــا ارسال‌دارند ماهم به بهترین مطلب ،معما وجدول جایزه مید هیم.



این ستاره کیست ؟

این ستاره زیبا که شهرت جهانی دارد و دریکی از فلمهابنام قدرت آتشی در جزیره کارائیب مشغول فلمبرداری میباشد که ایـن عکس از آن برداشته شد او درین فلم‌نقش یك بیوه زن رابه عهده دارد ومیخواهد کـه انتقام خون شوهرش را از قاتل اوکه یـك ملیاردر فـراری ست بگیرد ودرین فلـــم جیمز کابرن درین راه اورا کمك میکند تـا بتواند بطرز جالبی دشمنش را بدامش بیندازد خوب حالا اگراین ستاره را شناختید اسم اورا برای مارسال دارید .



کدام نوع سپورت ؟

درین جا عده از اشخاص را میبینید کـه نوعـی از بازی ها را اجرا می کنند از شما میخواهیم که تنها اسمای سپورتی را کـه آنها مصروف آن میباشند نام بگیرید .

حل کننده جدول



عبدالوهاب‌نادم حل کننده جدول شماره‌گذشته



نفر پنجمی وجودندارد

روز نا مه نگا ری که بـــرای مصا حبه باسولوا دور دا لـــــی نقا شں معروف معا صر رفته بود ازاو پر سید ؟

به عقیده شما پنـج نقا شـــں بزرگـ عصر حا ضر چه اشخا صں هستند ؟

دا لی بدون معطلی جواب داد.

اول ـ دالی ، دوم ـ دالی ،سوم‌ـدالی ، چهارم ـ دالی .

ـو پچمین ؟

ـمتا سفا نه نفر پنجمی وجـودندارد .

پیاده وسوار

راننده ای که ظاهرابرای رسیدن به مقصد خود عجله زیادی داشت بدون توجه به چراغ سرخ از چارراهی گذشت وچیزی نمانده بود که عابری را زیر بگیرد . آنوقت سرش را از شیشه موتر کشیده وبا عصبانیت به عابر گفت :

ـ شما پیاده ها در وسط جاده راه میروید که اینطور معلوم میشود که مالك جـاده هستید .

عابر ایستاد ونگاهی به راننده وموترش انداخت وگفت :

شما راننده هاهمه طوری رانندگی میکنید که راستی راستی مالك موتر اقساطی تـا ن هستید ؟

پوښتنه

شوونکی د زده کونکی نه پوښتنه وکړ:

احمده پلار دی ژوندی دی ؟

زده کونکی

نه پوهیږم ښوونکی صاحب

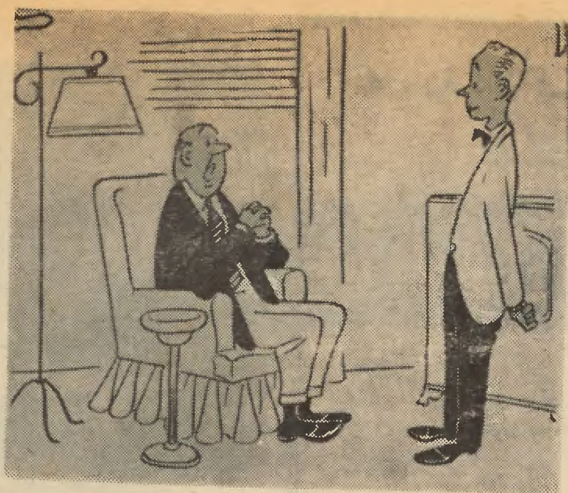
سهار چی ښوونځی ته راتلم مور سره‌می په جنگ اخته و



قراریکه میدانید امروز کسی موسیقی موزارت رانمی شنود!



سرعت، فوق العاده زیاد ومقاومت درمقابل‌دستگاه پولیس ترافیک!



پدر دختر به داماد نو آشنا گفت:

دخترم بمن گفت که‌شمایك چیزفوق الـعاده‌هستید من فکرکردم شما پول فوق‌العاده‌دارید

از بالا به‌پائین :

آمادگی برای سهم گرفتن درمسابقات‌قهرمانی

خیال زن گرفتن

دو نفر از کار گران اداره‌ضمن خوردن جای صحبت میکر دند.

او لی گفت :

تو بالاخره خیال زن گر فتـــن ندا ری ؟

حا لکه سی و پنـج سال ازسنت مگنرد ، **تا کنو ن کسی را جـع به این‌مو ضوع با تو صحبت نکرده است ؟**

ـچطورکسی صحبت نکرده‌است؟

تا حالا بیشں از صد مر تبه ازمن تقاضا کرد ند ازدواج کنم .

ـرا ستی ؟چه اشخا ص چنیـــن تقا ضای کرده اند !

معلوم است که پدرم وما درم.

ناراحتی!

اسمیت با قیافه درهم وگرفته از بالای پل به رود خانه نگاه میکرد ودر فکر بود ...

یکی از دوستانش که ازآنجا عبورمی‌کرد بدیدن او پیش آمد وپرسید :

ـ هی، اسمیت چی‌شده ، بواسطه چی اینقدر ناراحتی !

سمیت آهی کشید وگفت :

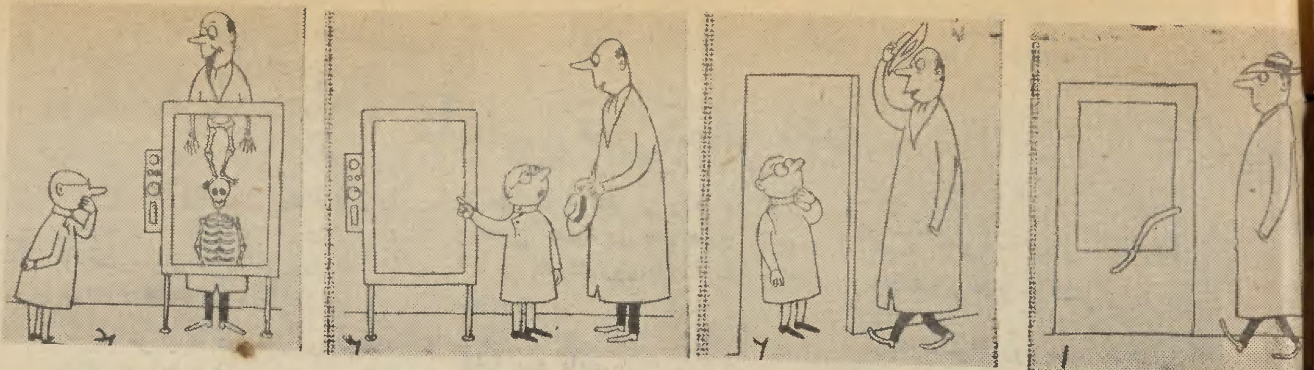
ـ من به‌فکر زن بیچـاره ومرحومم بـودم...

اوموقع شنا دربین همین رودخانه غرق شد.

ـ ولی جانم به‌مجردیکه او مردفورا تـو زن جدیدی گرفتی وازدواج کردی ؟

اسمیت سری تکانداد وگفت :

ـ درست است ولی‌آخراین یکی هیچوقت بفکر شنا کردن دربین رود خانه نمیباشد !!



ازطرف راست به‌چپ   بدون‌شرح

اگر میخوهید آوازخوان‌مودروز شوید



۱ وجود میکروفون ها ولودسپیکر هـای
کس وزیبا وآخرین سیستم .

۲ از صدا کشیدن طبیعی خود بپرهیزید
وجودیکه دارای صدای‌زیبایی‌هم‌باشید•میدانید



صدای مودروز صدای ناهنجار وگوش‌خراش
ست . فقط این نوع صدا هاست که سبـب
نگرانی های روحی وتشوشات عصبی میشود .
میتوانید از صداکشیدن بشکل نـعره ووزوزه
نز استفاده کنید .



۳ هیکل را در فضای ما حول لاقیدانه وازاد حرکت دهید . ژست ها اکت ها وحرکات باید غیر مترقبه صورت گیرد اما نکته عمده اینست که با محتویات شعر مغایرت تام داشته‌باشد. اگر راجع به عشق آواز میخوانید از جست های سریع کار گیرید اگر موضوع‌خوشبختی باشد بطور هماهنگ از قواعد بوکس استفاده کنید .

٤ـ چشم هارا طوری ببندید زیرا تماشاچی فکرمیکند شما در دنیای عشق ورویا هـا ی خود غرق هستید وبه آرزو های ناتمام تـا ن می اندیشید .

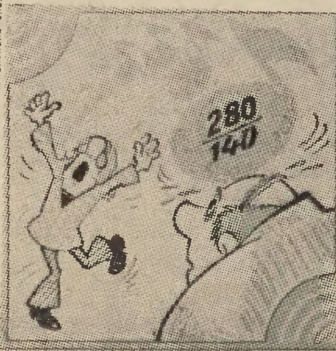


٥ـ همینکه بروی ستیج حاضر شدیدچاره موفقیت خودرا بسنجید . قیافه را بخودبگیرید تماشاچی تصور کند چیز هایی درچانته‌دارید• فضایی را بار آورید که تماشاچیان به کف زدن وادار شوند . ابتکار را خود در دست گیرید .





٦ـ نکته عمده موفقیت پاره کردن پـرده گوش تماشاچی است . وقتیکه بالای جازبند ضربه به فشار (۱۲۰۰) دیسی بل وارد شود تماشاچی بکلی احساس شنوایی را از دست داده وموفقیت محفل ازآن شماست . تماشاچی باید به چشم بهم زدن مجال پیـد ا نکند تاناندیشد چه شنیده است .



۷ـ یکی از نکات این است تاحضار متـن شعر را درك نکنند . مفهوم ضرور نیـست فقط شوك های مسلسل ببینند، اینجاست که حضار به گریان آمده وفشار آنها به (۲۸۰) بر(۱٤۰) میرسد . اینست یگانه راه‌آواز خوانی .

ازدواج

در کافیی‌یی‌دودوست‌باهم صحبت‌میکردند..
یکی از آنها گفت :
ـ آن مرد را که پشت آن میز نشسـتـه میبینی ؟
بلی ...
او سعادت خانوادگی مرابهم زد .
ـ عجب ... بازنت فرار کرد ؟
نی جانم ... باآشپز ما ازدواج کرد وحالا نا چارم غذایی راکه زنم می‌پزد، بخورم !!

هدیه

در دهکده های جنوب ایتالیا رسم است که شاگردان مدرسه گاهگاهی برای معلم‌و مدیر خود هدیه یی میبرند . اما خانو اده «لوچیانو» بااینکه پنج طفل بمدرسه میفرستاد ماهها بود که چیزی برای مدیر مدرسـه نفرستاده بودند. یکروزدختر بزرگ«لوچیانو» نزد مدیر مدرسه رفت وگفت :
ـ پدرم یك بزرابرایتان میفرستد .
یکروز گذشت، دوروز وسه روز ... اما ازبز خبری نشد .
بالاخره مدیر مدرسه دختر راصداکرد وگفت:
ـ پس پدرت بزراکی میفرستد ؟
ـ هیچوقت ... چون‌بزی راکه قرار بودبرایتان بفرستد پریروز حالش خوب شد .

فرق کشتن و مردن

به شخصیکه‌پد رش متمول بود گفتند : آیا میخوا هی که پد رت بمیرد تا میراث را ببری ؟ آن شخص گفت : میخوا هم که اورا بکشند تا طور یکه میراث‌او را میبرم خو نبها یش را هم بگیرم .

بااشتراك در روزنامه‌ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

اطلاعات و کلتور با فرو ریختن مرز تفاوت وجه اشتراك شهر و ده در خدمت بیشتر علاقمندان روزنامه‌ها جراید و مجلات است.

بخاطر اینکه در سال نو کلیه روزنامه ها، جراید و مجلات بتوانند در واژه های تمام مشترکین را صرف نظر از شهری و روستایی یکسان بکوبد، مدیریت عمومی توزیع روزنامه ها و مجلات وجه اشتراك علاقمندان را در کلیه نقاط کشور یکسان میپذیرد.
دستداران روزنامه‌ها، جراید و مجلات:

شما که بر قلل شامخ و پر برف زندگی میکنید ویا در دشت های گسترده و وسیع حیات بسر می برید....

شما که در کابل هستید ویا در دره های پر خم و پیچ میتوانید با پرداخت وجه اشتراك یکسان در جمله مشترکین روزنامه ها، جراید و مجلات ما باشید از داغ ترین رویداد ها، خبر ها، حوادث آگاهی بیابید و ساعت ها سر گرم شوید.

روزنامه حقیقت انقلاب ثور:

اگر خواهان روزنامه حقیقت انقلاب ثور میباشید در هر جای کشور که هستید در بدل دو صد افغانی واگر شاگرد ویا محصل باشید با ارائه تصدیق در بدل یکصدو پنجاه افغانی یکسال بشما روزنامه میفرستیم.

انیس:

اگر انیس میخواهید در هر گوشه میهن که باشید باپرداخت دو صد وبیست افغانی واگر شاگرد ومحصل هستید باپرداخت یکصدو پنجاه وپنج افغانی یکسال روزنامه‌رسان درب منزل شمارا میکوبد.

هیواد:

اگر روزنامه هیواد را بخواهید در هر کنار وطن که هستید دربدل یکصد افغانی واگر شاگرد ومحصل باشید در بدل هفتاو پنج افغانی یکسال روزنامه درخدمت شمااست.

کابل نیو تایمز:

اگر روزنامه کابل نیو تایمز را انتخاب کنید در هر نقطه کشور که باشید با پرداخت یکهزارو ششصد افغانی واگر شاگرد ومحصل هستید با ارائه تصدیق و پرداخت دو صدو پنجاه افغانی یکسال شما مشترك ما هستید.
مجلات وجراید ما نیز حسب زیر یکسال درخدمت شما خواهد بود.

مجله ژوندون:

سالانه پنجصد افغانی برای متعلمین ومحصلین با ارائه تصدیق چهار صد افغانی.

کمکیانو انیس:

سالانه یکصدو بیست وپنج افغانی.
مجلات پکتیا، کندهار، ننگرهار، بلخ، کهول، آواز، فرهنگ خلق، هنر، کتاب، کوشانی وجراید یولدوز، گوراش وسوب درداخل کشور سالانه شصت افغانی برای متعلمین ومحصلین با ارائه تصدیق چهل و پنج افغانی.

مجله آریانا بزبان انگلیسی:

سالانه یکصدو شصت افغانی برای متعلمین ومحصلین با ارائه تصدیق یکصدو سی افغانی.
شمامیتوانید در مرکز همه روزه از اول تا اخیر حوت بمدیریت عمومی توزیع روز نامه هاو مجلات در جوار عمارت مطابع دولتی، انصاری وات مراجعه واشتراك نمایید ویا وجه اشتراك تا نراز مرکز وولایات به حساب (۶۰۰۱) واردات دولت تحویل و آویز آنرا مستقیماً عنوانی مدیریت عمومی توزیع روزنامه هاو مجلات انصاری وات کابل بفرستید.

شرح اشتراك روز نامه ها: ومجله درخارج کشور:

وجه اشتراك روز نامه حقیقت انقلاب ثور، انیس، هیواد وکابل نیوتایمز در خارج کشور، هوایی صد دالر وزمینی سی دالر.
برای محصلین، هوایی هفتاوپنج دالر زمینی بیست‌و سه دالر.
وجه اشتراك مجله ژوندون در خارج کشور هوایی صددالر، زمینی سی دالر برای محصلین، هوایی هفتا وپنج دالر. زمینی بیست‌و سه دالروجه اشتراك مجله کمکیا نوانیس درخارج کشور، هوایی پنجاه‌دالر، زمینی بیست وپنج دالر.
وجه اشتراك مجلات پکتیا، کندهار، ننگرهار، بلخ، کهول، آواز، فرهنگ خلق، هنر، کتاب، کوشانی و جراید یولدوز، گوراش وسوب درخارج کشور هوایی پانزده دالر، زمینی پنج دالر، برای محصلین، هوایی دوازده دالر وزمینی چهار دالر.

وجه اشتراك مجله آریانا درخارج کشور، هوایی دوازده دالر، زمینی پنج‌دالر برای محصلین، هوایی نه دالر زمینی چهار دالر.

مدیریت عمومی توزیع روزنامه هاومجلات از آغاز سال نو با وسایل بیشتر وجدی‌تر درخدمت علاقمندان روزنامه هاو مجلات است تا آخرین اطلاعات روز وداغ ترین حوادث روز رابشما برسانند ومجلات وجراید محبوب خانواده ها را در موقعش برای آگاهی وسر گرمی تان تقدیم کند.

وقت گرانبها ست، از زود ترین فرصت استفاده نمایید تا کلکسیون تان از آغاز مرتب باشد. زیرا باختم سال جاری میعاد اشتراك پایان مییابد.

مرجع اشتراك:

مدیریت عمومی توزیع روزنامه‌ها ومجلات.



دختران خردسال مصروف تمرین هنربالت‌اند

بقیه صفحه ۲٤

سراغ هنر بالت...

با لت از مردم روسیهٔ شوروی فارغ‌التحصیل هنر ستا ن مو سیقی ومدیر مجلهٔ هنر ی «جهان هنر» بر علاوه بالتهای متذکره، بالت «شهر زاد »، استراو ینسکی را نیزدابرکت کرده است . یکی دیگراز بالتهای او«بوسه پر یان»نام دارد .

«دا فنیس وکروئه »، بالت«راول»آهنگساز فرا نسوی .

«سیلو یا»و« کو بلیا »، بالت «دلیب» آهنگساز فرانسوی .

«دریا چهٔ قو»، «دختر زیبا خفته »و«فندق‌شکن» ،بالت «چایکو فسکی » موسیقدا ن معروف روسی .

«کلاه سه گو ش »و «عشق دخترجادوگر» ،بالت «دفایا» موزیکا نت هسپا نوی .

«عصر طلایی »، بالت «دیمتری شوستاکویچ »آهنگساز روسی که سنفو نی شماره یك اپوس ۱۰، سنفو نی شماره پنجم‌اپوس ٤۷، سنفونی شماره هفت (لیننگراد) واوپرای لیدی ما کبث از ناحیه متز نسك او نیـــز شهرت دارد .

«ضیا فت عنکبوت »، بالت «روســـل» موسقیدان رو مانتیـــك وامپرسیو نیســـت فرانسوی .

«عصر فولاد »،بالت «پرو کفیف»آهنگساز رو سی .باید متذکر شد که «سر گـــی‌پرو کفیف »سنفو نیهای ارزنده و مشهو ری دارد . مانند :سنفو نی های کلا سیك«دزرما زور اپوس ۲۵» و«سو یت سمیت». مو سیقی فلم «ستوان کیجه »، او پرای «سه نا رنج محبوب »وسنفو نی کودکانه «پترو گر گ» وغیره . درین میان از خاطر نباید بدور برد که «الکسندر کنستا نتینو یچ گلازونـــف» مو سیقدان مشهور شوروی نیز با لتها ی گو نا گونی تصنیف کرده است .

«آفر ینش جهان »و «کارنیوال ایکس» با لتهای «در یـــوس میلهود »آهنگسا ز فرانسوی .

برخی از بالرین های نامدار :

به اصطلاح هنر بالت ، هنر وران ایـــن سرگرمی‌سرورانگیز رابنام«بالرین»یا«بالت‌گرلز» یعنی (دختران بالت) و (دختران رقصند ه)هم یادمیکنند)وبالت روی یـــخ‌نیزعبارت‌ازهنر نما یی روی یخ مصنو عی است که توسط یکنفر مرد جوان ویك زن هنر مند با لتو گا هی هم بو سیله یکی از آنان اجراشده میتواند والبته موضوع هنرنمایی یانمایشخانه آن ازخود ساختمان وتعمیرات اختصاصی‌دارد که‌از نگاه مشخصات خویش بسیار جالب وپر زیب وفرمی‌باشد. بنابران درجهان این هنـــر خیال انگیز ، هنر مندان زیادی گذشته اند و هنر مندا ن متعددی هم وجود دارند کـــه صحنها ی «بالت »را با نقشهای پذیرنـــدهٔ هنری شان همیشه رنگین وفر یبا میساز ند.

معرو فترین هنر مندان دنیا ی با لت که چهره های در خشان شان درفهر ست‌ممتازان قرار داده شده ، فشرده سان چنین معر فی گر دیده اند که درین قسمت تنها طورموجز وتاریخ وار، ازبرخی آنان یاد آوری میشود:

پتی پاژوزف لو سین ، (۱۸۱۵ـ ۱۸۹۸م): رقا ص فرانسوی اهل ما رسی که بعد ادر ور سای جان سپرد وپدرش در برو کسل (بلجیم)معلم‌بالت بوده و خودش در هنربالت فرا ست و مهارت زیادی داشت .

آر تور میشل سنت لئون ،(۱۸۲۱ـ۱۸۷۰) رقاص ومعلم رقص از مردم فرانسه که‌پدرش نیز معلم بالت تیاتر بودو درپا ریس متولد شد وهمه درآنجا جان داد ومیراث هنـــر یش بیاد گار ماند .

برئوبرا جـانسکا او لـگا، (۱۸۷۰ـ۱۹٦۲) رقا صهٔ روسی که در سال ۱۸۸۹ از مدرسه شاهی آنز مان محیطش فارغ گر دیده ودر تمام رو لهای کلاسیك مربوط به گروه‌بالت «مار یوس پتی پا» رقصید .

فو کین میشل ، (۱۸۸۰ـ ۱۹٤۲):رقاص ومعلم رقص از مردم روسیه که وقتی‌بمدرسه بالت تیاتر پادشاهی زمانش وارد شد ۹ ساله بوده و بسا ل ۱۸۹۸ میلا دی در هما نجـــا استخدام شد و بز ودی به استادی مدرسه بالت آنجا منصوب گردید. فو کین ازنوابغ رقص بالت محسو ب گردیده و یاد گارهای معنوی هنر اند ودی از او بیاد گار ما نده است .

رو بنشتین ایدا ، (۱۸۸۰ ـ۱۹٦۰):رقاصه روسی که در سن پطرز بورگ وقت، بدنیا آمد و درونس چشم از جهان پوشید .

سر گیونا اولانووا، (متولد ۱۹۱۰):ستاره رقص بالت در بلشو تیاتر (تیا تر بزرگ) مسکو است .

یولی الگا روف ، (متولد ۱۹۱۸) تـــاصهٔ روســـی بوده ودرسال ۱۹۵۳) ســـتاره اول‌اوپرا شد .

مو صو فه در پرو گرا مهای با لـــت «رو میوژولیت »اثر شکسپیر نقش اول را بازی نموده ومدتی هم در بالت «مونته‌لیـــز» ومونت کارلو » مصروفیت و سهم هنـــر آفر ینی داشته است .

مارژوری تا شیف . (متولد ۱۹۲۷):رقاصه امریکایی که نژادش از مردم هند بو ده‌و نقشها ی تازهٔ را دربالت ایجاد کرده‌است

اریك بلتون اورسن برو هن ،(متو لـــد ۱۹۲۸) :رقا ص دنما رکی‌که کا رش رااز با له رویال سو یدن آغاز کرده و ســـر انجام از شهرت فرا وانی بر خور دا رشد.

ادری هیپو رن، (متو لد۱۹۳۰):دربروکسل پر ورده شد ودورهٔ بالت‌را در انگلستا ن گذرا یند ، سپس استعدادش در رشتهٔ‌بالت وهنر سینما طوری تبارز کرد که بعدا یکی از ستا رگا ن معروف سینما یی و برندهٔ جا یزهٔ ارزشمند «او سکار »شد .

الیزابت تایلر ، (متولـــد ۱۹۳۲): پـــس‌از ختم تحصیلا تش در لندن با مرو نظریه‌والدین خود در هنر بالت آموزش گرفت وپسا نها که همراه پدر هنر مند ومادر هنر پیشـــهٔ خود به امریکا رفت ، بدعوت و خو اهش کمپنی معروف فلمبر داری «مترو گلدن‌مایر» درچـــند فلـــم بر ارزنـــده ، ما هرانه‌بازی کرد و هنر پیشهٔ معرو فی ببار آمد .

ژوزف آمیل (متـو لـد ۱۹۳۳ ر قـا صهٔ فرا نسوی که در سا ل ۱۹۵۲ به استخدام ومحیط او پرا درآمـد و بسال ۱۹۵۸ ستارهٔ رقص شنا خته شد .

ژان پی یر بو نفو س، (۱۹٤۳): نخستین رقصندهٔ او پرای پاریس (فر انسه) است که در سا ل ۱۹٦۵ بعنوان ستاره دیگری از رقص معروف شد .

تا اینجا بصورت کلی ، نمود دار هایـــی از منا هیم بالت گزارش یافت ویك نظـــر عمومی بر جهات متقد م وتعا رفی آن‌افکنده شد وضمنا «چند بالت معروف»و«برخی‌بالرین های نا مدار » جهان معر فی گردید کـــه بتداوم مطالب ارائه شده در بخش‌دیگـــر پیرامون هنر بالت اتحاد شوروی بحـــث نمونه ومسائلی از بسط وگسترش آن که در حقیقت رو شنگر مفاهیم صر یحتر موضوع و متمم مبحث مطلو ب ماست ، نکا تـــی تقد یم خواهد شد که خالی از دلچسپـــی نمیبا شد .



درتابستان ۱٦۷۸ بابرگزاری نهمین مسابقـــه بین‌المللی رقاصان جوان بالت درشهر وارنای بلغاریه یکی از شاملان مسابقه موسوم‌بـــه «رئیسا خیلکو»هنر پیشه‌تیاتر اوپراوبالـــت شفچنکو واقع کیف‌مرکز اوکراین که‌دربالت‌گیزل برنده مدال طـــلاشد

بقیه صفحه ۲۸

یکنوع سپورت

اعضای خا نوا ده‌همیشه‌به‌سپورتهای راحت کننده وفر حت بخشس تر جیح مید هند . طبق تجا رب گذ شتـــه جوا نان وکود کان به ور زشهای امتحا نی ورقا بتی عـــلا قه‌ودلچسپی فرا وان دارند در حا لیکه بیشس از هفتاد فیصد خا نوا ده های متا هل وبزر گسا لان بهر دو نوع سپو رت آزاد وور زشهای دا خل فیسس علاقه نشان مید هند . در بسیا ری از کشور های جهان مصا رف گزا ف کلپ های سپور تی از طرف دو لت پرداخته میشود که در اینصـــو رت وا لد ین‌واطفال ضرو رت ندا رنددر بدل استفا ده از فعا لیتهای ورزشی درجمنا زیوم‌ها وکپلهای ور ز شـــی فیسس واجرت بپر دا زند . وقتی از پدران وما دران دو خا نواده در مورد اینکه از دو نوع ور زشـــ آزاد و رقابتی کدام یك را دوست دارنـــد پر سشس بعمل آمد در پا ســـخ‌اظهار داشتند که ایشان با هر دو نوع سپو رت عـــلا قمند هستند . یکی‌از عللیکه چرا جوا نان در اثنای دوره تحصیل وآمو زشس به انواع‌واقسام مسا بقات ورزشی تما یل دا رنـــد اینست که انجـــام همچـــو مسا بقات دربلند بردن سطـــح استعدادوتکامل قوای روحی‌وفکری جوا نان‌رول‌مهمی رابازی مینما ید .دو تن از جوانانیکه در یکی از کلپهای سپور تــــــی عضویت داشتند در برا بر سوا لی اظهار داشتند : ما بیشس از همه بـــه شطرنج وکر مبورد علا قمند هستیم وبعد از آن به ور زشس آببا زی .

بقیه صفحه ۲۹

احتیاجات غذای اطفال...

۱ـ غذای متمم به سویه محیطی تهیه شده باشد .

۲ـقیمت آن ارزان باشد .

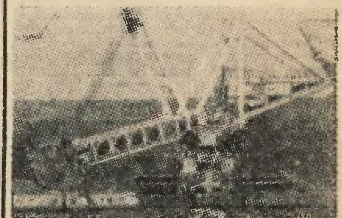
۳ـ مزه آن خوب باشد و مقداران مناسب باشد .

٤ـ طریق پختن آن بسیار ساده باشد .

۵ـغذای تهیه شده مقدار کافی پروتین و کالوری داشته باشد تااحتیاجات طفل راتکافو نماید .

زمینه های رنگارنگ جهان

ترجمه ع ، س



نیرومندترین شاول در جهان

نیرو مندترین شاول که نظر به تمام‌خواص خود از دیگران برتری های خاص دارد شاول روتری است که توسط علمای اتحاد شوروی ساخته شده ودر یك ساعت پنج هزار تن سنگ ذغال استخراج مینماید .

این‌شاول که‌بنام (ا، ر ، ش، ر ، د ۵۰۰) یاد میشود طبقه زغال را تا ارتفاع سی متر استخراج مینماید ودارای ساختمان مخصوصی میباشد که به کمك آن قطار هارا پر مینماید . قطار ها از دو جانب به شاول نزدیك شده ویك واگون رادر ظرف نیم دقیقه پرمیکند . وزن شاول مذکور به (۴۹۰۰)تن ووزن ساختمان بار کننده آن به (۹۸۰) تن میرسد .

تونل های یخچالی برای کاهش مشکلات ترافیکی

انجنیران وتکنیشن های د ر فرانکفورت تلاش نموده اند که راه های زیر زمینی را کاملا در عمق دریاها وابحار بکشانند چون در آنجا درجه برودت وسردی، منفی چهل درجه سانتی گرید بوده واین امررا کاملا ساده وسهل جلوه داده است .

امروز باشندگان شهر فرانکفورت که در قسمت شمالی دریای راین امرار حیات‌مینمایند ازراه های زیرزمینی که از عمق دریامیگذرد بواسطه قطار آهن عبورومرور می نمایند در حالیکه باشندگان قسمت جنوبی دریا هنوزهم دچار مشکلات بوده از طریق قایق هابه‌سوی دیگر عبور می نمایند . چون کناره های‌دریا چنان مورد حمله‌آب خیزی قرار دارد که امکان ساختمان پل را کاملا غیر ممکن ساخته بنابرین دانشمندان در صدد آن برآمدند که چگونه میتوانند برین مشکل فایق آیند. بعد از تپ وتلاش های زیادآنها به این نتیجه رسیدند که چون عمق ابحار ودریا ها کاملا منجمد ویخ بسته بوده ودرجه حرارت در آنجا منفی چهل درجه سانتی‌گرید می باشد بنابرین امکان آن وجود دارد که راه های زیرزمینی در آنجا حفر نمایند که بعداز کندن کاری وحفرآن میتوان جدار های سقف وسطح جاده را در درون یخها اسفالت وسمت نمایند .

انجنیران ومتخصصین همچنان عقیده‌دارند که با استفاده از چنین راه های زیر زمینی مشکلات عظیم شهر های پرنفوس نیز تا حد زیادی تقلیل وکاهش می یابد .

متخصصین همچنان از سیستم سردکننده در مورد یخ بستن کارمی گیرند آنها میگویند که تاثیر چنین سیستم از صورت طبیعی‌یخ بستن کمتراست.

اولین تونل یا شاهراه عبور ومرور دردرون یخچال ها بعد از تلاش های زیادی در مدت دوازده ماه وکمتر ازآن حفر گردید.

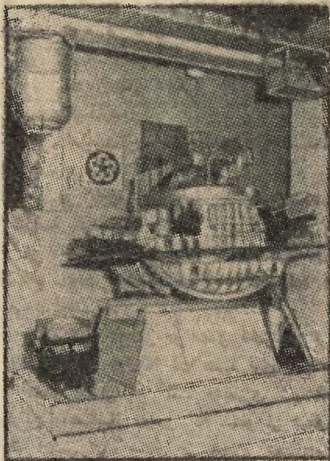
اماتونل دومی را که متخصصین و انجنیران در صدد تکمیل آن بودند بادر نظر داشت تجارب قبلی وآزموده شدن پرسونل و کارگران در پروژه قبلی در مدت کمتر از شش هفته ویابه عبارت دقیق تر در مدت چار هفته کار متواتر انجام داده اند .

ساختمان سریع تونل سازی از سیستم تونل سازی آستریایی اقتباس گردید چنانچه سوم قسمت سطح فوقانی تونل یك متر عمق داشته از زیر حفر گردید به مجردیکه مواد اضافی کنده شده بدور گردید سقف آن را بامواد آهنی وسیمی حلقه زده وبه ضخامت بیست سانتی متر مواد کانکریتی زود خشك شونده بکار بردند اما قسمت های باقیمانده تونل باعین طریق انجام یافت .

دانشمندان ومتخصصین میدان سازی وراه سازی عقیده دارند که چنین روش دو فایده دارد یکی اینکه به اسرع وقت کار آن‌تکمیل میگردد واز طرف دیگربی نهایت اقتصادی و کم مصرف است . همچنان علاوه برآن لین‌دوانی قسمت های درون تونل باکمك صخره هاومواد سنگی که در اثر کندن کاری‌نمایان میشود بزودی امکان پذیر میباشد .

این همه نوآوری وترقیات اجتماعی که در جهان رونما میگردد مستلزم زحمات شباروزی خلق ها بوده برای اینکه بتوان دامنه فعالیت دسته جمعی اجتماعی را هرچه وسیعتر و گسترده تر سازیم لازم است که علاوه برآن درراه صلح وآرامی که شرط عمده واساسی پیشرفت ها، ترقیات وتکامل اجتماعی اند مبارزه مداوم وخستگی ناپذیر صورت گیرد زیرادر صورت عدم فضای صلح و آرامش امکان فعالیت وترقیات اجتماعی کمتر امکان پذیربوده تلفات وضایعات بزرگ درجامعه بشری رونما میگردد .

دانشمندان ومتخصصین در مورد اظهار عقیده می نمایند که باید برای نیل بسوی جامعه شگوفانی، عدالت برابری وترقی‌اجتماعی نیروهای صلح دوست ومبارز گردهم آمده علیه دشمنان بشریت مبارزه بی امان شان را تاآخرین لحظه یعنی محو ونابودی شان ادامه دهند تاباشد در سراسر جهان فضای صلح وهمزیستی را ایجاد نمایند .

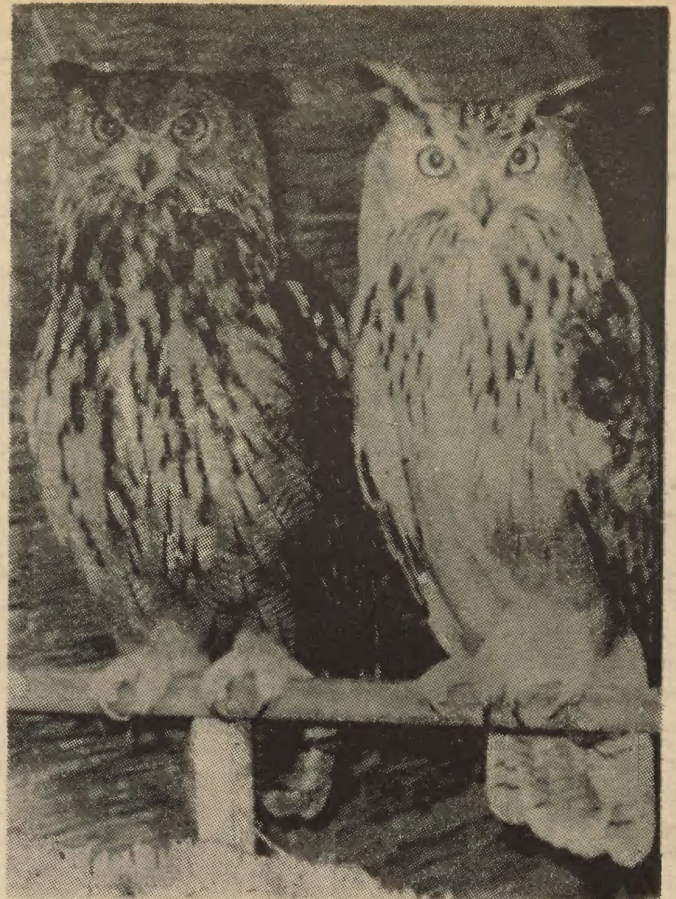


بزرگترین دستگاه ذوب‌فولاد

بزرگترین ذوب کننده فولاد در جهان در این اواخر توسط علمای اتحاد شوروی و جمهوریت دموکراتیك آلمان ساخته شده است . این دستگاه پلازمایی در نوعیت خود بی نظیر بوده وجهت جدیدی را در تکنالوژی فلزات باز مینماید .

این دستگاه پارچه های فلز رابه فولاد باکیفیت عالی مبدل میسازد .

درین دستگاه که حرارت به (۱۵_۱۷) هزار درجه میرسد امکان میدهد تا در ظرف (۹۰) دقیقه (۳۰۰) تن فولاد عالی ویا الیاژ باکیفیت ومقاومت بلند بدست آید . این دستگاه در یك سال قریب (۶۰) هزار تن فولاد عالی بدست میدهد .



نسل بوم درحال‌از بین رفتن‌است

احصائیه‌گیری دقیق ازپرندگان

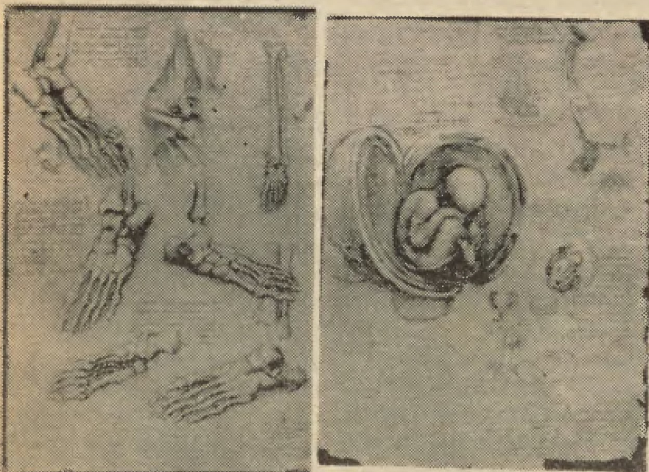
آنا نیکه‌با پرو ر شس ونگهدا شت انواع‌واقسام پر ند گان سرو کـار دارند در هرا سی اند تا مبـــا دا در اثر وقوع حوادث جوی وسهل‌ـ انگا ری شکار چیان نسل‌بر خی از پرند گان مانند (بوم) و امثال آن معدوم واز بین برود .

بمنظور ار زیا بی بهتر ایـــــن مو ضوع اخیرا يك سلسله تحقیقات علمی پیرا مون مها جرت پر ند گان‌و وفیات آنها از طر یق وقوع حوا دث طبیعی وهم چنان شکار شدن تحت نظرعده از دانشمندان وپرنده شناـ سان در آلمان فدرال شروع گرد یده است. بر طبـق این گزار شات‌باشه (باز) وبوم از زمره آن دو نوع پرـ **ندگان نایاب قلمداد شده اند کـه** بزر گتر ین رقم شکار را در ارو پای مر کزی نشان داده ونسل آنهـا سال بسال در حال محو گرد یـــدن است .عـلاقمندان این دو نـــوع پر ند گان از مد تهای متما دی بـــه اینطرف در تلا شس اند تا احصا ئیه گیری دقیقی را در مورد ایـــــن پر ند گان بعمل آورده عوا مل معدوم شدن نسل آنها را بصو رت علمـی ار زیا بی نما یند . طور یکه درتازه تر ین راپ ور احصا ئیه گیری پرندـ گان تذ کار رفته در حال حا ضراز جمله یکصدو سی جفت پر ند گان شکا ری که در حدود هشتاد سال در ارو پای مر کزی‌زیست مینمودصرف بیست‌و چهار جفت آن با قیما نده است .

برای اینکه نسل‌این‌نوع پرندگان دوباره احیا گرد یده با شد ازچند سال به اینطرف فعالیتهای پیگیری در موردتکثر نسل آن بعمل آمـــده است . دا نشمندان وعـلا قمندانیکه با تکثر وپرو ر شس پر ند گـــان سرو کار دارند ودر تمام فصول‌سال جفت های نسل (باز) وبوم را در آشیا نه ها تحت مرا قبت قـــرار مید هند . چنا نکه در را پور تذ کار رفته از شروع سال جاری تـــــا اکنون از تخمها وبیضه ها ئیکه‌جهت نسل گیری وآشیا نه های‌مرا کـز زو لوژکی ارو پا گذاشته شده بود بتعداد یکصد جفت آماده پـــر واز گرد یده وبیشس از هشتاد جفــت دیگر آن در آینده قر ین آما ده پر واز خوا هند شد . یکی از عوامل بزر گی که با عث معدوم گشتن نسل پر ند گان میشود سر از یر شدن سیـلاب ها ووزیدن باد های موسمی بوده است . طبـق را پور یکه در زمینه انتشار یافته در طول ســال گذشته از هر چهار جفت پر نـــدـ گانیکه‌برای تکثر واحیای نسل بـه آشیا نه های معینه گـذا شته شده بود صرف يك جفت آن جان بـــه سـلا مت برده است .

ازدیادآثارهنری‌مربوط به‌اناتومی انسان

آثار رسامی ونقاشی از ازمنه قدیم توجـه هنر مندان راب خود معطوف داشته است واما تحول بزرگی که بصورت یـك جهش هنری در ساحات مختلف عرض اندام نموده است در ساحات طب واناتومی انسان توجه دکتوران و دانشمندان را بخود معطوف کرده است ، يك تن ازرسامان معروف وچیره دست ایتا لـوی اخیراً دست به‌ابتکار جدیدی زده وآن عبارت از تهیه اثار هنری که مراحل مختلف یـك کودك را از هنگام القاح الی ولادت بصورت مصور درچوکات هنرهای معاصر تمثیــل و باز گو می‌کند . اثار این هنر مند و رسام چیره دست چندی‌قبل دریکی ازسالون ها ی فرهنگی شهر هامبورگ به نمایش گذاشته شد . بیشی از هفتاد هزار نفر از آن دیدن کرد .این رسام‌وارتیست که«لیوناردو ولیسی» نام دارد تاحال اثار خویشی را که مربوط به اناتومی انسان میباشد در بیش از سی مرکز فرهنگی به نمایش گذاشته است . وی‌عقیده دارد که فعالیتهای هنری يك رسام ویا نقاش نبایستی همیشه متوجه هنر های زیبا واثـــار رومانتیك وفانتیزی باشد ، بلکه این وظیفه رسام است تا در خدمت مردم قرار گیرد و بتاسی از این مفکوره رسامان میتوانند درآثار خویش صحنه های مختلف امورطبی، زراعتی روستایی ، فرهنگی ، صنعتی ، تحقیقاتی و امثال آ نرا ترسیم و مجسم سازند. تو قع میرود آثار این‌رسام درآینده قریب در شهر های شرق دور وامریکای لاتین نیز به‌نمایش گذاشته شود .



نموداری ازاناتومی انسان که‌در يك پارچه رسم مجسم ومنعکس گردیده است .



نمونهٔ اسلحه‌یی که دشمنان خلق ما ازخارج‌جهت کشتار مردم مافرستاده بودند وازنزد نوکران مزدور آنها درداخل کشور بدست‌آورده‌شد

بقیه صفحه ۱۰

عده‌ای از اخلال گران...

قرار اطلاعات بدست آمده، شبکه های تخریبی ارتجاع سیاه داخلی به رهنمایی نمایندگان معلوم الحال وفروخته شده به دستگاه های جبار وچپاولگر امپر یا لیستی به اساس پروگرام سازمان جاسوسی سی· آی· ای· و دیگر شبکه ها ی جاسوسی کشور ها ی ا مپر یا لستی وهمکاری نزدیك جنایت پیشگان مصر و اسرائیل ، بازهم مذبوحانه ولجوجانه به‌مقصد چورو چپاول‌وآتش‌افروزی میخواستند عملیاتی را براه بیندازند وبا تولید تشویش هر چه بیشتر فضای شهر کابل‌را مغشوش سازند .

خبر نگارآژانس باختربه ارتباط دستگیری سلاح های ساخت امپر یالیزم امریکا و چین ونمایندگان اجیر ایشان مینویسد که امروز در شهر کابل جریان زندگی هر چه بیشتر بهبود یافته وقوای امنیتی کشور با حوصله مندی وشجاعت در جهت تامین امنیت می کوشند وشهریان کابل نیز داو طلبانه با قوای امنیتی کشور همکاری می‌نمایند·

بقیه صفحه۱۳

ارتش آزادیبخش اتحادشوروی..

صلح وترقی اجتما عی است ، زیرا دو لت سوسیالیستی ما هیتا با جنگ‌وتجاوزو اشغالگری در تضاد و تقابل قراردارد· در جوامع سو سیا لیستی هما نطوریکه دو لت به‌تیپ نوین وغیر استثماری وجود دارد قوا ی مسلح نیز به تیپ نو ین و صلح‌گستر میباشد · ولی ناگفته نماند که ازنظر گاه اید یا لوژی علمی پرولتاریا دو لت و قوا ی مسلح برای همیشه درجا معه با قی نمی ما ند ، یعنی در یك سنتز عا لی جا معه به‌معدومیت میگرایند· از سخنان فو ق مستفا د میگر دد که قوای مسلح جزلاینفك دولت بوده و هما نسا ن‌که با ظهور دولت بمیان آمده است همپای نابودی دو لت واز بین رفتن همه امکا نا ت جنگ و تجاوز امپر یا لیستی که این خود بستگی به‌نابودی قطعی امپر یا لیزم در مقیا س جها ن دا رد نیز از میا ن میرود .

اولین قوا ی مسلح آزادیبخش ، صلح جو وانقلابی بعد از پیروزی انقلاب سو سیالیستی اکتو بر ۱۹۱۷ در سر زمین پهناور شو راها بوجود آمد که با همه اشکال وانوا ع‌سازمان داری ، فیو دالی وبورژوازی در منا فات‌ژرف وهمه جانبه بسر می‌برد· دراتحاد شوروی ارتش آزادیبخش شصت و دو سا ل قبل تاسیس گردیدکه‌طراح و موجدآن رهبر انقلاب اکتو بر بود . در طی همین شصت و دو سا ل ، ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی به نحوی پیگیر ، قهر ما نانه و خستگی نا پذیر علیه انوا ع تجاوزا ت و اشغالگری های قوت های استعماری‌و امپر یالیزم بین المللی پیکار کرده ومیکند

ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی که وارد شصت ودومین سال تاسیس خود میشود همین حالا نه‌اینکه دراتحادشوروی، بلکه درسراسر جهان از طرف خلقها ی جهان وهمه نیروهای ملی ومترقی ، تر قیخواه وصلح‌پسندگیتی از آن استقبال به عمل آمده و شصت‌ودومین سالروز تا سیس آنرا جشن گر فتند ،ارتش آزادیبخش اتحاد شوروی هما نند حزب و دولت اتحاد شوروی دارای خصلت نیرو مند، آزمون شده وواقعاً استوار انتر ناسیونالیستی میبا شد این ارتش در طی شصت و دومین سال خود در برا بر انواع مظا هر فاشیزم، های نظا می وقوای مسلح در جوامع برده **تجاوزات وتحریکات قوای استعمار** وامپر یالیزم جهانی چه درداخل کشور شوروی وچه درخا رجا ز آن ، قهر ما نا نه پیکار کرده وراه ملیون هاانسان افزارمندو زحمتکش را بصوب صلح وسعادت گشود ه‌و هموار کرد ه است .

ارتش آزاد یبخش اتحاد شوروی دردوران جنگ اول ودوم جها نی ، همچنا ن دربرابر تما م تحر یکا ت واشغا لگری های‌امپر یالیزم بین المللی و در راس آن امپر یا لیزم خون آشام‌امریکا و دستیاران جنگ افروز چینی آن چنان مبارزه کرده واز خودچنان شهامت وتهور نشان داده است که در تاریخ جهان نظیر ندارد·

ار تش قهرمان در طی شصت و دو مین سا ل خود یك‌روز ، یك سا عت و یك لحظه هم علیه منافع خلقها ومصالح‌کشورهای جها ن به فکر تجاوز ، مدا خله ، جنگ افروز ی واشغال نبوده ، نیست و نخوا هد بود ، این ارتش قهر ما ن اتحاد شو رو ی است که سوابق طولانی مبارزه را علیه فا شیزم ، کلو نیا لیزم ، نیو کلو نیالیزم وامپر یا لیزم داشته ودارد و بالاخره این ارتش قهر ما ن اتحاد شوروی است که در هر کجا به کمك خلقها ی جها ن می‌شتابد ودرامر خنثی کردن توطئه ها ودسایس ارتجا ع وامپر یالیزم متهو را نه وسا لت بین‌المللی خویش را ایفا میکند زیراارتش اتحاد شوروی تنها دارای خصلت ملی‌نیست بلکه دارای خصلت انتر ناسیو نالیستی‌نیز میبا شد .

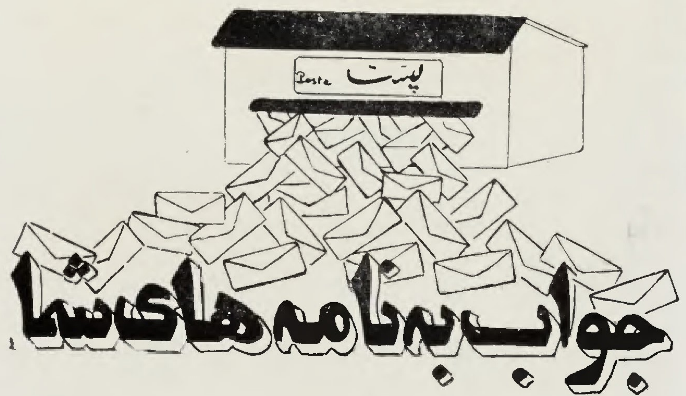
اکنون از شصت ودومین سالروز تاسیس ارتش قهرمان اتحاد شوروی درسر زمین ما وقتی تجلیل به‌عمل می آید که‌انوار شمس انقلاب ثور ،در همه گو شه واکنا ف کشور ما می تا بد و خلق قهر ما ن ، آزاده و سلحشور افغانستان در کار وپیکا رانقلابی سر گر م بود ه که ازیك طرف علیه‌دشمنان دا خلی و خارجی خویش پیکار می نما یند ولی ازجهت دیگر در راه اعمار جا معه دموکراتیك ونوین شان مشغول اند·و شصت و دومین سالروز تا سیس این ارتش در کشور ما وقتی صورت میگیرد که بخشی از قطعا ت کو چك آن جهت خنثی کرد ن تحر یکا ت و تجا وزات بیشر ما نه ومداخله جو یا نه قوای ارتجا ع منطقه وامپر یالیزم بین‌المللی ودر راس امپریالیزم جهانخوار ورو به افول امریکا به کمك خلق متد ین وقهرمان ما شتافته ودوش بدوش ار دو ی رزمنده افغانستان در راه دفا ع از اشغلال، تمامیت ارضی وحاکمیت ملی‌کشورما شجا عا نه پیکار میکند .

اما بنا بر موجودیت این قطعا ت کو چك ارتش رزمنده وقهر ما ن شوروی درافغانستان تمام مر تجعین ، کهنه گرا یا ن،امپریالیست هاو رهبری جنون زده چین همه با یك صدا فریاد بر می آورند که گویا اتحاد شوروی درافغانستان مداخله نظامی کر ده ا ست و تحت نا م به اصطلاح‌مدا خله شو روی‌در افغانستان سرو صدا ها یی عجیبی را براه انداخته و بدین ترتیب می خوا هند در قدم اول بر ما هیت و خصلت وزند گی وتجاوز کارانه شان‌پرده استتار کشیده‌وثانیاً انظار خلقهای جهان را منحرف سازند که بتوانند تحریکات وتجا وزات بیشرم و مداخله گرا نه خویش راکه همین اکنون به کمك محافل ارتجا عی پاکستا ن وازمرز های همین کشور دربرابر وطن ، خلق‌وانقلاب ما صورت میگیرد پرده پو شی نما یند ،اما با ید گفت که نه امپر یالیزم ونه عما ل‌و جوا سیس آن نمیتوا نند که روی جنایات، خیانت ها وحشی گری هاو اعمال‌جنگ افروزانه وضد انسا نی خو یش پرده بکشند وهمچنان به هیچ وجهه قادر نخواهند شد که دیگر به کشور ما جا ی پای برا ی‌شان بیا بند اینجا انقلاب ثور به‌پیروزی رسیده‌و خلقها همه بیدار و آگاه اند ما هیت‌وسیمای دشمنا ن دا خلی و خا رجی شا ن را به‌خوبی می شنا سند .

خلق ماکه همواره با اتحاد شوروی روابط نیك همجواری دارند به خوبی درك کرده‌و میدا نند که اتحاد شوروی تا کنون‌اندکترین گامی هم علیه وطن و منافع شا ن برنداشته و بر نخوا هد داشت . این امپر یا لیزم جهانخوار ودرنده خصال جهانی ، بو یژه امپر یالیزم آمریکا است که علیه منا فع کشور ها ی جها ن عمل میکند چنا نچه تاریخ یك ونیم قرن کشور ما موید آنست که استعمار وامپریالیزم در برابر خلق قهرمان افغانستان از هیچگو نه تجاوز وظلم وتحمیل جنگ هادریغ نکرده‌است·

اینکه آقا ی کارتر ورهبرا ن جنو ن‌زده چین موجودیت قطعات کوچك نظامی اتحاد شوروی رادر کشور ما «مداخله شوروی»(!) عنوان داده است نه تنها بر چسپ‌محض‌و داعیه بی بنیاد است بلکه پشت چنین داعیه‌ها اغرا ض شوم و نیات پلید دشمنا ن دا خلی و خارجی ما مضمر میباشد . اتحاد شو روی هیچگاه در امور داخلی کشور ها مدا خله نمیکند و ارتش آزادیبخش آن تا کنو ن بیاد ندارد که در یك کشور دست تجاوز یا زیده با شد . تاریخ بهترین گواه است که یگا نه نیروی متجا وز ، مدا خله‌گرو ضد انسا نی هما نا امپر یالیزم میبا شد آقای کارتر یك بار سر به‌گریبان ببرد وبیاد آورد که تجاوز کا را ن در ویتنا م‌قهر مان چه کسا نی بودند ، متجاوزین بر کشورهای دیگر هند و چین کیا نند ؟ اسرائیل‌رابحیث گرگ‌درنده جهان عرب کدامین قوت‌ها تبارز داده است وهمین اکنون در افغا نستان از مرز ها ی پا کستان کدامین عنا صر با چه نوع سلاح‌علیه انقلاب خلق ما دست به تحر یك وتجاوز میز ند وبالاخره درامریکای لاتین ، در افریقا ودیگر گوشه‌های‌جهان کدام قو ت ها مشغول تخر یب، تو طئه، جنگ افروز ی وتجاوز میبا شد ، بد یهی است که همه این عملیات را در کشورهای جهان امپر یالیزم بین المللی و در را س امپر یا لیزم امریکا مر تکب شده و هرروز مر تکب میگر دد .

بهر صورت نه اتحاد شوروی ونه قوا ی مسلح آن هیچکدام خصلت تجاوز کا را نه ندارد و به چنین اردوی قهر ما ن،آزادیبخش وصلح دوست هزار شاد باش .



سلام به خوانندگان عزیز

بعد از دعای سلامتی به حق شما می‌آغازیم به جواب نامه های این هفته :

دوست گرانقدر سیدرحیم «رحین»

سلام علیکم ، چطور استید : امیدواریم که خوب باشید. اگر دیرتر به نامهٔ تان‌پاسخ ارایه میکنیم ، دلیلش را کثرت نامه های ارسالی علاقمندان مجله بدانید ...

دوست ارجمند مطلب شما را زیر عنوان «نکات جالب از اعلامیه حقوق بشر» خواندیم، آرزومندیم که‌درهمکاریهای‌آینده وهمینگونه در تحقیق وتتبعی یك مطلب ، از ذکرمآخذ ومنابع ، در پایان نوشتهٔ تحقیقی و علمی ویادر کاوش واقتباس مسایل اجتماعی، خود داری نورزید . زیرا یاد آوری و تذکر منابع ومآخذ نوشته ، به مطلب تحقیقی و اقتباسی شما اعتبار بیشتری می بخشد . در برداشت مطلب ارسالی خویش از کتب مورد استفاده ، دچار اشتباهاتی گردیده اید که ذکرش را خالی از فایدت نمیدانیم وجسته وگریخته اشارهٔ گذرا وشتابزده می نماییم : باید علاوه شود که اعلامیه یی جهانی حقوق بشر شامل یك مقدمه وسی ماده میباشد که بعضی ماده های آن از چند جزء فرعی تشکیل گردیده است ، بصورت مثال مادهٔ یازدهم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشررامیخوانیم:

مادہ ۱۱(۱) هر متهم به بزهکاری بی گناه محسوب خواهد شد تاوقتی که در جریان‌یك دعوای عمومی،که درآن تمام تضمینهای لازم برای دفاع او تامین شده باشد، تقصیر ا و قانونا محرز (احراز شده، گرفته شده) گردد.

(۲) هیچکس برای کردن یا نکردن عملی که در موقع ارتکاب به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی شده است ، محکوم نخواهد شد . همچنین مجازاتی شدید تراز آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می گرفت در بارهٔ کسی اعمال نخواهد شد . »

دوست عزیز ! در مادهٔ دوم چنین نگاشته اید : «کلمات وعبارات این سندفقط دربارهٔ یك فرد بشر صورت حقیقت دارد » وبالاخره ما ندانستیم که این فرد بشر، که منظور اعلامیه‌یی جهانی حقوق بشر است ، کیست ؟ وچرا تنها شامل حال یك‌فرد باشد؟ بهرحال، اگر مواد اعلامیه‌یی جهانی حقوق بشربه «یك فرد بشر» تعلق وبستگی میداشت بیك روپیه نمی ارزید . وهیچکس زمزمهٔ آنرا سر نمی داد وبه هیچش می پنداشت ، امااینگونه نیست . از اعلامیه‌یی جهانی حقوق بشر بامقدمه وسی ماده آن «هرکس میتواند بدون هیچگونه تمایز، مخصوصا از حیث نژاد ،رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌سیاسی یاهر عقیده‌ی دیگر وهمچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، ... بهره مند گردد . »

بانظر داشت مطالب بالا، ازنشر گزیده‌ی «نکات جالب از اعلامیه حقوق بشر» صرف‌نظر می کنیم وانتظار مطالب دیگر شمارامی بریم که خالی از عیب ونقص باشد . اگر جواب مارابه انتقاد خویش خوانده باشید حداقل از پشیمانی نجات می یابید وباما همنوا میشوید، مگرباآنهم بخاطر رعایت نظرشما ، مجلهٔ ژوندون را آدرس زدیم که ببینیم به این آدرس ، چه مطلب میفرستید ..؟ راست میگویید «صرف‌بین ماوخودت‌بود» ولی‌من آنرا به ملای عام انداختم، معذرت میخواهم، خدا حافظ دوست عزیز ..

دوست مهربان ا.س . جنبش !

ماهم سلام میگوییم، کاش که از دوسال به اینطرف همکارما می بودید ومطالب جالب وخواندنی میفرستادید ومجلهٔ خودرا رنگ و روغن بیشتری میزدید .

دوست عزیز ! اطلاع مطالب فرستاده یی تانرا از شماره (٤٧) بگیرید که ذکرش ، باردگر زاید می نماید ...

دونامه ارسالی دیگر تان راکه هردوحاوی حل سوالات صفحه سر گرمیها و مسابقات است به متصدی صفحهٔ سرگرمیها ومسابقات سپردیم که جوابات شمارا، ارزیابی کند و آنگاه نام وفوتوی شما همکار عزیز ما را به نشر رساند، موفق باشید .

دوست ارجمند عزیزه رسولی !

سلام میگوییم . مضمون ارسالی شمازیر نام «محوونابودی کامل بیسوادی وظیفهٔ هر انسان بشردوست است» به اداره رسید و خرسندیم که همکاری قلمی خویش را ادامه میدهید . دریکی از شماره های آینده نوشتهٔ شمارابه نشر میرسانیم . به امید همکاریهای دیگرتان، کامگار باشید .

رفیق عزیزنادر، ازجواهری درملتون !

پارچه شعر ارسالی شما رسید وآنرا سپردیم به متصدی صفحه دوستان که با در نظرداشت نوبت بچاپش اقدام ورزد .

دوست گرامی بشیراحمد ، ازکارته‌پروان!

داستانگونه یی شمارا که بنام «زندگی» نوشته اید ، خواندیم. درداستان شما اصول واسلوب داستان نویسی مراعات نگردیده است وقصه‌یی عشق دو درس خوان مکتب رو به شکل یك گفتگوی روزنامه یی باقی مانده است که باید چنین نمی بود وبایست ازشرح وبیان هنریی برخوردار می بود ... مشوره بی مادراین زمینه‌اینستکه‌کتابهای قصه وداستان، قصه‌نویسان وداستانسرایان بزرگ ادبیات‌را بخوانید وبعدا سری به کتابهای داستان ـ نویسی بزنید. عجالتا در باب همینگونه داستانها، در چند شماره قبل مجله، درصفحه جواب به نامه ها، نکاتی چند گفته ایم که خواندنش بکار شما آید . یك بار به‌خواندن بگیرید ش ... خدا مددگار تان .

دوست عزیز نعمت‌الله نیك بین متعلم صنف دوازدهم لیسهٔ رستاق !

سلام علیکم، نامه پر لطف شمارسید و آرزومندیم که همکاری خودرا با ما ادامه دهید . غم نداشتن استاد را دردل نگیرید و زمانه را استاد برحق وسزاوار خود بگیریدکه بسیار پند میدهد وبسیار می آموزاند .

هرکه ناموخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

دو مطلب ارسالی شمارابه عناوین «زندگی چیست ؟» و «ترانه خلق قهرمان» از نظر گذراندیم وبه خلق ایمان آوردیم که همه چیز است وبه نا باوری افتیدیم که «خلق برگشت ناپذیر است» یعنی چه ؟ این‌چه‌معنی میدهد؟ وچرابه اظهار این مطلب پا بفشاریم که «خلق سنگ است» . مگر این تعریف هاآیا القای درست معنی میکند ؟ از این‌نوع شعار گویی لب بربندید وفقط آثار با ارزش اجتماعی را بخوانید تا معلومات شما بیشتر گردد ووسعت نظر شما عمیقتر .. زمانیکه اززندگی حرف میزنید این چنین نگویید که «زندگی ارباب ورعیتی نیست، زندگی مرگ نیست ، زندگی عشق نیست ...» باری به اجتماع قدم گذارید ، میان مردم زندگی کنید، ودردها راپیداکنید وازمردم بیاموزید.. به این ترتیب دیده میشود که این گونه شعار ها بدرد زندگی نمی خورد واین گفتنی ها شمارا شاعر نمی سازد. به انتظارنامه های دیگرتان .

دوست گرانقدر عبدالحی غروب !

بپذیرید سلام مارانیز . خیلی خرسندیم که همکاری را با مجله ژوندون آغازیده اید. یکی از آرزو های ما آنستکه علاقمندان‌مجله آنچه میخواهند به مراددل ومقصد برسند .

اگر مادرین مامول موفق بوده باشیم دست کم نیم‌کار را انجام داده ایم . دوست عزیز جدول متقاطع شمارا مرور کردیم وجهت ارزیابی برای نشر در مجله ، آنرابه‌متصدی صفحه سر گرمیها و مسابقات سپردیم که از نظر بگذراند وهرچه زودتر در نشرش بکوشد وشمارا از مایوسی نجات بدهد . به آرزوی همکاری تان .

دوست مهربان یارپور !

«تمثیلی ازیك انسان فریب خورده» را دقیقانه مطالعه کردیم واین چند نکته راعلاوه میکنیم که در نگارش داستان وبکار بردن کلمات داستانی، دست درازی داریدکه بسیار میتوانید از این توانایی استفاده برید و به داستان رنگ هنری بزنید . چیزیکه مورد خرده گیری وانتقاداست متن وسبك نگارش داستان است که درست انتخاب نگردیده است . داستان از مقطع گنگ زندگی یك شخص غیر نمونه وتیپك شروع میشود و بدون منطق داستانی ، داستان پرورش می‌یابد وقهرمانان داستان از آغاز تا انجام قصه غیر مشخص اند وخواننده با آنها آشنایی ودرد دلی پیدا نمیکند وحتی روشن نیست که خواننده از کدام پرسوناژ حمایت ودفاع‌کند وعلیه کدام ضدقهرمان برخیزد ودشمنی‌ورزد. درداستان شما اصلا پیامی وجود ندارد که به خواننده پیشکش شود ویا خواننده خود از متن قصه بیرون بیاورد .. داستان شمابیشتر به یك حکایت وروایت میماند منتهی با این تفاوت که پرسوناژ قصه‌ی شمابی پدر وبی ـ مادر اند، نه زمانی داردنه مکانی .. وبالاخره نه روابط وضوابطی . در داستان شما مردی مرمی را بخوابگاهٔ مرمی می خواباند تامردی رانقش زمین کندو ... ولی خواننده ازاینکار کوچکترین آگاهی نمی برد که چرا او را میکشد وبرای چه به جنگش می شتابد ... وازاین گفته ها بسیار .



مدیر مسوؤل : بشیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری وات، مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲٦۸٤۹

دولتی مطبعه

